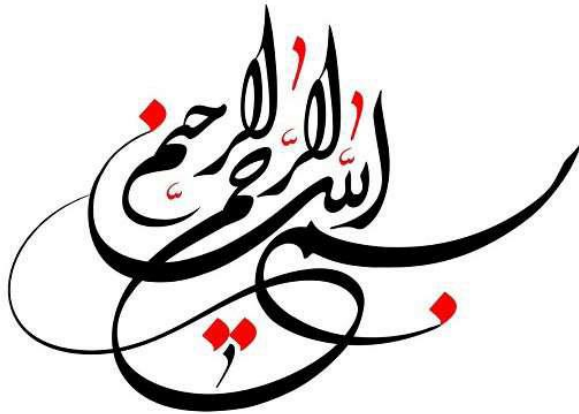






پوهنتون جوزجان
معاونیت تحقیقات و مجله علمی
آمریت مجله علمی (ژورنال)

مجله علمی-تحقیقی
جوزجان
علمی-خبرنیزه مجله

دوره ۱۷، شماره ۲ (مسلسل ۴۵)، خزان و زمستان ۱۴۰۳

حوزه فعالیت
علوم اجتماعی

مجله علم - تحقیق و پژوهش

دوره ۱۷، شماره ۲ (مسلسل ۴۵)، خزان و زمستان ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: پوهنتون جوزجان

مدیر مسئول: پوهنمل عبدالکریم احمدی

سر دبیر: پوهنمل دوکتور محمد دانشگر

اعضای هیأت تحریر

پوهنوال نورالله آلتای

پوهنوال عتیق الله نافع

پوهندوی محمد آرش خلیلی

پوهندوی ابوریحان انتظار

پوهندوی عبدالرحیم فرزاد

پوهندوی جمشید احمدی

پوهنمل محمد میرزایی

پوهنمل عبدالوکیل لیوال

پوهنمل محمد عارف انوری

پوهنمل قدرت الله ایوبی

پوهنیار عبدالولی مختاری

معاون تحقیقات و مجله علمی: پوهندوی دوکتور محمد اکرم حکیم

آمر مجله علمی: پوهنمل محمد علم عدیل

مدیر عمومی مجله: یار محمد فیضی

مدیر تصحیح متون: بسم الله یوسفی

مدیر نشریه مجله علمی: حیت مراد یولداش

دیزاین: آمریت مجله علمی

تعداد صفحات: ۲۲۲

تیراژ: ۱۰۰ جلد

قطع: وزیری

سال تأسیس: ۱۳۸۷

تمدید جواز: ۱۴۰۲

ناشر: پوهنتون جوزجان

محل چاپ: شبرغان

مسئولیت صحت مطالب مقالات با نویسندگان است.

کلیه حقوق چاپ و نشر این اثر برای پوهنتون جوزجان محفوظ است. نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

ایمیل: sj.jawzjanan@gmail.com – sj.jawzjanan@ju.edu.af

وبسایت: <http://jawzjanan.ju.edu.af>

شماره تماس: +۹۳۷۸۱۶۰۰۵۳ / +۹۳۷۶۶۴۱۴۳۴۵

آدرس: جوزجان، شبرغان، پوهنتون جوزجان، آمریت مجله علمی.

راهنمای نویسندگان

رهنمود و فارمت مقاله از وبسایت مجله علمی تحقیقی جوزجانان (<http://jawzjanan.ju.edu.af>) قابل دسترس است.

مقاله طبق رهنمود ترتیب و فایل ورد آن به ایمیل مجله (sj.jawzjanan@gmail.com) یا (sj.jawzjanan@ju.edu.af) ارسال شود.

مقاله ارسالی بعد از بررسی توسط مدیر مسئول، سردبیر، هیأت تحریریه و داوران مربوط؛ تأیید، رد و یا برای اصلاح به نویسنده بازگشت داده می‌شود.

مقاله باید قبلاً و یا هم‌زمان برای هیچ مجله دیگری ارسال نشده باشد و تا زمانی که نتیجه قطعی مقاله در این مجله مشخص شود؛ به مجله دیگری ارسال نشود.

مجله در پذیرش، رد، تلخیص و ویرایش مقاله آزاد بوده و مسئولیت مطالب هر مقاله از هر لحاظ به عهده نویسنده می‌باشد.

حجم مقاله حداکثر بیش از ۷۵۰۰ کلمه نباشد.

مقالات نتیجه کاوش‌ها و تحلیل‌های نویسنده/گان بوده و حایز ایده جدید و اثرگذار در حوزه تخصصی و رشته مربوط باشد.

عناوین بزرگ داخل مقاله با حروف ابجد و زیرمجموعه آنها با عدد تنظیم شود.

ترجمه مقاله علمی منتشره مجله‌های بین‌المللی معتبر با ارائه مجوز از نویسنده و مجله مربوط نیز قابل نشر است.

عنوان مقاله جذاب، روشن، جزئی و کوتاه (حداکثر ۱۴ کلمه) بوده و نباید کلی و فراتر از محتوای مقاله باشد.

عنوان مقاله نباید به صورت جمله خبری، پرسشی یا التزامی باشد؛ بلکه از نظر جمله‌بندی خنثی بوده و نباید عنوان اصلی مقاله عین یکی از عناوین فرعی آن باشد.

نام نویسنده/گان همراه با رتبه علمی و وابستگی سازمانی (مثل دیپارتمنت، پوهنځی، پوهنتون یا اداره‌ای که نویسنده در آن مشغول به کار است)، شهر، کشور، ایمیل، اُرکید نمبر (ORCID ID) و شماره تماس، ذیل عنوان مقاله درج شده و نویسنده مسئول نیز مشخص گردد.

چکیده باید شامل بیان موضوع، هدف و روش تحقیق و مهم‌ترین نتایج بوده و در حد ۱۵۰-۲۰۰ کلمه باشد.

کلمات کلیدی به تعداد ۴-۷ کلمه بوده و با توجه به نقش آن در مقاله انتخاب و با علامت کامه جداسازی شود.

مقدمه در مقاله علمی-مروری در بردارنده بیان مسأله، اهمیت و ضرورت، سوال، ادبیات، روش و اهداف تحقیق و در نهایت سازماندهی مختصر-تحقیق بوده و در حد ۱ الی ۱,۵ صفحه نوشته شود. در تحقیقات میدانی روش و مواد کار و پیشینه تحقیق، در ختم مقدمه با عناوین مستقل بررسی می‌شود؛ درحالی که در مقالات علمی مروری تنها پیشینه تحقیق آن هم نظر به سلیقه نویسنده، می‌تواند تحت یک عنوان مجزا به شکل مفصل‌تری بیان شود.

متن اصلی مقاله شامل داده‌ها و تحلیل‌های نویسنده می‌شود که عناوین مطالب آن به ابتکار نویسنده و با توجه به هدف مقاله طرح می‌شود. مطالب هر عنوان نیز بعد از معرفی نظریات موافق و مخالف و اطلاعات و اسناد مربوط به موضوع، با ابتکار نویسنده به شکل روان نگاشته می‌شود. هر عنوان باید با یک مقدمه شروع و مورد تجزیه و تحلیل و نقد و بررسی جامع قرار گرفته و با یک جمع‌بندی مختصر پایان یابد.

نتیجه‌گیری شامل یافته‌ها (Findings یا Output) و نتایج (Results) تحقیق و حاوی پاسخ به سوال تحقیق و ارزیابی بوده و دستیابی به فرضیه پیشنهادی یا عدم آن و درستی یا نادرستی این فرضیه بیان شود.

گواهی پذیرش (Accept) مقاله بر اساس درخواست نویسنده و پس از اتمام مراحل داوری و تصویب نهایی هیأت تحریریه از طریق آمریت مجله صادر می‌شود.

هر مقاله به صورت دو سوکور یا دو طرف ناشناس (Double blind review) حداقل به وسیله دو داور با تکمیل فورم ارزیابی، مرور می‌شود. اگر هر دو مرورگر مقاله را تأیید نمایند، این مقاله به نوبت در مجله جوازجانان چاپ خواهد شد؛ در صورتی که مقاله از سوی یکی از این داوران رد گردد؛ به داور سومی فرستاده می‌شود. با تأیید داور سوم مقاله به چاپ راجع می‌شود و با رد وی عدم پذیرش مقاله به نویسنده اعلام می‌شود.

ارجاع به منابع به صورت درون‌متنی به روش APA باشد. طوری که:

قرآن کریم

فهرست منابع: بدون در نظر داشت حروف، به عنوان اولین منبع به شکل «القرآن الکریم» نوشته شود.

دورن‌متنی: نام سوره، شماره آیه. مانند (سوره بقره، آیه ۲۷).

حدیث شریف

فهرست منابع: تخلص مؤلف، نام مؤلف. (سال چاپ). عنوان کتاب حدیث به شکل ایتالیک. نام و تخلص ناشر، جلد، محل نشر: انتشارات، نوبت چاپ. مانند: بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسمعیل. (۱۴۲۲ق). الجامع الصحیح. محمد زبیر بن نصر، جلد ۸، بی‌جا: دار طوق النجاء، چ دوم.

دورن‌متنی: (تخلص مؤلف، «نام کتاب حدیث»، نمبرباب (شماره حدیث) مانند: (بخاری، «مناقب»، ۲۴ (۳۴۳۷)).

کتاب

فهرست منابع: تخلص نویسنده، نام نویسنده. (سال). عنوان کتاب به صورت ایتالیک. جلد کتاب. نام و تخلص مترجم، محل نشر: انتشارات، نوبت چاپ و یا نوبت ویرایش. مانند: روزول پالمر، رابرت. (۱۳۸۹). تاریخ جهان نو. جلد دوم. ترجمه‌ی ابوالقاسم طاهری، تهران: انتشارات امیرکبیر، چ هفتم.

دورن‌متنی: (تخلص نویسنده، سال نشر، جلد، ص. شماره صفحه) مانند: (روزول پالمر، ۱۳۸۹، ج ۲، ص. ۱۳۴).

لاتین: از چپ به راست (شماره صفحه p/pp، جلد، سال نشر، تخلص مؤلف (Danishgar, 2023, vol 2, p. 136)).

مقاله مندرج در مجله علمی

فهرست منابع: تخلص، نام. (سال). عنوان مقاله. عنوان مجله ایتالیک، دوره/سال (شماره)، صفحات مقاله در مجله. لینک مقاله از وب سایت مجله مربوط.

مانند: عدیل، محمد علم. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی شورای ولایتی در جمهوری اسلامی افغانستان با شورای اسلامی استان در جمهوری اسلامی ایران. مجله اندیشه‌های حقوق عمومی، ۷(۲)،

۴۳-۶۴. <https://hoghoughi.nashriyat.ir/node/118>

دورن‌متنی: (عدیل، ۱۳۹۷، ص. ۵۴)

درج شناسه منحصر- به فرد DOI یا ROR مقاله در فهرست منابع لازم است (در صورت که مقاله دارای چنین کود منحصر- به فرد باشد). مانند: عدیل، محمد علم؛ عباسی، بیژن (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان در نظام انتخاباتی شوراهای محلی افغانستان و ایران، فصلنامه علمی پژوهش های نوین حقوق اداری، ۶ (۲۰)، ۴۵۱-۴۷۸.

DOI: 10.22034/mral.2024.2009077.1502

مقاله مندرج در کتاب مجموعه مقالات

فهرست منابع: تخلص نویسنده مقاله، نام نویسنده مقاله. (سال). عنوان مقاله. در نام و تخلص نویسنده کتاب، عنوان کتاب به شکل ایتالیک (ص. صفحات مقاله در کتاب). محل نشر: انتشارات. مانند: عباسی، بیژن. (۱۳۹۲). نقش قوه ی مجریه در پیشنهاد قانون و تفویض اختیار قانونگذاری. در سید محمد هاشمی، مجموعه مقالات همایش ملی قوه مجریه در حقوق اساسی ج.۱. ایران (ص. ۱۴۷-۱۵۸). تهران: انتشارات معاونت حقوقی ریاست جمهوری.

درون متنی: (عباسی، ۱۳۹۲، ص. ۱۵۲)

پایان نامه، تیزس و رساله

فهرست منابع: تخلص نویسنده، نام نویسنده. (سال). عنوان پایان نامه / رساله به صورت ایتالیک. پایان نامه / رساله مقطع تحصیلی، به راهنمایی نام و تخلص استاد راهنما، نام پوهنتون، محل تحصیل.

مانند: عدیل، محمد علم. (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی جایگاه شوراهای محلی در نظام حقوقی افغانستان و ایران. تیزس ماستری، به راهنمایی بیژن عباسی، رشته حقوق عمومی، پوهنځی حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون تهران، تهران.

درون متنی: (عدیل، ۱۳۹۸، ص. ۲۱۱)

نظریات نهادهای رسمی

فهرست منابع: نام نهاد. (سال/تاریخ). عنوان نظر یا فیصله نهاد به صورت ایتالیک. شماره نظر رسمی. مانند: کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی. (۱۳۸۹/۹/۲). مشوره حقوقی کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی درباره انتخابات حوزه انتخاباتی ولایت غزنی. شماره ۴.

درون متنی: (نام نهاد، سال/تاریخ). مانند: (کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی، ۱۳۸۹/۹/۲).

منابع اینترنتی

اگر منبع نویسنده داشته باشد

فهرست منابع: تخلص، نام. (سال/تاریخ درج مطلب در سایت). عنوان کامل مطلب به صورت ایتالیک. (آخرین بازدید: تاریخ مشاهده مطالب در سایت)، قابل دسترس در: لینک کپی شده و اینجا گذاشته شود. مانند: دانش، سرور. (۱۳۹۵/۷/۲۵). نظام انتخاباتی و حوزه انتخاباتی در قانون انتخابات افغانستان. (آخرین بازدید: ۱۳۹۸/۶/۶)، قابل دسترس در: www.vpo.gov.af نظام-انتخاباتی-و...

ارجاع درون‌متنی: (تخلص نویسنده، سال/تاریخ درج مطلب در سایت). مانند: (دانش، ۱۳۹۵/۷/۲۵)

اگر منبع موردنظر نویسنده خاصی نداشته باشد

فهرست منابع: نام سایت (سال/تاریخ درج مطلب در سایت). عنوان کامل مطلب. (آخرین بازدید: تاریخ مشاهده مطالب در سایت)، قابل دسترس در: لینک کپی شده و اینجا گذاشته شود. مانند: کمیسیون مستقل انتخابات. (۱۳۹۳/۸/۳). نتایج نهایی انتخابات ۱۳۹۳ شورای ولایتی جوزجان به ترتیب رأی. (آخرین بازدید: ۱۳۹۸/۹/۱۰)، قابل دسترس در: http://www.iec.org.af/results_2014/fa/finalresults/prview/1

درون‌متنی: (نام سایت، سال/تاریخ درج مطالب در سایت). مانند: (کمیسیون مستقل انتخابات، ۱۳۹۳/۸/۳)

منابع زبان‌های ملی و عربی: تخلص نویسنده، سال نشر، جلد، حرف ص. شماره صفحه. مانند: (دانشگر، ۱۴۰۲، ج ۲، ص. ۱۳۶). در مواردی که چنین منابع تا سه نویسنده داشته باشد، تخلص همه نویسندگان ذکر می‌شود؛ ولی اگر تعداد نویسندگان بیش از سه نفر باشد بعد از درج تخلص نویسنده اول از عبارت «و همکاران» استفاده می‌شود. مانند: (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۲۷).

منابع لاتین. این منابع نیز همانند منابع ملی و عربی ارجاع‌دهی می‌شود؛ با این تفاوت که به جای عبارت «و همکاران»، از عبارت «et al» استفاده می‌شود. مانند: (Ahmadipour et al, 2020, P. 27).

نوت: تکرار ارجاع درون‌متنی مثل بار اول ذکر شود و از کاربرد کلمات همان و پیشین یا ibid و op.cit خودداری شود.

فهرست مطالب

۱.....	ظهرالدین محمد بابر رباعیلریده قافیه نینگ اؤرنی.....	پوهنوال جمیله ایثار
۱۳.....	بررسی پدیده جزرومد در ابحار، دریاها و عوامل مؤثر بر آن.....	پوهنوال زهرا رحمانی
۲۹.....	نگاهی به دستاوردهای نظامی و عمرانی ظهرالدین محمد بابر.....	پوهنوال شکریه چقماق
۴۵.....	اؤزبک تیلی نینگ تورکی تیللر آره سیده توتگن اؤرنی.....	پوهنوال نورالله آلتای
۵۹.....	نگرش مختصر بر زندگی و فعالیت های سلطان عبدالحمید خان دوم (۱۸۴۲-۱۹۱۸م).....	پوهنوال حفیظ الله رسولی، پوهنیار سید احمد خالد شریفی
۷۵.....	محمد ولی کمینه و اونونگ ادبی ایشجنگلیگینه بیرغارایش.....	پوهندوی عبدالرحیم فرزاد
۹۱.....	بابا رحیم مشرب غزللریده تصوفی غایه لر.....	پوهنمل ذبیح الله دانشیار
۱۰۳.....	بررسی تأثیرات استخراج معادن آهن بر اقتصاد افغانستان (مطالعه موردی: معدن آهن سیاه دره ولسوالی).....	پوهنمل رامین آرین، پوهنمل احمد کنشکا ظهور
۱۲۳.....	نورمحمد عندالییینگ شعر لرینده استعاره نینگ درنگوی.....	پوهنمل همایون محمودی
۱۳۹.....	Farsça'da Karşılığı Bulunan Türkçe Atasözleri.....	پوهنمل حیرت الله برلاس
۱۵۵.....	بررسی خروج ایالات متحده امریکا از مذاکرات برجام و پیامدهای آن بر روابط ایران و غرب.....	پوهنمل محمد میرزایی، بسم الله احمدی
۱۷۹.....	بررسی نقش و کارکرد استعاره در شعر صادق عصبیان (با تکیه به فراخوان صد غزل).....	پوهنیار عبدالمتین متین
۱۹۵.....	تبیین جامعه شناختی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر افت تحصیلی متعلمین مکاتب دولتی شهر هرات.....	نامزد پوهنیار احمد جواد اصیل

ظهرالدین محمد بابر رباعیلریده قافیه نینگ اؤرنی

جمیله ایثار

پوهنوال، اوزبیک تیلی و ادبیاتی بولیمی، اجتماعی بیلیملر بیلیم اوایی، جوزجان بیلیم یورتی، شبرغان، افغانستان

jamila.eisar@ju.edu.af - <https://orcid.org/0009-0000-8948-7465>

<https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2024.41>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹)

قیسقرتمه

ظهرالدین محمد بابر شعریتیده قافیه نه فقط بدیعی بزهک واسطه سی؛ بلکه شعری مضموننی چوقورلشتیرووچی و آهنگدارلیکنی آشیرووچی مهم عنصرلردن بیریدیر. اونینگ رباعیلریده قافیه نینگ ایشله تیلیشی آهنگ و مضمون اؤرتیه سیده گی اویغونلیکنی تأمینل، شعر نینگ ابستتیک تأثیرچلیگینی آشیره دی. اوشبو مقاله ده بابر رباعیلریده گی قافیه نینگ شعری وظیفه سی، اونینگ معنا تاشیشده گی اؤرنی و بدیعی تأثیری تحلیل قیلینه دی. مقاله نینگ مقصدی اېسه، ظهرالدین محمد بابر نینگ رباعیلریده گی قافیه نینگ اؤرنی و اونینگ شعری صنعتگه قوشگن حصه سیننی اؤرگنیش دیر. تحقیقه بابر رباعیلریده گی قافیه نینگ ایشله تیلیش اصوللری، ابستتیک و حسی مقصدلری تحلیل قیلینه دی. مقاله ده تحلیلی و قیاسی اصوللر ایشله تیلگن. تحلیلی اصولده رباعیلریده گی قافیه تیزی اؤرگنیل، آلیب باریلگن قیاسی میتود اساسیده بابر و نوایی رباعیلری اؤرتیه سیدگی اؤخشه شلیکلر و فرقلر انیقانگن. تحقیقندن انگلشلیشیچه ظهرالدین محمد بابر رباعیلریده قافیه مهم ابستتیک واسطه صفتیده ایشله تیلگن. بابر، قافیه نی نه فقط شکلی واسطه؛ بلکه حساباتی افاده لشدیه ثمره لی اصول صفتیده قولله گن. اونینگ رباعیلریده گی قافیه ایشله تیش اصولی باشقه اؤزبیک کلاسیک شاعرلریدن اجره لیب توره دی، چونکه بابر قافیه نی ایشله تیش ده شعرلر نینگ عمومی ریتمیک توزیلیشی نینگ مستحکملمش نی هم جدي نظرده توته دی. بابر رباعیلریده قافیه موسیقیلیک و آهنگدارلیکنی آشیریب، اونینگ بدیعی قیمتی نی آشیره دی. خلص، بابر رباعیلریده قافیه نه فقط بدیعی واسطه؛ بلکه حسابات آهنگ و موسیقیلیکنی افاده لشدیه هم مهم رؤل اؤینه گن. او قافیه نی شعر نینگ ریتمیک و ابستتیک توزیلیشیننی کوچه تیریش اوچون ایشله تگن.

کلیت سؤزلر: باش قافیه، تجنیس، ترصیع، رباعی، قافیه.

The Rule of Rhyme in Zahiruddin Mohammad Babur's Quatrains

Jamila EISAR

Associate Prof. Department of Uzbek Language and Literature, Faculty of Social Science, Jawzjan
University, Sheberghan, Afghanistan.

jamila.eisar@ju.edu.af - <https://orcid.org/0009-0000-8948-7465>

<https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2024.41>

(Received: 11/12/2024 - Accepted: 17/02/2025)

Abstract

Zahiruddin Muhammad Babur does not use rhyme merely as a rhetorical device in his poetry, but rather, as an essential element for shaping the content and creating musicality. In Babur's quatrains, rhyme plays a significant role in ensuring harmony between melody and meaning, thus enhancing the aesthetic impact of the poem. This article analyzes the poetic function of rhyme in Babur's quatrains, its semantic position, and its rhetorical influence. The aim of the paper is to explore the role of rhyme in Babur's quatrains and its contribution to the poetic craftsmanship. The research examines the principles of rhyme usage, its aesthetic and emotional purposes, and applies analytical and comparative methods. Through the analytical approach. The study investigates the impact of rhyme in the quatrains, and using a comparative method, it identifies similarities and differences between Babur's and Navoi's quatrains. The findings of the research suggest that rhyme in Babur's quatrains functions not only as an aesthetic device but also as a tool for expressing emotions and establishing musical harmony. Babur's approach to rhyme differs from other classical Uzbek poets, as he also focused on strengthening the overall rhythmic structure of the poem when working with rhyme. In conclusion, Babur employed rhyme not only to enhance the rhetorical quality but also as a means of reinforcing the rhythmic and aesthetic distribution of the poem, contributing to its musicality.

Keywords: Concatenation, Head Rhyme, Paronomasia, , Quatrain, Rhyme.

کیریش

قافیه کلاسیک ادبیاتی اوچون اساسی رؤل اؤینه‌یدی. باشقه‌چه قلیب ایتگنده، قافیه بدیعیات نینگ اېنگ اساسی قیرۀ‌لریدن بیرى سنه‌له‌دی. شونینگ اوچون بۆلسه کیره‌ک که، قافیه، اونینگ شعریتده‌گی اهمیتی و وظیفه‌لری هر بیر زمانده ادبیات‌شناس عالمر نینگ دقت و اعتبارینی اؤزیه‌گه قره‌تیب کهلگن، چنان‌چه اېران معاصر ادبیات‌شناسلریدن نېما یوشیج «قافیه‌سیز شعرنی سوکیسز شخصگه اؤخشه‌ته‌دی» (یوشیج، ۱۳۵۱، ص. ۷۰). اؤزبېک ادبیات‌شناس عالمی شیخ احمد طرازی «طبع نینگ نتیجه‌سی شعر دور و شعر نینگ اصلی قافیه و قافیه‌سیز شعر ممکن اېرمس» - دېب قافیه حقیده قطعی فکر یوریتده‌دی (Taroziy, 1996, p. 61). گرچه فطرت «هر قنده‌ی قافیه‌گه سالینگن سؤزلر تیزی می شعر بۆله آلمه‌یدی» - دېسه‌ده، ممتاز شعریت اوچون قافیه اساسی رؤل اؤینه‌گن. مسألۀ‌نینگ ینه بیر تامانی بو که، مذکور فکریده هم قافیه‌نی انکار قیلمه‌یدی؛ بلکه حاضرگی زمان شعریتی طلبیدن کھلیب چقیب قافیه بیلن بیرگه شعر اوچون مضمون تېره‌ن، افاده تصویرلی، خیالچن و حس - توغولر بیلن یؤغیرلیشینی تأکید قیلده‌دی. قافیه لغتده ایزیدن اېرگشماق. بیت آخریده قؤلنیلده‌یگن سؤزلر نینگ بیر خیل بۆلیب کهلگن سؤنگگی قسیمگه قافیه دېله‌دی. قافیه سؤزلری بیتلر آخریده عیناً تکرار ویا معنی داش بۆلیب کھلمسلیگی شرط (ایشانچ و کوھکن، ۱۳۷۴، ص. ۲۳۰). بیراق، بابر رباعیلریده قافیه نینگ قنده‌ی ایشله‌تیلگنی، اونینگ شعری توزیلیش و بدیعی اسلوبگه تأثیری بیتلرچۀ‌ اؤرگنیلمه‌گن. شو نینگ اوچون مذکور مقاله بابر رباعیلریده‌گی قافیه نینگ توتگن اؤرنی و اونینگ بدیعی خصوصیتلرینی تحلیل قیلیشگه بغیشلنه‌دی.

بابر رباعیلریده‌گی قافیه نینگ اؤرنی حقیده تحقیق قیلیشده، قافیه نینگ بابر نینگ شعری اسلوبیده قنده‌ی ایشله‌تیلیشینی و اونینگ بدیعی اسلوبینی توشونیش؛ قافیه نینگ اېستېتیک و حسی مقصدلرنی قنده‌ی عملگه آشیرگینی انیقلش، قافیه نینگ شعری ریتم و قوریلیش اوستیده قنده‌ی تأثیر کۆرسه‌تیشینی اؤرگنیش؛ قافیه یاردمیده بابر نینگ شعری اثرلریده قنده‌ی ایجادي یاندشولر و خلاقیترلرینی انیقلش کبی جهتلرنی آلدیمیزگه مقصد قلیب آلدیک.

بابر رباعیلریده‌گی قافیه رؤلینی تحقیق قیلیش بیر قنچه اساسی سببلرگه کۆره کتۀ اهمیتگه اېگه. قافیه کلاسیک فارس و اؤزبېک شعری نینگ اساسی عنصرلریدن بیرى صفتیده، موسیقیلیک، اویغونلیک و گۆزهللیکنی یره‌تیشده تأثیرلی بۆله‌دی. بابر رباعیلریده‌گی قافیه نینگ رؤلینی اؤرگنیش، اوشبو اثرلرنینگ بدیعی و ادبی توزیلیشینی یخشیراق توشونیشگه یاردم بېرده‌ی و بو عنصر-قنده‌ی قلیب شعر نینگ گۆزهللیگینی یره‌تیشده و اونینگ اؤقووجیگه تأثیر قیلیشیده

مهم رؤل اؤینه‌گیننی کورسه‌ته‌دی. بابر رباعیلریده‌گی قافیه، عیناً، شعرده‌گی فلسفی، اجتماعی و عرفانی غایه‌لرنی کوچه‌یتیریش و تأکیدلشدیه مهم رؤل اؤینه‌یدی. بو ساحه‌ده‌گی تحقیق، قافیه نینگ تورلی معنألرنی کوچه‌یتیریشده‌گی رؤلینی اؤرگنیشگه یاردم بیره‌دی. بابر اؤزی نینگ خصوصی شعریت اسلوبی بیلن تیلگن شاعر و پادشاه‌دیر. اونینگ رباعیلریده‌گی سیاسی، عرفانی و انسانی فکرلر اویغونلشگن. اوشبو موضوعده آلیب باریلگن تحقیق، بابر نینگ شعری اسلوبیده‌گی قافیه نینگ قنده‌ی ایشله‌تیلیشگه و اونینگ شخصی- و مدنی خصوصیتلرنی قنده‌ی عکس ایتیرگنیکه یاردم بیره‌دی. بابر رباعیلریده‌گی قافیه نینگ رؤلینی اؤرگنیش، اونی باشقه کلاسیک فارس شاعرلری نینگ رباعیلریده‌گی قافیه ایشله‌تیلیشی بیلن قیاسلش امکانش بیره‌دی. بو قیاسلش، بابر نینگ اسلوبیده‌گی اؤزینگه خاص خصوصیتلرنی باشقه مشهور رباعی نویس شاعرلر بیلن قنده‌ی فرق قیلیشینی یخشیراق توشونیشگه یاردم بیره‌دی.

مقاله‌ده، قافیه ظهیرالدین محمد بابر رباعیلریده مضمون و حسیاتلرنی باییتیشده قنده‌ی رؤل اؤینه‌یدی؟ بابر قافیه‌نی اؤز شعرلریده شکلی واسطه‌دن تشقیری قنده‌ی قیلیب بدیعی واسطه صفتیده قوللگن؟ قافیه نینگ بابر رباعیلریده‌گی اؤرنی شعرلر نینگ توزیلیشی و موسیقیلیگیده قنده‌ی گؤزهللیک و تأثیرچنلیکنی آشیرگن؟ کبی سواللرگه جواب تاپیشگه حرکت قیلینگن.

بابر حقیقه‌ده دستلبکی معلوماتلر اؤز زمانی و اوندن کینگی دورلرده یازیلگن. بیراق، اونینگ ایجادینی علمی اؤرگنیش و اثرلرنی نشر قیلیش (۲۰عصر) باشلریدن باشلگنی اتیق. شاعر حقیقه ایلک تحقیقاتلر انگلیس شرقشناسی د. راس تامانیدن آلیب باریلگن بؤلسه‌ده، اوندن کینگی علمی نشرلر تورک عالم ف. کوپرولو تامانیدن عملگه آشگن. بابر اثرلری و شعریتی بؤیچه تحقیقاتلر کینچه‌لیک رضا نور و بلال یوجیل و باشقه تورک عالم‌لری تامانیدن دوام ایتیریلدی. اؤزبکستانده پارسا شمسیف، سعیدبیک حسنوف، حسن قدرت‌اللهیف، عزیز قیوموف، اقبال آی ادیزاوه، دلداره هاشموف کبی ادبیات‌شناسلر بابر ایجادینی اؤرگنیشگه کتّه حصه قوشدیلر. افغانستانده اېسه، بابر حقیقه‌ده تحقیقاتلر شفیقه یارقین، احمدعلی کهزاد و عبدالحی حبیبی، خلیل خلیلی، حلیم یارقین، عبدالله کارگر کبی عالم‌لر تامانیدن عملگه آشیریلگن؛ لېکن ذکر بؤلگن عالم‌لرنینگ کؤپچیلیگینی ایشلری فقط‌گینه بابرینگ حیاتی و عمومی صورتده ایجادیاتی حقیقه بؤلیب، بیر آز هم شعریتی حقیقه توختب اوتیلگن بؤلسه‌ده، اونینگ شعریتیده، مخصوصاً رباعیلریده قافیه مسأله‌سی حقیقه دیبرلی توختب اؤتیلگن.

ایش اصولی حقیقه سوزله‌ماقچی بؤلسک، مقاله‌نی یازیشده مخصوصاً بابر و نوایی نینگ شعری دېوانلری اساس قیلیب آلینگن. مو‌ضوعنی تحلیل و تجزیه قیلیشده کتابخانه‌ای اصولدن

ايش آلينگن حالده، توصيفي- تحليلي ميتوددن فايده لنيلگن. شونى هم ايتيش كبرهك كه، ظهيرالدين محمد بابر شعریتده عليشهر نوایی نی اؤزیگه غایانه استاذ دهب بیلگن، اونینگ اثرلریدن تاثیرلینیب بی تکرار و گوزهل شعرلر یره تگن. شونی انابتگه آلگن حالده، شاعر شعرلریده گی مهارت و ینگیلینیش تمایللرینی بیلگیلشده، اثرلرینی نوایی میراثی بیلن قیاساً تلقین ایتیشگه حرکت قیلیندی. شوندى قیلیب، بابر رباعیلریده قافیه نینگ اېستېتىك و سېمېنتىك خصوصیتلری اؤرگنیلدی.

اوشبو تحقیق تۆرت اساسی بۆلیمدن عبارت. بیرینچی بۆلیمده تحقیق نینگ عمومی معلوماتلری، مسأله بیانی، مقصدلر، موضوع اهمیتى، ادبیاتلر شرحی، تحقیق اسلوبی و نظری اساسلر کوریب چقیلگن. ایکینچی بۆلیمده کلاسیک شعریتده گی قافیه نینگ توشونچه سی و توزیلیشی، اونینگ فارس و تورک شعریتده گی اؤرنی و بابر نینگ بو ساحه ده گی اسلوبی تحلیل قیلیندی. اوچینچیدن، بابر نینگ رباعیلریده گی قافیه اؤرنی و اونینگ شعر موسیقیلیلیگی، سؤزلر نینگ اوغونلیگیگه همده شعر یازیشده گی ایجادي اصوللریگه بیغیشلگن. تۆرتینچی بۆلیمده اېسه بابر و نوایی رباعیلریده گی قافیه خصوصیتلری قیاسلینیب، ایکى شاعر نینگ قافیه یره تیش اسلوبلریده گی اؤخشه شلیک و فرقلر تحلیل قیلینیب، نهایت، یکونی خلاصه و کبله جکده گی تحقیقاتلر اوچون پیشنهادلر بېریله دی.

الف) بابر رباعیلری نینگ قافیه لیش مسأله سی

رباعیده قافیه لیش اصولی قطعیشتیریلگن بیر مسأله دیر. یعنی قافیه لیش اصولی ادبیات شناس عالملر تامانیدن ایشلینیب انیق بیر تیزیمگه سالینگن. عصرلر دوامی ۱-ا، ب-۱ اصولی ادبیات شناس عالملر تامانیدن تأکیدلینیب کپلینگن؛ لېکن شونگه قره مه ی رباعی یازگن بویوک شاعرلر تامانیدن ۱-ا، ۱-۱ شکلیده هم کۆپ گینه رباعیلر ایجاد قیلینگن.

ظهيرالدين محمد بابر رباعیلری نینگ کۆپچیلیگینی نینگ اوچ مصرعسی قافیه لی. موضوعگه شو جهتدن یانده شسک، کۆرینه دی که، بابر ۲۱۲ رباعیسیدن ۱۸۱ ته سینى اوچ مصرعسینی قافیه لی قیلیب یازگن؛ لېکن نوایی رباعیلری نینگ اساسی قسمنی اؤز ایچیگه آلگن غرایب الصغر دېوانینی کۆزدن کچیرسک، ۱۳۳ رباعیدن ۹۶ ته سی تۆرت مصرعسی قافیه لنگینی کۆرهمیز. نیمه اوچون بو ایکى ده ا رباعی یازیشده بونده ی بیر- بیریدن فرقلی یؤلردن بارگنلر؟ نوایی نسبتاً تینچ و خاطر جمع محیطده یشه گن. شو نینگ اوچون بۆلسه کبرهك كه، او رباعیلریده مضمون بیلن بیرگه آهنگدارلیککه هم دقت قیله دی. بناءً، رباعیلری نینگ کۆپ قسمنی ترانه قیلیب یازیب، اولرنی تاباره آهنگدارلیگیگه دقت قیله دی؛ لېکن بابر اوچون مضمون باش اؤرینه توره دی. او

قَسی یۆلدن بۆلمه سین، اؤز شعرلری جمله دن رباعیلریده حس - تویغولری، عذاب و اضطرابلری، آرزو آرمانلارینی افاده لب کونگیلینی یینگیلله تماقچی بۆله دی. البته، بو، بابر رباعیلریده آهنگدارلیک تأمینلنمه گن دېگن معناده اېمس؛ بلکه بابر رباعیلریده نوایی دن فرقلی اؤله راق آهنگدارلیک و موسیقیللیک باشقه یؤللر بیلن تأمینلگنی کؤزگه تشلنه دی که، اؤز اؤرنیده بحث بۆلیب اؤته دی.

(ب) بابر رباعیلریده قافیه و مضمون مناسبتی

بابر رباعیلریده کۆپ گینه جایلرده قافیه اساسی معنا افاده لاش اوچون خدمت قیله دی. شاعر فکری نینگ اساسینی قافیه گه یوکلب بیان قیله دی:

هر کیم که وفا قیلسه، وفا تاپقوسیدور هر کیم که جفا قیلسه، جفا تاپقوسیدور
یخششی کیشی کورمه گه یی یامانلیغ هرگز هر کیم که یامان بۆلسه جزا تاپقوسیدور
(بابر، ۱۳۸۷، ص. ۲۵۱).

مذکور رباعینی کؤزدن کېچیرسک، قافیه مضمون بیلن دخلدار اېکنینی کؤره میز و هر بیر قافیه لنووجی مصرعه قافیه بۆلیب کېلگن سؤز انه شو مصرعه بیان بۆلگن فکرنی تۆلدریب اؤشه فکر نینگ حکمیدېک تویوله دی. چنانچه بیرینچی مصرع قافیه سی بۆلگن وفا سؤزی اؤچیریلگنده، وفا قیلگن تقدیرده کیشی قنده ی مکافات تاپه دی دېگن سؤراق اؤرتگه قۇیيله دی. البته، وفا سؤزی شو فکر نینگ حکمی یاکه شو سؤراق جوابی بۆلیب خدمت قیله دی.

یوزینگ بيله لېلرینگ ابرور گُل، مولدېک بلکه یوزینگ آلیده گُل، قولدېک
بابر کیی عشقدين دَم اورمه يدور اېديم ای گُل، مېنی عشقینگ ايله دی بلبلدېک
(بابر، ۱۳۸۷، ص. ۲۶۲).

بابر نینگ یوقاریده گی رباعیسیده هم قۇللنگن قافیه لر بجرگن وظیفه سی حقیده هم ایلگری ایتیلگن فکرلرنی تکرارلشگه تۇغری کېله دی. بو صفتگه موصوف رباعیلر بابر ایجادیده کۆپچیلیکنی تشکیل اېته دی. البته، نوایی نینگ شوندى برکمال صفتگه اېگه رباعیلریدن مثال کېلتیریش بیلن بابر نینگ رباعیلری نوایی رباعیلریدن آذیقنلب کمالگه ییتگن دېگن خلاصه گه باره میز.

هر زلف خَميغه قيلمه وابسته مېنی هر کۆز هوسیدین اېتمه گیل خسته مېنی
هر قاش طمعيغه سالمه پیوسته مېنی یا رب باریسیدین ایله وارسته مېنی
(نوایی، ۱۳۸۵، ص. ۷۰۸).

ج) بابر رباعیلریدہ قافیہ گہ عاید بدیعی صنعتلر

بابر رباعیلری فقط گینہ مضمون جہتیدن اہمس؛ بلکہ بدیعی شکل و اسلوب نقطہ نظردن ہم یوکسک درجہدہ یازیلگن. اونینگ شعریتیدہ قافیہ و تاووش اویغونلیگیگہ اساسلنگن صنعتلر مہم اؤرین توتہدی. بو بدیعی اصوللر شعرگہ موسیقیلیک بخش ایتیب، اونینگ تأثیر کوچینی آشیرہدی. بیز قوییدہ بابر رباعیلریدہ قافیہ گہ اساسلنگن بدیعی صنعتلر نینگ قوللنیشی حقیقہ قیسقہ چہ تۆختہلہمیز.

۱. باش قافیہ نینگ ایشلہ تیلیشی

شعرده یالغیز گینہ قافیہ و ردیفدن تشکیل تاپگن مصرعلر باش قافیہ صنعتی دہب یوریتیلہدی (Husayniy, 1981, p. 21). بو صنعت اہستہتیک کؤرینیش ایجاد قیلیشی بیلن بیرگہ شعر آہنگدارلیگینی یوقاری سطحده تأمینلنیشیگہ سبیچی بۆلہدی.

نوابی و بابر نینگ بو خیل رباعیلریدہ یالغیز رباعی اوچون اساسی طلبلردن بۆلگن مضمون نینگ یوکسکلیگی و پیشیقلیگیگہ گینہ اہمس؛ بلکہ اوندهگی سؤزلر نینگ شکلی و یا تشقی کؤرینیشی، لفظ و یا افادہ اصولی ہم کتابخوان اعتبارینی اؤزیگہ قرہتہدی. مثلاً، نوابی نینگ بو رباعیسیگہ دقت قیلسک:

جانندین سہنی کؤپ سہورمن ای عمر عزیز ساندین سہنی کؤپ سہورمن ای عمر عزیز
هر نپنی کہ سہومہک اندین آرتیق بۆلمس آندین سہنی کؤپ سہورمن ای عمر عزیز
(نوابی، ۱۳۸۵، ص. ۶۹۱).

یوزہکی قرہگندہ، بو رباعی فقط گینہ قافیہ و ردیفدن تشکیل تاپگن و اوچینچی مصرعنی مستثنی قیلگن حالده شاعر رباعی نینگ قافیہلنووچی اوچ مصرعسیدہ قافیہ وظیفہسیدہ کہلگن جانندین، ساندین، آندین سؤزلریدن کہین سہنی کؤپ سہورمن ای عمر عزیز افادہسینی تکرارلش بیلن مذکور رباعینی حاصل قیلگن. بو اصول کؤرینیشدہ انچہ آسان کؤرینسہدہ، باشقہ بیر شاعر شونگہ اؤخشہتیب یازماقچی بۆلگندہ اہسہ، قنچہلیک قیینلیگینی سہزہدی. شو نینگ اوچون مذکور اصولنی سہل الممتنع (آسان تویولہدیگن قیین) دہب اتہیدیلر. فقط گینہ یوکسک استعداد اہگہسی بۆلگن شاعرلرگینہ بوندی یوریقندن فایدہلنگنلر. چنان چہ، سعدی شہرازی، مولانا جلال الدین محمد بلخی، نوابی و بابرگہ اؤخشہگن سناقلی شاعرلر ایجاد قیلیشدہ بو بۆلدن بارگنلر.

مذکور رباعیگہ لفظ نینگ افادہلنیشی جہتدن قرہسک، فقط گینہ قافیہ و اوندن کہین ردیف صفتیدہ تکرارلنیش کہلگن سہنی کؤپ سہورمن ای عمر عزیز افادہسی مصرعلرگہ علیحدہ ایچکی موسیقیلیک و آہنگ بغیشلہیدی. بو بیلن اؤقووچی قولاغیگہ مین سینگیب یورہگیدن اؤرین

آله‌دی. شو بیلن بیرگه شاعر «سینی کۆپ سپورمن ای عمر عزیز» عباره‌سینی تکرارلش بیلن رباعی نینگ اساسی مقصدی بؤلگن عشق اظهارینی قیته-قیته تأکیدل، مخاطبگه اؤز فکرینی بیتکزیشیگه امین بۆله‌میز. البته شاعر بو بیلن تکرار صنعتیدن کوزه‌تیلگن مقصدنی جوده اؤریلی و بدیعی مهارت بیلن عملگه آشه‌یاتگنینی نمایشگه قویه‌دی و ینه تکرار یازیلیشی، اینیقسه، بیرینچی و ایکینچی مصرعلرده شعر کورینیشیگه اؤزیگه خاص چیرای بغیشلب کوز نینگ حلاوتلنیشیگه سببی بۆله‌دی.

مصرع‌لر مضمونیکه دقت قیلسک، سپوگی و صداقت او یغونلشوییدن کھلیب چیققن عجایب صمیمیتی کوزه‌ته‌میز. لیریک قهرمان و یا شاعر نینگ حقیقی سپوگیسی اعترافنامه‌سی بؤلگن بو رباعیده معشوقه‌گه بؤلگن محبتی تمثیل قیلینه‌دی. یار عاشق اوچون حیات معنی‌سی دیر. او یارنی جانندن هم آرتیق سېوه‌دی. یار بۆلمه‌گنده حیات نینگ هم کهره‌گی یوق. عاشق نینگ یارگه بؤلگن سپوگیسی هېچ قندی سان و سناققه تېنگ کله آلمه‌یدی. یعنی بو سپوگی هېچ قندی اؤلچاو بیلن اؤلچهب بۆلمه‌یدیگن حدودسيز سپوگی دیر. عاشق حیاتده اوندن ینه بیر نیمه‌نی آرتیق سېویش ممکن بۆلمه‌گن نرسه‌دن هم، یارنی کۆپراق سېوه‌دی.

رباعی یازیشده نوایی ایزیدن بارگن بابر هم اونگه اېرگشیب مذکور رباعیگه اؤخشه‌تمه طرزیده بو رباعینی یازیشگه اولگوره‌دی:

توز آه ظهیرالدین محمد بابر یوز آه ظهیرالدین محمد بابر
سررشته عیشدین اؤزینگنی زنه‌ار اوز آه ظهیرالدین محمد بابر
(بابر، ۱۳۸۷، ص. ۲۵۳).

کۆرینیش جه‌تدن بو ایکله رباعی بیر-بیریگه اؤخشه‌ش کۆرینسه‌ده، چوقورراق قره‌گنده معلوم درجه‌ده فرقلر هم بارلیگی کۆزگه تشلنه‌دی. بابر رباعی‌سی نینگ مضمونیکه دقت قیلسک، اؤزی لیریک قهرمان جایگاهیده تورگن بابر، اؤزیگه آه بساطی توزیشینی تکلیف قیلماقده. نېگه آه بساطینی توزیش کهره‌ک؟ شاعر نینگ قلبیده‌گی الم-اضطراب اؤتیگه بیر ساووق آه تسکین بېره آلمه‌یدی. شو نینگ اوچون کېتمه-کېت آه تارتیش بیلن المینی ینگیله‌شتیریش کهره‌ک بۆله‌دی. انه شونده‌ی دردو الم و اضطراب چنگالیده اېزیلگن بابر یأس و ناامیدلیککه بېریلب، عیش و عشرتدن اؤزینی چېتگه تارتماقچی بۆله‌دی.

بو ایکی رباعیده لیریک قهرمانلر روحی حالتیده انیق فرقلرنی کوزه‌تیش ممکن. کۆرینیشیچه نوایی رباعیسیده الم و اضطراب و ایریلیق موضوعی عکس اېتمه‌گن؛ بلکه باشدن آیاق عشق اعترافی و اظهاریدن عبارت. رباعی مضمونیدن انگلشلیشیچه لیریک قهرمان قیافه‌سیده تېنگری

نينگ بې بها نعمتى بۇلگن سېوگيدن بهرمند بۇلگن بختلى انسان و اؤز سېوگيسىنى معشوققه اظهار قيليش جسارتىگه اېگه بۇلگن عاشق قىافهسى نمايان بۇلهدى. بيراق بابر رباعيسىده راحت و آسايشتهلىك كۆرمهگن عمرىنى بوتون اوروش و لشكر تارتىشلر بىلن اؤتكزگن، عمر بۇيى وطنىنى، يارو همدملىرىنى ساغىنىپ يورهك-بغرى اېزىلىپ، الم و اضطرايدە كويگن، اؤزىدن باشقه آه و فريادلىرىنى اېشيتەدىگن مشفق همدمى بۇلمەگن، اؤز سۆزى بىلن ايتگندە طالع سىز بابر قىافهسى گودەلنەدى. اگر نوایى رباعيسى نينگ ردیفى «سېنى كۆپ سېورمن اې عمر عزيز» عشق اعترافى، سېوگى اظهارى ترمنى بۇلسە، بابر رباعيسى ردیفى «آه ظهيرالدين محمد بابر» شاعر نينگ چېكەياتگن آغير درد و المى، قيغو-اضطرابى تجسميدن عبارتدير.

اگر نوایى قافيه لنووچى مصرعلر فقطگينه قافيه و ردیفدن تشكىل تاپگن اصولده بير رباعى يرهتگن بۇلسە، بابر اؤز ايجاديده بو اصولدن فايدهلىب ايگى رباعى يازەدى. بو بىلن نوایى رباعى يازيشده قالدیرگن بو عنعنەنى كېينگى ترقياتى اوچون اؤز حصهسىنى قوشەدى:

شاهيم سېنگه معلوم اېمستور نې قيلهى	آهيم سېنگه معلوم اېمستور نې قيلهى
مېن يوز و قاشينگ دیرمن و سېن بدر و هلال	ماهيم سېنگه معلوم اېمستور نې قيلهى

(بابر، ۱۳۸۷، ص. ۲۹۴).

۲. ترصيع صنعتى نينگ ايشله تېلىشى

بيت مصرعلريدهگى برچه سۆزلرينىگ قافيه داش بۇلىشىنى ترصيع دېب ياد قيلهدير (Xojiaxmedov, 2001, p. 21). نوایى بيرينچى بۇلىب فارس-تاجيک تىليده يازگن رباعى سیده ترصيع صنعتىنى قۇللەگن شاعر نينگ اؤزى بو حقهده دېيدى: «يانا بير رباعى هم دېمېن كه تا خليل بن احمد رباعى قاعدهسين وضع قىليبدور، ترصيع صنعتيده رباعى ايتيلغانى اېشيتيلمایدور. بلکه يۇقدور و اول بودور:

اې روى تو كوكب جهان آرايى	اې بوى تو اشهب روان آسايى
بې موى تو يا رب چنان فرسايى	گېسويى تو چون شب فغان افزايى

(Navoiy, 2000, p. 28).

بابر نوایى نينگ فارس-تاجيک تىليده يازيلگن ترصيعلى رباعيلريگه اېرگشيب ايجكى قافيهنى قۇللەگن حالده اؤز رباعيلريده ترصيع صنعتىنى هم كته مهارت بىلن ايشلب چيقەدى؛ لېكن بابر رباعيلريده بو صنعتىنى سَل باشقهچەراق اصولده قۇللەگن؛ يعنى شاعر نوایيگه اؤخشەتيب تۇرتله مصرعده هم ترصيع قۇللەمەي، فقط بيرينچى، ايکينچى مصرعلرده ترصيع قۇللش بىلن كفايلهدير:

هر کیم که وفا قیلسه، وفا تاپقوسیدور هر کیم که جفا قیلسه، جفا تاپقوسیدور
یخشی کیشی کورمه‌گه‌ی یامانلیغ هرگز هر کیم که یامان بولسه جزا تاپقوسیدور
(بابر، ۱۳۸۷، ص. ۲۵۱).

بو رباعیده بیرینچی، ایکینچی مصرعلریده بیرینچی کبلگن وفا و جفا سؤزلری ایچکی قافیه
صفتیده اشتراک ایتیب، بیت آهنگدارلیگینی تأمین قیلگن. شو بیلن بیرگه بیت بدیعیلیگینی
آشیرگینی کؤره‌میز:

کؤردونگ دغی کوزونگه گرفتار ایتدینگ سؤردونگ دغی سؤزونگه گرفتار ایتدینگ
بو طبع و کلامینگ بيله اوز باشینگ اوچون باشتین مہنی اوزونگه گرفتار ایتدینگ
(بابر، ۱۳۸۷، ص. ۲۶۵).

بابر نینگ بو رباعی سی حقیده هم ایتیب اؤتیلگن فکرلرینگ تکرارلشیگه توغری کبلدی.

۳. بابر رباعیلریده تکریر صنعتی

بیتده سؤزینگ ایککی یاکه اوچ مراتبه تکرارلنیشی، تکریر دهب اتله‌دی. تکریر تکرار دہگن
معنایی بیلدیره‌دی. (Asallayev va boshqalar, 2015, P. 16) بابر رباعیلری نینگ قافیه‌گه عاید
اؤزیگه خاص ینه بیر خصوصیت تورتینچی مصرع قافیه‌سی نینگ اؤشه مصرع نینگ اؤزیده
ردیف بیلن بیرگه قیتریلیشی دن عبارت‌دیر که، رباعیگه علیحده آهنگدارلیک بغیشلشی بیلن
بیرگه، مذکور رباعیده لیریک قهرمان نینگ آلدینگ اوج مصرعده جمع بؤلگن حس-تویغولری
و دردو المری فریادی انعکاسینی افاده‌لیدی:

یوز جهد ایله یتمه‌ی سہنگه، ای آی، نپته‌ی هجرینگ المیده نپچه ییغلا‌ی، نپته‌ی
یوق سہنگه وفا و رحم و پروای نپته‌ی ای وای نپته‌ی، وای نپته‌ی، وای نپته‌ی
(بابر، ۱۳۸۷، ص. ۲۹۷).

تا بؤلغای دلدار اؤشال آی منگا حالیمنی بلیب قیلما‌دی پروای منگا
مہن اسرو خراب و، یار کؤپ مستغنی ای وای منگا، وای منگا، وای منگا
(بابر، ۱۳۸۷، ص. ۲۴۸).

۴. بابا رباعیلریدە تجنیس صنعتی نینگ ایشلەتیلیشی

جنس داش سۆزلرنی شاعر تامانیدن بیر بیتده کبلیتریشی تجنیس دېب اتەلەدی . (Is'hoqov, 2015, p. 78) بابا اۆز رباعیلریدە تۆلیق تجنیس و یا نېچە معنالی سۆزلرنی هم قافیە صفتیدە اۆتە مهارت بیلن قۆللەیدی که بو بابا بدیعی ایجادیدە جودە کتە و صلاحیت اېگە سیلیگیدن درک بېریشی بیلن بیرگە، رباعی بدیعیلیگینی هم آشیرەدی. مثلاً: قوییدەگی رباعیدە قافیە وظیفە سیدە «یاش» سۆزینی اوج معنادە - «نوقیران»، «کۆز یاشی» و «عمر» معناسیدە ایشلەتگن:

چون باردی خدای رحمتیغە اول یاش نې فاییدە تۆکمک غم هجرانیدە یاش
اول یاش غم هجرانیدە کۆپ یاش تۆکتونگ بیر یاشینگ اوچون خدای بېرسین یوز یاش
(بابا، ۱۳۸۷، ص. ۲۶۰).

سۆنکیچ

بابا قافیەنی نە فقط تخیکی واسطە صفتیدە؛ بلکه اۆزی نینگ ایجادي فکرلرنی افادەلشە ثمرەلی واسطە صفتیدە ایشلەتگن. او قافیە آرقەلی نە فقط شعرنی ریتیمیک جەتدن باییتگن؛ بلکه اۆزی نینگ حس-تویغولرنی چوقورراق افادە اېتیشگە اېریشگن و شعرلرگە اېستېتیک جەتدن بایلیک قۇشگن. شاعر نینگ رباعیلریدە قافیە نە فقط شعر نینگ ریتیمیک تامانینی کوچەتیرەدی؛ بلکه شعر نینگ عمومی توزیلیشینی هم مستحکملشگە خدمت قیلەدی. اونینگ قافیەلری شعرگە اۆزینگە خاصلیک بېغیشلەب، اۆزبېک رباعیچیلیگیدە ینگی ایجادي ياندشولر یرەتگن. بابا نینگ مهارتلی قافیە ایشلەتیشی نە فقط شعر نینگ موسیقیلیگینی آشیرەدی؛ بلکه اوندەگی معنا قتلملرنی هم چوقورلشتیرەدی. شو طریقە، او قافیەنی شونچە که تخیکی واسطە صفتیدە اېمس؛ بلکه اۆز حسیاتلرنی کېنگراق افادەلش اوچون ثمرەلی بیر اسلوب صفتیدە کۆرگن و قۆللەگن. اونینگ ایجادی اۆزبېک شعریتیدە ینگی یۆنەلیش آچیب، رباعیلر نینگ آھنگدارلیگینی و مضمونینی باییتشە مھم رۆل اۆینەگن. کۆرینەدی که، بابا رباعیلریدە اونینگ شاعرلیک استعدادی، بدیعی مهارتی، سۆزگە نفیس مناسبتی مکمل افادە سینی تاپگن. اولر هر بیر اۆقووچی اوچون حیاتی دستور وظیفە سینی اۆتەیدی. صبر و صداقت، ھمت و محبت، سخاوت تویغولری نینگ افادە سی آرقەلی کۆنگیللرگە رغبت و امیدوارلیک بېغیشلەیدی. بیز بابا رباعیلریدە قافیە اۆرنینی تېکشیرر اېکنمیز، تآکیدلش کېرەک که، نوایی نی مستثنی قیلگندە ھېچ بیر شاعر اۆزبېک کلاسیک شعریتیدە بابا چەلیک قافیە امکانتیلریدن ماھرلیک بیلن فایدەلنە آلەمگن. ایریم شاعرلر اوچون فکرنی اېرکین افادەلشە تۆسیق بۆلگن قافیە بابا اوچون بدیعی فکرلشە عجاب واسطە وظیفە سینی اۆتەیدی. اونینگ شعرلری، اینیسە، رباعیلری بدیعی موقعینی کۆتریش و اۆزبېک

رباعیچیلیگیده بی تکرار، مکمل نمونه لر درجه سیگه آلیب باریشگه خدمت قیله دی. شاعرینک شعریتی اونینگ اثرلری آره سیده حجم جهتن کوزگه کورینرلی اؤرین اېگه للیشی بیلن بیرگه، اونینگ حس- تویغولری و ایچکی دنیا سینی اؤزیده عکس اېتیرگنی جهته ده هم سلماقلی اهمیتگه اېگه. شونینگ اوچون بابر شعریتی نی هر تامانله اؤرکنمسدن توریب، بابرینک شاعرلیک قیافه سینی کتابخوان آلدیده تۆله مجسم قیلیش ممکن بۆلمه یدی. ینه بیر تاماندن بابرینک شعریت دنیا سی اوزی بیر عمان، بو باره ده تحقیق قیلیش بیر-ایکی مقاله یازیش بیلن نهاییه سیگه ېتمه یدی. شونینگ اوچون مېن کېلگوسی تحقیقلرده بونگه علیحده اعتبار بېریش؛ بابر شعریتی تۆلیق اؤرگنیش، تحلیل قیلیش، بدیعیتی و وزینی انیقلاشنی بیلیم جماعه سیگه پېشنهاد قیله من.

فایده لنیلگن ادبیاتلر

ایشانچ، ذکرا لله و کوھکن، محمد عالم. (۱۳۷۴). *اؤزبېک ادبیاتی فرهنگی*. فاریاب: امیر علی شیر نوایی فرهنگی نشریاتی.

بابر، ظهیرالدین محمد. (۱۳۸۷). *دريا در گوهر (ديوان کامل ظهير الدين محمد بابر)*. با مقدمه، مقابله و تصحیح شفیقه یارقین. کابل: وزارت اطلاعات و فرهنگ.

نوایی، علی شیر. (۱۳۸۵). *خزاین المعانی (غرایب الصغر)*. نورالله آلتای اهتمامی بیلن. شبرغان: جهانی همکارلیکلر.

یوشیج، نیما. (۱۳۵۱). *حرف های همسایه*. تهران: دنیا.

Asallayev, A. va boshqalar. 2015. *Badiiy san'atlar*. Toshkent: Tafakkur.

Husayniy, A. (1981). *Badoye' us-sanoye'*. Alibek Rustamiy tarjimasi. Toshkent: Badiiy adabiyot nashriyoti.

Is'hoqov, Y. (2015). *So'z san'ati so'zligi*. Toshkent: Muharrir nashriyoti .

Navoiy, A. (2000). *Asarlar to'plami*. 16 jild, Toshkent: Fan .

Taroziy, Shayx Ahmad Ibni Xudoydod. (1996). *Funun ul- balog'a*. Toshkent: Xazina.

Ҳоҷиаҳмедов, А. (2001). *Шеър санъатларини биласизми?*. Тошкент: Шарқ нашриёти

بررسی پدیده جزرومد در ابحار، دریاها و عوامل مؤثر بر آن

زهرا رحمانی

پوهنوال، دیپارتمنت جغرافیه، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون جوزجان، شبرغان، افغانستان.

rahmanyzahra8@gmail.com - <https://orcid.org/0009-0004-8070-7192>

<https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2024.54>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۵)

چکیده

جزرومد پدیده‌ای است که به دلیل تأثیر نیروی جاذبه ماه بر سطح آب اقیانوس‌ها و دریاها ایجاد می‌شود. این نیرو باعث حرکت و جابه‌جایی روزانه سطح آب می‌گردد. از آنجاکه آب‌های اقیانوس‌ها به دلیل ماهیت سیال و نرم بودن نسبت به خشکی‌ها انعطاف پذیرترند، این تأثیر در آن‌ها بیشتر مشاهده می‌شود. نیروی جاذبه ماه، آب‌ها را به سمت خود می‌کشد و موجب ایجاد برآمدگی در سطح آب می‌شود که آن را مد گفته می‌شود. در مقابل، در ناحیه‌ای که نیروی جاذبه ماه کمتر بر آب‌ها اثر بگذارد، آب‌ها دچار عقب رفت می‌شوند، این را پدیده جزر می‌گویند. مسأله اصلی این است که جاذبه ماه یک بر ششم جاذبه زمین است، چگونه ماه می‌تواند تأثیر بیشتری بر آب‌ها داشته و جزرومد را ایجاد کند و این که چرا این پدیده به وجود می‌آید، به عنوان مسأله مهم تحقیقی تلقی می‌گردد. هدف این تحقیق بررسی چگونگی وقوع جزرومد و عوامل مؤثر بر آن می‌باشد. روش تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی بوده که با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و مقالات علمی تحریر یافته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، جاذبه ماه دلیل اصلی جزرومد بوده، خورشید نیز در ایجاد جزرومد نقش دارد. به دلیل این که فاصله آن از زمین زیاد می‌باشد و تأثیر آن کمتر از ماه است.

کلمات کلیدی: انرژی جزرومد، جاذبه ماه، تأثیر خورشید، چرخش زمین، دامنه جزرومد.

The Study of Tidal Phenomenon in the Seas and the Factors Effecting it

Zahra RAHMANI

Associate Prof, Department of Geography, Faculty of Education, Jawzjan University, Sheberghan, Afghanistan

rahmanyzahra8@gmail.com – <https://orcid.org/0009-0004-8070-7192>

<https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2024.54>

(Received: 29/01/2025 - Accepted: 23/02/2025)

Abstract

Tide is a phenomenon that occurs due to the gravitational pull of the moon on the surface of the oceans and seas. This force causes the daily movement and displacement of the water surface. Since the waters of the oceans are more flexible due to their fluid and soft nature compared to the land, this effect is more observed in them. The moon's gravitational force pulls the water towards itself and creates a bulge on its surface, called the tide. Conversely, in the area where the moon's gravitational force has less effect on the seas, the waters recede, and this phenomenon is called the ebb. The main issue is that the moon's gravity is one-sixth of the Earth's gravity; how can the moon have a greater effect on the waters and create tides, and why does this phenomenon occur is considered an important research question. This research aims to examine how tides occur and the factors effecting them. The research method is descriptive, using library studies and scientific articles. The research findings indicate that the moon's gravity is the main reason for tides, and the sun also plays a role in creating tides. However, due to its great distance from the Earth, its effect is less than the moon.

Keywords: *Earth's Rotition, Moon's Gravity, Sun's Impact, Tidal Energy, Tidal Range.*

مقدمه

جزرومد پدیده طبیعی و یکی از حرکات دوره‌ای آب‌های اقیانوس‌ها و دریاهاست که در اثر تأثیر نیروی جاذبه ماه و خورشید و همچنین چرخش زمین اتفاق می‌افتد. ماه به دلیل نزدیکی به زمین، تأثیر بیشتری بر جزرومد دارد و باعث کشیده شدن آب اقیانوس‌ها به سمت خود می‌شود. که باعث بالا آمدن آب در یک سمت زمین و ایجاد مد می‌شود. در سمت مقابل زمین نیز به دلیل نیروی گریز از مرکز ناشی از چرخش زمین، مد دیگری شکل می‌گیرد. این پدیده معمولاً دو بار در شبانه روز اتفاق می‌افتد. علاوه بر نیروی جاذبه، حرکت چرخش زمین و دوران آن به دور خورشید نیز در ایجاد جزرومد تأثیر دارد. شکل و عمق بستر دریاها، عرض جغرافیایی و حتی حرکات جریان‌های دریایی می‌توانند شدت جزرومد را تغییر دهند. شرایط جوی مانند فشار هوا، بادهای شدید و طوفان‌های اقیانوسی می‌توانند باعث افزایش یا کاهش سطح آب شوند. این پدیده برای کشتی‌رانی، ماهی‌گیری و بهره‌برداری از انرژی جزرومدی اهمیت زیادی دارد و یکی از عوامل مهم در تنظیم اکوسیستم‌های دریایی به‌شمار می‌رود.

در باره پدیده جزرومد کتاب‌های علمی توسط مؤلفین تألیف و مقالات تحقیقی نشر گردیده است. چنان‌چه در کتاب که تحت عنوان (زمین‌شناسی برای جغرافیا) در سال ۱۳۹۳ توسط دکتر خدیجه اسدیان تألیف گردیده است، در مورد تعریف جزرومد و انواع جزرومد به‌صورت مختصر توضیحات داده شده و همچنان کتابی دیگر که در سال ۱۳۹۲ توسط علی ذوالفقاری تحت عنوان (شگفتی دریا و اقیانوس‌ها) تألیف گردیده در مورد ویژگی اقیانوس‌ها و پدیده جزرومد پرداخته است.

هدف این تحقیق بررسی پدیده جزرومد در ابحار، دریاها و عوامل مؤثر آن است. این تحقیق به‌منظور درک بهتر تغییرات سطح آب دریاها و اقیانوس‌ها و تأثیر آن‌ها به جنبه‌های مختلف طبیعی مانند حمل و نقل دریایی، اکوسیستم‌های ساحلی منابع طبیعی و اقتصاد مناطق ساحلی انجام می‌شود. همچنین، به تحلیل عوامل مختلفی چون جاذبه ماه و خورشید، حرکت زمین و دیگر نیروهای طبیعی می‌پردازد که بر این پدیده تأثیر می‌گذارد. همچنین، ارزیابی تأثیرات جزرومد بر تغییرات اقلیمی و سطح دریا که می‌تواند به پیش‌بینی باران‌های طبیعی و مدیریت منابع طبیعی کمک کند. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های این پدیده، تأثیر آن بر حمل و نقل دریایی است. این پدیده می‌تواند باعث تغییرات در عمق آب و مسیریابی کشتی‌ها شود، بنابراین، درک دقیق این تغییرات برای امنیت و استفاده درست حمل و نقل دریایی ضروری است. جزرومد بر اقتصاد و محیط‌زیست تأثیر زیادی داشته، بسیاری از مناطق ساحلی به منابع

طبیعی مانند ماهی‌گیری، کشاورزی و انرژی وابسته‌اند که این منابع تحت تأثیر تغییرات جزرومد قرار دارند؛ لذا تحقیق در این زمینه می‌تواند به بهبود مدیریت منابع طبیعی و استفاده پایدار از آن‌ها کمک کند.

طوری‌که گفته شد، جزرومد یکی از جذاب‌ترین پدیده طبیعی بوده که باعث نوسانات دوره‌ای سطح آب اقیانوس‌ها و دریاها می‌شود. نیروی جاذبه ماه مهم‌ترین دلیل به‌وجود آمدن جزرومد است. خورشید نیز مانند ماه می‌تواند باعث ایجاد جزرومد شود، چون که کتله بزرگی دارد و نیروی جاذبه قلیل‌توجهی تولید می‌کند با این حال، به دلیل فاصله زیادی که از زمین دارد، تأثیر آن نسبت به ماه کمتر است. هنگامی که خورشید، ماه و زمین در یک خط قرار بگیرند، اثرات جاذبه آن‌ها به بیشترین میزان خود می‌رسد و در این وضعیت، مد در شدیدترین حالت خود قرار می‌گیرد. جزرومد کامل به هنگام هلال و در موقع ماه بدر نیز رخ می‌دهد. زمانی که زاویه بین ماه، خورشید و زمین ۹۰ درجه باشد، نیروی جاذبه به حداقل خواهد رسید و جزرومد به‌صورت خفیفی ظاهر می‌شود. پدیده جزرومد از اهمیت بالایی برخوردار بوده؛ زیرا تأثیرات زیادی بر فعالیت‌های انسانی و محیط‌زیست دارد. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های این پدیده، تأثیر آن بر حمل‌ونقل دریایی است که با پیش‌بینی آن می‌توان از مشکلات مانند گیرافتادن کشتی‌ها جلوگیری کرد. همچنین جزرومد بر حرکت ماهیان و دیگر موجودات دریایی تأثیر دارد و درک آن به مدیریت منابع دریایی و حفظ ذخایر موجودات آبی کمک می‌کند. انرژی جزرومد به‌عنوان یک منبع انرژی تجدیدپذیر می‌تواند در تأمین انرژی کشورها مؤثر باشد. بنابراین، بررسی پدیده جزرومد و عوامل مؤثر آن نه‌تنها برای حفاظت از محیط‌زیست و منابع دریایی؛ بلکه برای ارتقاء فعالیت‌های اقتصادی پایدار، پیش‌بینی تغییرات اقلیمی و مدیریت پایدار منابع آبی نیز ضروری است.

این تحقیق پیامدهای مهمی در زمینه درک بهتر پدیده جزرومد و تأثیرات آن بر اکوسیستم‌های دریایی و فعالیت‌های انسانی دارد. نتایج این تحقیق می‌تواند به بهبود مدل‌های پیش‌بینی جزرومد و توسعه راهکارهای مدیریتی در سواحل و منابع دریایی کمک کند. این تحقیق در تحلیل دقیق‌تر، تعاملات بین نیروی جاذبه ماه و خورشید، ویژگی‌های جغرافیایی و تأثیرات تغییرات اقلیمی است که به درک بهتر اثرات طولانی مدت بر جزرومد و رفتارهای آن کمک می‌کند. همچنین، این مطالعه توجه ویژه‌ای به بهره‌برداری پایدار از انرژی جزرومدی به‌عنوان یک منبع تجدیدپذیر و کاهش‌پذیر از نظر اثرات محیطی دارد.

مطالعات درباره پدیده جزرومد از دوران باستان آغاز شده است. فیثاغورث و ارسطو از نخستین افرادی بودند که در باره این پدیده نظریات خویش را ارایه داشتند. در قرون وسطی دانشمندانی مانند ابن هیثم و ابوریحان البیرونی به بررسی علمی جزرومد پرداخته‌اند و مشاهدات ارزشمندی ارایه داده‌اند. در قرن هفدهم نیوتن با ارایه نظریه جاذبه، علت اصلی جزرومد را نیروی جاذبه ماه و خورشید دانسته و نقش آن‌ها را در تغییر سطح آب توضیح داد. ماه بیشترین تأثیر را در جزرومد دارد؛ زیرا نیروی جاذبه آن توده‌های آبی راجه سمت خود می‌کشد و باعث ایجاد برجستگی در سطح اقیانوس‌ها می‌شود. خورشید نیز با نیروی جاذبه خود بر جزرومد تأثیر می‌گذارد، نظر به موقعیت آن نسبت به ماه، جزرومدهای قوی‌تر یا ضعیف‌تر ایجاد می‌شود.

در قرن بیستم، با پیشرفت فناوری و اندازه‌گیری‌های ماهواره‌ای، مدل‌سازی دقیق‌تر از جزرومد انجام شد. پژوهشگران دریافتند که علاوه بر جاذبه ماه و خورشید عوامل دیگری مانند چرخش زمین، توپوگرافی بستر دریا، جریان‌های اقیانوسی و تغییرات اقلیمی نیز بر الگوی جزرومد تأثیر دارند. در مطالعات امروزی از داده‌های ماهواره‌ای، سنسورهای بستر دریا و مدل‌های عددی برای پیش‌بینی دقیق‌تر جزرومد استفاده می‌شود. تحقیقات کنونی بر تأثیر تغییرات اقلیمی بر جزرومد، افزایش سطح آب دریاها و پیامدهای آن برای سواحل متمرکز شده است. همچنین، فناوری‌های جدید برای بهره‌برداری از انرژی جزرومد، مانند توربین‌های زیرآبی و نیروگاه‌های جزرومدی، در حال توسعه هستند. همچنان مطالعات درباره جزرومد در کتاب‌های مختلف علمی و تاریخی بررسی شده است.

برخی از این منابع مهم که به این پدیده پرداخته‌اند به‌عنوان نمونه از آن‌ها یادآور می‌شویم. در کتابی تحت عنوان (شگفتی دریا و اقیانوس) در سال (۱۳۹۲) توسط علی ذوالفقاری تألیف گردیده که این کتاب به بررسی ویژگی‌های فیزیکی اقیانوس‌ها از جمله جزرومد پرداخته و نقش جریان‌های دریایی و تأثیرات اقلیمی را توضیح داده است. کتاب دیگر که بالوسیلخه خدیجه اسدیان در سال (۱۳۹۳) تحت عنوان (زمین‌شناسی برای جغرافیا) تألیف گردیده و در باره پدیده جزرومد به‌صورت مختصر معلومات ارایه شده است. در این پژوهش سعی به عمل آمده؛ تا موضوعات پراکنده را بعد از تحلیل و تجزیه در یک مجموعه کوچک جمع‌آوری نمایم.

جزرومد چیست و کدام عوامل باعث ایجاد آن می‌شود؟ نیروی جاذبه ماه و خورشید چگونه بر جزرومد تأثیر می‌گذارد؟ چگونه می‌توان از انرژی جزرومد استفاده کرد؟ جزرومد یکی از منظم‌ترین پدیده‌های جهان است که با طلوع خورشید در روز و بیرون آمدن ستارگان در شب،

آب‌های اقیانوس به‌طور منظم در امتداد سواحل پیشروی می‌کنند و یا به عقب می‌روند، علت اصلی جزرومد، نیروی جاذبه ماه بر دریاها و اقیانوس‌ها می‌باشد و باعث حرکت و جابه‌جایی روزانه سطح آن‌ها می‌شود؛ یعنی آب دریاها به سمت ماه کشیده شده و برآمدگی در این ناحیه ایجاد می‌کند و مد در این قسمت به‌وجود می‌آید. همچنین در طرف دیگر که کمتر تحت تأثیر نیروی جاذبه ماه هستند، آب‌ها اثرپذیری کمتری گرفته و عقب می‌مانند و به آن جزر می‌گویند، فاصله زمانی هر مد و جزر ۱۲ ساعت و ۲۴ دقیقه می‌باشد؛ اما مهم‌ترین مسأله در این تحقیق با در نظر داشت مطالب فوق، این است، با وجود این که ماه گرانش و یا جاذبه یک بر ششم سیاره زمین را دارد و از سوی دیگر فاصله ماه تا زمین ۳۸۴۴۰۰ کیلو متر می‌باشد، با این وصف، ماه چگونه می‌تواند تأثیر روی اقیانوس‌ها ایجاد نموده و باعث به‌وجود آمدن جزرومد گردد و این که چرا این پدیده به‌وجود می‌آید، به‌عنوان مسأله مهم تحقیقی تلقی می‌گردد.

این تحقیق بر مبنای اهداف و نتایج، از نوع تحقیقات کاربردی می‌باشد. بنابراین، روش اجرای آن بر اساس مطالعه توصیفی- تحلیلی طراحی شده است. رویکرد اصلی در این تحقیق، مبتنی بر مطالعات اسنادی و مراجعه به منابع و مأخذ علمی معتبر، نظیر کتاب‌ها و مقالات علمی با درجه بالا، انجام یافته است. پس از جمع‌آوری این منابع، تحلیلی انجام شده که مستقیماً مرتبط با موضوع مقاله می‌باشد. این روش، امکان ارزیابی و تفسیر دقیق اطلاعات و داده‌ها را فراهم کرده و نتایج حاصل را به صورت علمی و مستند بیان می‌نماید.

اهداف اساسی این مقاله را بررسی و تحلیل تأثیر نیروهای جاذبه ماه و خورشید، چرخش زمین، ویژگی‌های جغرافیایی و شرایط جوی بر الگوهای پدیده جزرومد در مناطق مختلف، شناسایی ظرفیت‌های بهره‌برداری از انرژی جزرومد و ارایه راهکارهای مدیریتی برای کاهش اثرات منفی جزرومد تشکیل می‌دهد.

الف) جزرومد

جزرومد یکی از جذاب‌ترین پدیده‌های طبیعی است که اقیانوس‌ها و دریاها را به حرکت می‌آورد. این فرآیند که ناشی از تأثیرات جاذبه ماه، خورشید و چرخش زمین است، هزاران سال قبل الهام بخش انسان‌ها بوده و همچنان به‌عنوان یک موضوع علمی و کاربردی اهمیت بسیار دارد. جزرومد به نوسانات منظم سطح آب دریاها و اقیانوس‌ها گفته می‌شود که بر اثر نیروهای جاذبه ماه، خورشید و همچنین نیروی گریز از مرکز ناشی از چرخش زمین به‌وجود می‌آید. در این پدیده، آب دریا به سمت بخش‌های از زمین کشیده می‌شود و در برخی مناطق سطح آب کاهش پیدا می‌کند (مجله دریایی، ۱۴۰۳).

جزرومد، امواج بسیار بلندی هستند که در پاسخ به نیروهای وارد شده از سمت ماه و خورشید در اقیانوس‌ها حرکت می‌کنند. جزرومد از اقیانوس‌ها سرچشمه می‌گیرند و به سمت خطوط ساحلی پیش می‌رود و به‌صورت افزایش و سقوط منظم سطح دریا ظاهر می‌شود. هنگامی که بالاترین قسمت یا تاج موج به مکان خاصی می‌رسد جزرومد بالا رخ می‌دهد. جزرومد پایین مربوط به پایین‌ترین قسمت موج یا قعر آن است اختلاف ارتفاع بین جزرومد را دامنه جزرومد می‌گویند (اسدیان، ۱۳۹۳، ص. ۱۷۱). پوزیدونیوس صد سال قبل از مسیح در کتابی تحت عنوان (بر روی اقیانوس‌ها) پدیده جزرومد را در ساحل اقیانوس اطلس تشریح و با اطمینان ارتباط جزرومد را با اهله ماه خاطر نشان کرده است، وی همچنین متوجه تغییر دامنه جزرومد در اعتدالین و انقلابین بوده؛ ولی تا زمان کشف قوانین جاذبه به وسیله نیوتن علت جزرومد به‌طور علمی بیان نشده بود. جزرومد معلول نیروی جاذبه ماه و خورشید است. اگرچه جرم خورشید ۳۰ میلیون برابر جرم ماه است؛ اما خورشید ۳۹۰ برابر دورتر از ماه نسبت به زمین قرار دارد. همین علت در تجزیه و تحلیل نهایی نیروی ماه ۲/۱۷ برابر نیروی خورشید در ایجاد جزرومد مؤثر خواهد بود. از این‌رو، می‌توان گفت که ماه جزرومد را کنترل می‌کند نه خورشید. همچنان زمین که به‌دور خود می‌چرخد اثر این نیرو در قسمتی که مقابل ماه قرار گرفته بیشتر است. در نتیجه، آب‌ها به‌طرف ماه کشیده می‌شود، در طرف دیگر که دورتر از ماه است این کشش با شدت بیشتر بر قسمت جامد زمین (بستر دریا) اثر می‌کند و آب در پشت سر می‌ماند. بدین علت در این قسمت نیز آب‌ها کمی برآمده خواهد شد. در حقیقت نیروی مؤلده جزرومد از ترکیب دو نیرو به‌وجود می‌آید، یکی نیروی کشش ماه و دیگری نیروی گریز از مرکز است (جداری عیوضی، ۱۳۸۶، ص. ۸۲).

(ب) اهمیت جزرومد

پدیده جزرومد مانند بسیاری از پدیده‌های طبیعی دیگر بر زندگی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد. این پدیده بر تولید مثل ماهیان و گیاهان اقیانوسی اثر گذاشته و موجوداتی چون صدف، حلزون‌ها، جلبک‌های دریایی، خرچنگ‌ها و غیره موجودات آبی در مناطقی که پدیده جزرومد اعماق دریاها را می‌شوید، زندگی کرده و غذای خود را تأمین می‌کنند. از طرفی این پدیده برای تأمین غذای انسان‌ها مهم است؛ زیرا بهترین زمان برای ماهیگیری در وقت رسیدن آب به بالاترین حد خود است که با ثابت ماندن جریان آب، ماهیان به سمت ساحل می‌آیند. علاوه بر این، جزرومد باعث متعادل شدن دما در سیارات شده، همچنان با ایجاد تلاطم در اقیانوس‌ها شرایط آب‌وهوایی را مساعد می‌کند و تأثیرات مهمی بر حمل‌ونقل دریایی دارد با آمدن آب به ساحل

کشتی‌ها راحت‌تر می‌توانند به ساحل برسند؛ چون تعداد دفعات این پدیده در یک شبانه‌روز چند بار است به‌عنوان یک منبع تجدیدپذیر عالی خواهد بود (ولی‌الهی، ۱۳۹۷، ص. ۳۲).

ج) عوامل جزرومد

باد اولین نیرویی است که باعث ایجاد امواج در سطح اقیانوس‌ها می‌شود؛ اما باعث ایجاد جزرومد نمی‌شود. جزرومد به دلیل جاذبه ماه، خورشید و چرخش زمین ایجاد می‌شود. ماه به‌عنوان عامل اصلی ایجاد پدیده جزرومد، به دلیل نیروی جاذبه‌اش باعث کشش آب‌های زمین می‌شود که منجر به بالا آمدن سطح آب در نقاط خاص از کره زمین می‌گردد. این پدیده در سمت مقابل زمین نیز به دلیل جاذبه ماه یک گنبد دیگر ایجاد می‌کند. خورشید نیز در ایجاد این پدیده تأثیرگذار است؛ ولی تأثیر آن به مراتب کمتر از ماه است. هنگامی که ماه، خورشید و زمین در یک راستا قرار می‌گیرند، جزرومد شدیدتر رخ می‌دهد. علاوه بر این، چرخش زمین نیز باعث می‌شود که جزرومد در نقاط مختلف زمین به‌طور دوره‌ای و منظم رخ دهد. ترکیب این عوامل موجب ایجاد تغییرات سطح آب در اقیانوس‌ها و دریاها به‌طور مداوم می‌شود (خراسانی، ۱۳۹۵، ص. ۱۲).

۱. تأثیر ماه بر اقیانوس‌ها

ماه یک جسم نسبتاً بزرگ در فضا و نزدیک به سیاره زمین بوده، تأثیر زیاد بر اقیانوس‌ها دارد که مهم‌ترین آن ایجاد پدیده جزرومد است. جاذبه آن در واقع آب زمین را به سمت خود می‌کشد. هر جا که ماه وجود دارد و همان‌طور که ماه به‌دور زمین می‌چرخد یک برآمدگی به‌وجود می‌آید؛ تا زمانی که ماه در فراز آن ناحیه قرار دارد، این برآمدگی وجود خواهد داشت. آن طرف کره زمین که از ماه دورتر است، نیز دارای برآمدگی می‌باشد. این پدیده به این دلیل که زمین نسبت به آب در قسمت دورتر، به ماه نزدیک‌تر است. جاذبه ماه بیشتر از آب طرف مقابل روی کره زمین، این سیاره را می‌کشد. این دو برآمدگی آب در دو طرف زمین که هم‌راستا ماه هستند جزرومد بلند نامیده می‌شوند. از آن جای که آب اقیانوس در مناطق مربوط به دو جزرومد بلند کشیده می‌شوند در دو طرف مقابل آب کمتری وجود دارد و در این مناطق جزرومد کوتاه رخ می‌دهد (عادل، ۱۳۹۶، ص. ۱۰).



شکل ۱. از نمایی تأثیر ماه بر اقیانوس‌ها (مجله دریایی، ۱۴۰۳).

۲. تأثیر خورشید بر اقیانوس‌ها

جاذبه ماه دلیل اصلی جزرومد سطح اقیانوس‌ها بر روی زمین است. خورشید نیز با جاذبه خود به‌طور غیر مستقیم بر سطح آب تأثیر می‌گذارد و شدت جزرومد را تغییر می‌دهد. چون خورشید بزرگ‌تر از ماه زمین بوده و کتله آن در حدود ۲۷۵۰۰۰۰۰ هزار برابر بیشتر از ماه است. یک جسم بزرگ مانند خورشید اگر به‌اندازه ماه به زمین نزدیک شود جزرومد فوق‌العاده بلند ایجاد می‌کند. با این‌وصف، فاصله آن از زمین بسیار زیاد می‌باشد و تأثیر آن بر روی جزرومد نیمی از تأثیر ماه بر این پدیده است (زاهد انارکی، ۱۴۰۲).

د) دامنه جزرومد

اختلاف ارتفاع بین یک جزرومد متوالی در یک نقطه معین را دامنه جزرومد می‌نامند. همچنین دامنه جزرومد در برخی از مکان‌ها بیشتر از مکان‌های دیگر است. جزرومد بلند در حدود دو بار در روز و تقریباً هر ۱۲ ساعت و ۲۴ دقیقه یکبار رخ می‌دهد (میرحیدر و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۲۷).

جزرومد در نتیجه حرکت ماهانه ماه به‌دور زمین و طرز قرارگرفتن ماه و خورشید و زمین نسبت به یکدیگر تغییر می‌کند. وقتی که ماه، خورشید و زمین در یک امتداد و در یک جهت قرار بگیرند (شب اول و چهاردهم هر ماه) دامنه جزرومد به بالاترین حد خود می‌رسد؛ اما در شب هفتم و بیست و یکم هر ماه که خورشید و ماه نسبت به زمین عمود اند، دامنه جزرومد به پایین‌ترین درجه خود خواهد رسید. ارتفاع جزرومد را از روی تفاوت بالاترین و پایین‌ترین حد سطح آب تعیین می‌کنند. در جزایر داخل اقیانوس‌ها میزان آن به ۵ تا ۶ متر و در محیط‌های کم‌عمق مانند: کانال‌ها و تنگه‌ها که با اقیانوس‌ها ارتباط دارند بین ۹ تا ۱۸ متر می‌رسد؛ مانند

خلیج فوندی در جنوب شرق کانادا که نوسان سطح آب آن تا ۱۸ متر می‌رسد. در خلیج‌های دهانه‌ای رودهای بزرگ نیز سطح آب مصب در هنگام مد، شدیداً بالا می‌آید و باعث عقب رفتن آب رودخانه تا فاصله زیاد می‌شود. مثلاً: در مصب رود یانگ‌تسه‌کیانگ تا ۸۰۰ کیلومتر و در مصب رود آمازون در برزیل تا ۱۰۰۰ کیلومتر آب در خشکی عقب می‌رود و همین امر باعث به‌وجود آمدن سدهای زیر دریایی می‌شود که حرکت کشتی‌ها را در دهانه چنین رودها مشکل می‌سازد (اسدیان ۱۳۹۳، ص. ۱۷۲).

ه) انواع جزرومد

پدیده‌ی جزرومد که ناشی از تعامل پیچیده‌ای بین زمین، ماه و خورشید است، می‌تواند به اشکال مختلف ظاهر شود. جزرومد بهاری زمانی رخ می‌دهد که ماه، خورشید و زمین در یک راستا قرار گیرند. در این وضعیت، نیروی جاذبه حاصل از ماه و خورشید باهم ترکیب شده و به‌طور قابل توجهی قدرت جزرومد را افزایش می‌دهد. در این حالت جزرومد شدیدتر از حد معمول است و آب دریا در زمان مد به بالاترین سطح خود می‌رسد و در زمان جزر، به پایین‌ترین سطح خود می‌رود. این نوع جزرومد معمولاً در دو مقطع از هر ماه قمری رخ می‌دهد: در هلال زمانی که ماه و خورشید در یک خط مستقیم قرار گیرند و ماه کامل زمانی که ماه در موقعیت کاملاً مخالف خورشید قرار گیرند. در هر دو حالت، نیروی جاذبه ماه و خورشید هم‌راستا شده و جزرومد قوی‌تری را به‌وجود می‌آورد. به دلیل افزایش تفاوت سطح آب بین جزرومد، این پدیده در بنادر و مناطق ساحلی که با جزرومد شدید سروکار دارند، اهمیت زیادی دارد. جزرومد بهاری می‌تواند شرایط به‌ویژه خطرناک برای کشتی‌ها و فعالیت‌های دریایی به‌وجود بیاورد (مجله فرادرس، ۱۴۰۳).

خفیف‌ترین جزرومدها جزرومدهای هستند که کمترین دامنه جزرومدی را دارند و زمانی رخ می‌دهند که زمین، ماه و خورشید زاویه ۹۰ درجه را تشکیل می‌دهند. این پدیده دقیقاً در نیمه‌راه جزرومد بهاری یعنی هفت روز بعد از جزرومد بهاری که ماه در اولین یا سومین ربع است، اتفاق می‌افتد. این اتفاق به این دلیل رخ می‌دهد که برآمدگی اقیانوس ناشی از خورشید؛ تا حدی برآمدگی اقیانوس ناشی از ماه را حذف می‌کند (جداری عیوضی، ۱۳۸۶، ص. ۸۳).

۱. جزرومد روزانه

برای درک الگوهای جزرومد آسان‌ترین کار شناخت تأثیر ماه بر روی زمین است. وقتی ماه به‌دور سیاره ما می‌چرخد نیروی جاذبه آن زمین را به سمت خود می‌کشد.

لیتوسفر قادر به حرکت زیاد نیست؛ اما آب توسط نیروی جاذبه کشیده شده و برآمدگی ایجاد می‌شود، این برآمدگی همان جزرومد بالا در زیر ماه است. همچنین جاذبه ماه زمین را به سمت خود می‌کشد و آب را در سمت مخالف سیاره پشت سر می‌گذارد. این دومین برآمدگی جزرومد در طرف مقابل زمین از ماه را ایجاد می‌کند. این دو برآمدگی آب در دو طرف زمین هم‌راستا با ماه جزرومد بالا ایجاد می‌کند (الیور، ۱۴۰۱ ص. ۶).

بدین ترتیب می‌توان گفت آب زیادی در دو جزرومد بالا حرکت می‌کند و به سمت بالا کشیده می‌شود و بین دو جزرومد بالا، جزرومد پایین تشکیل می‌شود. با چرخش زمین در زیر ماه هر روز یک نقطه واحد بر روی زمین دو جزرومد کم را تجربه می‌کند (رحمانی، ۱۳۹۱، ص. ۶۲).

برحسب دوره نوسان دو نوع جزرومد تشخیص داده می‌شود: جزرومد نیمه روزانه و جزرومد روزانه. جزرومد نیمه روزانه در اقیانوس اطلس بسیار فراوان است و در شبانه‌روز دو بار رخ می‌دهد. جزرومد روزانه در تمام قسمت‌های شمالی اقیانوس کبیر و هند گسترش دارد و یکبار در روز ایجاد می‌شود. نظم جزرومد ممکن به علت تمایل ماه و خورشید و فاصله آن‌ها تا زمین و وضع قرار گرفتن آن‌ها نسبت به یکدیگر به هم بخورد. از ملحق شدن این دو پدیده‌ها با هم نوعی جزرومد به وجود می‌آید که به آن جزرومد مختلط می‌گویند (اسدیان، ۱۳۸۹، ص. ۱۷۲).

۲. جزرومد ماهانه

جزرومدها موج هستند، بنابراین، وقتی خورشید و ماه در یک راستا قرار می‌گیرند، انتظار دارید که جزرومد چگونه باشد؟ امواج می‌توانند برهم نهی کنند؛ بنابراین وقتی کشش گرانشی هر دو جسم یعنی ماه و خورشید در یک راستا باشد جزرومد بالا به جزرومد پایین اضافه می‌شود. در این حالت جزرومدهای بالا بالاتر و جزرومدهای پایین نسبت به زمان‌های دیگر ماه پایین‌تر هستند. به این جزرومدهای شدیدتر با دامنه جزرومد بیشتر، جزرومد بهاری یا کامل گفته می‌شود. جزرومد بهاری فقط در بهار اتفاق نمی‌افتد؛ بلکه در هر زمان که ماه در مرحله ماه نو یا کامل قرار دارد؛ یعنی تقریباً هر ۱۴ روز یکبار رخ می‌دهد. جزرومد بهاری هنگامی اتفاق می‌افتد که برآمدگی جزرومد ناشی از ماه و خورشید در یک راستا باشند (ذوالفقاری، ۱۳۹۶، ص. ۲۶).

جزرومد بالا در حدود دو بار در روز تقریباً هر ۱۲ ساعت و ۲۵ دقیقه رخ می‌دهد. دلیل آن این است که چرخش ماه به دور کره زمین ۲۴ ساعت و ۵۰ دقیقه بعد در همان مکان قرار دارد.

از آنجایی که جزرومد بالا دو بار در روز اتفاق می‌افتد هر یک از این جزرومدها ۱۲ ساعت و ۲۵ دقیقه یکبار رخ می‌دهد (خراسانی، ۱۳۹۵، ص. ۵۳).

(و) انرژی جزرومد

انرژی جزرومد یکی از قدیمی‌ترین اشکال انرژی مورد استفاده انسان می‌باشد، این انرژی شکلی از انرژی تجدیدپذیر است، از تبدیل فرآیند جزرومد دریا به دیگر اشکال مفید انرژی به خصوص انرژی الکتریسیته، مورد استفاده قرار می‌گیرد. جزرومد از انرژی‌های قابل پیش‌بینی است، در میان انرژی‌های تجدیدپذیر انرژی جزرومد همیشه با مشکل هزینه بالا و محدودیت در مکان با جزرومد شدید یا سرعت بالای جریان آب روبه‌رو بوده است. نیروگاه‌های جزرومد تنها در ساعت‌های خاصی از روز می‌توانند انرژی الکتریسیته تولید کنند، قیمت سیستم‌های جزرومد بسته به خصوصیات محیطی و جغرافیایی و زمین‌شناسی محل تغییر می‌کند. به علت هزینه‌های گزاف و زمان‌های دراز مدتی که صرف ساخت آن می‌شود از به اجرا درآمدن طرح‌های عظیم در این زمینه جلوگیری می‌کند. تأسیسات برق به دلیل فنی تنها ۲۵ درصد ظرفیت شان را برای تولید برق از جزرومد می‌توانند به کار گیرند. حداکثر ظرفیت جهانی انرژی جزرومدی حدود ۳۰۰۰ گیگاوات انرژی قابل دسترس است. تاکنون حدود ۱۶۶۳۶۵ میگاوات ظرفیت نصب شده نیروگاه‌های جزرومدی در سطح جهان است. در واقع، کارخانه‌جات جزرومد، که در سواحل اسپانیا، فرانسه و انگلستان استفاده می‌شوند، مربوط به سال ۷۸۷ میلادی هستند. کارخانه‌های جزرومدی از حوضچه ذخیره‌سازی تشکیل شده بودند، که توسط جزرومد ورودی (سیل) از طریق یک سیلاب پر شده و در طی جزرومدی (خروج) خالی می‌شدند. نیروی جزرومدی غیر آلاینده، قابل اعتماد و قابل پیش‌بینی است. موانع جزرومد، توربین‌های جزرومدی در زیر سطح مانند توربین‌های بادی اما با حرکت در دریا و انواع ماشین‌هایی که جریان‌های زیرزمینی را مهار کنند در دست ساخت هستند. برخلاف باد و موج، جریان‌های جزرومد کاملاً قابل پیش‌بینی است. نقطه ضعف قدرت جزرومد فکتور ظرفیت کم آن است و به دلیل چرخه ۱۲.۵ ساعته از جزرومد، اوج تقاضا را از دست می‌دهد. پتانسیل کل جهان برای قدرت جزرومد اقیانوس ۶۴۰۰۰ میگاوات برآورده شده است.

تقاضا برای برق در شبکه در طول روز متفاوت است. تأمین برق نیروگاه جزرومد هرگز با تقاضای یک سیستم مطابقت نخواهد داشت؛ اما به دلیل چرخه قمری و جاذبه، جریان‌های جزرومد اگرچه متغیر هستند؛ اما قابل اطمینان و قابل پیش‌بینی می‌باشند و قدرت آن‌ها می‌تواند سهم ارزنده‌ای در سیستم الکتریکی داشته باشد که دارای منابع متنوعی است. از برق

جزرومدی می‌توان برای جابه‌جایی الکتریسیته استفاده کرد که در غیر این صورت با استفاده از نیروگاه‌های دارای سوخت فسیلی (زغال سنگ، روغن، گاز طبیعی) تولید می‌شود، بنابراین، باعث کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و اسیدی می‌گردد (صادقی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۵۳).



شکل ۲. نمایش از تولید برق با استفاده از انرژی جزرومد (مجله دریایی، ۱۴۰۳).

ز) مزایا و معایب انرژی جزرومد

انرژی تجدیدپذیری را که انرژی جزرومد را تبدیل به انرژی الکتریکی می‌کند انرژی جزرومد می‌گویند. استفاده از این انرژی معمول نشده است؛ ولی بیشتر از انرژی خورشیدی و آبی خواهد بود. با قراردادن سد در دریا می‌توان با تغییر دادن سطح جزرومد، انرژی الکتریکی تولید کرد. بعد از سد آب از طریق کانال‌ها به سمت توربین می‌رود و برق تولید می‌شود. تولید انرژی الکتریکی از این راه به‌عنوان یک منبع تجدیدپذیر را می‌توان از مزیت‌های جزرومد دانست. همچنین این نیروگاه‌ها فضای زیادی را اشغال نمی‌کند و با تولید نکردن گازهای گلخانه‌ای از جمله انرژی‌های سبز بوده و این نوع انرژی قابل‌محاسبه نیز است؛ ولی این که ساخت چنین نیروگاه‌ها برای تولید انرژی الکتریکی به هزینه بیشتر نیاز است و هم این که در همه‌جا و هر زمانی تولید انرژی را نخواهیم داشت. همچنین مسیر عبور کشتی‌ها به دلیل وجود این نیروگاه‌ها دچار اختلال می‌شود (جهان‌شیمی، ۱۴۰۳).

نتیجه گیری

جزرومد یکی از مهم ترین پدیده های طبیعی هستند که باعث ایجاد تغییرات در سطح آب اقیانوس ها و دریاها می شود. این تغییرات به طور معمول در دوره ها و زمان منظم و با شدت های متفاوت رخ می دهند. این پدیده تحت تأثیر نیروهای جاذبه ماه و خورشید، چرخش زمین، ویژگی های جغرافیایی سواحل و شرایط جوی شکل می گیرد. ماه به دلیل نزدیکی بیشتر به زمین تأثیر قوی تر نسبت به خورشید دارد و باعث ایجاد دو حالت جزرومد در طول یک شبانه روز می شود. عامل اصلی ایجاد پدیده جزرومد، نیروی جاذبه است که بین زمین و ماه و همچنین بین زمین و خورشید وجود دارد. ماه به عنوان نزدیک ترین جرم آسمانی به زمین، تأثیر بیشتر بر روی جزرومد دارد. جاذبه ماه باعث کشش آب دریاها می گردد و در نتیجه سطح آب در سمت ماه افزایش می یابد. خورشید نیز به نوبه خود به جزرومد تأثیر دارد، گرچه تأثیر آن کمتر از ماه است. در زمان های که خورشید و ماه در یک راستا قرار می گیرند جزرومد بزرگتری به نام جزرومد بهاری رخ می دهد. این نیرو سبب می شود که آب دریاها به سمت ماه کشیده شود و باعث ایجاد مد شود. در طرف دیگر زمین، به دلیل نیروی گریز از مرکز ناشی از چرخش زمین نیز مد ایجاد می شود. موقعیت ماه و خورشید نسبت به زمین تأثیر زیادی بر شدت جزرومد دارد. در مقابل، زمانی که ماه و خورشید در زاویه ۹۰ درجه نسبت به یکدیگر قرار داشته باشند، دامنه جزرومد کاهش می یابد و جزرومد کوتاه به نام مد کوچک ایجاد می گردد. چرخش زمین به دور محور خود نیز سبب تغییرات سطح آب دریاها می گردد. همچنان شکل سواحل و عمق بستر دریا نیز بر شدت و نوعیت جزرومد تأثیر می گذارد؛ یعنی سواحل کم عمق تر معمولاً جزرومد بیشتر را تجربه می نماید. شناخت اصول اولیه جزرومد از زمان های گذشته تاکنون مورد توجه دانشمندان بوده، بررسی دقیق عوامل مؤثر بر آن و تأثیرات ناشی از فعالیت های انسانی نیازمند تحقیقات عمیق تر و مدل سازی پیشرفته تر است. توسعه فناوری های سنسجش از دور مدل های عددی و داده های اقیانوس شناسی امکان تحلیل دقیق تر این پدیده را فراهم کرده است؛ بنابراین، پژوهش در این زمینه نه تنها به درک بهتر این پدیده کمک می کند؛ بلکه می تواند راهکارهای عملی برای کاهش آسیب های محیط زیست و بهره برداری پایدار از منابع دریایی ارائه دهد. جزرومد یکی از منابع تجدید پذیر است که از حرکت منظم آب دریا در اثر نیروی جاذبه ماه و خورشید استفاده می کنند. برای تولید برق از این انرژی، روش های مختلفی به کار می رود یکی از رایج ترین روش ها ساخت سدهای جزرومدی در ورودی کانال ها و دهانه های رودخانه های ساحلی است. این سدها هنگام مد، آب را پشت خود جمع می کنند و سپس در زمان جزر، با آزاد کردن آن از طریق توربین ها برق تولید می شود. روش دیگر استفاده

از توربین‌های جزرومدی است که در بستر دریا قرار می‌گیرند. این توربین‌ها مانند توربین‌های بادی عمل می‌کنند؛ اما به جای باد، جریان آب آن‌ها را به حرکت می‌آورد. چون کتله آب بیشتر از هوا است، این روش می‌تواند انرژی بیشتری نسبت به توربین‌های بادی تولید کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نیروی جاذبه ماه عامل اصلی جزرومد در سطح اقیانوس‌ها و دریاها بر روی کره زمین بوده، خورشید نیز در ایجاد جزرومد نقش دارد؛ اما به سبب این که فاصله آن از زمین زیاد است، تأثیر آن بر جزرومد نیمی از تأثیر ماه بر این پدیده است. هنگامی که خورشید و ماه در یک راستا قرار می‌گیرند، دامنه جزرومد افزایش می‌یابد. همچنین، بستر دریا و ویژگی‌های جغرافیایی مناطق ساحلی در شدت و میزان جزرومد تأثیر به سزایی دارند؛ به‌طور که مناطق دارای رودهای باریک و کانال‌های طبیعی، دامنه جزرومد بیشتری نسبت به مناطق باز و عمیق دارند. علاوه بر این، شرایط جوی مانند تغییرات فشار هوا و وزش بادهای شدید می‌توانند باعث نوسانات غیر منتظره در سطح آب شوند. تغییرات سطح آب دریا، الگوهای جزرومد را در آینده تغییر خواهند داد. بالا آمدن سطح دریا ناشی از ذوب یخ‌های قطبی و تغییر در جریان‌های اقیانوسی می‌تواند شدت جزرومد را افزایش داده و تأثیرات گسترده‌ای بر مناطق ساحلی بگذارد. برای درک بهتر و بهره‌برداری پایدار از پدیده جزرومد پیشنهاد می‌شود که مدل‌های ریاضی جزرومد به‌طور دقیق‌تر مورد مطالعه قرار گیرند؛ زیرا این مدل‌ها می‌توانند به پیش‌بینی تغییرات سطح آب در نقاط مختلف جهان کمک کنند و برای تحلیل دقیق‌تر این پدیده از نرم‌افزارها و مدل‌های عددی استفاده شود. همچنین، باید تأثیر تغییرات اقلیمی و گرمایش جهانی بر جزرومد و تغییرات سطح آب دریاها و اقیانوس‌ها مورد بررسی قرار گیرد. این مطالعه می‌تواند به فهم بهتر پیامدهای بلند مدت این تغییرات کمک کند و به پیش‌بینی دقیق‌تر تأثیرات آن بر سواحل و اکوسیستم‌های دریایی بی‌انجامد. تحقیقات و پروژه‌های بیشتری در زمینه استفاده از انرژی جزرومد برای تولید برق انجام شود؛ زیرا این نوع انرژی به‌عنوان یک منبع تجدیدپذیر، می‌تواند نقش مهمی در تأمین نیازهای انرژی در مناطق ساحلی ایفا کند. این پیشنهادات می‌توانند به توسعه تحقیقات و مطالعات بیشتر در زمینه جزرومد کمک کرده و در نهایت به بهبود مدیریت منابع دریایی و سواحل در سطح جهانی منجر شوند.

منابع و مآخذ

- اسدیان، خدیجه. (۱۳۸۹). زمین‌شناسی برای جغرافیا. چ ۵، تهران: سمت.
- اسدیان، خدیجه. (۱۳۹۳). زمین‌شناسی برای جغرافیا. چ ۶، تهران: سمت.
- الیور، کلر. (۱۴۰۱). حقیقت در باره اقیانوس‌ها. مترجم نازنین تندکی. تهران: باران.
- جداری عیوضی، جمشید. (۱۳۸۶). جغرافیای آب‌ها. تهران: دانشگاه تهران.
- خراسانی، صابر. (۱۳۹۵). جزرومد. تهران: اشکذر.
- ذوالفقاری، علی. (۱۳۹۲). شگفتی دریا و اقیانوس. تهران: لیدا.
- رحمانی، حمید. (۱۳۹۱). اقیانوس‌های جهان و پدیده‌های دریایی. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری جهان کتاب.
- زاهد انارکی، محدثه. (۱۴۰۲). جزرمد چیست چگونه و به چه دلیل جزرومد رخ می‌دهد؟ (آخرین بازدید ۱۳/۹/۱۴۰۳). قابل دسترس: <https://elminak.com/%d8%ac%d8%b2%d8%b1-%d9%88-%d9%85%d8%af/>
- صادقی‌نژاد، محمد و همکاران. (۱۴۰۰). بررسی و مقایسه انواع روش‌های استحصال توان الکتریکی از انرژی جزرومد. فصل نامه علمی انرژی‌های تجدیدپذیر و نو، سال ۸، شماره ۲.
- عادل‌افشین. (۱۳۹۶). دانش اقیانوس‌ها. تهران: مبتکران.
- میرحیدر، دره و همکاران. (۱۳۹۸). تحلیل نقش جزرومد در قلمروسازی دریایی و تأثیرات تغییر اقلیم بر آن. فصلنامه علمی - پژوهشی اطلاعات جغرافیایی سپهر، دوره ۲۸، شماره ۱۱۱.
- ولی‌الهی، جلال. (۱۳۹۷). اکولوژی دریا و اقیانوس. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- مجله فرادرس. (۱۴۰۳). جزرومد چیست؟ چگونه و چرا رخ می‌دهد. (آخرین بازدید ۱۷/۱۰/۱۴۰۳). قابل دسترس در: <https://blog.faradars.org>
- مجله دریایی. (۱۴۰۳). جزرومد چیست؟ نگاه جامع به این پدیده شگفت‌انگیز. (آخرین بازدید ۲۰/۸/۱۴۰۳). قابل دسترس در: kashtidaran.com/blog/what-is-tida
- عصر ایران. (۱۴۰۱). تأثیر ماه بر اقیانوس‌ها. (آخرین بازدید ۲۱/۱۰/۱۴۰۳). قابل دسترس در: <https://images.app.goo.gl/GiJCbX45nKwtCiNRA>
- تیک‌سرویس. (۱۴۰۲). تصویر تولید برق با استفاده از انرژی جزرومد. (آخرین بازدید ۲۳/۹/۱۴۰۳). قابل دسترس در: <https://tikservice.com/wp-content/uploads/2019/08/jaz1.jpg>
- جهان‌شیمی. (۱۴۰۳). جزرمد چیست؟ علت انجام این پدیده، مزایای و معایب آن. (آخرین بازدید ۲۵/۸/۱۴۰۳). قابل دسترس در: <https://www.jahanesimi.com/11189/%D8%AC%D8%B2%D8%B1-%D9%88-%D9%85%D8%Af/>

نگاهی به دستاوردهای نظامی و عمرانی ظهیرالدین محمد بابر

شکریه چقماق

پوهنوال، دیپارتمنت تاریخ، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون جوزجان، شبرغان، افغانستان.

<https://orcid.org/0009-0002-1386-6033> - shukriachaqqmaq@gmail.com

<https://doi.org/10.69892/jawzjanaan.2024.43>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱/۲۰)

چکیده

ظهیرالدین محمد بابر اساس‌گذار دولت کورگانی هند، نه تنها فرمانده نظامی برجسته؛ بلکه به عنوان حاکم توانا در عرصه‌های عمرانات و توسعه شهرها نقش کلیدی داشت. او با استفاده از استراتژی قوی نظامی، به فتوحات بزرگی در سرزمین هند نایل گردید و با تشکیل امپراتوری بزرگ کورگانیان هند، حکومت منسجم و متمرکزی را در این منطقه ایجاد نمود. هدف از این تحقیق و نگارش مقاله علمی هذا روشن شدن میزان تأثیرگذاری اقدامات نظامی و عمرانی بابر در شکل‌گیری و تثبیت حکومت کورگانیان هند می‌باشد. در این مقاله بر مبنای تحقیق منابع کتاب‌خانه‌ای، با مطالعه کتب تاریخی و مقالات علمی معتبر محققان، دستاوردهای ظهیرالدین محمد بابر از لحاظ نظامی و عمرانی به بررسی گرفته شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بابر در فتوحات نظامی، گسترش قلمرو حکومتی، فعالیت‌های عمرانی و توسعه نقش مهمی را ایفا کرده است. آثار تاریخی و بناهای به جا مانده از این دوره اثبات این موضوع می‌باشد. در نتیجه می‌توانیم بگوییم که بابر نه تنها سیاست‌مدار بزرگ و فرمانده نظامی توانا بود؛ بلکه به عنوان شخصیت بزرگ فرهنگی در عرصه‌های علمی، ادبی، هنری و عمرانی نیز دستاوردهای فراوانی داشته است.

کلمات کلیدی: امپراتوری، بابر، سیاست، عمرانات، فتوحات، فرهنگ.

A Look at the Military and Developmental Achievements of Zahirurddin Mohammad Babur

Shukria Chaqmaq

Associate Prof., Department of History, Faculty of Education, Jawzjan University, Sheberghan,
Afghanistan.

shukriachaqmaq@gmail.com – <http://orcid.org/0009-0002-1386-6033>

<https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2024.43>

(Received: 01/02/2025 - Accepted: 09/04/2025)

Abstract

Zahiruddin Mohammad Babur, the founder of the Mughal Empire in India, was not only outstanding military commander but also capable ruler who played a key role in urban development and infrastructure projects. By employing strong military strategies, he achieved major conquests in the Indian subcontinent and established the vast and centralized Mughal Empire in the region. The purpose of this research paper is to clarify the extent of Babur's military and developmental contributions to the formation and consolidation of the Mughal Empire in India. This study is based on library research and the analysis of historical books and scholarly articles by reputable researchers which examines Babur's achievements in both military and civil domains. The findings of the research indicate that Babur played a significant role in military conquests, territorial expansion, infrastructural activities, and overall development. The historical monuments and architectural structures remaining from this period serve as a clear evidence of these contributions. In conclusion, it can be said that Babur was not only great statesman and a skilled military leader, but also a prominent cultural figure who made substantial achievements in the scientific, literary, artistic, and infrastructural fields.

Keywords: Babur, Conquests, Culture, Empire, Infrastructural Developments, Politics.

مقدمه

تاریخ همواره شاهد فرمان‌روایانی می‌باشد که نه تنها با شمشیر؛ بلکه با تدبیر و سازندگی نام خود را جاودان کرده‌اند. ظهیرالدین محمد بابر نیز یکی از این فرمان‌روایان برجسته بود که با درایت نظامی قوی امپراتوری بزرگی را در هند اساس گذاشت. بابر از کودکی با چالش‌های سیاسی و نظامی آشنا بوده، با وجود موانع فراوان با اراده‌ استوار و دید استراتژیک به فتح سرزمین‌هایی پرداخت که بعدها به هسته اصلی امپراتوری کورگانیان هند تبدیل شدند. او در دوران پر آشوب آسیای مرکزی رشد نموده، به منظور فتح سمرقند چندین بار با نیروی شیبانی خان درگیر شد. بالاخره پس از شکست در قلمرو اجدادی خود، به کابل رفته، در مدت سه سال، ارتش منظم و مجهز جنگی را آماده نمود. بعد از آن تصمیم گرفت قلمرو خود را به جانب هند توسعه دهد و با فتوحات پی در پی، موفق شد یک دولت مستحکم را در هند تشکیل دهد. آن چه نام او را در تاریخ ماندگار ساخت، تنها فتوحاتش نبود؛ بلکه تدابیر او در ساختار حکومتی، توجه به پیشرفت شهرها و حمایت از فرهنگ و هنر نیز نقش عمده داشته است. وی نه تنها در میدان نبرد؛ بلکه در عرصه عمرانات نیز درخشش خوبی داشت که بناهای به جا مانده از این دوره به این موضوع دلالت می‌نماید.

بررسی دستاوردهای نظامی و عمرانی ظهیرالدین محمد بابر از جنبه‌های گوناگون دارای اهمیت می‌باشد. از لحاظ تاریخی، شناخت استراتژی‌های جنگی، نحوه شکل‌گیری امپراتوری کورگانی هند، درک بهتری از تحولات سیاسی و نظامی این دوره، بررسی اقدامات عمرانی بابر از جمله توسعه شهرها، زیرساخت‌های اقتصادی، بناهای اسلامی و حمایت از فرهنگ و هنر را می‌توانیم تذکر دهیم. هم‌چنان تعامل نظامی و عمرانی در حکومت بابر می‌تواند الگویی برای درک چگونگی تأثیرگذاری توسعه و سازندگی در کنار فتوحات نظامی او باشد.

ظهیرالدین محمد بابر برای فتح سرزمین‌های مختلف از کدام استراتژی‌ها و تکتیک‌های نظامی استفاده می‌کرد؟ دستاوردهای نظامی بابر چگونه به تشکیل امپراتوری هند منجر شد؟ ظهیرالدین محمد بابر در زمینه عمرانی چه دستاوردها داشت؟ در مورد موضوع هذا، تحقیقات مختلفی انجام شده است. بابرنامه اثر ارزشمندی است که در آن ظهیرالدین محمد بابر واقعات و حوادث زندگی خویش را بیان نموده است. بابر در این کتاب در مورد محاصره طولانی مدت خود از جانب شیبانی خان چنین می‌گوید: «از اطراف و جوانب مأیوس شدیم. در هیچ طرف امیدواری نماند. ذخیره غذا هم خلاص گردید. در این زمان شیبانی خان موضوع صلح را در بین گذاشت. اگر از یک طرف امیدواری می‌بود یا ذخیره غذا وجود می‌داشت، به موضوع صلح کی

گوش می‌داد؟ ضرورت شد، صلح کردیم و با مادرم از دروازه شیخ‌زاده برآمدیم.» (بابر، ۱۳۸۷، ص. ۱۲۷).

عباس‌قلی غفاری فرد در کتاب «روابط صفویه و اوزبیکان» در مورد جنگ بابر و شیبانی خان در سمرقند و شکست بابر چنین نگاشته است: شیبک خان در ماه شوال ۹۰۶ هـ ق به سمرقند آمد و بابر به خاطر مقابله از شهر بیرون رفت و در قسمت کاردزن در بین طرفین نبرد سختی درگرفت و در این جنگ بسیاری از امرای بابر کشته شدند و بابر نیز مجبور گردید، به اندیجان و حصار شادمان فرار کند. همین‌گونه سمرقند بار دیگر به تصرف شیبانی خان درآمد (غفاری فرد، ۱۳۷۶، ص. ۷۲).

در کتاب ایران و بابر که مؤلف آن ویلیام ارسکین بوده و توسط ذبیح‌الله منصوری ترجمه گردیده است، در مورد علاقمندی بابر به عمرانان و توسعه شهرها چنین آمده: بعد از این‌که بابر از هرات و بلخ مراجعت کرد، در کابل به عمرانان آغاز نمود و عده‌ای از معماران را وادار نمود که برای کابل یک نقشه جدید طرح نمایند؛ تا یک شهر جدید ساخته شود. نقشه شهر جدید طوری طرح شود که در آینده امکان توسعه محلات شهر موجود باشد؛ تا در آینده مردم کابل دچار مزیدقه نه گردند. بابر برای هر محله یک مسجد بزرگ، پنج حمام و یک مدرسه را در نظر گرفت؛ تا این‌که تمام محلات شهر دارای مسجد، مدرسه و حمام باشد (ارسکین، ۱۳۸۵، ص. ۵۷۰).

هدف این تحقیق بررسی و تحلیل دستاوردهای نظامی و عمرانی ظهیرالدین محمد بابر می‌باشد. در این تحقیق تلاش شده است که استراتژی‌های مهم نظامی بابر، مهم‌ترین فتوحات و تأثیر این فتوحات در شکل‌گیری حکومت کورگانی هند، نقش بابر در توسعه زیرساخت‌های شهری، تأثیر هم‌زمان موفقیت‌های نظامی و عمرانی بابر، بررسی و تحلیل گردد. تحقیق هذا به روش توصیفی- تحلیلی با تکیه بر مطالعات کتاب‌خانه‌ای به بررسی دستاوردهای نظامی و عمرانی ظهیرالدین محمد بابر می‌پردازد.

الف) فعالیت‌های نظامی ظهیرالدین محمد بابر

بعد از وفات عمرشیخ میرزا پدر ظهیرالدین محمد بابر (چهارم رمضان ۸۹۹ هـ ق) امرای عمرشیخ میرزا، ظهیرالدین محمد بابر را در سن ۱۲ سالگی به جای او شناسیدند (غفاری فرد، ۱۳۷۶، ص. ۶۵). بابر پادشاه نوجوان فرغانه به مجرد این‌که بر اریکه شاهی نشست، با دسته‌ای از رقبای قوی و فیودالان ماوراءالنهر روبه‌رو گردید؛ ولی چون حسب عنعنات از طرف پدر و مادر به خانواده شاهی ارتباط داشت، بنابراین، با داشتن چنین نصب لایق مقام پادشاهی

شمرده می‌شد. وی با همکاری برخی از امرای دربار موفق شد، سمرقند را تصرف کند. حکمرانی بابر در سمرقند مدت صد روز دوام کرد و در آن جا برخی از سرداران لشکرش مانند ابراهیم بیگ، جان علی، سلطان احمد و غیره که در سمرقند به تاراج اموال مردم اجازه نداشتند، بر او شوریدند و برادر بابر جهانگیر میرزا را که منتظر چنین فرصت بود، به تسخیر اندیجان تشویق کردند. بابر چون اوضاع را پریشان دید، در سال ۱۹۴۷م از سمرقند به اندیجان حرکت کرد؛ ولی این شهر قبل از رسیدن بابر سقوط کرده بود (حبیبی، ۱۳۵۱، ص. ۷). بابر که پایتخت پدر خود اندیجان و سمرقند را از دست داده بود، به فکر تسخیر اندیجان و طلب کمک به تاشکند رفت و بعد از تاخت و تاز در فرغله به تسخیر لندیجان همت گماشت؛ تا این که در جون ۱۴۹۹م آن شهر را به تصرف خود درآورد. در سال ۱۵۰۰م تصمیم گرفت که با برادرش سمرقند را فتح نماید؛ ولی چون این شهر را قبلاً شیبانی خان تصرف نموده بود، در شهرکش توقف نمود (حبیبی، ۱۳۵۱، ص. ۸).

در سال ۱۵۰۰م با فراهم نمودن لشکر عظیم در سمرقند با لشکریان شیبانی خان داخل جنگ شد و شیبانی خان به پای حصار سمرقند رسید. مدت سه تا چهار ماه سمرقند در محاصره بود و در حوالی آن زدوخورد سپاهیان طرفین ادامه داشت. بحران اقتصادی نیز حکم‌فرما بود (حبیبی، ۱۳۸۹، ص. ۱۹). بابر در کتاب خود یعنی بابرنامه در این مورد چنین آورده است: «محاصره طولانی شد. از هیچ طرف کمک و امدادی نرسید. عساکر نا امید گردیده از ترس رو به فرار نهادند. شیبانی خان مجبوریت مردم قورغان را درک نموده، به ناحیه غار عاشقان رسید.» (بابر، ۱۳۸۷، ص. ۱۲۷). بنابراین، بابر در ۱۵۰۱م سمرقند را ترک کرده به تاشکند نزد سلطان محمود میرزا رفت. در این وقت تاشکند در دست سلطان محمود میرزا، اندیجان متعلق به سلطان احمد تنبل و سمرقند و بخارا مربوط شیبانی خان بود. بابر مدتی نزد سلطان محمود ماند و بعد از سپری شدن زمستان به کمک وی منطقه اوش فرغانه را گرفت. احمد تنبل از شیبانی خان کمک خواست و در جنگی که میان او و بابر رخ داد، بابر زخمی شد و به سوی اخشی عقب نشینی کرد؛ ولی شیبانی خان در سال ۱۵۰۳م با نیروی عظیم خود بابر و سلطان محمود میرزا را در ارچیان شکست داده، تاشکند را نیز تصرف کرد. سال ۱۵۰۴م ایام آوارگی و پریشانی بابر بود؛ زیرا حریف دلیر او شیبانی خان تمام ماوراءالنهر را اشغال کرده و بابر چون در این سرزمین جای و قرارگاهی برای خود نداشت، مدتی را در بین قبایل کوچی گذرانید؛ تا بدست دشمن نیافتد؛ ولی در این وضعیت نیز همت خود را از دست نداد و تصمیم گرفت که خود را به کابل برساند (حبیبی، ۱۳۵۱، ص. ۹-۱۰).

ب) فتوحات بابر در افغانستان

۱. لشکرکشی به کابل

بابر در حمله شیبانی خان به تاشکند زخمی شد و به ترمز فرار کرد. در سال ۱۵۰۱م از ترمز به جانب افغانستان حرکت نمود. این زمانی بود که دولت کوره گانی در حال فروپاشی بوده و بدیع الزمان میرزا در میمنه اقامت داشت. خسرو شاه یکی از امیران محلی در تخارستان حکومت می کرد. این شخص در قندوز از بابر استقبال و حمایت نمود؛ ولی بابر سپاه وی را که حدود ۸۰۰۰ نفر بود، به خود جلب کرد (غبار، ۱۳۶۶، ص. ۲۹۳) و خسرو شاه مجبور شد با چند تن از همراهانش به میمنه نزد بدیع الزمان میرزا برود. در این اثنا بابر با عساکر خسرو از قندوز به طرف کابل حرکت کرد (حبیبی، ۱۳۸۹، ص. ۲۱). کابل در این وقت تحت اداره محمد مقیم ارغونی قرار داشت. موصوف بدون مقاومت کابل را به ظهیرالدین محمد بابر تسلیم کرد و خودش به قندهار رفت (غبار، ۱۳۶۶، ص. ۲۹۳). بابر در اواخر ربیع الاول ۹۰۹ یا ۹۱۰هـ ق به طرف کابل حرکت کرد. محمد مقیم حکمران ارغونی کابل در شهر متحصن گردیده و به بابر وعده داد که در ظرف چند روز کابل را به او تسلیم نماید. بابر نیز وی را بخشید و اجازه داد؛ تا به قندهار برود به این گونه کابل بدست بابر افتاد و حکمران این دیار شد (حبیبی، ۱۳۸۹، ص. ۲۳). در سال ۹۱۱ هـ ق / ۱۵۰۶م غزنی، گردیز، کوهات، گومل، قلات و دره خیبر را تسخیر نموده، برادر خود جهانگیر میرزا را حکمران غزنی مقرر کرد (کارگر، ۱۳۸۳، ص. ۸۵).

بابر کابل را خیلی دوست داشت. در کتاب خود بابرنامه در وصف کابل چنین آورده است: « این ولایت طولاً از شرق به غرب واقع گردیده است. اطراف آن را کوهها در بر گرفته، قلعه آن به کوه ارتباط دارد. به طرف جنوب غرب قلعه، کوه کوچک تر قرار دارد. از این که شاه کابل در قلعه این کوه عمارتی داشت، به این سبب این کوه را شاه کابل می گفتند. در بین خراسان و هندوستان از طریق خشکه دو بندر وجود دارد. یکی کابل و دیگری قندهار. کاروان تجارتی از قندهار، فرغانه، ترکستان، سمرقند، بخارا، بلخ و بدخشان به کابل می آید. کاروان خراسان به قندهار می رود.» (بابر، ۱۳۸۷، ص. ۱۷۵-۱۷۷).

۲. بابر در هرات

ظهیرالدین محمد بابر در سال ۹۱۲ هـ ق / ۱۵۰۶م به منظور کمک به سلطان حسین بایقرا در برابر تهدیدهای شیبانی خان از کابل به آن شهر حرکت نمود. چون سلطان حسین حمله شیبانی خان را به هرات حتمی می دانست، به منظور مقابله با این دشمن از بابر کمک خواسته بود. در این وقت سلطان حسین بایقرا در سی و هفتمین سال سلطنت خود قرار داشته و

سلطنت او در حال فروپاشی بود. از جانب دیگر خسروشاه و ارغونی‌ها نیز در قندوز، بلخ و قندهار از اطاعت سلطان حسین برآمده و آمادگی شورش را داشتند (کارگر، ۱۳۸۷، ص. ۲۷۷). بابر به هرات آمد؛ ولی چون دید که اراده فرزندان سلطان حسین ضعیف است و هر دو پسر وی (بدیع‌الزمان و مظفر) که بر یک مسند نشسته و به اتفاق حکمرانی می‌نمایند، به عیاشی مصروف بوده و کاری از آن‌ها ساخته نیست، پس به کابل مراجعت نمود. در این سفر دربار هرات آثار مدنی و عمرانی آن شهر زیبا بابر را متعجب ساخت (خلیلی، ۱۳۸۵، ص. ۱۱).

بابر از دیدن اوضاع آشفته‌ای دربار تیموریان سخت متأثر شد. به این دلیل که جای پدران مقتدر را پسران نا اهل و ضعیف گرفته بودند. وی تقریباً بیست روز در هرات ماند و تمام وقت خود را به تماشای آبادات این شهر زیبا صرف کرد. بابر با علاقه خاصی که به آبادی، عمران، شعر، ادب، فلسفه و علوم داشت، در هرات پایتخت زیبا و باشکوه تیموریان، خود را در محیطی مشاهده می‌کرد که از در و دیوار تا کتب و آثار آن قریحه و ابتکار فرزندان این خاک جلوه‌گری داشت. خلاصه بابر در حالی که از دیدن فعالیت‌های عمرانی و هنری عصر درخشان تیموریان هرات غرق حیرت بود، از هرج و مرج در بار و بی‌کفایتی فرزندان آن سخت اندوهگین و نگران گردیده به کابل مراجعت کرد (کارگر، ۱۳۸۷، ص. ۲۷۸-۲۷۹).

۳. فتح قندهار

در سال ۱۵۰۷م نیروهای شیبانی خان با عبور از مرغاب به هرات رسیده و از آن‌جا تا فراه و گرم‌سیر پیشرفته بود. شاه بیگ و محمد مقیم پسران ذوالنون ارغون که حکمران آن زمان بودند، از یک طرف به شیبانی خان اظهار انقیاد نموده سکه و خطبه را بفرستادند و قول کرده بودند، از طرف دیگر پیامی به بابر فرستادند که به قندهار آمده و در مقابل شیبانی خان به آن‌ها همکاری نماید (حبیبی، ۱۳۸۹، ص. ۲۷). پیشرفت قوای شیبانی از هرات به فراه و سیستان برای بابر خطر بزرگی بود؛ زیرا همین شخص (شیبانی) او را از ماوراءالنهر بیرون کرده بود. بنابراین، بابر از راه غزنه و قلات متوجه قندهار و زمينداور گردید (حبیبی، ۱۳۵۱، ص. ۱۴).

زمانی که بابر در امور کابل مشغول بود، قوای شیبانی خان هرات و سیستان را تا قندهار و ولایات شمالی را از میمنه تا بلخ و بدخشان بدست آورده بود؛ ولی مردم بدخشان که در کوهسار ان این دیار به آزادی زندگی می‌کردند، به دور امرای محلی جمع گردیده و دست شیبانی خان را از این منطقه کوتاه ساختند. یکی از این آزادی‌خواهان بومی بدخشان زبیر شبان نام داشت که بدخشان را از دست قوای شیبانی خان و بابر نجات داده بود. وی شخص

دلآوری بود که بسیاری از مردم بدخشان را به دور هم جمع نموده یک حرکت ملی را به وجود آورده بود. بابر چون اوضاع را چنین دید، در سال ۱۵۰۹م خان میرزا پسر کاکای خود را که از طرف مادر با شاهان بدخشان قرابت داشت، از کابل به طرف بدخشان فرستاد؛ ولی موصوف شکست خورده به نیروی زبیر شبان پیوست. در این وقت یوسف علی یکی از عساکر خان میرزا برای از بین بردن زبیر دسیسه ساخت و او را از بین برد و خان میرزا حکمران بدخشان تعیین گردید. به این ترتیب بابر با کمک خان میرزا بدخشان را بدست آورد (حبیبی، ۱۳۵۱، ص. ۱۷). در سال ۱۵۱۰م در خراسان واقعه‌ای رخ داد که برای بابر اهمیت داشت. چون شیبانی خان از ماوراءالنهر به بلخ، هرات و قندهار حمله نموده بدیع‌الزمان میرزا و شهزادگان دیگر تیموری هرات را مغلوب کرد، این اوضاع باعث تشویش شاه اسماعیل صفوی پادشاه فارس گردید. شاه اسماعیل در اواسط همان سال متوجه خراسان گردیده و به مرو رسید. شیبانی خان حصار مرو را مستحکم ساخته با نیروی عظیمی به لشکریان صفوی حمله کرد و در جنگ بزرگی که در قسمت مرو به وقوع پیوست، شیبانی خان با ۱۰۰۰۰ نیروی اوزبیک کشته شده و هزار نفر آن‌ها بدست فارسیان اسیر گردیدند. به این ترتیب رقیب بزرگ بابر از جانب قوای صفوی از بین رفت (حبیبی، ۱۳۵۱، ص. ۱۸).

ج) لشکرکشی بابر به هندوستان

بابر مدت‌ها سرگرم مبارزه و کشمکش با شاهزادگان تیموری بوده و سرانجام در سال ۹۰۶هـ ق با استفاده از فرصت سمرقند را به تصرف خود در آورد؛ لیکن با حملات محمد خان شیبانی فرمانروای اوزبیکان از حکمرانی سمرقند و ماوراءالنهر مأیوس و منصرف شد و در سال ۹۰۹هـ ق کابل را بدست آورد. بعد از دو سال برای فتح هندوستان که آرزوی دیرینه‌اش بود، حمله نمود (جلالی نایینی، ۱۳۷۵، ص. ۱۰۵).

بابر در سال ۹۲۵هـ ق / ۱۵۱۹م به هند لشکرکشی نمود. از دریای آمو تا قندهار هیچ رقیبی را در مقابل خود ندید. بنابراین، به تسخیر هندوستان همت گماشت (حبیبی، ۱۳۵۱، ص. ۲۰). در این وقت سلطان ابراهیم لودی در هند حکومت می‌کرد. در زمان وی هند آرامش قبلی را که در دوره هفتاد ساله لودی‌ها داشت، از دست داده و در بین امرا و نظامیان خاندان لودیان اختلافات درونی ظهور نموده بود. سلطان ابراهیم لودی شخص خودخواه و مستبد بود. در این زمان از یک طرف نارضایتی مردم از دولت بیشتر گردیده و از جانب دیگر آتش نفاق در بین سران و امرای سلطنت شعله‌ور گردیده بود. تا جایی که علاءالدین کاکای سلطان ابراهیم لودی برضد برادرزاده‌ی خود قرار گرفته بود. بابر با استفاده از این وضعیت تصمیم گرفت که به هند حمله نماید. دولت خان لودی والی پنجاب نیز بابر را به تسخیر هند تشویق می‌نمود.

وقتی که ارتش بابر به سیالکوت رسید، حاکم این شهر بدون مقاومت به نیروی بابر پیوست و به اتفاق غازی خان پسر دولت خان به دهلی حمله نمودند. استبداد سلطان ابراهیم لودی تا حدی بود که ۲۳ نفر از امرای پدر خود را که همه شخصیت‌های با نفوذ بودند، از بین برد. این عوامل زمینه تسخیر هند را برای بابر میسر ساخت (کارگر، ۱۳۸۷، ص. ۲۸۷). ظهیرالدین محمد بابر پنج بار به هند لشکرکشی نموده و بالاخره در لشکرکشی پنجم موفق شد که دهلی را فتح نموده و تشکیل دولت نماید.

۱. لشکرکشی اول

نخستین لشکرکشی بابر در اول محرم ۹۲۵ هـ ق / ۳ جنوری ۱۵۱۹ از طریق کنر به سوی باجور صورت گرفت. قلعه باجور در این وقت مرکز حکمرانی یکی از امرای محلی قبیله دالازاک افغان بود که بابر او را سلطان باجور می‌خواند. بابر یکی از امرای محلی را نزد سلطان باجور فرستاد؛ تا اظهار اطاعت نماید؛ اما سلطان مذکور این فرمان را نپذیرفت و بابر به جنگ اقدام نمود و در این جنگ سه هزار نفر به قتل رسیده و حکمرانی باجور به یکی از امرای بابر به نام خواجه کلان سپرده شد (حبیبی، ۱۳۵۱، ص. ۲۱).

۲. لشکرکشی دوم

در دومین لشکرکشی بابر از طریق اتک گذشت (کارگر، ۱۳۸۷، ص. ۲۸۶)؛ چون یوسفزاییان و قبایل پشاور به وی اطاعت نداشتند، بنابراین، بابر از راه خیبر به هشنغر حرکت کرد. چون موسی و سران دالازاک به بابر گفته بودند که در هشنغر غله‌جات و نفوس زیاد است؛ اما زمانی که بابر به هشنغر رسید، آن‌چه که در مورد غله‌جات آن جا شنیده بود، چیزی وجود نداشت. بناءً کمبود غله‌جات در هشنغر و هم رسیدن خبر بازگشت یکی از امرای کاشغر به کابل که سلطان سعید خان نام داشت و پسر مامای بابر نیز بود، وی را از حرکت به طرف دریای سند منصرف نمود و هم درگیری افراد خدرخیل با بابر علت دیگری بود که از درگیر شدن با اهالی هشنغر صرف نظر نماید. بنابراین، میرزا محمد سلطان اوپس را با چهارهزار سوار به پنجاب فرستاد و خودش از راه خیبر، ننگرهار و گندمک به کابل برگشت (کارگر، ۱۳۸۳، ص. ۲۱).

۳. لشکرکشی سوم

به تاریخ ۹۲۶ هـ ق / ۱۵۱۹م سومین لشکرکشی بابر به سوی پنجاب صورت گرفت. در این لشکرکشی بابر سیالکوت را با سی هزار اسیر بدست آورد و بعد از آن به کابل برگشت. در این وقت دولت لودی‌ها در هندوستان رو به انحطاط نهاده و آتش نفاق داخلی روشن شده بود. با

استفاده از اوضاع داخلی دولت خان لودی والی پنجاب نیز بابر را به تسخیر هند و سقوط دولت دهلی تشویق می‌کرد (غبار، ۱۳۶۶، ص. ۲۹۴).

۴. لشکرکشی چهارم

ظهیرالدین محمد بابر در سال ۹۳۰ هـ — ق/ ۱۵۲۴م طی چهارمین لشکرکشی از دریای سند عبور نموده به لاهور حمله کرد. در قسمت لاهور بهادر خان، مبارک خان لودی و بکمن خان با بابر داخل نبر شدند؛ ولی اختلافات درونی امرای شان باعث ضعف و شکست آن‌ها گردید و بابر به تسخیر لاهور موفق شد. بعد از چند روز سیالکوت و دیپالپور را نیز به تصرف خود در آورد (حبیبی، ۱۳۵۱، ص. ۲۳).

۵. لشکرکشی پنجم

در سال ۱۵۲۵م بابر از کابل، بدخشان و قندهار سپاه بزرگی را در حدود ۳۱ هزار نفر تدارک داد و ضربه بزرگی به دهلی وارد کرد. ابراهیم‌شاه لودی در میدان پانیپت با مدافعین خود یک‌جا کشته شده و خطبه شاهی به نام ظهیرالدین محمد بابر خوانده شد. از این به بعد بابر پادشاه کابل و شهنشاه هندوستان گردید (غبار، ۱۳۶۶، ص. ۲۹۵).

د) عمرانات بابر در افغانستان

ظهیرالدین محمد بابر به اعمار ساختمان‌ها و باغ‌ها توجه و سلیقه خاصی داشت. این بناها بیشتر در کابل و نواحی آن اعمار گردیده بود که قرار ذیل معرفی می‌گردد:

۱. باغ بابر

باغ بابر یکی از باغ‌های تاریخی شهر کابل بوده در منطقه گذرگاه کابل در دامنه غربی کوه شیر دروازه واقع شده و چشم‌انداز قشنگی به سوی شهر دارد. این باغ بعد از تصرف کابل توسط ظهیرالدین محمد بابر بنا گردیده و به باغ بابر مسمی شد. باغ بابر در بین سال‌های ۱۵۰۴-۱۵۲۶م آباد گردیده است. در آن زمان کابل به حیث پایتخت شهنشاهی بابر شناخته می‌شد؛ اما احاطه دیوار این باغ توسط جلال‌الدین اکبر نواسه بابر به طور پخسه‌ای اعمار گردید. مرقد بابر نیز در همین باغ قرار دارد. باغ بابر یک مکان تاریخی بوده و به دلیل وجود اماکن تاریخی آن گسترش یافته است. این اماکن عبارت‌اند از کاروان سرا، آرامگاه بابر، قصر ملکه، مسجد شاه جهان و حمام می‌باشد (هروی، ۱۳۹۷). نظر به علاقه که بابر به این باغ داشت، وصیت نموده بود که جسد وی را در همین باغ بدون این‌که بالای مرقدش گنبد و عماراتی بسازند، دفن کنند (صبح، ۲۰۱۶، ص. ۵). به اساس این وصیت بی‌بی مبارکه خانم افغانی او بعد از ده سال با

پسرش همایون جسد بابر را از آگره به کابل انتقال داده و در باغ بابر دفن نمودند (نواندیش، ۱۳۹۶).



شکل ۱. نمایی از باغ بابر در کابل (هروی، ۱۳۹۷)

۲. باغ استالف

این باغ را اولوغ بیگ بن ابوسعید از مردم گرفته بود؛ اما بابر قیمت آن را پرداخته به بازسازی آن اقدام نمود. در خواجه سیاران و ارغوان‌زار آن محل صفه دایروی شکل ساخته و از آب چشمه‌سارهای آن جوی‌ها کشید. تاریخ احداث این باغ در ۹۲۵ هـ ق گفته شده است (کارگر، ۱۳۸۷، ص. ۲۹۶).

۳. باغ صفای ننگرهار

در عصر بابر باغی به این نام در ولایت ننگرهار در نزدیکی بهسود بنا شده بود که تا عهد شاه جهان هم شهرت داشت. این باغ در ولایت ننگرهار در مسیر شاهراه کابل موقعیت داشته و در زمان بابر آباد گردیده است. اکنون هم در سرخ رود ننگرهار قریه‌ای به نام باغ صفا وجود دارد که مربوط به دوره بابر می‌باشد و چهار باغ صفا هم در آن حدود واقع بوده است؛ چون در راه کابل ننگرهار واقع بود، بابر همیشه به این باغ می‌آمد. هنگامی که بابر در آخرین جنگ خود برای فتح هندوستان می‌رفت، در این باغ اقامت گزیده بود. همچنان در ایالت پنجاب در قسمت بهیره میان کوه جود در کنار یک چشمه‌سار نیز از طرف بابر باغی به همین نام بنا گردیده بود که جای قابل دید و خوش هوا و با صفا بوده است (حبیبی، ۱۳۵۱، ص. ۱۱۱).

۴. باغ وفای ننگرهار

این باغ در سال ۹۱۴ هـ ق / ۱۵۰۸ م در نزدیک قلعه آدینه‌پور اعمار گردیده است. بابر به این باغ جاده‌ها و حوض‌ها ساخته بود. این باغ در دامنه سپین‌غر موقعیت داشته و از باغ‌های مشهور زمان بابر بوده است (کارگر، ۱۳۸۷، ص. ۲۹۷).

۵. چهل‌زینۀ قندهار

بر فراز کوه سرپوزه طرف غرب شهر قندهار طاق سنگی در کوه تراشیده شده‌ای مردم آن جا را چهل‌زینۀ می‌گویند. محمد معصوم آن را عمارت پیش‌طاق نامیده و می‌گوید: «به هدایت بابر پادشاه در کوهی که موسوم به سرپوزه است، از سنگ بریده‌اند و آن طاقی است در غایت ارتفاع و در مدت نه سال هشتاد نفر سنگ‌تراش هر روز در آن جا کار کرده به اتمام رسانیده‌اند». در طاق چهل‌زینۀ کتاب‌هایی به خط زیبای نستعلیق حک شده و به طرف غرب دیوار نوشته اند که: «به تاریخ ۱۳ شوال سال ۹۲۸هـ ق محمد بابر پادشاه فتح قندهار نمود و در همین سال به اعمار این بنا امر کرد». این بنا دارای ۴۲ زینۀ سنگی بوده که سنگ‌ها به شکل طبیعی و مناسب ساخته شده‌اند. در بالای کوه اتاق مناسب و مسطح بنا گردیده است. در ساختن چهل‌زینۀ محمد کامران بهادر فرزند بابر نیز سهم داشته است. در قسمت‌های داخلی این اتاق و ایوان آن تاریخچۀ فتوحات بابر حک شده است. در سال ۱۰۰۷هـ ق / ۱۵۹۸م کتیبه دیگری به نام جلال‌الدین اکبر و فرزندان وی شاه سلیم، شاه مراد و دانیال نیز بر آن حک شده است (حبیبی، ۱۳۵۱، ص. ۱۱۳).



شکل ۲. نمایی از چهل‌زینۀ قندهار، طاق و کتیبه آن (پایگاه تخصصی تحلیلی جامعۀ فرهنگ ملل، ۱۴۰۳)

در فضای داخلی چهل‌زینه سنگ نوشته‌ای به خط فارسی وجود دارد. روی این سنگ تاریخ ساخت آن نوشته شده است. به روی طاق چهل‌زینه نیز نوشته‌هایی به خط نستعلیق دیده می‌شود (پایگاه تخصصی تحلیلی جامعه و فرهنگ ملل، ۱۴۰۳).

همچنان از بناهای دیگر بابر می‌توانیم از باغ استالیف در شهر کابل، باغ نوروزی، بوستان سرای، چهار باغ بهشت، باغ بنفشه، باغ نور، باغ خلوت، باغ صورت‌خانه، باغ شهرآرا، جلوخانه، اورته باغ، باغ صورت، باغ مهتاب، باغ پغمان و ترمیم بالاحصار نام ببریم (کارگر، ۱۳۸۳، ص. ۴۹).

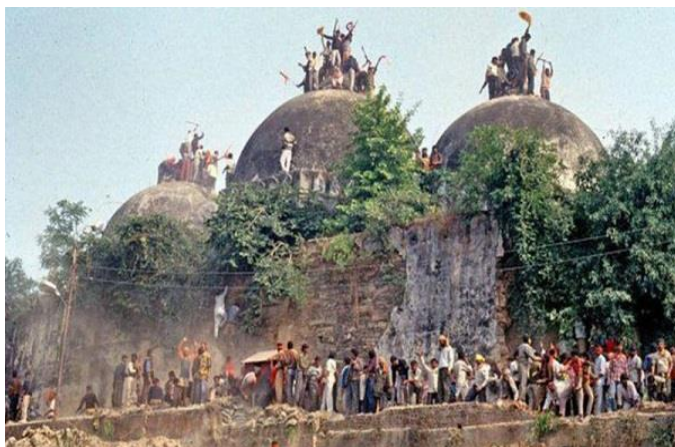
ه) عمرانات بابر در هندوستان

هندوستان قبل از بابر سابقه‌ای بسیار روشنی در فن معماری داشت. در آن‌جا در عصر سلاطین دهلی و پادشاهان افغانی سبک‌های معماری اسلامی با هندی ترکیب گردیده و مخصوصاً در عهد خلجی‌ها و لودی‌ها بناهای عظیمی به این سبک به وجود آمده بود. بابر که علاقه فراوانی به عمرانات داشت، در زمان حیات خود در هند دست به کار برده و در آگره بنایی ساخت که تنها ۶۸۰ نفر سنگ‌تراش در آن کار می‌کردند. در شهرهای دیگر، هر روز یک و نیم هزار نفر سنگ‌تراش برای ابنیه جدید بابر سنگ می‌تراشیدند. قبل از بابر هنر معماری در هند سابقه درخشانی داشته است. معماری دوره بابر در هندوستان مخلوطی از سبک معماری اسلامی و هندی بوده است (حبیبی، ۱۳۵۱، ص. ۱۱۶).

۱. مسجد بابری

مسجد بابری به سبب موقعیت خاص مذهبی آن همواره موضوع اختلاف میان مسلمانان و هندوها بوده و هندوها به این باور بودند که این مسجد به روی خرابه‌های معبد راما ساخته شده است. اختلاف نظر بین هندوها و مسلمانان بر سر جای این مسجد سال‌ها ادامه داشته و ساختمان آن نیز بارها تخریب و دوباره ساخته شده است (صبح، ۲۰۱۶، ص. ۴). هندوها ادعا می‌کنند که این منطقه محل تولد رام از خدایان هندو بوده؛ ولی مسلمانان می‌گویند که این مکان از مسجد بابری بوده است که ظهیرالدین محمد بابر آن را در قرن ۱۶م ساخته است. هندوها معتقداند که مسجد بابری با تخریب معبد رام ساخته شده است. در سال ۱۹۹۰ این مسجد از سوی هندوها آسیب دیده و خشونت‌هایی را نیز در پی داشته است؛ اما این تنش‌ها در سال ۱۹۹۲ به اوج رسیده و منجر به شورش‌های گسترده شد و جان بیش از ۲۰۰۰ نفر را گرفت. شورش‌کنندگان بعد از غلبه بر نیروهای امنیتی به تخریب مسجد آغاز کردند. در سال ۲۰۱۹ دادگاهی متشکل از پنج قاضی به ریاست رنجان گوگوی تشکیل شد؛ تا پرونده زمین

مورد اختلاف را بررسی کند. در تاریخ ۹ نوامبر ۲۰۱۹ دادگاه یک حکم تاریخی صادر و راه را برای ساخت معبد رام به جای این مسجد هموار کرد و زمین دیگری برای ساخت مسجد در اختیار مسلمانان قرار داده شد (خبرگزاری بین‌المللی اشنا، ۱۳۹۹). این مسجد دارای کتیبه فارسی بوده که تاریخ بنای آن را نشان می‌دهد. برعلاوه مسجد یاد شده، دو مسجد دیگر به فرمان بابر بنا گردیده بود که هر دو به مسجد بابری شهرت دارد. یکی بابری مسجد در کابلی باغ پانی‌پت و دیگری در نزدیکی باغ زرافشان آگره می‌باشد (صبح، ۲۰۱۶، ص. ۴).



شکل ۳. نمایی از شورش هندوها و مسلمان‌ها در مسجد بابری (خبرگزاری بین‌المللی اشنا، ۱۳۹۹)

۲. سایر بناهای عصر بابر در هند

چهار باغ آگره، چاه آب، حمام، حوض سنگ مرمر سفید، تالار و باغچه خلوت‌خانه، ایوان کلان داخل قلعه آگره و عمارت سه طبقه‌ای، سه ایوان، یک مسجد سنگی و سه گنبد؛ بنای باغ نیلوفر و حمام در دهلوپور، بنای باغ زرافشان، بنای زهره باغ، رام باغ و هشت بهشت در آگره. از این بناها اکنون در هند چند بنای کوچک باقی مانده است که قرار ذیل می‌باشد: مسجد یادگار در باغ کابلی پانی‌پت بنای سال ۱۵۲۶م، مسجد جامع در سنبهل بنای سال ۱۵۲۶م، مسجد جامع روهیل کهند، مسجد داخل قلعه کهنه لودی‌ها در آگره به سبک معماری هندی می‌باشد. ساختمان این باغ‌ها به وسیله بابر طرح‌ریزی گردیده بود (حبیبی، ۱۳۵۱، ص. ۱۱۸).

و) وفات بابر

بابر در یکی از سفرهای جنگی هندوستان بیمار گردید. مریضی وی چنان طولانی شده بود که از دهنش خون می‌آمد. در سال ۹۳۴هـ ق به ملاریا مصاب شده و در طول عمر خود به چندین مرض دیگر نیز مبتلا گردیده بود. در روزهای اخیر اقامتش در هند به مرض آبله نیز مصاب

شده بود. از بیماری‌های دیگر او قضیه خوردن زهر می‌باشد که مادر سلطان ابراهیم لودی این کار را انجام داده بود (خلیلی، ۱۳۸۵، ص. ۲۵). بابر به تاریخ ششم جمادی‌الاول ۹۳۷هـ. ق. مطابق ۱۵۳۰م به عمر ۴۹ سالگی در آگره درگذشت. او ۳۸ سال حکومت نمود. ۳۳ سال در ماوراءالنهر، بدخشان، کابل و ۵ سال در هندوستان. از این که بابر کابل را زیاد دوست داشت وصیت نموده بود که بعد از مرگش جسد وی را در این شهر دفن نمایند (علی شاه رضوی، ۱۳۸۷، ص. ۷۸). نعش بابر تا سال ۹۴۷هـ. ق. / ۱۵۴۰م که همایون در هند پادشاه بود، در همین جا مدفون بود. چون در رجب همین سال همایون از شیرشاه شکست خورد بی‌بی مبارکه یوسفزی خانم بابر بقایای هیکل او را به کابل انتقال داد (حبیبی، ۱۳۵۱، ص. ۱۵۴) و مطابق وصیتش در باغ بابر به خاک سپردند (جاوید، ۱۳۹۱، ص. ۸۵). بعد از وفات بابر همایون به تخت سلطنت نشست. او در این وقت ۲۴ ساله بود (کارگر، ۱۳۸۷، ص. ۳۰۶).

نتیجه‌گیری

ظهیرالدین محمد بابر توانست با استراتیژی قوی نظامی فتوحات خود را دنبال نموده، نظام اداری قوی و امپراتوری قدرت‌مندی را در سرزمین پهناور هند اساس‌گذاری نماید. مهارت‌های نظامی و دیپلماتیک او نه تنها سبب پیروزی‌های بزرگ او گردید؛ بلکه برای جانشینانش الگوی خوبی قرار داده شد. فتوحات پی در پی او با تکیه بر استراتیژی‌های نظامی دقیق و رهبری قوی زمینه‌ساز شکل‌گیری یک دولت منسجم و قدرت‌مند در سرزمین هند گردید. در کنار این دستاوردها بابر در عرصه عمرانی نیز با اعمار بناهایی چون باغ‌ها و کاخ‌ها الگویی از توسعه شهری را به جا گذاشت. معماری اسلامی دوره بابر تأثیر بزرگی بر معماری هند گذاشت. این تأثیرات در ساخت بناهای مختلف از جمله مساجد، مقبره‌ها و کاخ‌ها به خوبی نمایان گردیده است. یکی از تأثیرات هنر معماری اسلامی دوره بابر استفاده از کاشی‌کاری‌های رنگی و موزایک‌های زیبا بوده که در معماری هند تأثیر انداخته بود. اقدامات عمرانی بابر نشان‌دهنده آن است که او علاوه بر مهارت‌های نظامی به توسعه و آبادی سرزمین‌های تحت حاکمیت خود توجه خاصی داشت که می‌توانیم از ایجاد شهرها، بهبود زیرساخت‌های اقتصادی، توجه به اعمار بناها و ساختمان‌ها در مناطق مفتوحه یادآور شویم. در نهایت بابر با توجه بر توانمندی‌هایش در دو حوزه نظامی و عمرانی تأثیرگذارترین حاکم هند به شمار رفته و یاد او تا هنوز در تاریخ هند و دنیای اسلام باقی مانده است.

منابع و مآخذ

- ارسکین، ویلیام. (۱۳۸۵). *بازرگان و بابر*. ترجمه ذبیح‌الله منصوری، تهران: زرین.
- بابر، ظهیرالدین محمد. (۱۳۸۷). *بابرنامه*. مزارشریف: بنیاد فرهنگی میرزا اولوغ‌بیگ.
- پایگاه تخصصی تحلیلی جامعه و فرهنگ ملل. (۱۴۰۳). *چهل‌زینۀ قندهار پله‌هایی در دل تاریخ*. (آخرین بازدید ۱۴۰۳/۱۰/۱۱). قابل دسترس در: <https://tinyurl.com/bdcs5rfb>
- جاوید، عبدالاحمد. (۱۳۹۱). *کابل در آیینۀ تاریخ*. کابل: شاروالی.
- جلالی نایینی، سید محمد رضا. (۱۳۷۵). *هند در یک نگاه*. تهران: شیرازه.
- حبیبی، عبدالحی. (۱۳۸۹). *تاریخ افغانستان در عصر کورگانیان*. کابل: ریاست اطلاعات و فرهنگ.
- حبیبی، عبدالحی. (۱۳۵۱). *ظهیرالدین محمد بابر شاه*. کابل: میوند.
- خبرگزاری بین‌المللی اقنا. (۱۳۹۹). *تخریب مسجد بابری نماد خشونت و نفرت‌پراگندگی در بزرگ‌ترین دموکراسی جهان*. (آخرین بازدید ۱۴۰۳/۱۰/۹). قابل دسترس در: <https://tinyurl.com/4wpype6b>
- خلیلی، خلیل الله. (۱۳۸۵). *آرامگاه بابر*. کابل: مطبعه بهیر.
- صباح، بصیر. (۲۰۱۶). *چهره‌های تاریخی ظهیرالدین محمد بابر*. افغانستان: آریانا.
- علی‌شاه رضوی، هدایت. (۱۳۸۷). *تاریخ سیاسی، اجتماعی بابریان هندوستان*. مجله سخن تاریخ، شماره ۳.
- غبار، میر غلام محمد. (۱۳۶۶). *افغانستان در مسیر تاریخ*. کابل: مرکز نشر انقلاب با همکاری جمهوری اسلامی ایران.
- غفاری فرد، عباس قلی. (۱۳۷۶). *روابط صفویه و اوزبیکان (۹۱۳-۱۰۳۱ هـ.ق)*. تهران: مؤسسه وزارت امور خارجه.
- کارگر، عبدالله. (۱۳۸۷). *تیموریان هرات و بابریان هند*. پشاور: الازهر.
- کارگر، عبدالله. (۱۳۸۳). *شهنشاه سخن‌ور*. پشاور: قصه خوانی.
- نواندیش، الیاس. (۱۳۹۶). *باغ بابر یادگار پنج صد ساله‌ی کابلستان*. شماره، ۱۲۷۹. <https://tinyurl.com/3pxe5mr>
- هروی، سلطانی. (۱۳۹۷). *باغ بابر افغانستان/ تفریحگاه زیبای کابل*. <https://tinyurl.com/5aff3knh>

اۋزبېک تېلی نینگ تورکي تېلر آره سیده توتگن اۋرنی

نور الله آلتای

پوهنوال، اوزبېک تېلی و ادبیاتی بولیمی، اجتماعی بیلیملر بیلیم اوی، جوزجان بیلیم یورتی، شبرغان، افغانستان.

<https://orcid.org/0009-0008-8413-4247> - noorullah.altay@ju.edu.af

<https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2024.44>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۲/۲۱)

قیسقرتمه

اوشبو مقاله ده افغانستان اۋزبېک ضیالیرلی تامانیدن اجتماعی ترمالرده بیلیم - بیلیمسدن «بیز اۋزبېک اېمسمیز - تورکميز، تېلیمیز اۋزبېک تېلی اېمس، تورک تېلی دیر» قیلیده گی فکرلر نینگ اۋرتیه گه تشلینشی حاضرگی کونده هم علمی، هم عملی تامانندن خطا و ناممکن اېکن لیگی تورلی معتبر ادبیاتلرگه سوبه نیلگن حالده تحلیل قیلیندی. تاریخی نقطه نظر دن حاضرگی تورکي خلقلر نینگ مشترک تېلی بولگن قدیمگی تورکي ادبی تیل حاضرگی کونده اولیک تیل حسابلنگن لیگی و بولگونگی کونده اۋتیزگه یقین تورکي تیللر اۋچون آنه تیل بولگن لیگی، شونینگدېک، اۋزبېک اتمه سی نینگ اۋزبېک خلقی و اۋزبېک تیلیگه قېچان و قنده ی نسبت بېریلگن لیگی، تاریخی جهتن اۋزبېک تیلی و اۋزبېک خلقی قیسی ناملر اتلگن لیگی و اونینگ سبیلری، همده اۋزبېک تیلی «تورک تیلی» نینگ لهجه یاکه شېوه سی اېمس، بلکه اۋن اۋچینچی میلادی عصر نینگ اېکینچی یرمیدن باشلې مستقل تیل صفتیده شکلنه باشلگن لیگی و حاضرگی کونده اۋزبېکستان جمهوریتی نینگ رسمی دولت تیلی و اېلیک میلیونگه یقین اۋزبېک خلقی نینگ، دنیانینگ قی بیر بیریده یشمه سین، ملی تیلی اېکن لیگی تاریخی یازمه یادگارلیکلر، اۋزبېک ادبی تیلی تاریخی، اۋزبېک تیلی نینگ تاریخی گرامری، اۋزبېک ادبیاتی تاریخی و تورکي تیللر نینگ قیاسی گرامری کبی ادبیاتلرگه اساسلنگن حالده اثباتلشگه حرکتی قیلیندی و کوتیلگن نتیجه گه اېریشیلدی.

کلیت سۆزلر: ادبی تیل، اۋزبېک تیلی، اېسکی اۋزبېک ادبی تیلی، تورکي تیللر، حاضرگی اۋزبېک ادبی تیلی، قدیمگی تورکي ادبی تیل.

The Status of Uzbek Language Within Turkic Languages

Noorullah ALTAY

Associate Prof. Department of Uzbek Language and Literature, Faculty of Social Science, Jawzjan University, Sheberghan, Afghanistan.

noorullah.alty@ju.edu.af - <https://orcid.org/0009-0008-8413-4247>

<https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2024.44>

(Received: 15/04/2025 - Accepted: 11/05/2025)

Abstract

This paper critically investigated the recent dissemination of narratives among Afghan-Uzbek intellectuals across social media platforms, wherein assertions are either through misinterpretation or deliberately made that "We are not Uzbek, but Turk; our language is not Uzbek, but Turkish." Drawing upon a wide range of authoritative philological and historical sources. This study contends that such claims are fundamentally flawed from both theoretical and empirical standpoints. From a diachronic linguistic perspective, it is demonstrated that the Old Turkic literary language, once the common linguistic medium among early Turkic-speaking populations has long ceased to function as a living language and nearly thirty distinct Turkic languages have evolved as each exhibiting independent phonological, morphological, and syntactic systems. The research further substantiates that the Uzbek language is not a regional dialect or a sub-branch of another Turkic language rather, it has developed as an autonomous language since the second half of the 13th century. In contemporary times, Uzbek holds the status of the official state language of the Republic of Uzbekistan and is recognized as the national language of Uzbeks globally. The arguments presented herein are anchored in the analysis of historical written monuments, the diachronic development of the Uzbek literary language, historical Uzbek grammar, and comparative studies within Turkic linguistics. The findings reinforce the position of Uzbek as a distinct fully independent member of the Turkic language family.

Keywords: *Literary language, modern Uzbek literary language, Old Turkic literary language, Old Uzbek language, Turkic languages.*

كېرىش

سۋىنگى چاغلارده ايرىم علمى-مدنى يىغىنلارده، شونىنگدېك، اجتماعى ترماقلارده اۋزبېك ياشلىرى آره سیده «بىز اۋزبېك اېمسمىز - توركمىز، تىلىمىز اۋزبېك تىلى اېمس، تورك تىلى دىر، دشمنلر تحقىرلش اوچون بىزنى اۋزبېك دېپ اتشگن»، دېپ اۋزبېكلىكدن بېزىب، توركلىكدن پناه اىزلىش و اۋزبېكلىكلرىدن خجالت حسىنى تويىش حاللىرى تېز-تېز كۈزگە چىلىندىگن بۇلىپ قالدى. تۇغرى، بو سۋز تارىخى جھتدن حاضركى كوندە دىنيانىنگ تورلى جغرافىي حدودلارده يىشب كېلەياتگن ۳۰گە يقىن توركي خلقلارنىنگ عمومى نامى بۇلگن. بلكە بوندن مىنگ يىل آلدىن، حاضركى كوندە، هم فۇنېتىك، هم گرامماتىك، هم لېكسىك جھتدن بىر-بىرىدن فرق قىلووچى تورلى توركي تىللر نمايندەلرى يگانە تىلدە، حاضىر اۋلىك تىل حسابلىنگن تورك تىلىدە، سۋزلىشگنلر. لېكن بو كۈنگە كېلىپ، بىر-بىرىگە قىنداش بۇلگن بو خلقلارنىنگ تىللارده هم، مدنىتلارده هم، عرف-عادتلارده هم، حتا يوز توزىلىشلارده هم كتە فرقلىر وجودگە كېلگن. بونى تىل شناسلىك و توركي شناسلىك علملىرى هم تصدىقلەيدى. چونكە بىر ملت بۇلىش - تىل بىرلىگى، حدود بىرلىگى، اقتصادى بىرلىك و روحي بىرلىكنى طلب قىلەدى. شوندهى اېكن، دىنا توركي خلقلارنى بىر تىل، بىر بىراق آستىگە يىغىش ناممكىنلرنىنگ ناممكىنى دىر. چونكە بوندن سىگىز يوز يىل مۇقۇم يگانە تىلدە سۋزلىشگن تورك ملتى اوزاق تارىخى جريان نتيجه سیده ۳۰گە يقىن كتە-كىچىك ملت-اېلتلرگە بۇلىنىپ كېتگن. حاضركى كوندە اېسە، تورك، اۋزبېك، قزاق، قىرغىز، توركمەن، آذر، تاتار، ياقوت، باشقىرد، چوواش، قارەچاى، آلتاى، خكس، قارەقلاپاق، نۇغەى تىللىرى اورال-آلتاى تىللىرى عايلەسى نىنگ توركي تىللر گروھى تركىيىگە كىرەدىلر. بو خلقلارنىنگ تىلى، ادبىياتى، عرف-عادتى معلوم مدتگچە مشترك بۇلىپ، كېىنچەلىك، تدرىجى جريان محصولى صفتىدە اۋزى نىنگ مستقل تىلى، مستقل ادبىياتىگە اېگە بۇلگن خلقلر قىافە سیده اۋز ترقىياتى يۇلىنى باسىپ كېلگن و كېلماقده.

الف) اۋزبېك تىلى اۋزبېك ملتى نىنگ ملي تىلى دىر

اۋزبېك تىلى و اۋزبېك خلقى نىنگ ناملىنىشى انچە مۇرەككەب و مناظرەلى مسأله دىر، چونكە هر قندەى خلق اۋزى و اونىنگ تىلىگە بېرىلگن نامگە نسبتاً قديمىراق دىر. تارىخى نىنگ تورلى پاغانە سیده تورلى نام بىلن اتلگن بۇلىشى ممكن. چنانچە، اۋزبېك خلقى و اونىنگ كېلىپ چىقىش تارىخى هم اونىنگ نامىگە نسبتاً قديم راققە بارىپ تەقلەدى. شونگە كۈرە اۋزبېك خلقى و اونىنگ تىلى «اۋزبېك» نامىنى آلگندن انچە آلدىن - ۱۳-مىلادى عصرىنىنگ ايكىنچى يرمىدن شىكللنە باشلەگن. اۋزبېك ادبى تىلى اوزاق دوام اېتگن تدرىجى ترقىياتگە اېگە

(Abdurahmonov va Rustamov, 1982, p. 31). تیل شناس عالم‌لر اؤزبېک ادبی تیلی نینگ

تاریخینی، بیزگچه بېتیب کېلگن یازمه یادگارلیکلرگه سویه نیب، اوچته کتّه دورگه بۆله دیلر:

۱. قدیمگی تورکی ادبی تیل؛

۲. اېسکی اؤزبېک ادبی تیلی؛

۳. حاضرگی اؤزبېک ادبی تیلی. (Tursunov va O‘rinboyev, 1982, p. 20).

قدیمگی تورکی ادبی تیل دوری ۵-۱۳ میلادی عصرلرنی اؤز ایچیگه آله دی. بو دورگه ۵-۱۳ عصرلرده یره تیلگن اؤرخون-اېنه سایی یازمه یادگارلیکلری، محمود کاشغری نینگ «دېوان لغات الترك»، یوسف خاص حاجب نینگ «قوتدغو بېلیگ»، احمد یوگنکی نینگ «هبة الحقائق» («عتبة الحقائق») کبی اثرلری و باشقەلر کیره دی. شونی تأکیدلش ضرور که، بو دورده یره تیلگن علمی و ادبی یادگارلیکلر برچه تورکی خلقلر اوچون عمومی حسابلنە دی. (Tursunov va O‘rinboyev, 1982, p. 25)

اېسکی اؤزبېک ادبی تیلی دوری ۱۳-میلادی عصرنینگ ۲-یرمیدن باشلنېب، ۱۹-میلادی عصرنینگ آخیریگچه دوام اېتگن زمانی اؤز ایچیگه آله دی. بو دورگه شو عصرلر ایچیده یره تیلگن حافظ خوارزمی، «محبثنامه» مؤلفی خوارزمی، امیری، حیدر خوارزمی، سکاکي، لطفی، آتایی، امیر علیشېر نوایی، ظهیرالدین محمد بابر، مشرب، مونس، مقیمی، آگهی، عوض اؤتر کبی شاعر و یازوویچیلر نینگ اثرلری کیره دی. (Abdurahmonov va Rustamov, 1982, p. 30).

حاضرگی اؤزبېک ادبی تیلی دوری اېسه ۲۰-عصر-باشیدن باشلنېب، حاضرگی کونگچه دوام اېتیب کېله یاتگن دورنی اؤز ایچیگه آله دی. دېمک، حاضرگی اؤزبېک ادبی تیلی بیر عصردن کۆپراق وقت ایچیده هر جهتدن تکامللشگن ادبی تیل صفتیده اؤز موجودیتیگه دوام اېتیب کېلماقده. بو یوز ییلدن کۆپراق زمان ایچیده اؤنلې شاعر و یازوویچیلر اؤزلری نینگ قیمتلی اثرلری ییلن اؤزبېک ادبیاتی جهان ادبیاتی کاروانی ییلن، سؤزنینگ حقیقی معناسیده، هم نوا قیلیب کېلماقده لر. شونینگدېک، حاضرگی کونده اؤزبېک تیلی اؤزبېکستان جمهوریتی نینگ دولت تیلی صفتیده تیک قامت ییلن برچه ساحەلرده عمل قیلیب کېلماقده. بیرلشگن ملتلر تشکیلاتی منبریدن ینگره ماقدە. کۆپچیلیک ایلغار مملکتلر بیلیم یورتلریده اؤزبېک تیلی و ادبیاتی بۆلیملری آچیلماقده.

بو شونی کۆرسته دی که، اؤزبېک تیلی و اؤزبېک خلقی اوزاق تاریخی دور ایچیده تدریجی ترقیات نتیجه سیده ۱۳-میلادی عصرنینگ ایکنیچی یرمیگچه یگانه تیلده سؤزلشگن «تورک»

ملتيدن اۋسىب چىققن تارىخى حقيقت دير. دېمك، اۋزبېك تىلى و اۋزبېك خلقى نىنگ شكللىنىشىده نه روسلار نىنگ، نه ده باشقه بير ملت نىنگ قولى بار، بلكه بو، اچىق بۇلسه ده، تارىخ جبرى نىنگ محصولى دير.

شونده ي اېكن، بۇگونكى كونده اۋزبېك تىلىنى مستقل تىل اېمس، تورك تىلى نىنگ شېۋەلريدن بيرى دير، دېيىش تارىخى حقيقتكه قرشى تورىش دېمك دير.

«اۋزبېك» اتمه سى خلقىمىز و تىلىمىزكه نسبتاً ميلادى ۲۰- عصر نىنگ باشلريدن باشلپ ايشله تىلگن بۇلسه ده؛ لطفى، آتايى، سكاكى، نوايى، بابر، مشب، آگهي كى شاعرلر اۋزلىرىنى اۋزبېك اېمس، تورك دېگن بۇلسه لر ده، اولرنى تورك ادبياتى تارىخى نماينده سى دېب ايتە آلمه يميز. چونكه اولر حاضرگى كونده تورك نامى بىلن اته لۇوچى ملت ادبياتى تارىخىكه اېمس، اۋزبېك دېب اته لۇوچى ملت ادبياتى تارىخىكه كىريتىلگن سىمالر دير. بو شاعرلر اثرلرىنى اۋزبېكلردن باشقه برچه توركى خلقلر ترجمه ده اۋقىيدىلر. شونىنگدېك، اۋزبېكلر هم باشقه توركى خلقلر ادبياتى تارىخىكه كىريتىلگن سىمالر اثرلرىنى ترجمه ده اۋقىيدىلر. دېمك، حاضرگى كونده توركى خلقلر و توركى تىللر تورلى تارىخى سىبلرگه كۆره هر بيرى مستقل ملت و مستقل تىل صفتيده شكللىنىپ بۇلگن. تىل شناسلىك تارىخىده قرىنداش بۇلگن، حتا بعضاً قرىنداش بۇلمه گن كىچىك قىيله و اېلتلر تىللرى تدرىجى يقىنلشوو نتيجه سىده اوزاق زمان محصولى صفتيده يگانه تىلگه ايلنىش، ياكه عكسىنچه، كېنگ حدودده يشاۋچى يگانه تىل نماينده لرى بير-بيريدن اوزاقلشىپ، تورلى خلقلرگه، تورلى تىللرگه بۇلىنىپ كېتىش حادثه سى كۆپلپ اوچره يدى. بۇنگه توركى تىللردن تشقىرى، سلاويان و لاتىن تىللرىنى مثال قىلىپ كۆرسىتىش ممكن. اولرنىنگ هر بيرى معلوم بير دور ايچيده اۋز سۆزلەۋچىلرگه اېگه بۇلگن تىرىك تىل بۇلگن بۇلسه لر ده، حاضرگى كونده بير نېچه مستقل تىللر اوچون اساس بۇلگن اۋلىك تىل حسابلەندى.

(ب) اۋزبېك ادبى تىلى نىنگ شېۋەلرگه مناسبتى

اۋزبېك تىلى كۆپ لهجه لى تىل حسابلەندى. بو اۋنىنگ مركب تارىخى ترقىات يۇلىنى باسىب اۋتگن ليگى، بۇگونكى اۋزبېك ملتى اۋتمىشىده خىلمه - خىل اېتنىك تركىيگه اېگه بۇلگن ليگى بىلن بېلگىلەندى.

اۋزبېك ملي تىلىنى تشكىل اېتۈۋچى تورلى شېۋەلرنى اوچ لهجه گه بيرلشتىرىش ممكن. بولر:

(۱) قىرلوق - چىگىل - اۋىغور لهجه سى؛ (۲) قىپچاق لهجه سى؛ (۳) اۋغوز لهجه سى.

لهجه‌لر اؤز ارا فرقلی خصوصیتلرگه اېگه. بو فرقلر، ایتلیگنیدېک، لهجه‌لر نینگ هر بیرى دستلب هر خیل قبیله یا که قبیله بیرلشمه‌لری نینگ تیلی بؤلگن لیگی بیلن باغلیق دیر. اؤزبېک ادبی تیلی نینگ ترقیاتیده اجره‌لیش و بیرلشیش بیر وقتده یوز بهرگن. زېرا، ۱۴- عصرگه کېلیب، اېسکی اؤزبېک تیلی نینگ باشقه تورکی تیللردن فرقلنیشی، اجره‌لیشی کوچه‌یگن. بو اونینگ ایچکی لهجه‌لری نینگ بوتون حالگه کېله باشلشی، اولر آره‌سیده‌گی فرقلر نینگ معلوم درجه‌ده سوسه‌ییشی بیلن بېلگینه‌دی. بو تاریخی، اجتماعی-سیاسی جریانلر بیلن باغلیق حادثه دیر. اؤزبېک تیلی نینگ لهجه و شېوه‌لری اوزاق اؤتمیشده اؤزبېک خلقی نینگ تاریخی ترقیاتی بیلن باغلیق روشده اؤز ارا عمومیلیک کسب اېتیب، یگانه اؤزبېک تیلینی تشکیل اېتیب بارگن. لېکن اولر اؤز مستقللیگینی تأمینلاوچی فرقلرنی سقلب قالد وېرگن. مثلاً، اؤزبېک تیلی نینگ قیپچاق لهجه‌سیده قیپچاق تیللری نینگ خصوصیتلریدن بؤلگن سینهارمونیزم تؤلوق سقلنگن. شو باعثدن اونینگ اونلی فؤنیملری مقداری ۹ ته. سؤز باشیده /ئ/ تاووشی اؤرنیده /ج/ تاووشی قولله‌نیلشی، /ف/ تاووشی نینگ دیرلی قوللنمس لیگی، /خ/ تاووشی نینگ /هـ/ طرزیده اېکنلیگی، سؤز اؤرته‌سی و آخریده /غ/ تاووشی نینگ /و/ طرزیده تلفظ اېتیلیشی، آلتیه کېلیشیک شکلی نینگ تؤلوق سقلنگن لیگی و باشقه لېکسیک فرقلر (چېچه - ینگه، بۆله - خاله‌بچه)، تولوپ (جونلی ایسّیق پؤستین)، لاچیره، غلمیندی، کولچه‌تای، جنچمیچ (طعام تورلری) بو لهجه‌نینگ نسبی مستقللیگینی کورسته‌دی. بونده‌ی فرقلرنی قزلوق-چیگیل-اویغور و اؤغوز لهجه‌لریده هم کوزه‌تیش ممکن. عموماً آلگنده، لهجه‌لر فونېتیک، مؤرفولوژیک و لېکسیک جهتدن اؤز ارا و ادبی تیلدن فرقلنوب توره‌دی. لېکن بونده‌ی اؤزیگه خاص تفاوتلرگه قره‌مه‌ی، اؤزبېک تیلی نینگ برچه شېوه و لهجه‌لری ارا عمومیلیک استوارراق دیر. بو فرقلر اؤزبېک ادبی تیلینی باییتیشگه خدمت قیله‌دی. شو باعثدن هم شېوه و لهجه‌لرگه اؤزبېک ملي تیلی نینگ قوبی شکلی و اؤزبېک ادبی تیلی نینگ ایچکی امکاناتی صفتیده قره‌له‌دی همده اولردن اونوملی و عاقلانه فایده‌لنیش طلب قیلینه‌دی. ادبی تیل اېسه ملي تیل نینگ یوقاری کورینیشی صفتیده مذکور امکانات نینگ واقعیتگه ایلنگن محصولی دیر (Sayfullayeva, 2005. p. 12)

اؤزبېک ملي تیلی نینگ لهجه‌لری آره‌سیده، عادتده، قزلوق-چیگیل-اویغور لهجه‌سی اؤزبېک ادبی تیلی نینگ تیه‌نچ منبع‌لری دېب قره‌له‌دی. بو لهجه‌گه تاشکېنت، اندیجان، فرغانه، نمنگان، جیزه‌خ، سمرقند، بخارا، قرشی، اوش، مرغیلان، جلال‌آباد، ترمذ و باشقه شهرلر نینگ شېوه‌لری کیره‌دی. بعضی عالمرلر اؤزبېک ادبی تیلی معیارلرینی بېلگیشده تاشکېنت شېوه‌سی تاووش جهتدن، اندیجان، فرغانه شېوه‌لری صرفی جهتدن تیه‌نچ شېوه دېگن بیریاقلمه فکرنی

ايلگرى سوره ديلر. اصلينى آلگنده، ا.ك. بارافكوف قيد قىليب اۋتگنيدېك، اۋزبېك تىلى نىنگ بيرارته شېوه سىنى هم ادبي تىلگه همه جهتدن اساس بۇلگن دېب ايتىپ بۇلمەيدى. چونكه اۋزبېك تىلى نىنگ برچه لهجه لرى اۋزبېك تىلى نىنگ ترقياتىگه معلوم بير درجەده حصه قوشگن. بيرى نىنگ ادبي تىلگه تاثيرى كوچه يگنده، ايكنچيسى نىكى سوسه يگن بۇلىشى ممكن. مثلاً، انديجان، فرغانه شېوه لريده اۋزبېك ادبي تىلگه خاص اېنگ كۆپ ترقلگن گرامري شكللردن بيرىنى - حاضرگى زمان فعلى نىنگ يەپ افيكىسى واسطه سیده يسه لووچى شكلينى بېرگن دېلەدى. لېكن بو شكل قىچاق لهجه لريده هم عينا شوندهى قوللەندى. بير قرەشده ادبي تىلدن بيرمونچه اوزاقراق دېب تصور قىلنەديگن قىچاق لهجه سى نىنگ مؤرفولوژىسى (اونده گى سينهارمونىزم قانونىنى نظردە توتەسك) ادبي تىل مؤرفولوژىسى بىلن عينا دير. يا كه ادبي تىلگه فونېتىك جهتدن اساس دېلگن تاشكېنت شېوه سیده /خ/ و /ه/ تاووشلرى، قرتقىچ و توشوم كېلىشكىلرى شكللرى فرقلمەيدى. قىچاق شېوه لريده اېسه اولر قطعى فرقلمەيدى. قىچاق شېوه لرى نىنگ ادبي تىل لغيتىنى، خصوصاً، اونىنگ چارواچىلىك اتمەلرى تيزىمىنى رواجلنترىشده، ادبي تىل نىنگ اسلوبى امكانىتلرىنى باييتىشده كتە حصەسى بار. مثلاً، قيرىم، اۋتاو، تۇل، سريمى، چكى، چلاپ، اولاق، ساولىق كى عمومى و چارواچىلىك اتمەلرى، قويروق، باوور، آق پتير، تباق، كولچە تاى، لاجيره سينگرى آشچىلىك اتمەلرى ادبي تىلگه قىچاق شېوه لريدن كىرىب كېلگن. (Sayfullayeva, 2005. p. 13)

ادبي تىل نىنگ رواجلنشىگه اۋزبېك تىلى نىنگ اۋغوز لهجه سى هم معلوم درجەده حصه قوشگن. بونىنگ اوچون ادبي تىلدە گى ياشوللى، اۋغلان، بويان، قيدىن، قارەگوز كى قطار سۇزلرنى مثال صفتيدە كېلتىرىش كفايە. دېمك، اۋزبېك ادبي تىلى نىنگ ترقياتيدە برچه لهجه و شېوه لر بيردهى منبع بۇلىب خدمت قىلگن. بوندە اولرنىنگ بيرارته سىگه استوارلىك مقامىنى بېرىش ممكن اېمس. حاضرگى كوندە اۋزبېكستان دە ادبي تىل و شېوه لر مناسبتى مسأله سیده اوزلوكسىز انتىگراسيون جريانى كېچە يىب بارماقده. اۋزبېك خلقى نىنگ حياتى سوادى آشيب بارگنى، معيشى-تورموشى نىنگ توبدن اۋزگرگنلىگى، تعليم تيزىمى نىنگ يوقارى درجەده ليگى، مطبوعات و تلويزيون نىنگ رواجلنگن ليگى، مدنى ساحەده عملگه آشىريلە ياتگن تدبىرلر اۋزبېك ادبي تىلى و شېوه لرىنى بير-بيرىگه يقىنلشتىرگن. خلق شېوه لريگه ادبي تىل تاثيرى نىنگ تدريجى سينگىب بارىشى دوام اېتىپ بارماقده. (Sayfullayeva, 2005. p. 14)

ج) اۆزبېك خلقى و اۆزبېك تىلى نىنگ ناملىشى

«اۆزبېك خلقى»، «اۆزبېك ملتى» نامىنى آلگن خلق جوده قديمى تارىخكه اېگه بۆلگىدېك، اونىنگ تىلى نىنگ ناملىشى هم تورلى دورلرده تورلىچه بۆلگن. «اۆزبېك» دېگن نام نىنگ مذکور ملتگه و اونىنگ تىلىگه نسبتاً قۇللنىشى اکتوبر تۇنترىشىدن كېين باشلندى. اونگچه اروپا تورك شناسلرى اۆزبېكستان حدودىده يشاوجى اۇتراق اھالىگه نسبتاً «سرت» سۆزىنى قۇللەگنلر. «سرت» سۆزى نىنگ لغوي معناسى حلى منظرهلى دىر. محمود كاشغرى اونى «سوداگر» معناسىده قۇللنگن ليگىنى يىلدىرەدى (كاشغرى، ۱۳۸۳، ص. ۲۳۹).

«سرت» سۆزى هر حالده اېتنىك نام اېمس. بو نام شهر اھالىسىگه كۆچمىنچىلر و صحرايىلر تامانىدن قۇيىلگن. شونىنگ اوچون نوايى و بابر سرت اتمەسىنى فارس-تاجىكلرگه نسبتاً قۇللەگنلر. (Navoiy, 2000, p. 7). عموماً، ۱۶-عصرگچە اۇرتە آسيا شىرلىرىدە يشاوجى تاجىك اھالىسى سرت دېيىلگن. شىيانى خان حاكىمىتىدن كېين بو يىرلردەگى اۇتراق توركى اھالى هم كۆچمىنچى اۆزبېكلر تامانىدن سرت دېب يورتىلگىنى معلوم.

شونىنگىدېك، «اۆزبېك تىلى» تورلى تارىخى دورلردە - تورك تىلى، توركى تىل، توركچە، توركىستانچە، چىغتاي لفظى، اۇرتە آسيا توركىسى كى ناملىرىلن اتمەلىپ كېلگن. محلى خلقلر حاضرگى كوندە اۆزبېك دېب اتمەلووچى خلقى «تورك» و اونىنگ تىلىنى «توركى» دېب يورتىگنلر. علىشېر نوايى نىنگ «محاکمة اللغتين» اثرىدە اۆزبېك خلقىنى تورك و اونىنگ تىلىنى تورك تىلى دېب اتمەيدى: «بو سۆزلردىن خصم مونداق بىلمەسون و مدعى بو نوع گمان قىلمەسون كه، مېنىنگ طبعىم تورك لفظىغە ملايم توشگن اوچون تعريفىدە مبالغە اظهار قىلورمېن... بو غريب معنى اداسىدە توركچەدە بو مطلع بار...» (Navoiy, 2000, pp. 7-17).

«تورك» سۆزى محمود كاشغرى نىنگ «دېوان لغات الترك» اثرىدە ياق كېنگ معنادە توركى خلقلرگه نسبتاً و تار معنادە شرقى توركلرگه نسبتاً قۇللنگن. «اۆزبېك نامى اېسە حاضرگى اۆزبېك خلقى نىنگ بىر قىسمىنى تشكىل اېتووچى قىپچاق اوروغىگە منسوب بۆلگن قىبلەلرگە نسبتاً ايشلەتىلگن.

تورك نامى اۇرتە آسيا، قزاقستان، قفقاز، والگا درياسى بۇيى خلقلىرىگە نسبتاً هم قۇللنگن ليگىدن، اۆزبېك تىلىنى اولردن فرقلش اوچون توركىستانچە، چىغتايچە، اۇرتە آسيا توركچەسى دېب هم ناملەگنلر.

شونى تاكىدلش كېرەك كە، چىغتاي اتمەسى مۇغوللار استىلاسىدن كېين پىدا بۇلگن. چىنگىزخان، وفاتىدن آلدىن راق باسىب آلگن اۋلكەلرنى اۋغىل و نېرەلرى اۋرتەسىدە تقسىملەگن. شونەدە مركزى آسيا اۋرتنچە فرزندى چىغتاي گە بېرىلگن. چىغتاي خان حاكىمىيگە قرەيدىگن يېرلر «چىغتاي يورتى»، «چىغتاي اېلى»؛ اېلتلر اېسە «چىغتاي اولوسى»؛ بو حدوددە يره تىلگن ادبى، تارىخى اثرلر دورلر اۋتېشى بىلن «چىغتاي ادبىياتى»، اونىنگ تېلى صنعي روشدە «چىغتاي تېلى» نامى بىلن يوريتىلەدىگن بۇلگن. دېمەك، چىغتاي اتمەسى حەكمدار نامى بىلن باغلانگن اتمە دېر.

عليشېر نوايى «مىزان الاوزان» اثرىدە «چىغتاي» سۆزىنى «تورك» سۆزى بىلن مترادف شەكلدە قۇللەيدى: «... عجم شعراسى و فرس فصحاسى هر قىسى اسلوبدە كىم سۆز عروسىغە جلوه و نمايش بېرىب اېردىلر، تورك تېلى بىلە قلم سوردوم و هر نېچوك قاعدەدە كىم معنى اېكارىغە زىنت و آرايش كۆرگوزوب اېردىلر، چىغتاي لفظى بىلە رقم اوردوم. (Navoiy, 2000, p. 216)

بىراق «خزائن المعاني» دە «چىغتاي» سۆزىنى اوروغ و قىيەلە معناسىدە ھەم كېلگن:

نوايى اۋىلە اولوس خانىغە اېرور عاشق،

كە تورك قوللرى جۇجى دور انىنگ و چىغتاي. (Navoiy, 1991, p. 532)

اۋزبېك خەلقى نىنگ كېلىپ چىقىشى تارىخى، اونىنگ ناملىنىش تارىخى خصوصىدە س. پ. تالستوف، ا. يو. يكوپوفسكى، ى. غ. غلاموف، ل. و. اۋشانىن، م. و. ھابوف، ب. ا. احمدوف، اى. جباروف كېي عالملىرىنگ ھەر خىل طرزەدەگى تەدقىقاتلرى موجود. اۋزبېك اتمەسى گرچە «اۋزى-بېك» - اۋزىگە بېك، مستقىل بېگلىك كېي معنالىرى بىلدىرگن سۆز دەپ يوريتىلە باشلەگن بۇلە ھەم، قەدىم بو سۆز نىمەنى انگلتىگنى انىق اېمىس.

اۋزبېك سۆزى نىنگ كېلىپ چىقىشى و قۇللنىشى حەقەدە ھازىرچە اېنگ سۆنگى معلومات پروفېسور خ. دانياروف ماقالەسىدە انچە مفصل بېرىلەدى. ماقالەدە بىز اوچون يىنگى فېكر مۇلف نىنگ اۋزبېك اتمەسى نىنگ ۱۱-عەسىدە ھەم ايشلە تىلگىنى حەقەدەگى انىق مەنبەلەرگە سۈنىپ كېلتىرگن ملاحظەسى دېر. شۈبھىگەدەك، بو نام بىلن اتەلۇوچى قوملىرىنگ ھازىرگى اۋزبېكستان، مركزى آسيا و حتا عرب مەملىكەتلىرى حدودىدە ھەم انچە ايلگىرىدن بېرى يىشب كېلەياتگن لىگىگە قويىدەگى مەثللر جودە يارقىن دىل بۇلە آلەدى. مەثلًا، ۱۱-عەسىدە سۈرىدەدە يىشەگن عرب تارىخچىسى اسامە ابن مەقزىنىنگ «كتاب الاعتبار» («عبرتلى كتاب») دېگن اثرىدە يازىلىشىچە، «اۋزبېك» قومىگە مەنسۇب بۇلگن كىشىلر اۋشە وقتەدە ياق عربستاندە انچە موقە اېگەگنلر و اروپالىكلرنىنگ صىلب يورىشلىرىدە مەسلمانلر تامانىدە تورىب جىنگ قىلگنلر.

نوابی اثرلریده اؤزبېك سؤزی اېتنېك نام معناسیده بیر نېچه جایده كېله دی. اولر جمله سیدن «نسایم المحبت» ده حېي خواجه حقیده معلومات بېریب، قوییده گیلرني یازهدی: «مولودی خوارزم ولایتی و نواحیسیدن دور. انینگ اوصافی تورک و اؤزبېك خلایقی آره سیده اندین کؤپرک و مشهورراق دور که، شرحه احتیاجی بۆلمه غه ی. ییگیتلیکده اؤتوبدور، ییگیتلر سروری حېي خواجه دېرلر. (Navoiy, 2002, p. 202) یاکه میزان الاوزان اثریده قوییده گی سطرلرنی اؤقیمیز: «چونکه اؤزانلرنینگ اؤزماغی و اؤزبکلرنینگ بودی-بودایی هیچ وزن ییله راست اېمس اېردی، انکه تعرض قیلیمه دی، اگرچه اثرلری باردور، اما انینگ عروض علمیه دخلی یؤقتور. (Navoiy, 2002, p. 63)

نوابی دن کین ۱۶- عصرده باشلریده اؤزبېك خلقي و اونینگ تیلی اؤزبېك نامی بیلن هم یوریتیلگن. بونی محمد صالح نینگ «شیبانی نامه» سیدن کېلتیریلگن قوییده گی بیتدن هم بیلش ممکن:

حالی انینگ یبری تورکستان دور
اؤزبېك اېلیگه معظم خان دور
(Solih, 1989, p. 152).

شیبانی خان دشت قیچاق دن باستیریب کیرگندن سؤنگ کؤچمنچیلر بیلن بیرلی قیلرلر اره لشیب کته دیلر. شو طفیلی اؤزبېك دېگن نام کینچه لیک کینگ قوللنه باشله گن. اؤزبېك خلقي و اونینگ تیلی قیسی نام بیلن اتمه سین، شو خلقي نینگ بیردن-بیر علاقه واسطه سی بؤلیب کېلدی.

د) اؤزبېكلر- «تورک» اتمه سی نینگ یگانه وارثی

ییگیرمنچی عصر- باشلریده کیچیک آسیا حدودیده آتا تورک باشچیلیگیده تورکیه جمهوریتی تأسیس ایتیلدی و اؤشنگچه عثمانلی تورکچه سی نامی بیلن یوریتیلیب کېلگن تیل «تورک تیلی» نامی بیلن نینگ تأسیس ایتیلگن تورکیه جمهوریتی نینگ رسمی دولت تیلی صفتیده قبول قیلندی. تورکیه جمهوریتی قالگن تورکی خلقلر بیلن کینگشمسدن «تورک» سؤزیگه اېگه چیمه گنده، بلکه تورک سؤزی اېنگ اولا اؤزبېكلرگه میراث بؤلیب اؤتگن بؤلردی. تاریخی و حقوقي جهتن اؤزبېكلر بونگه حقلی اېدیلر. چونکه حاضرگی کونده برچه تورکی خلقلر اوچون مشترک میراث حسابلنگن «دېوان لغات التورک»، «قوتدغو بیلگ»، «هبة الحقایق» کبی اثرلر تیلی حاضرگی اؤزبېك ادبی تیلی اساسلنگن قزلوق-چيگيل-اويغور، شونینگدېك، قسماً قیچاق، اؤغیز لهجه بیرلیگی اساسیده یازیلگن. بونینگ یانیده، اؤن اوچینچی-اؤن تۆقیزینچی میلادی عصرلر آره سیده تورکی تیلده یره تیلگن اثرلرنینگ دېرلی برچه سی ینه اؤشه -

قرلوق-چىگىل-اويغور، قسماً، قىچاق، اۋغىز لهجه لرى اساسىده شىكللنگن تىلده، يعنى اېسكى اۋزبېك تىلىده يازىلگن. چونكه بو تىل اكثريت توركى سلاله لرده سراى تىلى صفتىده قۇللنىلىپ كېلگن و شونىنگ اوچون اېسكى اۋزبېك تىلى «خاقانىي تىلى»، «خاقانىي توركچە»، «چىغتاي تىلى» كىي ناملر بىلن هم اته لىب كېلگن. دېمك، تورك دنىياسى نىنگ حقيقى وارثى بىز اۋزبېكلرمىز. شونىنگ اوچون هم نوايى حقلى روشده:

اگر بير قوم، گر يوز، يۇقسه مينگ دور	معين تورك اولوسى خود مېنينگ دور
آلبمېن تحت فرمانىمده آسان	چېرىك چېكمه ي ختادىن تا خراسان
خراسان دېمه كيم، شيراز و تبريز	كه قىلمىشدور ني كلكيم شكررېز
كۆنگول بېرمىش سۆزومگه تورك، جان هم	ني يالغوز تورك، بلكه توركمان هم
نې ملك ايچره كه بير فرمان يىبارديم	انىنگ ضبطىغه بير دېوان يىبارديم

(نوايى، ۱۴۰۲، ص. ۴۴۴).

- دېب دعوا قىلەدى

در حقيقت، بىز اۋزبېكلر وارثى بۇلگن «خاقانىي توركچەسى» نى ياكه بوگونگىيى تەبىر بىلن ايتىگنده، اېسكى اۋزبېك تىلىنى امير عىشېر نوايى «تورك تىلى» دېگن و حاضركى توركيه توركچەسىنى «روم تىلى»، «رومى تىل» ياكه «توركماني تىل» دېگن. نوايى اثرلريده «روم تىلى» اتمهسىنى بير قنچه جايدە اوچرەتېش مېمکن. چنانچه، حضرت نوايى «نسايم المحبت» اثرىده سعيد عمادالدين نسىمىي حقيده معلومات بېرر اېكن، قويدەگىلرنى يازەدى: «عراق و روم طرفيده غى ملكدين اېركندور. رومى و توركماني تىل بىله نظم ايتىدور و نظمىده حقايق و معارف بغايت كۆپ مندرج دور. مذکور بۇلغان ملك اهلىغه اينىنگ شعرى مقابله سىده همانا كه شعر يۇق دور. همانا تقليد اهلى انى مذهبىده قصور تهمتېغه متهم قىلىپ، شهيد قىلدىلر. مشهور مونداق دور كه، تېرىسين سؤير حكم بۇلۇبدور. اول حالتده بو شعرنى دېدور كه،

نظم:

قبله دور يوزونگ، نگارا، قاشلرينگ محرابلر
صورتىنگ - مصحف، ولې خال و خطىنگ - اعرابلر
و بو شعرىنگ تخلصى اوشبو مدعا دال دور كيم

نظم:

اى، نسىمىي، چون مىسر- بۇلدى اقبال وصال
قۇي، تېرىنگى سؤيسه لىر سؤيسون بو پليد قصابلر
(Navoiy, 2001, p. 474).

بو سطرلر شونى كۆرسته دى كه، نوايى اۋشه زمان عثمانلى توركچەسىنى «تورك تىلى» اېمس، «روم تىلى» ياكه «رومى توركچە» و حاضركى توركيه حدودىنى اېسه، «روم ملكى» دېگن. ايرىم

تأريخي منبعلرده جلال الدين محمد بلخي نينگ «رومي» دپيلىشى هم نوایی نينگ سعيد عمادالدين نسيمي نى «روم و عراق طرفيده غى ملكدين ابركندور» دېگىنى تصديقلهدى. چونكه سعيد عمادالدين نسيمي عراق توركمنلريدن بۇلىب، كوپراق عمرينى توركيه و سوريهدە اۆتكزگن.

يوقاريدە ايتگىنمىزدېك، يىگىرمنچى عصر- باشلريدە يگانه مستقل توركي مملكت بۇلگن حاضرگى توركيه جمهوريتى باشقه توركي خلقلر بيلن حساب- كتاب قيلمىدن تورك نامىگه فقط اؤزى اېگه چىققن. بو نرسه خلق ارا ميثاقلر اساسيده حجتلاشتىريلگن. شونىنگ اوچون هم حاضرگى كونده تورك دېگنده فقط توركيه مملكتى و طنداشى و تورك تىلى دېگنده فقط شو مملكت نينگ رسمي دولت تىلى توشونيلهدى. بو بيلن قالگن توركي خلقلر تورك سؤزيدن محروم ايتيلگنلر. اگرچه «توركستان» سؤزى اؤرتە آسيا، چين و افغانستان مملكتلريدە «شمالي توركستان»، «شرقي توركستان» و «جنوبي توركستان» ناملرى بيلن حاضرگچە يشب كېلەياتگن بۇلسە- دە، بو جغرافي حدودده يشاوغى خلقلر تىلى تورك تىلى ياكە اؤزلىرى تورك خلقي دېب اتلمەيدىلر. بلكە هر بيرى اؤز اېتنىك نامى بيلن - اؤزبېك، قزاق، توركمن، اويغور نامى بيلن اتلەدى. شو سببلى انگليس و روس تىللريدە برچه توركي خلقلرنى عموملاشتىرووچى «Turkic» و «түркский» سؤزلىرى پيدا بۇلگن. دېمك، بوگونكى كونده توركيه توركچەسى انگليس تىليده «Turkish language» و توركي تىلر «Turkic languages» اتمەلىرى بيلن افادەلنەدى. روس تىليده اېسە توركيه توركچەسى «түрөкский язык» و توركي تىلر «түркские языки» دېلەدى. شونىنگدېك، اؤزبېك تىليده هم تورك تىلى دېگنده توركيه توركچەسى، توركي تىلر دېگنده اېسە آنە تورك تىليدن اؤسب چىققن برچه توركي تىلر توشونيلهدى. شونىنگ اوچون هم بوگونكى كونده «بىز اؤزبېك اېمىسمىز - توركمىز، تىلىمىز اؤزبېك تىلى اېمىس - تورك تىلى دىر» دعواسى توركي خلقلرنى بىرلاشتىرىشگە اېمىس، ايريشگە خدمت قىلىشى تورگن گپ.

سۇنكىچ

توركي تىلر ايچيدە تورك تىلى اساس، قالگنلىرى تورك تىلى لهجهلىرى دېدىگن دؤستلرئىمىزگە بىتە سؤاليم بار: برچه توركي خلقلر اوچون اورتاق تىل قبول قىلىش احتياجي توغىلسە، توركي تىللردن قيسى بيرىنى اساس قىلىپ آلسە بۇلەدى؟ تورك تىلىنى اساس قىلىپ آلسە، قالگن توركي خلقلر: مېنىنگ تىلىم نينگ اوندىن نىمە كملىگى بار، دېب اعتراض بىلدىرمەيدى مى؟! اؤزبېك تىلىنى اساس قىلىپ آلسە، قالگنلر عىن سؤالنى بېرىشمەيدى مى؟ كۆرەسىز مى؟! بىزنى سياست اېمىس، تأريخ نينگ جبرى بوندە بۇلىب تشلەگن. هه، معجزه يوز بېرسە- يو، توركي خلقلر سياست و اقتصادده دنيا خوجىنى بۇلىپ قالسە، بلكە، اؤشندە ياشلرئىمىز نينگ اوتۇپىك

آرزولرى رۇياىگه چىقر - برچه توركى خلقلىر بير تىل، بير ملت بۇلىپ، يىگانه يىراق آستىگه بيرلش. بو ايسه قىامت قايم بۇلگونگه قدر عملگه آشمەيدىگن آرزو بۇلىپ قالدۇرەدى.

توركى خلقلىرىنى «يىگانه تورك ملتى» غايەسى اطرافىگه يىغىشنى آرزو قىلىپ يورگن ياشلىرىمىز، افغانستاندە اۋزبېكلرنى قىچچاق، قارلوق، مۇغول، تاتار، ايماق، سادات كېي كىچىك - كىچىك گروهلرگه بۇلىپ تىلش حركىتى و سياستىدن خبرسىزلر شېكىلى. اولرگه مېنىڭ مصلحتىم - عملي تامانى بۇلمەگن اوتۇپىك آرزولر بىلن اۋزلىرىنى اۋرەمسەن، بوتون كوچ - غىرتلىرىنى اۋزبېكلرنى جىپسلاشتىرىشگە، ملتىمىزنىڭ اوروغ و قبىلەلرگە پرچەلىپ كېتىشىنىڭ آلدىنى آلىشگە صرف قىلىشلىرى ھم فرض، ھم قرض دىر.

شوندەى اېكن، دىنانىڭ تورلى جغرافىي حدودلىرىدە يىش كېلەياتگن توركى خلقلىرىنىڭ ھر بيرىنى اۋز نامى بىلن مستقل تىل و مستقل خلق صفتىدە تىن آلىپ، دۇست، دۇغن و قرداش بۇلىپ يىشەسك، ھم علمى جەھتدن، ھم عملي نۇقتە نۇزدن اېنگ تۇغرىسى، اېنگ معقولى شو بۇلەدى. سىيىردن آمودرىا قىرغاقلىرىگچە، آمودرىا قىرغاقلىرىدن خزر دېڭىزى ساحللىرىگچە، خزر دېڭىزى ساحللىرىدن آق دېڭىز - و قارە دېڭىز ساحللىرىگچە بۇلگن كېنگ حدوددە ازل - ازلدن يىش كېلەياتگن توركى خلقلىرىنىڭ قان قرداشلىكى ابدى بۇلسىن!

فايدەلىنىلگن ادبياتلر

كاشغرى، محمود. (۱۳۸۳). *ديوان لغات الترك*. مترجم: حسين محمدزاده صديق، تبريز: نشر اختر.
نوايى، عليشېر. (۱۴۰۲). *خمسه*. نشرگه تيارلاۋچى: لغت، آيت، حديث و عبارەلرنى شرحلاۋچى: تاشقىن بھايى، تهران: خراسان نۇشرياتى.

- Abdurahmonov, G., va Rustamov, A. (1982). *Qadimgi turkiy til*. Toshkent: O'qituvchi.
Navoiy, A. (1991). *Mukammal asarlar to'plami (Favoidul-kibar)*. 6-jild. Toshkent: Fan.
Navoiy, A. (2000). *Mukammal asarlar to'plami (Mizon-ul avzon)*. 16-jild. Toshkent: Fan.
Navoiy, A. (2000). *Mukammal asarlar to'plami (Muhokamatul-lug'atayn)*. 16-jild. Toshkent: Fan.
Navoiy, A. (2001). *Mukammal Asarlar To'plami (Nasoyimul-muhabbat)*. 17-jild. Toshkent: Fan.
Sayfullayeva, R. (2005). *Hozirgi o'zbek tili*. Toshkent: O'MU.
Solih, M. (1989). *Shayboniynoma*. Toshkent: Adabiyot va san'at.
Tursunov, U., va O'rinboyev, B. (1982). *O'zbek adabiy tili tarixi*. Toshkent: O'qituvchi.

نگرش مختصر بر زندگی و فعالیت‌های سلطان عبدالحمید خان دوم (۱۹۱۸-۱۸۴۲م)

حفیظ الله رسولی^۱، سید احمد خالد شریفی^۲

*۱. پوهنوال، دیپارتمنت تاریخ، پوهنځی علوم اجتماعی، پوهنتون جوزجان، شبرغان، افغانستان (نویسنده مسئول).

<https://orcid.org/0009-0004-4399-3628> - hafizullahrasuly@gmail.com

*۲. پوهنیار، دیپارتمنت تاریخ، پوهنځی علوم اجتماعی، پوهنتون جوزجان، شبرغان، افغانستان.

<https://orcid.org/0000-0002-2498-3801> - s.sharif2020@yahoo.com

<https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2024.55>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۱۷)

چکیده

مقاله هذا تحت عنوان «نگرش مختصری بر زندگی و فعالیت‌های سلطان عبدالحمید دوم (۱۸۴۲-۱۹۱۸م)»، با در نظر داشت مبرمیت موضوع پیرامون یک بخش از زوایای مهم تاریخ امپراتوری عثمانی تحریر و بعد از مطالعات دقیق مورد تدقیق قرار گرفته است؛ زیرا فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و در کل اجتماعی سلطان عبدالحمید دوم بر عظمت و شکوه امپراتوری مذکور بیش‌تر از پیش افزوده است. هدف از نگارش و نشر مقاله‌ی هذا شناساندن بخش از تحولات امپراتوری عثمانی است که با کارنامه‌ها و فعالیت‌های سلطان مزبور گره می‌خورد که در لابلای این عیدیه‌ی علمی مورد مطالعه قرار خواهیم داد؛ بنا بر آن، روش نگارش مقاله‌ی هذا با در نظر داشت پیچیده‌ترین دوره‌های تاریخ عثمانی و تأثیرات آن تا این اواخر در سیاست و فرهنگ شرق میانه با روش‌های تحلیلی و توصیفی جهت دریافت حقایق از طریق مراجع و منابع معتبر مورد غور و بررسی قرار گرفته است؛ بدین اساس مهم‌ترین نتیجه فعالیت علمی-تحقیقی هذا بخش از امپراتوری عثمانی را در زمان سلطان عبدالحمید دوم انعکاس و راجع به‌خلافات داخلی، تغییر نظام، دسیسه‌های خارجی به‌خصوص انگلیس جهت تحقق اهداف‌شان از جمله عواملی بود که زمینه را برای زوال حکومت عثمانی فراهم ساخته بود، تشکیل می‌دهد؛ زیرا مؤرخان عصر معاصر در رابطه به پیش‌رفت‌های امپراتوری عثمانی در زمان سلطنت سلطان عبدالحمید دوم و مشروطیت عثمانی‌ها در زمان وی را با اراکه‌ی نظریات سازنده بعد از تحلیل و بررسی دقیق از طریق منابع‌های معتبر و کتب با اعتبار که از اصالت علمی برخورداراند؛ به‌دست نشر سپرده و عظمت کارنامه‌ها و فعالیت سلطان عبدالحمید دوم را انعکاس داده‌اند.

کلمات کلیدی: اسلام، امپراتوری، عثمانی، ترکان جوان، عبدالحمید دوم.

A Brief Look on the Life and Activities of Sultan Abdul Hamid Khan II (1842-1918)

Hafizullah RASOLY^{1*}, Sayeed Ahmad Khalid SHARIFI²

1*. Associate Prof. Department of History, Faculty of Social Science, Jawzjan University, Sheberghan, Afghanistan (Corresponding Author).

hafizullahrasuly@gmail.com <https://orcid.org/0009-0004-4399-3628>

2. Teaching assistant, Department of History, Faculty of Social Science, Jawzjan University, Sheberghan, Afghanistan.

s.sharif2020@yahoo.com – <https://orcid.org/0000-0002-2498-3801>

<https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2024.55>

(Received: 28/06/2024 - Accepted: 07/11/2024)

Abstract

This article, entitled "A Brief Look on the Life and Activities of Sultan Abdul Hamid II (1842-1918) CE", considering the important aspects of the history of the Ottoman Empire and after careful studies, has been examined because the political, cultural and social activities of Sultan Abdul Hamid II have increased the greatness and glory of the empire. Publishing this article is a part of developments of Ottoman Empire, which is tied to the works and activities of sultan, which we will study in the publication of these many scientific studies, so the method of writing this article considering the most complex periods of Ottoman history and its effects until recently in middle east politics and culture with analytical and descriptive methods to get the facts through references. Therefore, the most important result of scientific-research activities of this part of the Ottoman Empire during the reign of Sultan Abdul Hamid II reflected and about internal divisions, system change, foreign plots, especially British to achieve their goals, were among the factors that paved the way for the demise of the Ottoman empire, because the contemporary era's leaders in relation to the advances of the Ottoman Empire. The reign of Sultan Abdul Hamid II and the Ottoman constitutionality during his time were published by presenting constructive theories after careful analysis through credible sources and books of scientific authenticity and reflecting the greatness of sultan Abdul Hamid II's works and activities.

Keywords: *Empire, Islam, Ottoman, Young Turks And Abdolhamid II.*

مقدمه

امپراتوری بزرگ و با عظمت عثمانی در اواخر قرن ۱۸م و اوایل قرن ۱۹م تحت تأثیر کشورهای استعمارگر ابرقدرت قرار گرفته بود. بدین اساس روزبه‌روز روند رشد آن تضعیف و مناطق متصرفه خود را از دست می‌داد؛ اما بعد از استیلای سلطان شهیر واپسین امپراتوری مذکور (عبدالحمید دوم) صفحه جدیدی در روند تشکّل مجدد خاندان مذکور رونما گردید. سلطان عبدالحمید زمانی بر اریکه قدرت و کرسی خلافت تکیه زد که پایه‌های امپراتوری عثمانی متزلزل و در عین حال خزانه دولت نیز به دلیل بی‌کفایتی سلطان قبلی (سلطان عبدالعزیز) تهی شده بود. بدین اساس کشورهای غربی باهم متفق گردیده، سرزمین‌های تحت خلافت سلطان قبلی را بین خود تقسیم کردند. بنابراین، سلطان عبدالحمید با روش زیرکانه و صبورانه خویش توانست اکثریت مخالفان ترکان عثمانی را جذب و در صف خود قرار دهد.

اهمیت و ضرورت تحقیق هذا شناسایی بخش مهمی از زوایای ناشناخته امپراتوری عثمانی در زمان سلطان عبدالحمید دوم می‌باشد، که از طریق فعالیت‌های سلطان مذکور ضرور دیده شد. سلطان عبدالحمید دوم خدمات شایسته و قابل تذکری راجع به ترکان جهان که در تاریخ بشریت تحت نام (شمشیر اسلام) مقلّب‌اند؛ انجام داد. زیرا امپراتوری عثمانی از آوان تأسیس تا اواخر عمر خویش در دنیای اسلام برای اعاده برنامه‌های اسلامی نقش اساسی ایفا نموده است. البته بخشی از برنامه اسلامی تحت قیادت و رشادت سلطان عبدالحمید دوم در منصفه عمل قرار گرفت، که از هر حیث در خور اهمیت می‌باشد.

مهم‌ترین دستاوردها و فعالیت‌های سلطان عبدالحمید خان دوم خلیفه عثمانی چیست؟ سلطان مذکور چگونه به قدرت رسید؟ روابط سلطان عبدالحمید دوم با ترکان جوان چگونه بود؟ در این زمینه‌ها کتاب‌ها و مقالات معتبری نوشته‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود. اسماعیل احمد در اثر خویش تحت عنوان: «دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال» در مورد سلطان عبدالحمید دوم به طور اجمالی معلومات داده به این باور است که (... وی زیر نظر بزرگان علم و اخلاق زمان خود به فراگیری علم پرداخته است) (احمد، ۱۳۸۵، ص. ۱۵۵).

در کتاب «تاریخ و فرهنگ ترکمن‌ها» اثر محمد صالح راسخ یلدرم در مورد آغاز عصر تنظیمات ترکان عثمانی چنین آمده است: (... تعداد درباریان عثمانی درک کرده بودند که نهادهای مذهبی و نظام قدیمی دیگر جواب‌گوی نیازهای امپراتوری در جهان مدرن نیست) (راسخ یلدرم، ۱۳۹۴، ص. ۱۷۹).

همین‌طور استانفور دجی شاو و ازل کورال شاو در رساله‌ای تحت عنوان «امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید»، گوشه‌ای از اصلاحات عبدالحمید دوم به‌خصوص راه‌آهن را چنین روایت می‌کند: (...) احداث شبکه راه‌آهن که اندکی پس از جنگ کریمه آغاز یافت و دلیل بحران‌های مالی در اوایل ۱۸۷۰ م نیمه‌تمام ماند؛ اما طی سلطنت عبدالحمید دوم یکی از بخش‌های مهمی بود که اروپاییان را به سرمایه‌گذاری در آن جلب کرده بود (شاو، ۱۳۷۰، ص. ۱۵۳).

سبحان پاکپور نویسنده دیگری است که در کتاب خود تحت عنوان «تاریخ عثمانی» درباره برکناری و مرگ سلطان عبدالحمید دوم چنین اشاره نموده است: (...) عبدالحمید دوم پس از ۳۴ سال سلطنت به فتوای شیخ‌العظم برکنار و بعد به شهر سالونیک انتقال داده شد که در آنجا به مدت ۳ سال زندان خانگی بود؛ اما بعد به استانبول انتقال داده شد که بعد از ۶ سال زندگی راحت به اثر مریضی که عاید حالش شده بود در سال ۱۹۱۸ درگذشت (پاکپور، ۱۳۸۵، ص. ۱۸۷).

اکثر آثاری که در دسترس ما قرار دارد، راجع به شخصیت و کارنامه‌های سلطان عبدالحمید دوم به شکل اجمالی به توضیح و تشریح، نقد و بررسی سلطنت سلطان عبدالحمید دوم پرداخته اند؛ اما در این مقاله تا حدی خلاءهای نگارشی آن‌ها را تکمیل و درج صفحات این اثر علمی-تحقیقی نمودیم، که برای روشن شدن اذهان خواننده‌گان خالی از مفاد نخواهد بود. روش تحقیق این مقاله روش توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری داده‌ها نیز به شیوه کتابخانه‌ای انجام گردیده است. مهم‌ترین اهداف این تحقیق، بررسی و آشنایی در مورد زندگی و فعالیت‌های سلطان عبدالحمید دوم می‌باشد، که بخشی از تحولات امپراتوری عثمانی را در بر می‌گیرد.

مقاله هذا راجع به مسایل مهمی از قبیل: زندگی، شخصیت و کارنامه‌های سلطان عبدالحمید خان دوم، ظهور ترکان جوان، رشد و تحولات امپراتوری عثمانی، توسعه صنعت، زندگی شهری، رشد دستگاه اداری حکومت، پیشرفت‌ها، چالش و غیره می‌پردازد.

الف) زندگی و شخصیت سلطان عبدالحمید دوم

سلطان عبدالحمید دوم در روز چهارشنبه ۲۱ سپتامبر ۱۸۴۲م متولد شد. وی فرزند دوم سلطان عبدالمجید است که نام مادرش (تیری مزگان) همسر دوم سلطان عبدالمجید می‌باشد.

سلطان عبدالحمید دوم سی و چهارمین سلطان امپراتوری عثمانی و درعین‌حال به سن ۳۴ سالگی بعد از عزل برادرش مراد، در روز پنجشنبه ۳۱ اگست ۱۸۷۶م قدرت امپراتوری عثمانی را به عهده گرفت، شخصیت‌های مذهبی، سیاسی و اجتماعی خلافت او را قبول نموده،

بعد با حضور بزرگان دین در مسجد جامع ابو ایوب انصاری او را خلیفه اسلام اعلام کردند (انصاری، ۱۳۸۸، ص. ۹۴).

عبدالحمید فردی هوشیار، سیاستمدار، ادیب، شاعر و مسلط بر زبان‌های عربی، فارسی و ترکی بود و بسیاری از کتب ادبی و تصوف را مطالعه کرده بود. او چگونگی کاربرد سلاح‌های روز را به خوبی می‌دانست و در اسب‌سواری و شمشیرزنی و تیراندازی، رقیبی نداشت. رخدادهای جهانی را دنبال می‌کرد و موقعیت کشورش را نسبت به این رخدادها مورد بررسی قرار می‌داد. وی در عین حال فردی بسیار باتقوا و خداترس بود، به عبادات و شعائر اسلامی پایبند بود، بسیاری او را با لقب (اولو خاقان)؛ یعنی پادشاه بزرگ می‌شناختند (دهخدا، ۱۳۷۷، ص. ۸۹۳). کینه‌ورزان غربی به او لقب سلطان سرخ و قاتل بزرگ داده بودند و با متهم کردن او به قتل عام ارمنی‌ها سعی در خدشه‌دار کردن چهره او نمودند؛ اما برعکس گفته‌های غربی‌ها خدمات شایانی برای اسلام و مسلمین انجام داد و دست به اصلاحات بزرگی زد که به سبب آن اروپا و هم‌فکرانش بار دیگر منافع و مواضع خود را در خطر دیدند و بازنده شدن خاطره سلاطین مقتدر عثمانی در ذهن‌شان، لرزه بر اندام آن‌ها افتاد.

عبدالحمید فکر روشن و جهان‌بینی خوبی را صاحب بود، او بارها می‌گفت که جنگ عثمانی با ایران و اختلاف ترکیه با ایرانی‌ها نتیجه و ثمره آن برای انگلیس بوده است؛ اما ترویج وحدت اسلامی در داخل و خارج امپراتوری و محدود ساختن غربی‌سازی عوامل اصلی در احیای امپراتوری عثمانی می‌باشد.

سلطان عبدالحمید دوم با فتوای شیخ‌الاسلام ضیاءالدین افندی پس از برکناری‌اش از سلطنت در همان شب توسط قطار (ریل) به منزل آل‌اتینی در تسالونیک انتقال و بعد پس از ۳ سال تحت بازداشت خانگی در سال ۱۹۱۲م به کاخ بیگلربیگی در استانبول انتقال داده می‌شود. سلطان عبدالحمید دوم در ۵ فبروری ۱۹۱۸م به مریضی سرماخوردگی گرفتار شد و بعد در اثر درد شدید معده در روز دهم فبروری ۱۹۱۸م وفات کرد. مقبره او در استانبول، در راه دیوان بزرگ، در نزد مقبره پدر کلان‌اش (سلطان محمود دوم) می‌باشد (انصاری، ۱۳۸۸، ص. ۹۸).

ب) اوضاع حکومت عثمانی قبل از به قدرت رسیدن سلطان عبدالحمید

۱. آغاز عصر تنظیمات

در خاک امپراتوری عثمانی بعد از وفات سلطان محمود دوم وضعیت تغییر می‌کند، البته این وضعیت در دوران حکومت پسران او سلطان عبدالحمید و سلطان عبدالعزیز؛ یعنی از سال

۱۸۳۹م به بعد دوره به نام دوره تنظیمات شروع می شود، این دوره با به سلطنت رسیدن سلطان عبدالمجید اول، پدر سلطان عبدالحمید دوم آغاز گردیده، در زمان سلطنت سلطان عبدالحمید دوم به اوج خود می رسد.

در رأس این تنظیمات مصطفی رشید پاشا، فواد پاشا، محمدامین علی پاشا بودند، آن ها تشخیص نمودند که نهادهای مذهبی و نظام قدیمی، دیگر جواب گوی نیازهای امپراتوری در جهان مدرن نیست؛ بلکه تغییرات در طرز فکر مدیران امپراتوری لازم و ضروری است. این تنظیمات جهت مبارزه با قدرت های اروپایی و جلوگیری از ضعف امپراتوری عثمانی که مرزهایش در حال کوچک شدن و توانش در مقابل قدرت های اروپایی در حال کاهش بود، آغاز یافت (راسخ یلدرم، ۱۳۹۴، ص. ۹۵).

دولت عثمانی در دوره تنظیمات، در محدوده وسیعی بر پایه تقلید از غرب به اصلاحات و تغییرات زد. به اقتباس از روش های غربی پرداخت؛ درحالی که این دولت، در ساختار بنیادی خود اسلام باقی ماند. همه چیز در دولت عثمانی و گاه گونه اسلامی، وصف می شد؛ اما به عنوان ترکی وصف نمی گردید. این زمان، اندیشه های ناسیونالیستی ترکی، به هیچ روی در اندیشه دولت مردان، فرهنگیان جامعه و نیز اذهان عامه مردم در مملکت وجود نداشت، از آنچه گذشت می توان دریافت که ترکان عثمانی پیوند عمیقی با اندیشه ملی عثمانی اسلامی داشته و از گرایش قوم گرایانه ترکی به دور بوده اند. این وضعیت تا سقوط سلطان عبدالحمید دوم ادامه داشت (پاکپور، ۱۳۸۵، ص. ۱۶۰).

۲. ظهور ترکان جوان

اروپای غربی به رهبری انگلیس، بر آن بود تا دولت عثمانی را نابود و سرزمین های آن ها را تقسیم کند. به همین دلیل از ایجاد جنبش های ناسیونالیستی، آن هم به دست ترکان جوان روشنفکر و فرهنگی که در غرب تحصیل کرده و آموزش های لائیک دیده بودند، کار را آغاز کردند (پاکپور، ۱۳۸۵، ص. ۱۴۴).

بدین ترتیب جنبش ناسیونالیستی ترکی در قدم اول یک جمعیت سری (مخفی) را ایجاد کردند تا برنامه های جنبش را تدوین کنند. آهسته آهسته درمیان نویسندگان ترک، سخنان تازه و اندیشه های جدید؛ مانند آزادی فردی، وطن، مشروطه خواهی، پارلمان و غیره به میان آمده و نارضایتی شان از سیاست سلطان عبدالعزیز حروف به انقلاب رسید؛ اما نفرت عبدالعزیز از گرایش های نو و غربی سبب شد که اعضای جنبش ترکان جوان به خارج از کشور گریختند. شماری از آن ها در پاریس و برخی در لندن اقامت گزیدند.

مهاجرت رهبران ترکان جوان به اروپای غربی، هم‌زمان با آغاز تحول در جنبش قومی ترکیه از صحنه ادبیات به سیاست بود. در سال ۱۸۶۸م برای نخستین بار در لندن، نشریه‌یی که به نام اتحاد ترکان جوان آزادی‌خواه (جریده الحریه) را ارائه می‌کرد، پدید آمد. رئیس تحریریه این جریده، رفعت‌بیک بود. شماره نخست این نشریه حاوی دو مقاله اساسی بود که هر دو به خامه نامق کامل بود. یکی تحت عنوان الوطنیه و دیگری الشوری نام داشت (پاکپور، ۱۳۸۵، ص. ۱۶۱).

در مقاله نخست بر اندیشه ناسیونالیستی، آزادی فردی و ملی زیاد تأکید شده و در مقاله دوم بر (مسئول بودن، کمی و کاستی‌های دولت عثمانی در قبال مردم را بیان می‌کرد. درحالی‌که بیشتر مقالات این نشریه بر اندیشه وطنی‌گری ارتباط داشته است، نویسندگان این نشریه گرفتار تبعید و زندانی شده تحت فشار قرار گرفتند.

در سال ۱۸۷۱م دو گرایش اساسی در دولت عثمانی به چشم می‌خورد که هر دو درباره اصلاحات و نظام حکومتی با یکدیگر درگیر بودند: نخست گرایش اصلاح طلبی و دوم جریان محافظه کار که به عدم برخورد با قدرت سلطان و عناصر اسلامی اعتقاد داشت؛ چراکه این اعتقاد سبب حفظ قدرت دولت می‌شد؛ اما به مرور برخی از گروه‌ها از برخوردهای مستبدانه سلطان به خشم آمدند. به دنبال آن، دشواری‌های چندی، محصول اوضاع نامناسب اقتصادی و اعلان ورشکستگی دولت عثمانی بود، پدید آمد. این وضع سبب ترویج افکار مشروطه‌خواهی و مجلسی شد، افکار که مدحت پاشا و دیگران در این زمینه ارائه می‌کردند، در روزنامه‌ها مورد توجه و مناقشه قرار گرفت. محافظه‌کاران دشواری‌های دولت را به بحث تنظیمات، رشد جریان لائیک، نفوذ بیگانگان، دخالت آنان در شیون دولت، برابر دانستن مسلمانان و غیرمسلمانان، منتسب بر آن‌ها، طرد معلمان و متخصصان خارجی و نیز سخت‌گیری بر مدارس خارجی گردید (حسینی، ۱۳۹۴، ص. ۱).

ج) امپراتوری عثمانی در آغاز سلطنت عبدالحمید دوم

سال‌های نخست سلطنت عبدالحمید تقریباً سال‌های سخت و نامساعد بود. در آغاز سلطنت در سال ۱۸۷۶م انقلاب در منطقه هرزگوین شعله‌ور گردید و این به تحریک ساکنان جبل اسود و صرب‌ها بود. این شورش سرکوب شد، به دنبال آن دولت برای جلوگیری از دخالت دول اروپایی، فرمانی برای تفکیک قوه قضائیه از مجریه صادر کرد. هم‌چنین فرمانی درباره برابری مالیات‌های مسلمانان و نصارا صادر نمود. باین‌حال، ساکنان آن مناطق راضی نشدند و بار دیگر سر به شورش برداشتند که بازهم سرکوب شدند. دولت اتریش که پشت سرشورشی‌ها بود و

بحث پیوستن بوسنی هرزگوین را به مملکت خود دنبال می‌کرد، به کار تحریک ساکنان بر ضد دولت عثمانی می‌پرداخت.

همان زمان، شورشی هم در بلغارستان پدید آمد که عامل آن مسیحیان بوسنی هرزگوین بودند، محرک آنان در دولت اتریش و سایر دول اروپایی و روسیه بود. (Aksun, 2010, p. 30)

۱. تدوین قانون اساسی جدید

در همین زمان تلاش‌های زیادی از سوی مدحت پاشا برای تهیه و تصویب متن نهایی قانون اساسی صورت می‌گرفت. سلطان، مدحت پاشا و چند نفر دیگر را مأمور تهیه پیش‌نویس‌های اولیه برای قانون اساسی و همچنین تشکیل گروه‌های مختلف برای بررسی آن‌ها نموده بود. این گروه تحت ریاست مدحت پاشا قرار گرفت و روی هم‌رفته ۲۸ عضو داشت که ۱۶ تن از آنان از دیوانیان، ۱۰ تن از علماء و دو تن دیگر از نظامیان بودند.

در ماه اکتوبر پس از مباحثات بسیار تشکیل مجلس به تصویب کمیسیون رسید که مرکب از دو مجلس یک مجلس سنا (مجلس اعیان) که اعضای آن از ۳۰ الی ۵۰ می‌رسید، اعضای آن مادام‌العمر توسط سلطان انتخاب می‌گردید و یک مجلس دیگر به نام مجلس مبعوثان (تعیین شدگان) که این مجلس از ۱۲۰ نماینده انتخابی از میان مسیحیان و مسلمانان تشکیل می‌شد؛ دوره قانونی آن سه سال بود و هر سال یک‌سوم از کل نمایندگان جای خود را به نمایندگان جدید می‌دادند. با خاتمه یافتن کار کمیسیون، مدحت برای دومین بار در ۱۹ دسمبر ۱۸۷۶ م به مقام وزیر اعظمی منصوب شد و قانون اساسی در ۲۳ دسامبر ۱۸۷۶ م مشتمل بر ۱۱۹ ماده و ۱۲ بخش اعلام شد (لاموش، ۱۳۱۶، ص. ۳۴۸).

۲. ترکان جوان و سلطان عبدالحمید

طی دوره‌ی سلطنت عبدالحمید در نتیجه شکوفا شدن تعلیم و تربیه علاوه بر آن که صدها تن مأمور دیوانی، دکتر، افسر و نویسنده خواستار فعالیت در چارچوب نظام، تربیت شدند، افکار سیاسی لیبرالی اروپای غربی نیز به اذهان آنان راه یافت.

در داخل امپراتوری، کمیته‌ی اتحاد و ترقی هم‌چنان گسترش می‌یافت و نه تنها در میان معلمان و شاگردان؛ بلکه در میان برخی کارمندان، افسران ارتش و حتی علماء نیز نفوذ کرده بود. اعضای گروه در برابر ادعاهای گروه‌های اقلیت ملی‌گرا که در اروپا فعال بودند، به تلاش‌های خود در حفظ وحدت و یکپارچگی کشور هم‌چنان ادامه می‌داند؛ اما مخالفت آنان با

سلطان به نسبت ناکامی‌هایی که نصیبشان می‌شد، شدت می‌گرفت (حضرتی، ۱۳۸۹، ص. ۲۶۲).

سلطان نیز از انتقادهای وی غفلت نمی‌کرد، وی همواره خود را فردی اصلاح‌گر می‌دانست و درحالی‌که از کسانی بیهوده در اروپا عمر می‌گذرانند و از انجام کارهای سخت که لازمهٔ نوسازی امپراتوری است ابا داشتند، سخت خشمگین بود (احمد، ۱۳۸۵، ص. ۲۶۴).

جنبش ترک‌های جوان در سال ۱۹۰۱م؛ یعنی زمانی احیاء شد که داماد محمود پاشا (۱۸۵۳-۱۹۰۳م) نوه محمود دوم و شوهرخواهر سلطان از سلطان ضربه خورد؛ یعنی انتصاب وی در مقام‌هایی بسیار پست‌تر از آنچه که وی خود را به لحاظ درجه و اعتبار شایسته‌اش می‌دانست، انجامید.

در واکنش به فعالیت‌های ترکان جوان و به‌منظور کمک به امر استحکام بخشیدن امپراتوری در برابر همهٔ خطرات داخلی و خارجی، عبدالحمید دو جنبش را تقویت کرد. اسلامیسم که بر احیای ارزش‌ها و سنت‌های اسلام به‌عنوان دین و فرهنگ و هم‌چنان تحقق آرمان برقراری وحدت میان مسلمانان همهٔ جهان تأکید داشت و ترکیسم که به سنت‌های ترکی فرهنگ عثمانی اهمیت می‌داد و در پی آن بود که احساس وحدت در میان ترکان جوان را زنده کند (شاو، ۱۳۷۰، ص. ۴۳۶-۴۳۸).

د) اصلاحات سلطان عبدالحمید

۱. زراعت

مدتی به طول انجامید تا زراعت توانست توجه (مسئولان را چنان‌که باید به خود معطوف کند تا سال ۱۸۹۳م، سیاست‌های کشاورزی را شاخه‌یی از وزارت تجارت و امور عام‌المنفعه تحت عنوان (مدیر زراعت) تعیین می‌کرد.

باوجوداین، کشاورزی عثمانی طی دورهٔ سلطنت طولانی عبدالحمید به گونه‌یی قابل‌ملاحظه گسترش یافت. توسعهٔ شبکه راه آهن و حضور کارگزاران شرکت‌های خارجی که مشتاقانه در پی فروش محصولات خود بودند، به امر گسترش کشاورزی کمک کرد (شاو، ۱۳۷۰، ص. ۳۹۲-۳۹۹).

۲. توسعه صنعتی

تأکید بر کشاورزی و مواد خام با طرز فکر رایج در مدرسه منچستر که حامی تجارت آزاد بود، به‌خوبی همخوانی داشت؛ این مدرسه القاء می‌کرد که هر کشوری باید به انجام کاری مبادرت

ورزد که به بهترین وجه از عهده آن برمی آید؛ بنابراین، بریتانیا به گسترش تولیدات صنعتی روی آورد و در این زمینه به موفقیت‌های نائل شد. درحالی که تلاش کشورهای توسعه نیافته بر تولید مواد خام و خرید کالاهای بریتانیایی متمرکز شد (لعل‌نهر، ۱۳۸۶، ص. ۲۷۱).

در رویارویی با رقابت صنعت اروپا، حتی صنایع هواپیماسازی عثمانی که توسعه یافته بود، دچار مشکل و مضیقه شد. سیاست‌گذاران و متفکران در پی‌ریزی کنند که امپراتوری و مردم آن نیز بتوانند در ثروت و رفاه جهانی سهیم شوند؛ بنابراین، عبدالحمید صنایع موجود اسلحه‌سازی و تولید پوشاک را گسترش داد؛ صنایعی که در اصل به منظور تأمین نیازهای نیروهای مسلح تدارک شده بود. کارخانه‌های چینی‌سازی و پارچه‌بافی که به همت عبدالعزیز و به منظور تأمین نیازهای قصر تأسیس شده بودند، تولید کالاهایی را آغاز کردند که عامه مردم قدرت خرید آن را داشته باشند. سرمایه‌های خصوصی در راه گسترش کارخانه‌ها و رقابت با کارخانه‌های اروپایی تشویق شد (شاو، ۱۳۷۰، ص. ۴۰۴-۴۰۲).

۳. زندگی شهری

طی سلطنت عبدالحمید، زندگی شهری به گونه‌ی بارز تغییر کرد. در استانبول، ازمیر، ادرنه، سالونیک و سایر شهرهای مهم، خیابان‌ها و پیاده امتیاز اداره آن‌ها به خارجی‌ان واگذار می‌شد، در خیابان‌های شهر رفت‌وآمد داشتند. هزاران تاجر خرده‌پا وجود داشتند که کالاها و وسایل تجملی خود را در هر نقطه از جهان به فروش می‌رساندند، هزاران دفتر پستی، شبکه تلگراف و خطوط کشتیرانی ارتباط داخلی و خارجی را تأمین می‌کرد. ارائه‌ی خدمات طبی به شیوه‌های جدید طاعون را که همواره خطری تهدیدکننده بود، ریشه‌کن کرد و برای عموم مردم در مقایسه‌ی با سده پیش از آن، زندگی سالم و مطمئن‌تری به ارمغان آورد (لیتل فیلد، ۱۳۸۱، ص. ۱۴۵).

۴. خطوط راه آهن

احداث شبکه راه آهن اندکی پس از جنگ کریمه آغاز شد و به دلیل بحران‌های مالی اوایل دهه‌ی ۱۸۷۰ م نیمه‌تمام ماند، طی سلطنت عبدالحمید خان یکی از بخش‌های مهمی بود که علاقه اروپاییان را به سرمایه‌گذاری در آن جلب کرده بود. بیشتر خطوط اولیه راه آهن را شرکت‌های اروپایی تحت تأثیر تضمین‌های حکومت عثمانی انجام داده بودند؛ اما تا سال ۱۸۸۸ م تنها ۱۷۸۰ کیلومتر راه آهن در امپراتوری احداث شده بود، به جز مسافت کوتاهی که در جلگه آدانا ریل‌گذاری شده بود. بقیه خطوط راه آهن در ترکیه یا ولایت منتهی‌الی غربی

آناتولی احداث خط راه آهن در مقیاسی گسترده اقتصاد امپراتوری را گسترش بخشید (شاو، ۱۳۷۰، ص. ۳۸۶-۳۸۸).

۵. سنگ‌فرش کردن جاده‌ها

شبکه خطوط راه آهن با احداث شبکه‌های ارتباطی دیگر در امپراتوری تکمیل شد. کار اجباری که سابقه آن به سال ۱۸۶۹ م بازمی‌گشت، دوباره به‌منظور احداث جاده‌ها و تعمیر آن‌ها تا سال ۱۸۸۹ م احیاء شد. احداث جاده‌های جدید بدین منظور صورت می‌گرفت که فعالیت‌های مالیاتی و نظامی حکومت و تلاش‌های آنرا در راستای گسترش کشاورزی و تجارت داخلی تسهیل کند.

۶. خطوط کشتیرانی و امور لنگرگاه‌ها

عبدالحمید به حمل‌ونقل دریایی توجه بسیاری نشان نداد و کشتی‌های بخاری که وجود داشت، عمده بر ابتکار و فعالیت شرکت‌های خصوصی اروپایی و عثمانی متکی بود که از زمان شروع دوره تنظیمات فعالیت خود را در امپراتوری آغاز کرده بود (شاو، ۱۳۷۰، ص. ۳۸۹).

۷. دستگاه اداری حکومت

دست اصلاح‌گر سلطان در چندین بخش دیگر حکومت اصلاحاتی ایجاد کرد. آغاز اصلاحات اداری به دوره‌ی کوتاه اقتدار مجلس بازمی‌گردد؛ یعنی زمانی که برای اداره امور سازمان‌های ولایتی و شهرداری‌ها قوانین مهمی از سوی مجلس اعلام شد. هر شهر در این زمان به ۲۰ بخش تقسیم می‌شد و هر بخش را شورایی مرکب از ۸ تا ۱۲ عضو انتخابی اداره می‌کرد؛ شوراهای یادشده به مختارها و مأمورین پلیس در اجرای وظایف محوله یاری می‌کردند (شاو، ۱۳۷۰، ص. ۴۱۶).

۸. توسعه نظامی

عبدالحمید طی نخستین سال‌های سلطنت بیشترین توجه خود را به امر نوسازی نیروهای مسلح معطوف کرد. شاید مهم‌ترین تحول انجام‌شده در این سال‌ها تجدید نقش دیرینه‌ی نظامی نیاکانش بود.

نظام جدید را به نام سواره‌نظام حمیدیه به تقسیمات لشکر اضافه شد. ۱۸۹۱ م واحد سواره نظام از قبایل کرد و ترکمن‌های آناتولی شرقی تشکیل می‌شد، در آغاز، مقصود از سازمان‌دهی واحد جدید رویارویی با نیروهای قزاق در کریمه و همچنین اعمال نظارت بر قبایل از طریق ایجاد سازمان جدید بود.

۹. تعلیم و تربیه

برای کسانی که تصدی اجرای برنامه اصلاحی و نوسازی تنظیمات را بر عهده داشتند، آموزش غیرمذهبی، مقصودی واقعی و عینی تلقی می‌شد، برای کسانی که می‌بایست چرخ حکومت، دستگاه قضایی و ارتش را به حرکت درآورند، فراگیری چنین آموزش‌هایی ضرورت داشت. عبدالحمید در برنامه‌ی اصلاحی خود به سال ۱۸۷۹ م تأکید کرد: اگر در سازمان آموزشی عمومی موجود کاستی‌ها و اشکالاتی وجود دارد، باید به کلی برطرف شود. از این رو، وی برنامه‌ی گسترده‌یی را به منظور توسعه‌ی مدارس درهم سطوح و در سراسر امپراتوری پیشنهاد کرد (شاو، ۱۳۷۰، ص. ۴۱۶-۴۱۸).

ه) برکناری سلطان عبدالحمید از اریکه قدرت

بعد از به وجود آمدن ترکان جوان، گروه دیگری روی کار آمد که به نام کمیته‌ی اتحاد و ترقی نامیده می‌شد. این کمیته کوشید که پشتیبانان خود را در سراسر امپراتوری سازمان دهد و از گروه‌های اقلیت ملی که از سال ۱۹۰۹ م به این طرف با کمیته همکاری کرده بودند، نیز تقاضای کمک کردند. در اتخاذ چنین موضعی از سوی محمود شوکت، به‌ویژه مصطفی کمال از وی پشتیبانی کرد. مصطفی کمال پس از موفقیت‌های اولیه که در سازمان‌دهی کمیته اتحاد و ترقی کسب کرده بود، از سوی رهبران کمیته کنار زده شد. او پس از آن تشکیلات را رها کرد و با مشارکت نظامیان در امور سیاسی به مخالفت پرداخت، در این زمان مصطفی کمال لشکر مقدونیه را برای حرکت به سوی پایتخت سازمان داد، وی واگن‌های قطار را مملو از سربازان کرد و (لشکر عملیات) (حرکت فردوسی) را سازمان‌دهی کرد که در این برهه تحت فرماندهی حسین حسن به سوی استانبول به راه افتاد، از آن جا که لشکر عملیات با هدف اعاده نظم وارد عمل شده بود. عبدالحمید در آغاز با این اقدام موافقت و از ورود آن‌ها به استانبول استقبال کرد؛ اما دیری نباید که لشکر عملیات رویه دقیقاً مخالف به آنچه سلطان انتظار داشت، در پیش گرفت. بیشتر نمایندگان و اعضای مجلس اعیان به اعضای قبلی و فعلی کابینه ملحق شدند تا با نظامیان قطار در حال پیشروی به سوی استانبول در خارج شهر در یشیل کوی (سان استانفو) دیدار کنند. بدین امید که موافقت آنان را با بازگشایی مجلس و دفاع از قانون اساسی بدون برخورد نظامی جلب کنند. در ۲۲ اپریل سال ۱۹۰۹ م، نمایندگان مجلس مخفیانه و تحت عنوان مجلس عمومی ملی (مجلس عمومیه ملی) و با ریاست وزیر اعظم پیشین، سعید پاشا که در این زمان ریاست مجلس اعیان را بر عهده داشت، تشکیل جلسه دادند. نمایندگان برای آن که به ارتش اطمینان خاطر دهند که آنان در شورش ضدانقلابی نداشته‌اند و از حکومت جدید نیز پشتیبانی نکرده‌اند، تصمیم گرفتند که عبدالحمید را از

سلطنت خلع کنند؛ اما برای این که خطر مقاومت در استانبول را کاهش دهند، این بخش از تصمیمات را افشاء نکردند. در بامداد روز ۲۴ اپریل، لشکر عملیات به ایستگاه راه آهن استانبول رسید و پایتخت را به تصرف خود درآورد. سلطان دستور داد که هیچ مقاومتی صورت نگیرد؛ اما برخی از پشتیبانانش سنگر گرفتند و در نزدیکی باب عالی و نیز در سربازخانه‌هایشان در ساحه اسکدار دلیرانه جنگیدند؛ اما تا پایان روز این مقاومت‌ها درهم کوبیده شد. محمود شوکت حکومت‌نظامی اعلام کرد (شاو، ۱۳۷۰، ص. ۴۷۲-۴۷۶).

سه روز پس از این رخداد، آخرین گام نیز برداشته شد، در ۲۷ اپریل مجلس دوباره تحت عنوان مجلس عمومی ملی، این بار در مسجد ایاصوفیه و به ریاست سعید پاشا، تشکیل جلسه داد. مجلس ملی با کسب فتوایی خلع سلطان را به اتهام همدستی در برپایی شورش ضدانقلابی و کشتاری که متعاقب آن اتفاق افتاد، هم‌چنین به اتهام چپاول ذخایر کشور و حکومت برادرش محمد پنجم (رشاد) را اعلام کرد. سلطان و اعضای خانواده‌اش را فوراً همان شب با قطار ویژه‌ی به سالونیک اعزام کردند، چنان‌که صبح روز بعد مردم و پشتیبانان سلطان در مقابل عمل انجام‌شده‌ی قرار گرفتند که امکان هیچ‌گونه مخالفت عملی در برابر آن برای‌شان وجود نداشت. عبدالحمید پس از ۳۳ سال سلطنت درحالی‌که هنوز ۶۶ سال بیشتر نداشت، این رخدادها را مشیت الهی دانست و در سالونیک زندگی آرامی را آغاز کرد تا این‌که در سال ۱۹۱۲ م، از بیم آن‌که مبادا وی طی جنگ‌های بالکان به دست بیفتد به استانبول فراخوانده شد. از این پس وی در بیلربی در ساحل آناتولیایی تنگه‌ی بسفور اقامت گزید و شش سال بعد در ۱۰ فبروری سال ۱۹۱۸ م درگذشت. بدین اساس زندگی یکی از برجسته‌ترین سلاطین عثمانی در هاله‌ی از ابهام و با خواری خاتمه یافت.

در حقیقت، اگر اصالت دولت عثمانی و ریشه‌های عمیق آن بود، همه‌چیز بر باد رفته و اوراق آن در همان قرن هجدهم یا نوزدهم درهم‌پیچیده شده بود؛ اما به دلیل وجود همین اصالت بود که در برابر طوفان‌های روزگار برای بیش از قرن دوام آورد؛ اما درنهایت به دلیل تجاوز استعمارگران و نیز در نتیجه ضعف شدیدی که در ارکان دولت رسوخ کرده بود که البته عبدالحمید (مستول آن نبود، سرزمین‌های این دولت، مورد غارت استعمارگران اروپایی که از دیرزمان در پی انحلال این دولت بودند، قرار گرفت (پاکپور، ۱۳۸۵، ص. ۱۹۶-۱۹۸).

نتیجه گیری

در نتیجه مهم ترین عوامل که باعث شد تا سلطان عبدالحمید دوم به قدرت برسد می توان از بحران سیاسی و ضعف سلطان مراد پنجم به دلیل مشکلات روانی و عدم توانایی در مدیریت امور، بحران های داخلی و خارجی امپراتوری عثمانی نظیر فشار قدرت های اروپایی (روسیه، بریتانیا و فرانسه)، شورش های قومی و مذهبی و فساد اداری، نفوذ اصلاح طلبان و مشروطه خواهان عثمانی برای ایجاد یک حکومت مشروطه، حمایت نخبه گان سیاسی و تمایل برای ثبات امپراتوری عثمانی، نام برد.

سلطان عبدالحمید دوم به مهم ترین دستاوردها و فعالیت ها از قبیل، پیش برد سیاست پان اسلامیسیم برای تقویت همبستگی میان مسلمانان جهان، پیشرفت در زیرساخت ها، تقویت آموزش و پرورش، حمایت از هنر و فرهنگ، مدیریت بحران های خارجی، حفظ استقلال اقتصادی نسبی، توسعه نظامی، تمرکز بر اتحاد امپراتوری و غیره نایل آمده و اقدامات او (راه آهن حجاز و توسعه آموزش) تاثیر قابل توجهی بر امپراتوری عثمانی گذاشت که هنوز به عنوان میراث های ارزشمند شناخته می شوند.

همچنان مناسبات ترکان جوان و سلطان عبدالحمید تحت تاثیر مسائل سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیکی پیچیده ای قرار داشت. که این روابط بیشتر به دلیل اختلاف ایدئولوژیک و تضاد منافع میان شان شکل گرفته بود. سلطان مذکور به حکومت مطلقه و سیاست پان اسلامیسیم برای تقویت امپراتوری عثمانی باور داشت، او بر وحدت جهان اسلام تاکید می کرد و با ایده لیبرال و مشروطه خواهان مخالف بود. اما ترکان جوان گروهی با گرایش به لیبرالیسم مشروطه خواهی و سیکولاریسم بوده که خواستار اصلاحات و محدود کردن قدرت مطلق سلطان بود و آنها بر ناسیونالیسم ترکی و مدرن سازی تمرکز داشتند که در نهایت منجر به براندازی خلافت عثمانی و انتقال قدرت از سلطان عبدالحمید دوم به مشروطه خواهان شدند.

منابع و مآخذ

احمد، اسماعیل. (۱۳۸۵). *دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال*. مترجم رسول جعفریان، تهران:

زیتون.

انصاری، مسعود. (۱۳۸۸). *از بادیه نشینی تا امپراتوری*. تهران: پروانه.

پاکپور، سبحان. (۱۳۸۵). *تاریخ عثمانی*. تهران: مؤسسه اسلامی قمر بنی هاشم.

حسینی، محمدعارف. (۱۳۹۴). سیاست‌های دولت عثمانی (سلطان عبدالحمید دوم) در بقای خود و مقابله با طرح اسکان یهودیان در فلسطین، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، شماره ۶۰، پژوهشکده تاریخ معاصر.

حضرتی، دکتر حسن. (۱۳۸۹). مشروطه عثمانی. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. ج ۸، تهران: دانشگاه تهران.

راسخ یلدرم، محمد صالح. (۱۳۹۴). تاریخ و فرهنگ ترکمن‌ها. کابل: الازهر.

شاو، استانفوردجی، شاو، ازل کورال. (۱۳۷۰). تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید. ج ۲، مترجم محمود رمضان زاده، تهران: معاونت فرهنگی آستان قدس.

لاموش، سرهنگ. (۱۳۱۶). تاریخ ترکیه. مترجم سعید نفیسی، تهران: کمیسیون معارف.

لعل نهرو، جواهر. (۱۳۸۶). نگاهی به تاریخ جهان. ج ۲، مترجم محمود تفضلی، تهران: امیرکبیر.

لیتل فیلد، هنری ویلسون. (۱۳۸۱). تاریخ اروپا از ۱۸۱۵ به بعد. مترجم فریده قره چه داغی، تهران: شرکت علمی و فرهنگی.

Aksun, Z. (2010) *II. Abdülhamid Han*. İstanbul: Ötüken Neşriyat.

محمد ولی کمینه و اونونگ ادبی ایشجنگلیگینه بیر غارایش

عبدالرحیم فرزاد

پوهندوی، تورکمن دلی و ادبیاتی دیپارتمنتی، تعلیم و تربیه فاکولته سی، جوزجان پوهنتونی، شیرخان، افغانستان.

<https://orcid.org/0009-0009-5531-2857-abdulrahimfarzad44@gmail.com>

<https://doi.org/10.69892/jawzjanaan.2024.56>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱)

غیسغا مضمونی

محمد ولی کمینه اوز عصری نینگ تالانتلی شاعرلاری نینگ بیری حسابلانیور. اول ۱۷۷۰- نجی میلادی ییلیندا (۱۱۹۰- نجی هجری) ییلیندا دوغولپ و ۱۸۴۰- نجی میلادی ییلیندا (۱۲۶۰- نجی هجری) ییلیندا آرادان چیقیدیر. کمینه نینگ اثرلری نینگ اولی بولگی بولسه دگیشمه و شورته سوزلر آهنگینده بولوپ، شولارینگ اوستی بیلن شول دورینگ توپلوم داقی دنگسیزلیک لری، اوز دوری نینگ حکمدارلاری طرفیندان ادیلیون ظلم- ستم لیکلری، حيله گرلیک لری و پاره خورلیقلاری انتقاد ادیدیر و مظلوم خلقی - مردمی غولداپ، اولاری غوراماقچی بولوپدیر. شویله - ده شاعرینگ غوشغولاری نینگ موضوع سی نینگ کولوک گوتریمی: «بیچاره»، «قاضیم»، غریب» و باشغه - دا شولار یالی شعرلرینی گورکزمک بولار که ایلینگ قینانجینا قینانیپ و ایل دن حمایت ادیدیر. شویله - ده شاعرینگ غوشغولاری نینگ معنی تایدان آرزوجللیغی، ایله امید پایلایونلیغی و دگیشمه اهنکلیلیگی تایدان باشغه تورکمن شاعرلارینگقیدان تفاوتلانیور. مقاله دالاساسی تحقیق مساله سی شاعرینگ غوشغی لاری نینگ موضوع سی نینگ ناحیلی تارلرده لیگینی یوزه چیقارماق بولار؛ امابو تحقیق دان هدف اساساًهم ایکی اوور بویونچه شاعرینگ اجتماعی- تنقیدی و شورته سوزلری درنگاپ، نتیجه ده شاعرینگ اثرلرینده توپلوم داقی قینچیلیقلارینگ چوزگودی اوچین تنقید مساله لر دوغروچیللیق بیلن بیان ادیلیدیر. شونلوقدا دورموش گونوملچیلیک اونونگ اوز ادبی یولی و آیراتینلیغی حکمونده اوندوقیزینجی عصر تورکمن ادبیاتینه گیریدیر دیپ نتیجه چیقارماق بولار.

اساسی ایش سالیشیلون سوزلر: اوندوقیزینجی عصر، توپلوم، شعر و کمینه.

A Brief Look on the Life and Literary Activities of Mohmmad Wali Kamine

Abdul Rahim FARZAD

Assistant Prof, Department of Turkmen Language and Literature, Faculty of Education, Jawzjan University, Sheberghan, Afghanistan.

<https://orcid.org/0009-0009-5531-2857-abdulrahimfarzad44@gmail.com>

<https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2024.56>

(Received: 21/01/2025 - Accepted: 01/03/2025)

Abstract

Mohammad Wali Kamina is considered as one of the most prominent poets of his century. He was born in 1770 A.D and passed away in 1840 A.D. The majority of Kamina's poems are satirical, critiquing social inequality, tyranny, and the deceit and cunning of kings and money-lover rulers, and defending against the interests of the oppressed. These are reflected in poems like "Bicharaha" "Qazim" "Gharib" and others. Kamina's works stand out from other poets of this century in terms of wit, optimism, and vivacity. In addition to satirical and aggressive poems, he also has very pure, delightful, and lyrically excellent lyrical poems. Kamina's poems are considered one of the best lyrical poems in Turkmen literature. As we mentioned, Kamina's satirical poems mostly target the upper classes of society, so his works did not reach us as they should. However, many of Kamina's lyrical and satirical poems have been passed down orally by "Bakhshiha" and people. Thus, Kamina, as a people's poet, has always found a place in the hearts and minds of people, and his name will always shine brightly in the history of Turkmen literature.

Keywords: Kamina, Poem, Society, 19th-century.

گیریش

انسان دنیاسی تاریخینگ آقیمیندا دورلی ملت لردن، دورلی خلقلاردان، دورلی اوورلار بویونچه تالانتلی حقدان ایچن شخصیت لری، عالم دیر شاعرلاری یتیشدیرپ، کماله گتیرپدیر. شولارینگ بیرى هم تورکمن ادبیاتی نینگ گورنوکلی وکیل لریندن بیرى بولان مخدومقلی فراغی نینگ تارینی (سبکینی) اوزونه یول- یورلکه ادینن اعرلارینگ بیرى هم اوندوقیزینجی میلادی عصردا یاشاپ گچن شاعر محمدولی کمینه دیر. محمد ولی کمینه اوز عصری نینگ تالانتلی شاعرلاری نینگ بیرى حسابلانیور. (ДУРДЫЕВ, 1994, pp. 48-61)

مقاله دا تحقیق مسألهسی شاعرینگ اثرلری نینگ موضوع سی نینگ کوپ اوورلیلغی، شول ساندا اساسا هم ایکی موضوع اوستونده دورولوپ گچیلیپدیر دیسک یالنگیشماریس. بولار تنقیدی شعرلر و شورته سوزلر دیمک بیلن دگیشمه گورنوشه یوغرولوپدور. سببی توپلومینگ قینچیلیغینه چوزگود گوزلمک و اونى هم دوغروچیل و گونومل تنقیدی و دگیشمه گورنوش ده بیان اتمک شاعرینگ اوندوقیزینجی تورکمن ادبیاتینه گتیرین تازه لیگی و آیراتینلیغی دیر. شویله لیک بیلن بو تحقیق دان هدف، محمدولی کمینه و اونونگ اثرلری نینگ موضوع سینداقی آیراتینلیقلاری یوزه چیقارماق مقاله نینگ باش مقصدی بولوپدور. بو تحقیقینگ اهمیتی هم دیسنگ اولی دیر. چونکه اونونگ اثرلری تورکمن ادبیات چیلاریندان باشغه هم تانیمال گوندوغارشناسلاری غیزقلاندیرپدیر. شاعرینگ اثری نینگ اولی بولگی بولسه، دگیشمه و شورته سوزلر گورنوشینده بولوپ، توپلوم داقی دنگسیزلیک لری، انتقاد ادپدیر و مظلوم خلقی و مردمی غولداپ شعرلر یازپدیر. شاعرینگ دوغولوی و دگیشمه اهنکلی اثرلری نینگ کوپوسی آیدیحی لارینگ داستانچی لارینگ اوستی بیلن دیل دن دیله گچپ بیزینگ گونلریمیزه گلیپ یتپدیر. کریسمیسیکی نینگ آیتماغینه گورا ۱۸۴۲-نجی میلادی ییلیندا گوندوغار شناسلارینگ بیرى بولان الکساندر خودزکوف کمینه نینگ شعرلرینی بیرینجی گزه ک اوز اثرینده مخدومقلی نینگ شعرلری بیلن بیله لیک ده ترجمه ادپدیر. سونگلار باشغه دانشمندلر هم کمینه نینگ اثرلرینی اونونگ اولادلاری نینگ و باشغه آدم لارینگ یانیندان توپلاپ آلیپ اوره نیپدیرلر (راسخ یلدرم، ۱۳۹۴، ص. ۱۷۶-۱۷۷).

تحقیق گچمیشی شاعرینگ شعرلر توپلوم کتابی اونونگ اثری حکمونده عزیز اولکامیز افغانستان دا دینگه عبدالمجید تورانینگ اهمتامی بیلن چاپ ادیلیپ ایل- گونه یایراپدیر، اونونگ داشیندا تورکمن تاریخینه و مدنیتینه دگیشلی کابیر کتاب لاردا کمینه حقیندا غیسغه چه بولکله ین اوجیبسیزجه ایشلر ادیلیپدیر، اولاردان "محمد صالح راسخ یلدرمینگ «تاریخ

و فرهنگ تورکمن‌ها» آتلی اثری نینگ، عبدالمجید تورانینگ «نگاهی به تاریخ و فرهنگ تورکمن‌ها»، «کونگل لر صداسی ایکینجی جلدی» یالی اثرلرینگ دگیشلی بولوملرینده یادلانیپ گچیلیپ، کابیر تورکمنی مجله دیر جریده لرده شاعرینگ شعرلری بولکله ین چاپ ادیلیپ ایل- گونه یایراپدیر. شویله- ده غونگشی ایران تورکمن لری نینگ آراسیندا کمینه نینگ شعرلر دیوانی چاپ ادیلیپدیر. شونونگ یالی هم غونگشی تورکمنستان دا شاعر محمولی کمینه نینگ اثرلری حقیقدا کوپ سانلی علمی-تحقیق ایشلر ادیلیپ و اونونگ شعرلر دیوانی بیرناچه گزه ک چاپ ادیلیپ، ایل- گونه یایراپدیر. اولاردان هربری قاقاجان دوردیوف، قاقاجان آتایوف، امان شیخ نفسوف، بگمکوف ایل امان، قربان گلدی گلیدیف، آنه قربان عاشوروف و باشغه لاری آیتماق بولار "یونه غینانساقدا عزیز اولکامیز افغانستان دا شو یوقاردا آیدیلیپ گچیلن اوچپسیز ایشلرینگ داشیندا هیچ بیر ایش ادیلمه دی، حتی بو شاعر حقدا افغانستان کوپ ایلدشلریمیز خبرسیز هیچ حیلی معلوماتلاری یوق دیساک هم یالنگیش بولماز. بو مقاله دا شویله سوراغ لاره جواب گوزله نیپ، درنگو ادیلدی. محمولی کمینه نینگ اثرلری نینگ تورکمن ادبیاتینداقی اورنی ناحیلی؟ کمینه تنقیدی شعرلری نینگ اوستی بیلن ناحیلی قینچیلیقلاره جوزگوت گوزلاپدیر؟ کمینه توپلوم داقی قینچیلیقلاری ناحیلی تار آیراتیلغی بیلن بیان ادیدیر؟ خود شونونگ اوچین هم بو علمی تحقیقی مقاله دا محمولی کمینه نینگ ترجمه الینه و اونونگ شعرلرینه علمی نقطه ی نظر دان آچقیلیق گتیرپ، شاعرینگ اوندوقیزنجی عصر- تورکمن ادبیاتینا گتیرین تازه لیک آیراتیلقلارینی اساسا هم توپلومداقی قینچیلیقلارا تنقیدی گوز بیلن غاراپ اونو گونومل هم دگیشمه هنگ دا آچاچان بیان ادیش یول لاری غیسغاچه درنگاپ گچیلدی.

بو مقاله نی تیارلاماقدا کتابخانه ای (توصیفی تحقیق گؤرنوشیندن) اولانیلدی. شیله- ده بو علمی درنگو ایشینده یوردیمیزدأکی و داشاری یورت لردأکی اعتبارلی چشمه لردن اساساً هم عزیز اولکه میز افغانستان، ایران و تورکمنستان اولکه لرینده نشر ادیلن علمی و تحقیقی کتابلاردان، شاعرینگ شعرلر توپلومی و مجله دیر مقاله لاردان موضوعینگ آچیقلاینیشی اوچین فایده لانیلدی.

الف) شاعرینگ عمر بیانی

محمولی کمینه هم تورکمن لرینگ ایشجنگ شاعرلاری نینگ بیری دیر. دگیشلی علمی- تحقیقی ایشلری آلیپ باران عالم لارینگ چاقلامالارینه گورا شو وقتی ایرانینگ و تورکمنستان

آراچاک لرینه یقین بولان تورکمنستان سرخس دیین منطقه سیندا بیرغریب ماشغلادا دوغولیدیر دیین فکرلر بار.

اول کوپ مشقت لاری باشیندان گچریپ ۱۲۶۰— نجی هجری ییلیندا هم آره دان چیقیور. ینه کابیر معلومات لاره گوره میلادی ییل بویونجه آیدانیمیزدا هم شاعر، ۱۸۴۰-نجی ییلدا سرخس دا یتیمیش یاشیندا آره دان چیقاندیغی آیدیلیور. کمینه بوتین عمرینی غریب دورموش دا گچیریپ دیر. اما شاعر غریب لیغینگ، خور- زارلیغینگ اونگینده دوروپ، همیشه شادیان یاشاپ دیر. اونونگ قینانجی اوزی اوچین دال غریب ایلات اوچین بولوپدیر (ДУРДЫЕВ, 1994, p. 48-65).

شاعرینگ آدی محمد ولی بولوپ کمینه اونونگ تخلصی دیر. کمینه سوزی هم «کم» سوزیندن دیر. یعنی فارسی دری دیلینداکی فروتن سوزی بیلن معنی داش گلیور. باشغه چه آیدانیمیزدا تورکمنچه ده هم اونونگ معنی سی اوزینی کیچی توتیون دیمک دیمگی آنکلاتیور. بو لقب شاعرینگ خود اوز دورموش یاغدایی، غیلیق خاصیتی بیلن دولی باغلانشیقلی دیر..

کمینه باشلانغیچ بیلیمی اونوب — اوسن یری بولان سراخس دا، اوبا مکتبیندن آلیور. سونگ بخارا دا — خیوه دا اوقاپ اوز منطقه سیندا دوری نینگ بیلیملی آدمی بولوپ، یتیشیپدیر. بو شهرلر اوندوقیزنجی عصرینگ باشلاریندا اورتا آسیانینگ مدنیت مرکزی و دینی علمینگ اوسن یری بولوپدیر. اما غریبلیق و غورپ سیزلیق شاعرا بو یرلرده دواملی بیلیم آماغه ممکن چیلیک برماندیر و اول اوز باشداق اوقاپ دوری ینگ گورنوکلی آداملاریندان بیرری بولوپ یتیشیپ دیر (راسخ یدرم، ۱۳۹۴، ص. ۱۷۶-۱۷۷).

کمینه بیرینجی گزک «قربان بخت» دیین غیزا اوپلنیپدیر، قربان بخت شاعر بیلن ۲۹ ییل یاشاندان سونگ بی وقت آرادان چیقیور. بو یتگی شاعره اوران آغیر دگیپدیر و یاغدایی نینگ خاص پسلمه گینه سبب بولیور.

کمینه بو غینانچ لی واقعه بخشلاپ یازان «باریندا» آتلی مرثیه گورنوشلی شعرینده شویله دییور:

بیر کم اوتوز ییل دیر سوروشدیم دوران	یار سن سیز گرمز بوفانی جهان
کمینه باردینگ طاووس دک هریان	ایندی شادلیق یوقدور دنیا باریندا
	(کمینه، ۱۳۸۰، ص. ۱۰).

دیبپ، بوغابغیلی واقعه نی غینانچ بیلن یادلاپ گچپور شاعر بو عیالی اؤلندن سونگ هم باشغه هم ایکی گزه ک اوپله نیپدیر دیین فکرلره دوش گلکم بولیور.

کمینه نینگ «قربان بخت» آدلی عیالیندان ایکی اوغلی بولوپدیر. اولارینگ آتلاری «خدایار» و «الله یار». اولارینگ هم هر بیریندن بیر ناچه نسل غالپور. شاعرینگ نبیره لری حاضر هم سرخس چاک لرینده یاشایوندیقلاری آیدیلیور. کمینه دوری نینگ بیرناچه تانیمال آدملاری بیلن یقیندان تانیس و آرا غاتناشیقدان بولوپ دیر. اولارگونوکی تورکمن کلاسیک شاعری محمولی کمینه نینگ اثرلرینه یوقاری بها برپ دیر. کمینه اوز دورینداکی شاعرلار و اونگده باریجی آدملا بیلن آراغاتناشیقدان بولوشی یالی، تورکمن کلاسیک ادبیاتی نینگ بییک خلیفه سی مخدوم قلی غه اوز غایبانه استادی حکمینده یوقاری بها برپ دیر (توران، ۱۳۷۸، ص.۳۷).

کمینه؛ ملانس، طالبی، شاه بنده و مخدومقلی یالی تورکمن کلاسیک شاعرلاری نینگ اثرلری بیلن غیزیقلا نیپدیر و اوقاپدیر. اساساً هم مخدومقلی فراغی نینگ اثرلرینی اوزونه یول- یورلگه ادینیپدیر.

شاعرینگ و فراغی نینگ اثرلری موضوع تلیدان کابیر آیراتینلیق لاره غلبات گلیون هم بولسه اونونگ شعرلری نینگ دیلی و فورماسی تایدان غارانیمیزدا بولسه مخدومقلی فراغی نینگقیدان تاثیرلنندیگی گوزه دورتیلیپدور. کمینه نینگ شاعرانه دنیاسی نینگ تارلری (سبکی) غایغی دان دولی تاثیرلنن دیپپ آیتماق بولار. مونی شاعرینگ اثرلرینی غیزیقلا نیپ اوقان آدم دولی گوزیتیرر.

شاعر ینگ شعرلرینده غریبلیقدان کوپ نالینیپ، زیره نیپ دوران شعر قهرمانلارینی گورمک بولیور. بو موضوع داقی شعرلردن شاعرینگ مقصدی اوزونینگ گون - گزران قینچیلیغی دال ده شو دورینگ ایلاتی نینگ کوپلوک گوتریمی نینگ قینچیلیغی نی شعر- سطرلری نینگ اوستی بیلن بیان ادیپدیر. شو دورداکی پاره اییان حکمدارلاری و غریب- غسارلارا ظلم اتیون ظالم بایلاری تنقیدلاپدیر. شونینگ اوچین هم بو باره دا «غریبلیق» دیین شعرینی یازپ دیر و اوز دوری نینگ اجتماعی درد لرینی بیان ادیپ دیر. شویله هم کمینه اهلی انسان دنیاسینه خاص آیراتین حرمت غویوپدیر اونی شاعرینگ سطرلری نینگ دورلی اوورلاریندا گورمک بولیور . (Begmäkow, 2010, p. 193)

ینه بیر روایت گورا بیرگون شاعرلارینگ میلیسی (مجلسی) ییغنانشیغی بولیور. شو ییغنانشیقدان یوزه چیقان «نامه حقدایازماق گرگ» دیین سوراغه کمینه: «مخدوم قلی سوز

میدانی نینگ اوراغینی اوروپ گیدییدیر، بیزه اونونگ خوشاسینی چوپلایماسق، ذات غالماندیر» دیپ جواب برییدیر. مخدومقلی نینگ دوره دیجیلیگینه شیله بها برمک اونونگ دوره دن بوتین ادبی بایلیغی بیلن کمینه نینگ یقیندان تانیشدیغی و شاعرینگ دوره دیجیلیگی نینگ کوپ طرفلی و دورلی داستانلارا دگیشلیدینگینی ثبوت ادیور.

شونونگ بیلن باغلانیشقدا کمینه نینگ شاعر ملا نفسینگ استعدادینه یوقاری بها برشینى هم یادلاماق گرک. شاعرینگ قاررییان وقتى ملانفسینگ یانگی یتیشن گونلاری بولوبدیر.

خلق آراسیندان آلینان بیر روایت گورا، گونلرده بیرگون، کمینه: «یری ملا کمینه مخدوم قلی نینگ خوشه سینی چوپلاپ یتیشیب بیلورسینگز می؟» دیپ، سوراغ بریورلار. اونده کمینه: — چوپله یورین ولی، وکیل لرینگ یازی تیره سیندان بیر اوغلان «آیغی دوشاقلی تای» یالی تاوساقلاپ غاپدالیمدان غالمه یور— دیپ جواب برییدیر. — شو روایت گورا گورکزیلیون «آیغی دوشقلی تای» یالی اوغلان ملا نفس دیر دیلیپ، چاق ادیلیور.

ملانفس بیلن کمینه نینگ آرا غاتناشیقدا بولانلیغینی سونگق قتلاردا توپلانان ییغیندی لاردان هم گورمک بولیور. اولار بوتین گیجانی هر دورلی کتاب اوقیماق، غوشغی دوزمک ویوماق آتیشماق بیلن گچیور اکن لر. (Begmäkow, 2010, p. 191)

بو یرده آدی توتولیون «آمان» دین آدم، کابیر ایشلرده گورکزیلشینه گورا اوز دورینده بللی شاعر لاردان بیرى بولیپ دیر. اونونگ آدی کمینانینگ بیر غوشغیسندا هم دوش گلیور. شاعر اول غوشغینی سیندا:

کمینه دان بیر نشان	یازیب گویبرسم آمانا
عرضیم دیسم عرضمانا	یورک آی سلطانا قارشى

(ДУРДЫЕВ, 1994, p. 52).

دیگ بیلن، اوزونینگ «آمان» آدی بیر آدم بیلن آراغاتناشیقدا بولانلیغینی بیان اتیور. کمینه نینگ تانیس آدملاریندان بیرى — ده ساریقلارینگ «محمدی» دین شاعری دیر. شو دوره خیوه خانى طرفیندان ساریقلارینگ اوستونه دیکمه ادیلیپ قویلان «نیاز محمد» دین بیر بای اکن. شاعرینگ شو بابینگ مدرسه سینده ایکی اوغلی اوقاب دیر. شاعرینگ اوز اوغلانلارینی گورماگه گلن وقتیندا «محمدی» بیلن آیدیشیغی و همیشه اونى ینگشى حقیندا خلق آراسیندا بیر ناچه گوررونک لر یایراپ دیر.

کمیته بوتین دورموشینی غریبلیقا گجریب دیر. کمیته آدی و اونونگ «فیرق یامالی» ایچمه گی تورکمن لر آراسیندا گچمیش داکي مونگ لرچه غریب لیغینگ نقلینه اوریلیب دیر.

گونده مونگ غوصام بار یوزالم بیلن دریمیننگ باریندان بتر غریبلیق
سوراغی من بولدوم غایغی غم بیلن گلیب دوشر قاطره قاطره غریبلیق
(کمیته، ۱۳۷۸، ص. ۸).

کمیته المدام اونگار—اونگماز گذران گوروپ، غریبلیغینگ «سوقی داشی» بیر سیخلی دغه سیندن اینیب دوران — دا بولسا، اول روحدان دوشماندیر. خلق آراسینداقی بیر روایت گورا بیر گون کمیته دن: «ملاکمیته، سن شاعر چلیقدا طالبی بیلن ننگ یسنگ؟» دییب، سوراند: «اول صوفی چلیقدا مندن اونگ ده بولسا — دا، اجتماعی مساله لر حقیقدا آیدیشانیمیزدا منینگ آیدیشم سوو پسه گیدن یالی دیر» دییب، جواب بریب دیر.

ب) محمد ولی کمیته نینگ دوره دیجیلیگی

حاضرکی وقت دا هم تورکمن خلقی نینگ آراسیندا دینگه کمیته نینگ شعرلری دال ده، ایسام باشغه هم شاعرینگ ادن ایشلری و شخصیتی حقیقداقی شورته سوزلردیر دگیشمه لر آزادال دیر دیسک یالنگیشماریس. بو دگیشمه اهنگی اثرلر حاضرکی عصردا هم اوزونه چکیجیلیگی بیلن خلقینگ آراسیندا خاص قیمتی و ارزشلیلیگی بیلن آیراتین تفاوتلانیور. شونلوق بیلن کمیته ایل آراسیندا خلق شاعری حکمونه آدم لارینگ قلییندا و روحوندا اورون آلیپ، اونونگ آدی تورکمن ادبیاتی نینگ تاریخیندا همیشه اولی حرمته اییه بولوپ یادلانار.

شونلوق بیلن کمیته و اونونگ دورودش شاعرلاری مخدومقلی فراغی طرفیندان اساسلاندیرلان اونسکیزینجی میلادی عصردا تازه بیرادی و شاعرانه تاری (سبکی) اوزلرینه یول — یورلکه ادیب، سایلادیلار و شول یول بیلن هم ادبی- شاعرانه یوللارینا دوام اتدی لر. شونلوقدا تورکمن ادبیاتی اوندوقیزینجی میلادی عصرده هم ادیل اونسکیزینجی میلادی عصرداقی یالی اوز اوسوش یولونه دوام اتدی. اوندوقیزینجی میلادی عصردا تورکمن ادبیاتینه اولاقان خزینه وغوشانت غوشان دانا شاعرلارینگ بیر هی محمدولی کمیته دیر. شول سبب دن هم هر بیر ایلینگ مدنیت، تاریخی، فرهنگی و کلتوری شوهرییرملت ینگ باغیریندا اکلائیب اولانان دردلی احساسلی فرزند لرینگ دوره دن ملی قهرمان لیقلاری وهمده شو خلق ینگ دویغولی و آگاه شاعرلارینگ اورنینی اوچیرمان ایزینی غالدیران و اوزیندن نام و نشان غویوب گیدان بییک ایشجنگلیقلاری و بها بیچیلیب بولماز دوره دیپ گیدن ادبی و تاریخی اثرلرینه

گورا ارزش و قیمت بیرلیب و شو خلق ینگ مدنیته بیلن یقین دان تانیش بولمه لی بولیور (ДУРДЫЕВ, 1994, p. 63).

محمدولی کمینه نینگ یازان غوشغیلاری تورکمن ادبیاتیندا آیراتین اورو توتیور. اونونگ غوشغیلارینی اوقانینگدا، تورکمن فولکلورادبیاتی نینگ تاثیرینی دویماق بیلن بیرلیکده تورکمن مظلوم خلقی نینگ گورن مشقت و قینچیلیقلارینی، جبر و ستم لرینی آچیق بیان اتیوندیغینی دویماق بولیور. وشاعر شول دورینگ عدالتسزلیق، ظلم و استبدادلارینی برک تنقید ادیب غاتی یازغاریپدیر.

شونلوقدا کمینه اوز غوشغولاریندا وطن سوییرلیگی، دنگ لیک و برابرلیگی، انسانلارا بها برمکلیگی و مهربان لیگی، آغزی بیر یاشاماق لیگی اونداپدیر. خود شونونگ اوچین هم تورکمن خلقی نینگ متفکر و ریالیست شاعرلاری نینگ بیر بولان محمد ولی کمینه نینگ غوشغیلارینی اوقانینگدا اونونگ اثرلرینده نینگ مداما خلقینگ غینانجینه غینانیون، شادلیغینا شادلانیون و ایلاتی غولدایون شعرقهرمانینی گوز اونگونه گتیرمک بولیور.

محمد ولی کمینه لیریکی شعریتی نینگ اینگ گورنیکلی وکیل لرینگ بیر بولیپ، اونونگ داب لرنی دوام اتدیرن و اوز بولوشلی آهنگ لار بیلن اوسدیرن شاعر. اول ادبی دوره دیجیلیک ایشینه یاشلیق ییلاریندان باشلیور.

شاعر خلق اثرلری، کلاسیک شاعرلارینگ اثرلری بیلن اچگین غیزقلانیور، اولاردان گورلده آلیور. اول ترک، فارس و عرب تاریخی نی، مدنیته نی و ادبیاتینی اوره نیور، اونونگ قوتلی عقلی، جمعیتی سوسیال اوره نماگه ایتکله یور، شاه بنده طالبی و نفس مونونگ ده دوستلاری و فکر داش لاری، اول مخدوم قلی نینگ، ادبی مکتبی نینگ دوامچیسی، ماری ده نفسینگ، سعدی نینگ، افندی نینگ، زکانی نینگ و مشفقینگ ساتیره سی بیلن برک تانیش. دوری نینگ اورازخان یاغلی، غره اوغلان خان اون بگی، حتی یاش غوشوت خان بیلن تانیش بولان لیگی چاققلانیور اونونگ شعرلری توتوش لیغینه دیه ن یالی خلق آیدیمینه اورولیپ دیر.

کمینه نی تورکمنستان نینگ خوجه نصرالدین افندیسی دییورلار. کمینه وارعلی پیر ایکی سنینگ تواره گی شورته سوزلرینگ اولی توپاری بیلن غورشاغلی، کمینه تورکمنینگ گولکی خزینه سی، کمینه دیه ن آت تورکمنی همیشه ییلغیردیپ غویبریور.

محمدولی کمینه شعرینگ شاعرلارینگ داشیندان خلق روایت لارینگ اساسینده یازیلان مشهور شورته سوزلاری بیلن اوزنه همیشه لیک یادگارلیک دکین سوز استادی دیر. (ДУРДЫЕВ, 1994, p.67)

محمودولی کمینه نینگ شعرلرینی اوچ گورنیشینه بولوپ اوره نیپ بیلورس بولار شولاردان عبارت دیر. عشقی تیمه ده یازان غوشی لاری، قهرمان چیلیق حقه یازان غوشی لاری و اجتماعی و تعلیمی گورنوش لرینده غوشی لاردوزه دن دیر. نامه اوچین دینده بو شاعرینگ شعرلری نینگ کوپراک بولک لرینی عشقی گورنوش لری اوز ایچینه آلیپ شاعرینگ چپر استادلیق بیلن دوره دن سوزلرینی هر بیرشعر سطرلرینگ ایچینده آیدینگ بیزلر دویب بیلورس که شو زمانه نینگ اجتماع ده بولیون سویگینی استادلیق بیلن شعرلرینگ ایچلرینده گورگزیب دیر.

۱. اجتماعی و تعلیمی موضوع دا یازان شعرلری

محمودولی کمینه نینگ اثرلرینده گوپراک قسمتی اجتماعی بخشلاپ آیدپ دیر. شاعر شو وقتینگ دورموشونه غاراپ اجتماع دا بولیون نادوغری ایشلری تصویره چکیپ و خلقینگ آسوده — آرام یا شا ماغینی ایسلاپ دیر و همده خلقینگ آره سینده و باشغه شاعرلارینگ غوشی لارینه گورا کمینه کوپراک مظلوم خلق ینگ گورن مشقت و غین چیلیق لارینی، جبر و ستم لرینی آیدینگ بیان ادیب و شو زمانینگ عدالت سیزلیغینی، ظلم و ستملیک لرینی برک تنقید ادیب غاتی یازغاریپ دیر. شاعر اوز غوشی لاریندا وطن سویرلیگی، دنگ لیک و برابرلیگی، انسان دوستلیق و مهربان لیگی، دینچ و پراخت لیلیگی و بلاخره غوغالی دنیامیزده مهر و محبت بیلن آغزی و بیر و اتفاق یاشاماغینی پند و نصیحت بیرپ سارغاب گچیب دیر. شونینگ اوچین هم اجتماعی بارده آیدان شعرلریندن بیرناچه نمونه سیندان آت توتیپ گچیورس « غریبلیق»، « غریب»، « باریندا»، « قاضیم»، « گزر»، « بيله»، « بیرتویسلی»، « یاغشی دیر»، « ال گوتر»، « بارابار»، « دنیانینگ»، « باریندا» و باشغه شونگه منگزشرلیالی شعرلرده یادلاپ اوتیور. (kemine, 2010, p. 51-73)

محمودولی کمینه نینگ اجتماعی شعرلریندا شو عصرینگ دوامیندا یاشاپ یورن آدم لارینگ دیربجیلیگینی چپر استادلیق بیلن بیان اتیور. شونینگ اوچین هم شعرلری نینگ کوپراک غریبلیق باردا گورینگ دوره دیپ دیر. شو اساسدان هم « غریب» آتلی غوشی سیندا یادلاپ گچیور.

شاعرینگ آتا-انه نینگ حرمتی حقددا شيله فکرلری اونگه سوریور:

یالباریمن «بای آغا» دییب، گویا آق — مومدان بتر	بایلرینگ باسغانچاگی بولدوم — قیسیم قومدان بتر
« برحقیم!» دییب قیسساسام، چیشراوتورخومدان بتر	اوغری شوم، اورامسی شوم هم، بلکی، اول شومدان بتر

(کمینه، ۱۳۷۸، ص. ۸).

شاعر شو یوقاردکی آیدیپ گچیشی یالی همیشه غریب لبق بیزلردن آیریلما دیپ شعرلری نینگ هر بیر سطرلرینده چپر استادلیق بیلن سوز یوره دیپ اوتیور. شاعر، هم ده بو شعرینده بای لاره یوزله نیپ یالباریرمن بای آغه دیپ شونده هم گویا آق مومدان بتر هیچ غریبلیق بیزلرینگ یانیمزی گویرمه دی دیپ اجتماعده بولیپ یورن ناحق لیلیغی تصویرلاب بیرخدانینگ اورغانی، دیپ همه یرلرده غریب لاردیرگپله سه، گپنه هیچ بیر غولاق آسمان مثلی اونینگ سوزلری آحمقانه دیپ دوشونیورلار.

ینه- ده بیر موضوعه سر ادنیمیزده محمد ولی کمینه مخدوم قلی نینگ، خلق داستانلارینگ ادبی داب لرینی آنکلی اوزلشدیرپ، سویگی شعریتینه خلقی لیغینگ استاد لیغینگ بلند لیک لرینه گوته ریپ بلیب دیر. اول سویگی و اخلاق مسئله لرینه بغشلاب دوره دن غوشغی لاری بولاردن عبارت دیر «قولپاغینگ»، «ایچمک»، «یمان هلی»، «منگزار»، «قالار»، «ال گوتر»، «دنایانینگ»، «زولفینگ»، «اورتار منی»، «گلین»، «اوغول بیکه»، «آق منگلی»، «بیله»، «گوزل»، «آرساری نینگ غیزی»، «ایچینده»، «جانیمه» (محمودی، ۱۴۰۰، ص. ۹۲-۱۰۰).

شو یوقاردکی یالی اونلاب چپرغوشغی لارینده گلین - غیزلارینگ گورک گورمکلرینی، آدم کارچیلیک لی صفت لارنی، ال هنرلارینی تعریف له مق بیلن بیر وقت ده ارکین - آزاد، دنیوی سویگی مسئله لرینی هم اورتا آتیپ دیر. (kemine, 2010, p. 11- 49)

محمد ولی کمینه نینگ بلند خجولی دوره دیجیلیگی بار. شاعرینگ سویگی شعرلرینگ یوقاری خجولی لیغی انسان پرورهم روحی بلند خاصیت لار گلیپ چقیور. اگر ده اول انسان مرتبه سینی همه ذاتدان یوقاری گوریپ، اونونگ گویجینه اینانمادیق بولسه شعرلری شویله جوشغینلی یانگلانمزی، غیغی — غصه لی اشیتیلرتی. اگرده شاعر یاشایشه انسانینگ ارتیرکی گونه روحی بلندلیک بیلن باقمه دیق بولسه، اونداه اول غوشغیلارینی بلند خجوبیلن دوره دیپ بیلیمزی، اولار غایغی — غملی، ترک دنیا اثرلر بولوپ چیقارتی.

۲. شاعرینگ اثرلرینده قهرمانچیلیق موضوع سی نینگ شعله لنیشی

تورکمن نینگ ادرمن غوچ بیگیت لری، سردارلارینی و خانلارینی بیرله شیپ آغزی بیرلیک بیلن المداما اوز توپراق لارینی غوراپ ودفاع ادپ دشمانینگ غارشی سینیه اوروش اوچین تیار بولیپ دورن لیغینی گورمک بولیور. بو قهرمان چیلیق باره ده یکه جه محمولی کمینه نینگ شعرلرینده دال، تورکمن لرینگ بويسانجی بییک عقلدار شاعریمیز مخدوم قلی فراغی نینگ هم قهرمان چیلیق باره ده آیدیپ گچن شعرلری کوپ دور. یعنی بو بارده «چودرخان» اوچین

آیدان شعرینی بیزلر اوقاپ گورسک همیشه تورکمن قهرمانلارینی و غوچ ییگیت لرینی دشمنینگ غارشیسیندا دوردیغینی گوریپ بلیوریس. شویله لیک ده تورکمن کلاسیک شاعرلاری نینگ کوپوسی نینگ اثرلرینده اوز دوری نینگ قهرمانلارینه اووگی یاغیدیریدیرلار. شونونگا مثال ادیب ملانفسینگ هم شعرلرینده « غجربای » دیپ اونونگ قهرمان چیلیغینی چپر استادلایق بیلن بیان اتیور. ینه بیر کلاسیک شاعریمیز سید نظر سیدی مونینگ اوزنینگ هر بیر شعرلرینده آچیق آیدینگ گوریپ بلیوریس که همیشه الینده غلیچ آلیپ دورن شاعرلارینگ بیرری دیر. شو سبب دن هم محدودلی کمینه ده اوز شعرلرینده شو جامعه نینگ قهرمان لیغینی « اورازیم » دین شعرینده یادلاپ گچیور.

قونبه ————— گوندن خروج ادیب اوزوندن	قونیم س—————اری اطلاتارسن، ارازیم
بیرخ—————دانینگ برن اولش پاییندان	هرسووشده، جنگ ده بارسن، ارازیم

(کمینه، ۱۳۹۸. ص. ۲۰).

اولی ایلینگ آرقاسی س—————ن، آردی سن	غوچاغینگ غوچی سن، غوچینگ مردی سن
داغدا ————— پلنگ، جولگه لرینگ غوردی سن	دوشمنان گورسنگ، اتین ایبرسن ارازیم

(کمینه، ۱۳۷۸، ص. ۲۰).

کمینه هم شعرنینگ شول یوقارقى سطرلرینده تورکمنینگ قهرمان ییگیت لرینی اووگیلاپدیر. نامه اوچین دینده همیشه تورکمن یگیتلری دشمنینگ آلینده دوریپ اوز قهرمان چیلیقلرینی گورکزیپ دیرلر. شونونگ اوچین هم شاعرلاریمیز هر بیرک لری اوز غوشغولارینده چپر استادلایق بیلن سوزیوره دن.

۳. شاعرینگ دگیشمه گورنوشلی سطرلری (شورته سوزلری)

محدولی کمینه نینگ دیوان شعرلریندان باشغه ده هم اونونگ اینگ چپر استادلایق بیلن دوره دن آیره تین بیر شورته سوزلری باردیر. اونونگ بو دوردانه سوزلری ایل اولوسونگ ایچینده رواج بولان کمینه نی تورکمنستان نینگ خوجه نصرالدین افندیسی دیورلار. کمینه وارهالی پیر ایکی سینینگ دوره دن سوزلری نینگ اولی توپاری بیلن غورشاغلی، کمینه تورکمنینگ گولکی خزینه سی، کمینه دینن آت بولسه همیشه تورکمنی ییلغیردیپ گویریور (کمینه، ۱۳۷۸، ص. ۴۴).

کورچشمه یر گون کمینه آحالدان گوچیب باران محمد صالح دیان آدامینگ یانینا باریب: منگا باش اون باتمان غله گراک دیور. اول آدم کمینه الی باتمان بوغدای بریور. کمینه هم

اوتیران آداملارا یوزلنیپ: واخ، بو یرده آمو دریا آقیپ دوران اکن ولی، من بولسام، اول یرده بیرکورچشمانی دیرماپ یوران اکنم — دیپ، اوز پیری نینگ حیثیتلیغینی آیدیور. سونگ بیر دویاچه بوالان غله لارینی یارپاسینا یوکلادیور. اوترانینگ پیری مونینگ آلان غله سنینگ دنگ یاریسینی کرایکاشه برندیگینه نفسی آغیریب: — یری، کمینه اوچدن بر بار، دورت دن بر بار، باشغه نرخ تاپمادینگمی؟ — دیپ سوره یور. کمینه هم: آی بولیاردا، بو غله لار بیر آغیزله بتدی — دیپ جواب بریور. سونگرا کمینه اوزیوردینا غایدپ گلیور (Begmäkow, 2010, p. 195)

نامه یامانلیق گورویدیر باشندان — آیاق غاریبلیقدا یاشاپ، اجر چکن کمینه نینگ اوغلی آتا! سن هر بر زادی بیلور سینگ، بزدن غاریبلیق آیریلمازمی؟ شونینگ سببنی هم بیربلسا کدک؟ دیور اوند کیمینه: آی، اوغلوم، بزدن غاریب لیق آیریلماز سبی سیز — آوقورسینینگیز اجنگ، هم گوران اجنگ، اول هم بیر آلیپ — یولیپ باریون ذات دال من هم الیمه دوشنجه ذاتلارینگ یاریسینی ایله پایلا شدیریون. غریبلیق آیرلیپ گیدر یالی اول بیزدن نامه یامانلیق گورویدیر؟ دیپ جواب بریور.

هیچ کیمه آیتمان بیر ییلی توزانلی گون کمینه یوزونی چانگا — توزانا باسدیریپ، اوز غارینداشلاریندان پیری سی نینگ اوپونه باریور. مونینگ غارینداشی هم بیر ادرمن ییگیت اکن. اول کمینه نینگ بو بولشینی گوروپ: ملا آغا، بو بولوپ گلشینگیز ناحیلی؟ گوردن چیقان یالی — لا؟ دیور.

اونده کمینه: هاوا انیم. منینگ — آ گوردن چقیپ گلشیم، اما بیر قبردان یاشیل توتون بیلن آیلانچ بیر چیرکین سس چیقدی ولین، شو تانیش سس یالی بولدی، اونگا سره تسم، سنینگ قاقانگ قبری اکنی، سن تیز یتاوری! دیور.

اول یگیت کمینه نینگ بو جوابینا غاتی اوتانیپ، آیدان سوزینه پشیمان ادپ درروکمینه یالباریب: باشغه یرده آیتماسانگ، بیر سرپای برین دیپ دیر، اوند کیمینه: سوغادینگ بولسه گتیری بر. تا اونگمدان آدام چقیانچه، هیچ کیمه آیتمازین دیور (ДУРДЫЕВ, 1994, p. 72-75).

نتیجه

دورموش دا یاشایش دا هرکیمینگ یاشایش یولونینگ مقصدی و هدفی بولیوندیر و شول اساسدا هم هر ایش دن بیر نتیجه چیقارماق هم حکمانی مساله لرینگ پیری دیر. شونونگ اوچین هم شو «محمودلی کمینه و اونونگ ادبی ایشجنگلیگینه غیسفا بیرغارایش» آتلی مقاله دا

هم بولدیغیندان اعتبارلی منبع لره سالیغلانماق اساسیندا شاعرینگ یاشایش دورموشینی - ترجمه حالینی بولدیغیندان آچیقلیغا و آیدینگلیغا غوشوریلماغا چالیشیلدی. شویله هم اونونگ اوندوقیزینجی عصر تورکمن ادبیاتینداقی اورنونی و باشغه اوز دوردش شاعرلاریندان تفاوتلی آیراتینلیق طرفلاری اونونگ دورلی موضوع لاردا شعر یازپیدیر؛ اما اساساً تنقیدی و دگیشمه اهنکلی اثرلری نینگ اوستی بیلن اوز دوری نینگ ایلاتینگ دورموشینداقی قینچیلیقلارینه چوزگود گوزلاپدیر. شونونگ اوچین هم توپلومداقی قینچیلیقلارینگ چوزگودینی شول دورینگ ادن اتدی لیکلرینه سس سیز غالمان دیر، اونی گونومل و دوغروچیل تنقیدی همده دگیشمه اهنکلی اثرلری نینگ اوستی بیلن مستقیم آیتمانی یاشاریپدیر. شویله لیک بیلن اول خلقینگ یوره کلرینده اورون آلیپدیر. شونونگ اوچین هم اونونگ غوشغولارینی و شوره سوزلرینی خلق قلبیندا ساقلاپ، اونی دیلدن دیله گچیرپ، نسلدن نسله گچیرپدیرلر. شویله لیک بیلن شاعر دورلی موضوع لاردا ردا شعرلر دوره دیدیر؛ یونه ولین شاعرینگ اساساًهم ملی لیگه یوغرولان تنقیدی و دگیشمه اهنکلی اثرلری و همده اونی گونومل بیان ادیشی، شاعرینگ اوندوقیزینجی عصر تورکمن ادبیاتینداقی اورنونی، تارینی و باشغه تورکمن شاعرلاردان آیراتینلیغینی یوزه چیقاریپدیر. مقاله دا شو آیدیلان آیراتینلیقلاری آچیقلیغه غوشورماق اوچین غیسغاچا درنگو ادیلیپ، شویله نتیجه چیقاریلاندیغینی آیتماق بولار. شاعر تورکمن ادبیاتیندا اوز تنقیدی و دگیشمه اهنکلی اثرلری بیلن تفاوتلانماق بیلن چاکلنمان، ایسام اوز دوری نینگ قینچیلیقلارینی شعرلری نینگ اوستی بیلن گونومل و دوغروچیل بیان اتمگی بیلن هم باشغه لاردان تفاوتلانیور دیسک هم حقیقت دان داشلاشماریس. شویله هم شاعرینگ شعرلرینده دینگه تنقیدی و دگیشمه موضوع لاره دگیپ گچیلمان؛ ایسام اونونگ شعرلرینده ایل - یورت، دینی، اخلاقی و سویگی مسأله لرینه هم آیراتین اورون بریلیپدیر. شونونگ اوچین - ده کمینه نینگ شعرلری نینگ آنگیرسیندا یاتان معنی - مضمونینی و بویله کی خوش نیتلی آرزوچیل فلسفوی فکرلرینی علمی درنگو اساسیندا یوزه چیقاریپ، نتیجه چیقارماق بولار.

فایدالانیلان ادبیات لار

اسماعیل. روزی (۱۳۹۷). محمدولی کمینه نینگ تانیش نامه سی. *وطنداران، مجله سی*، (۳۳)، ۳۱.

توران، عبدالمجید. (۱۳۷۸). *کونگل لر صداسی / یکینجی جلدی*. پشاور: البیرونی پرننگ پریس.

توران، عبدالمجید. (۱۳۸۹). *نگاهی بتاریخ و فرهنگ تورکمنها*. پشاور: البیرونی پرننگ پریس.

راسخ يلدزم، محمد صالح. (۱۳۹۴). *تاريخ و فرهنگ تورکمن ها*. کابل: موسسه الازهر.
کمينه، محمدولي (۱۳۸۰). *محمدولي کمينه نينگ ديواني، عبدالمجيد تورانيگ اهتامي*
بيلن پشاور: البيروني پرننگ پريس.
کمينه، محمدولي. (۱۳۷۸). *محمد ولي کمينه نينگ ديواني، مراد دوردي قاضي نينگ*
اهتامي بيلن، گنيد کاووس: ميلاد نور کلاله.
محمودي، همايون. (۱۴۰۰). *محمدولي کمينه نينگ ديوانيندا عيال غيزلارينگ اورني،*
جوزجانان علمي مجله سي، (۳۵)، ۹۲-۱۰۰.

Ataýew, Kakajan. (2010). *XVIII asyr türkmen edebiýaty*. Aşgabat: Türkmen döwlet neşirýat gullugy.

Begmäkow, Ilaman we Başgalary. (2010). *Türkmen edebiýaty*. Aşgabat: Türkmen döwlet neşirýaty.

Kemine, M. (1991). *Kemine goşgular ýygındysy*. Aşgabat: Turan neşirýaty.

Kemine, M. (2010). *Kemine goşgular*. Aşgabat: Türkmen döwlet neşirýaty.

Şyhnepesow, Aman. (2010). *XVIII asyr türkmen edebiýaty*. Aşgabat: Türkmen döwlet neşirýat gullugy.

ДУРДЫЕВ, КАКАЖАН. (1994). *XIX АСЫР ТҮРКМЕН ЭДЕБИЯТЫ*. АШГАБАТ: МАГАРЫФ.

بابا رحیم مشرب غزلریده تصوفی غایه لر

ذبیح الله دانشیار

پوهنمل، اوزبېک تېلی و ادبیاتی بۆلیمی، اجتماعی بیلیملر بیلیم اوی، جوزجان بیلیم یورتی، شبرغان، افغانستان.

<https://orcid.org/0009-0000-9046-5079> - danishyar.tahiri2021@gmail.com

<https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2024.47>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۱)

قیسقرتمه

اوشبو علمی-تحقیقی مقاله اولوغ متصوف بابا رحیم مشرب نینگ غزلریده تصوفی غایه لر تحلیلی گه مؤلجلانگن. شاعر نینگ غزلریده الھی محبت و روحی اویغانش، دنیا و اونینگ کمالاتی گه اؤزینی اؤزینی تنیش و الھی سهوگی گه ابریشیش، صبر و تقوا، وحدت و بیرلیک، خلقچیلیک غایه لر کی تصوفی غایه لر شعری مثاللری ییلن ایضاحلنگن. مذکور موضوعلر نینگ زمان طلیک گه کؤره شعری مثاللر اساسیده تیل استادلری و اوزبېک تېلی و ادبیاتی محصللری گه یاریتیب بیریش، مقاله نینگ تحقیقی مسأله سینی تشکیل اېته دی. مشرب نینگ تصوف ترقیاتیکه قوشگن حصه سی محصللر گه ایضاحلر بېریلدی. بو موضوع نینگ یازیلیش هدفی، اولوغ شاعر نینگ غزلریده اوچریدینگن الھی محبت، روحی اویغانش، اؤزینی تنیش، صبر و تقوا و الھی سهوگی کی تصوفی غایه لر نی ایضاحلر بېریب، تیل اؤقو وچیلر نی اونینگ بیتتی شهر عشق وادیسینی باسیب اؤتیش جریانیده چېکن عذابلری و فنا گه ابریشیش گه نسبتاً بؤلگن اشتیاقلری ییلن تنیشتیریش اېدی. بونده ی موضوعلر نی یاریتیش البته، اوزبېک تیلی اؤقو وچیلری، تیل متخصصلری و تیل مشتاقلری اوچون کته اهمیت گه اېگه. بو مقاله بابا رحیم مشرب تصوفی قره شلری گه عاید تورلی خیل علمی اثرلر، مونوگرافلر و مقاله لردن فایده لهنیلگن. نتیجه لر شونی تأکیدلیدی که، اولوغ بابا مینز نینگ غزللری و ادبی میراثی اوزبېک تصوف ادبیاتی نینگ ترقیاتی اوچون سلماقلی اؤزین اېگلله دیدی. چون، اونینگ غزللری تصوف نینگ اېنگ عالی غایه لر نی بدیعی شکلده یاریتگن نایاب میراثی بؤلیب، اولر نه فقط اؤز دوریده؛ بلکه بوگونگی کونده هم انسانیت نینگ روحی و معنوی ترقیاتیده مهم اهمیت کسب اېته دی. اونینگ ایجادی کونگیل و روح اؤرته سیدگی اویغونلیکنی تاییشگه اینتیلگن هر بیر اؤقو وچی اوچون بی بها منبع بؤلیب قاله دی.

کلیت سؤزلر: الھی سهوگی، بابا رحیم مشرب، تصوفی غایه، ترک دنیاچیلیک، غزل، فقر فنا، قلندرانه.

Sufism Visions Reflected in Baba Rahim Mashrabs Ghazals

Zabihullah DANISHYAR

Senior Teaching Assistant, Department of Uzbek Language and Literature, Faculty of Social Science,
Jawzjan University, Sheberghan, Afghanistan.

danishyar.tahiri2021@gmail.com - <https://orcid.org/0009-0000-9046-5079>

<https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2024.47>

(Received: 26/12/2024 - Accepted: 29/03/2024)

Abstract

This paper aims to do an analysis on the Baba Rahim Mashrab's Sufism poems. The highlighted themes included in pure love towards Allah and spiritual awakening, world and its virtues, self-awareness and loving Allah, patience and piety, unity and harmony, as well as humanism, among others. Each of them exemplified with his poems. The research problem addressed by this paper involves presenting these themes with contemporary relevance using examples tailored to students of Uzbek language and literature. The study seeks to clarify Mashrab's contributions to the development of Sufism within the framework of this discipline. The purpose of this article is to shed light on the Sufi's ideas found in the poets and ghazals: such as loving Allah, spiritual awakening, self-realization, patience, piety and to familiarize readers with his profound experiences of going through the seven steps of love, enduring hardships, and striving for annihilation to join Allah. The exploration of such themes holds great significance for students, linguists, and enthusiasts of the Uzbek language contributing to a deeper understanding of mystical literature. The paper is structured relying on diverse scholarly works, monographs, and papers concerning Baba Rahim Mashrab's mystical perspectives. The findings emphasize that the ghazals and literary heritage of this great figure occupy a prominent place in the development of Uzbek Sufi literature. His ghazals represent a rare literary treasure that artistically conveys the highest ideals of Sufism. These works, not only in his time but also today, serve as a significant source of spiritual and moral advancement for humanity. Mashrab's creative legacy remains an invaluable resource for every reader seeking harmony between the heart and soul.

Keywords: Baba Rahim Mashrab, Faqri Fana, Ghazels, Loving Allah, Self-Denial, Sufism, Qalandarana.

کیریش

بابا رحيم مشرب اؤز ناياب ايجادياتي آرقه لي احمد يسوي ، علي شېر نوايي و صوفي الله يار کبي اؤزېک تصوفي نينگ ترقياتيگه کته حصه قوشگن . بو تحقيقي مقاله نينگ اساسي مسأله لريدن بيرى ، اونينگ ايجادياتيدگي تصوفي غايه لرنى مثاللر بيلن تيل اؤقووچيلريگه آچيب بيريش دير . مذکور شاعرنينگ تصوف گه عايد ايجادياتي حقيده ، اينقسه ، افغانستان بؤيلب ييترليچه تحقيق بؤلمه گن . شونينگ اوچون ، بو تحقيقي ايشيميز بونده ي بوشليقنى نسبي شکلده تولديره دى دېگن اميدده ميز . شونينگدېک ، باشقه ايريم مسأله لر هم کؤزله تيلگن : مشرب نينگ ايجادى تصوفي ادبيات نينگ اېنگ يوکسک نمونه لريدن بيرى حسابلنه دى . او اؤز غزلريده تصوف نينگ اساسي غايه لرى : الهي سېوگى ، روي او يغانيش ، اؤزليکنى انگلش ، صبر و تقوا کبي مو ضوعلرنى مهارت بيلن ياريتگن . بونده ي اثرلرنى اؤرگنيش و تحليل قيليش آرقه لي تصوف نينگ ماهيتى و اونينگ انسان معنويتيدگي اؤرنى چوقورراق انگلنه دى . مشرب نينگ غزللرى نه فقط اؤز دوريده ؛ بلکه بوگونگي کونده هم ضرورتينى يوقاتمه گن . اونينگ اثرلريدگي تصوفي غايه لر جمعيتده معنوي او يغانيشنى ترغيب قيله دى . اولر نينگ علمي اؤرگنيليشى مشرب نينگ اؤزېک تصوف ادبياتيه قوشگن اولکن حصه سيني کنگراق کؤرسه تيشگه ياردم بره دى . تصوفي غايه لر ، اينقسه ، بوگونگي جهان ترقياتى دوريده اؤز ضرورتينى سقل قالگن . الهي سېوگى ، صبر ، بغرى کنگليک و انساني بيردمليک کبي توشونچه لر تورلى مدنيتلر اؤرته سیده کؤپريک بؤليب خدمت قيله دى . مشرب نينگ غزللرينى معاصر نقطه نظر دن تحليل قيليش اوشبو غايه لر نينگ جهان شموليگيني نمايان اېته دى .

موضوع نينگ هدفى : مشرب غزللريدگي الهي محبت ، روي او يغانيش ، صبر و تقوا ، اؤزىنى انگلش ، بيرليک و انسانپورليک کبي تصوفي غايه لرنى تحليل قيليش و اولرنى مضموناً آچيب بيريش . مشرب ايجادى نينگ اؤزېک تصوف ادبياتيدگي اؤرنينى انقلش ، اونينگ مضمون و شکل جهتيدن ناياب اثرلرينى کېنگ جماعتچيلیکه يېتکريش . مشرب نينگ تصوفي قره شلرينى زمان طلبلريگه ماس روشده تلقين قليب ، بوگونگي اؤقووچيلر و ياش اولاد نينگ معنوي و روي اؤسيسيگه خدمت قيله ديگن جهتلرينى کؤرسه تيش . اؤزېک تيلي و ادبياتى بيلن شغللنوچى محصللر و متخصصلر اوچون مشرب نينگ تصوفي فکرلرينى اؤرگنيش و اولردن سبق آليش اوچون علمي و مېتوديک قوللنمه يره تيش . مشرب نينگ اؤزيگه خاص تصوفي قره شلرى آرقه لي عمومي تصوف تاريخى و نظريه سيگه قوشيمچه لر کيريتيش ، اونينگ غايه لرينى باشقه تصوفي آقملر و شخصلر بيلن قياسلش . مشرب ايجادى نينگ انسان قلبى و روحى اؤرته سيدگي او يغونليکنى ايزلشگه قره تيلگن جهتلرينى آچيب بيريش و بو آرقه لي اؤقووچيلرده چوقور تفکر و

روحي خاطر جمعليککه اېریشيشگه ياردم بېریش. اوشبو هدف لر مقاله نینگ علمي، معنوي و مدني اهميتيني آشيريپ، اوزبېک ادبياتي و تصوفي ميراثي نینگ بايلىگىنى کېنگ عامه گه کورسه تيشگه خدمت قيله دى.

بو موضوع نینگ تحقيقي اهميتى: بابا رحيم مشرب نینگ غزلريده تصوفي غايه لر موضوعىنى تدقيق قىلىش کته علمي و عملي اهميتگه اېگه. اونيگ اثرلرى آرقه لى تصوف فلسفه سى نینگ اېنگ يوکسک معنوي و اخلاقي قدريتلرينى اوزرگىش نه فقط اوزبېک ادبياتي و مدني ميراثىنى چوقورراق انگلشگه ياردم بېره دى؛ بلکه حاضرگى انسان منوعيتىنى بايتيشده هم مهم اوزين توتهدى. مشرب نینگ غزلريده الهي محبت، روحي اويغانيش، اوزليکنى انگلش، صبر و تقوا کى تصوف نینگ اساسي تمايللرى گوزهل بديعي شکلده عکس اېتيريلگن. بو غايه لرنى اوزرگىش آرقه لى اوقو وچىلر انسان نینگ ايچكى دنياسى و يره تگنگه بولگن اينتيليشلرى حقيدىگى چوقور فلسفي توشونچه لرنى ادراک اېتيشى ممکن. اينيقسه، اونيگ «يېتى شهر عشق» واديسى، روحي کمالات يوليدگى عذاب و قينچىلىکلرنى يېنگىب اوتيش جريانى حاضرگى تلقينلرده اهميتلى بوليب، انسانيتنى روحي مکمللىکگه يېتکلشگه خدمت قيله دى. مذکور مو ضوعنى تدقيق قىلىش تصوف علمى و ادبياتى نینگ باى تاريخى-مدني جريانلرينى انگلشگه کمک قيله دى. شو يىلن بيرگه، بونده ي تحليللر اوزبېک تيلينى اوزرگنو وچىلر و تصوف ادبياتىگه قيزيقو وچىلر اوچون علمي ينگىلىکلرنى آچه دى. مشرب نینگ ايجادى تصوفي غايه لرنىگ بديعي کورينيشدىگى يوکسک نمونه سىنى تشکيل اېتیب، اونيگ ميراثى ملي معنوي رواجلنیش يوليدگى بې بها منبع صفتيده قدرلنیشى لازم. مشرب نینگ غزلرينى تحليل قىلىش آرقه لى نه فقط تصوفي غايه لر؛ بلکه اونيگ ادبي اُسلوبى، تىل بايلىگى و افاده مهارتى هم اوزرگيله دى. بو اېسه اوزبېک تىلى و ادبياتى نینگ علمي تدقيقاتلريگه کته حصه قوشه دى. مشرب نینگ غزلريدىگى تصوفى غايه لر حاضرگى اوقو وچىلر اوچون قنده ي معنوي آذوقه بېریشى ممکنلىگىنى اوزرگىش و غزلردگى شعرى تصوير واسطه لرى آرقه لى تصوفي غايه لرنى تحليل قىلىش هم اهميتلى حسابلنه دى.

مشرب نینگ غزلريده تصوف نینگ اساسي تمايللرى بولميش الهي عشق، انسان و خدا اورتە سىدىگى مناسبت، دنيوي حيات نینگ وقتىنچه ليک اېکنلىگى، روح نینگ يوکسە ليشى کى مو ضوعلر کېنگ اوزين آلگن. شاعر اوز شعرلريده تصوفي تجربه لرنى چوقور بديعىلىک يىلن افاده اېتیب، اوقو وچىنى روحي پاکلە نيش و الله جل جلاله گه يقينلشيش يولگه چارلە يدى. او کۆپىنچه دنيوي ذوق-شوقلرنى قاره لب، انساننى حقيقتنى انگلش و ابدى يوکسکلىکگه

اېرىشىشكە دعوت اېتەدى. بو بارەدە اونىڭ شعرلىرى نوايى و حافظ كىي اولوغ شاعرلىرىنىڭ تصوفىي عنعنەلەرگە ماس كېلەدى؛ بىراق، مشرب اۋزىگە خاص آھنگ و فلسفىي تېرەنلىكنى اۋز ايجادىدە عكس اېتەرەلگن. (Sodiqov, 2014, p. 6)

مشرب نىڭ غزلىرىدە عشق فقط انسانىي تويغو صفتىدە اېمىس؛ بلكە الھىي حقيقتكە بېتىشىش نىڭ اېنگ يوكسك واسطەسى صفتىدە تلقيىن اېتەلەدى. شاعر اوچون عشق - بو انساننى اللەگە آلىب بارووجىي يول، دىناوې باغلىنىشلردن واز كېچىش و معنوي آزادلىككە اېرىشىش نىڭ اېنگ مھم شكىلى دىر. او شعرلىرىدە كۆپىنچە «اختيارنى قولدن باي بېرىش»؛ يعنى اللە نىڭ ارادە و قىسمتىگە تولۇق بۇيسونىش غايەسىنى ايلگىرى سۈرەدى. بو اېسە تصوف نىڭ ماھىيىتىنى؛ يعنى انسان نىڭ مەنلىكدن واز كېچىپ، اللەگە بېرىلىشىنى يوكسك بدىئەلىك بىلەن افادە اېتەدى (Rahmonov, 2015, p. 4).

شۈندەي قىلىپ، بابا رحيم مشرب اۋزى نىڭ تصوفىي غايەلەرگە باي غزلىرى ارقەلى انسان نىڭ معنوي عالمىدكى اېنگ مەركەب و نازك كېچىنمەلەرنى مھارت بىلەن افادەلەگن. اونىڭ ايجادى شەرق ادبىياتى و تصوف فلسفەسى تارىخىدە عليحدە اۋرىن اېگىللەيدى و بۈگۈنگى كۈندە ھەم اۋزى نىڭ روھىي تەربىيەوي اھمىيىتىنى يۇقاتمەگن.

اوشبو ماقالە اولوغ متصوف شاعرىمىز بابا رحيم مشرب نىڭ غزلىرىدىكى تصوفىي غايەلەر اوستىدىن بحث قىلەدى. بو مەزمۇنى نىڭ اساسىي سۇراقلىرى: مشرب غزلىرىدە قەندەي تصوفىي غايەلەر يارىتىلگن؟ شاعر غزلىرىدە تصوفىي غايەلەردن تەشقىرى قەندەي غايەلەر كۆرىنەدى؟

مشرب نىڭ تصوفىي غايەسى انساننى اۋز حقيقىي كىملىگىنى انگىلىش، اللە بىلەن تولۇق بېرىلىشكە اوندەيدى. اونىڭ غزلىرىدە كۆپ حاللاردا «اۋزىنى يۇقاتىش» ياكە «دىناوې آرزو-ھوسىلەردن واز كېچىش» غايەلىرى اوچرەيدى. مشرب نىڭ تصوفىي غايەلىرى انسان اۋزىنى اللە نىڭ حقيقىي خەدمەتكارى صفتىدە ھەس اېتىشى، روھىي پاكلەنىشى و معنوي يوكسەلىشى بىلەن باغلىق. بو جريان ارقەلى او انسان نىڭ روھىيلىكى تصوفىي جەھەتلەرنى؛ يعنى اېچكى تېنچلىك، معنوي بخت و حقيقىي مەھبەتنى انگىلىشنى مقصد قىلىپ قۇيەدى.

مشرب نىڭ غزلىرىدە اۋزىگە خاص شەرىي اصوللەر ياردەمدە تصوف غايەلىرى چوقۇر بىر معنى بىلەن يارىتىلەدى. اونىڭ اشرلىرىدىكى «دىنا و اونىڭ اۋتكىرلىكلىرى» بىلەن باغلىق تصوفىي مەشھەلەر، اساساً، انساننى دىنا تويغۇلىرىدىن خلاص اېتىشكە و اۋزى بىلەن اېچكى صەھتەگە آلىپ كېرىشكە اوندەيدى. مشرب تصوفىي نەققەس دىنىي غايە؛ بلكە ھاياتىي حقيقت صفتىدە كۆرىپ، بو غايەلەرنى بىرچە انسانگە بېتكۈزىشنى مقصد قىلگن.

مشرّب تصوف نینگ بو چوقور معنی لرینی اؤزی نینگ غزللری آرقه لی تصویرلهیدی و هر بیر سؤزی، هر بیر شعری افاده سی آرقه لی اؤقو و چیسینی روحنی تازه لشگه، الله گه بؤلگن محبتی حس قیلیشگه، شونینگدهک، اؤزی نینگ حقیقی اؤزلیگینی تاپیشگه اوندهیدی. اونینگ غزللریدگی تصوفی غایه لر، انساننی ایچکی تینچلیککه، اجتماعی و معنوی حقیقت گه یقینلشتیریشگه قره تیلگن بؤلیب، مشرب اؤز اثرلری آرقه لی بو غایه لرنی یوقاری بدیعی صنعت درجه سیده افاده له گن. او تصوف فلسفه سیننی اؤزی نینگ ایجادیده کینگ ترغیب قیلگن، اوننی نظری جهتدن هم، عملی جهتدن هم یاریتیب بېرگن شاعرلردن بیریدیر. خلّص، اونینگ غزللریدگی تصوفی غایه لر انسان نینگ اؤزلیگینی انگلش، الهی سهوگیگه ابریشیش، دنیاوی ایستکلردن خلاص بؤلیش، حقیقی بخت و معنوی تازه لیککه ابریشیش کبی مسأله لرنی اؤز ایچیکه آلهدی (Jumaniyozov, 2016, p. 18).

الف) الهی محبت و روحی اویغانیش

مشرّب غزللریدگی تصوف غایه لر، اساساً، الهی محبت، روحی اویغانیش و اؤزینی انگلش مسأله لری اطرافیده شکللندهدی. او، انسان نینگ قلبی الهی نورگه تؤولیب، دنیا و اونینگ ظاهری گؤزهللیگیدن یوز اؤگیریشی ضرورلیگینی تأکیدلهیدی (Rasulov, 2003, p. 4).

دلنی اؤلدیریب، کؤنگیلنی تاپ اؤزینی یوق قیلیب، ربّنی کؤر (Mashrab G'azallari, 2015, p. 21).

بو مصرّعه مشرب، قلبنی تازه لش و پاکلش بیلن الهی نورنی قبول قیلیشگه تأکیدلهیدی. انسان نینگ ایچکی دنیا سیننی پاکلش، اؤزینی «اؤلدیریش» (دنیا بیلن باغلیق برچه حس - توغولریدن خلاص بؤلیش) آرقه لی فقط گینه حقیقی معنوی اؤسیش و ربّنی انگلش ممکنلیگی بیلدیریلگن.

ب) دنیا و اونینگ کمالاتیده کی اؤزین

مشرّب غزللریده دنیا و اونینگ مادّی بایلیکلری ظاهری و وقتینچه لیک صفتیده تصویرلندهدی. اولر فقط کؤریش و وقتینچه لیک ذوق آلیش اوچون اېمس؛ بلکه انسان نینگ حقیقی مقصدی یعنی الهی حقیقتنی انگلش اوچون ضرور واسطه صفتیده تصور قیلینه دی. دنیا و اونینگ کمالاتی شونچه که سیناو و قراردادی میدان، اصل حقیقی بخت اېسه معنویتده اېکنلیگینی توشونیشگه اوندهیدی (Hakimov, 2012, p. 4).

دنیا بیر سوغه، اېنگگولیکنی بیل هر بیر جان نینگ حقّی بیر ایسقتی قیل (Mashr G'azallari, 2015, p. 9).

بو مصرع آرقەلى مشرب، دنيا و اونىنگ جاذبەلرگە الدنمسلېكنى، حقيقى بخت و تىنچلىك فقط روحى و الھى سېوگىدن كېلىشىنى ترغىب قىلەدى.

ج) اۆزىنى تىنىش و الھى سېوگىگە اېرىشىش

تصوفدە اۆزىنى تىنىش و الھى سېوگى؛ يعنى محبت اساسى غايە دىر. مشرب بو غايەنى اۆز غزلىرىدە قىتە-قىتە تەكىدلەيدى. او، انساننىنگ حقيقى بختى اۆزىنى انگلەشكە و الھى محبتى قىلگە سىنگىدىرىشكە اېكنىلىگىنى توشونتىرەدى (bojaev, 2007, p. 4).

يۇق اېكن اۆزى، بار اېكن اۆزى كىمكە اۆزىنى تىنىدى، رىئىنى كۆرەدى
(Mashrab G'azallari, 2015, p. 61).

بو مصرع، انساننىنگ اۆزلىگىنى تىنىش، اىچكى عالمىگە چوقۇرراق كىرىپ، حقيقى موجودلىكنى انگلەش آرقەلى، او الھى سېوگىگە اېرىشىشىنى بىلدىرەدى. اۆزىنى تۇلىق انگلەش و بو جريانە قىلنى تازەلەش، حقيقى يوكسكلىككە آلىپ كېلەدى.

د) صبر و تقوا

تصوفدە صبر و تقوا (اللہ گە بۆلگن محبت و اطاعت) اساسى فضىلتلەر صفتىدە قبول قىلىنەدى. مشربنىنگ غزلىرىدە صبر و تقوا، انساننى الھى حقيقىگە يېتكەلەيدىگن مەھم فضىلتلەر صفتىدە كۆرسەتىلەدى.

صبر قىل، ھېچ بىر كۈنگىل بېقرار
اللہنىنگ ايشلىرىدن خىر آل
(Mashrab G'azallari, 2015, p. 22).

مشرب، صبر و تقوا آرقەلى انساننى حقيقى بختگە، خاطر جمعلىككە و الھى سېوگى بىلەن باغلىنىشكە چىقىرەدى. بو سۆزلەر، تصوفدە صبرنىنگ كوچىنى و اونىنگ روحى اۋسېشكە قىچەلىك تەئىر قىلىشىنى افادەلەيدى.

ه) وحدت و بىرلىك

مشرب غزلىرىدە تصوفدە مەھم اۋرىن توتەدىگن «وحدت» غايەسى ھەم موجود. وحدت- بو اللہ نىنگ يگانە بۆلىشى، بىرچە موجوداتلارنىنگ بىرلىگىنى توشۇنىش و انگلەش دىر. مشرب بو غايەنى ايلگرى سورىپ، بىرچە نرسەنىنگ بىرلىگىنى، الھى بىرلىكنى و يەرەتوۋىچىگە بۆلگن محبتى تەكىدلەيدى.

بىرلىگىنى انگلە، بارىنى بىل
بىرچەسى بىر، اۆزى يگانە، اللہ دىر
(Mashrab G'azallari, 2015, p. 42).

بو مصرع آرقه‌لی مشرب، برچه موجوداتلرنی، شو جمله‌دن انسانی هم بیر بوتون صفتیده کوریشنی و برچه‌سی نینگ الهی مقدسلیککه باغلنگنلیگینی توشونتیره‌دی.

(و) خلقچیلیک غایه

مشرب خوجه احمد یسوی تامانیدن میدانگه تشلنگن خلقچیلیک غایه‌لرنی قبول اېتر اېکن، ظلمگه قرشی چېکن اوتلی آه‌خاله‌ام بیلن استبداد اهلی و اولرنینگ افسانه‌لرنی کویدریب تشلشگه قادرمین دېب، مستبدلرگه نسبتاً نفرتینی جرعت بیلن افاده‌له‌دی.

نالہ- یو آھیم بیلن دؤزخنی کویدورسم کبره‌ک هم بهشت و جنت‌المأوانی کویدورسم کبره‌ک
خوجه، آخوند آکابر ملا و شاه و گدا بېگ و خان و جاهل و دانانی کویدورسم کبره‌ک
(Mashrab G'azallari, 2015, p. 34).

مشرب ایجادی مطلق صوفیانه غایه‌لرنی تشویق قیلش عنعنه‌سیدن ایلغار و دموکراتیک ادبی حرکتچیلیک شعریته یقینلشیش و اوتیشده مهم کۆپرېک رؤیانی اؤینه‌دی، دېب ایتیش ممکن. ذاتاً، شاعریننگ «صوفی مشرب»، «اېشان مشرب»، «شیخ مشرب» اېمس؛ بلکه، «دېوانه مشرب»، «قلندر مشرب» صفتیده مشهور بولیب، کتّه شهرت و آبرو قازانگنلیگی یوقاریده کېلتیریلگن فکرلرنینگ یوره‌ک تۆریدن آتیلیب چیقینی قوتله‌یدی. بو جهندن قره‌گنده، مشرب شعریتی چین و معین فقرالیک روحی و کرکترینی کسب اېتیب، شاعر ایجادیده زمانه اوچون مهم بؤلگن اجتماعی- اخلاقی معمالرنی میدانگه تشلشگه اینتیلیش میللری آچیق- آیدین سبزیله باشله‌یدی.

شریعت شربتین ایچگن، طریقت حلقه‌سین توتگن بلالر شاهینی سویگن، عدالت کۆزینی اؤیگن
جهان میدانیده تورگن، تظلم یولیگه کیرگن زبانکش خیلینی چۆلب کپتیغه تپگنیم بهراق
(Mashrab G'azallari, 2015, p. 46).

بو مصرعلرده شاعر هجولریگه خاص بؤلگن بېلگیلر یقال بۆرتیب توره‌دی؛ بو و شونگه اؤخشش اوتلی هجوی مصرعلر جامعه آدم‌لری نینگ ضعیف تمانلری و قباحترلرینی مسخره‌لش بؤلمه‌ی؛ بلکه آچیق‌لنگن حس نینگ بیانی بولیب جرنگله‌یدی.

شاعر خودی باشقه متصوفلردېک تصوف اساسینی تشکیل بېرگن شریعت، طریقت و معرفت یۆلیدن باریب، حق و حقیقتگه اېریشیشنی آرزو اېتیب، یره‌تگن نینگ نورلی جمالینی کوریشگه اشتیاقمند بؤلگن یعنی محبت اؤتیده کویگن (Mirzayev, 2010, p. 3).

شریعت شربتین تاتگن، طریقت حلقه‌سین توتگن حقیقت یارینی سویگن، رزالت کۆزینی اؤیگن
ملاحت کوییده یورگن، شرافت شوقینی سورگن جهان میدانینی کبزگن، محبت اؤتیده کویگن
سویر قوللر ایزینی کۆزلریگه سورگنیم بهراق (Mashrab G'azallari, 2015, p. 13).

ادىيات شىناس ابراهيم غفوروف مشربنى «فقيرلر شاهی» دەپ اتەگەن: "بعضيلر مشربنى اوليا دەپ بىلەدىلەر، باشقە بىراولر بابا رحيم مشربنى اولوغ شاعر دەپ ايتەدىلەر. كىملرگە دىر مشرب-صوفي، دىنانى سرگىشتە كېزگەن، قۇنىمسىز و تىنىمسىز قلندر. عادى قلندر اېمىس، قلندرلر شاهی. بىرچە فقيرلر نىنگ شاهی؛ يعنى شاه مشرب. تىرىكلىك چاغىدە و اوندن سۇنگ بىر قىچە زمان مشرب عادى خلايق آره سىدە «دېوانە مشرب» دېگەن نام بىلەن شەرت قازانگەن. اونغە مشرب نىنگ اۋزى اساس بېرگەن. او آنكىلى صورتدە دېوانەلىك يۇلىنى تىلەگەن.

شاعر بىر قىچە غزلىرىدە اۋزىنى دېوانە دەپ اتەيدى. دېوانە اېكنلىگىنى تۇختا و وسىز تاكىدەل بارەدى. مشرب زمانە سىدە دېوانە دېگەندە دىنانى-مادى دىنانى تەن آلمەگەن، مال-دولت يىغمەگەن و حتى بالە-چقە آرتىرمەگەن درويش مانند و قلندر مانند كىشىلرنى دېوانە دەپ اتەيدىلەر. دېوانەلىك اصلى بو اۋزىنى و دىنانى بى نەھىت تېرەن انگلش و بىلىش بۇلسە كېرەك. شو اساسدە دېوانەلىك اۋزلىكەن و دىنا مېرىدن كېچىش؛ يعنى اۋزىنى بوتونلەى اونوتىش بۇلسە كېرەك.

مى ايچىب آزل دىن، مست كېتى عاقبت جاننى بېرىمىدىن بورون، جانانغە اېتەن بارمۇكىن
(Mashrab G'azallari, 2015, p. 15).

سىدالجزايرى يازەدى: "اولياوللەلر گناھدن معصوم اېمىس، بىراق محفوظ دىرلەر؛ يعنى حمایەلنگەن. اللە تعالى انسانلرنى فرقلى فطرتلر بىلەن يەرەتگەن. بعضيلرى، خۇفە ياكە قلىدە ذکر قىلىش بىلەن قىللىرى تىسكىن تاپسە؛ بعضيلرى اېسە، جەھرىە ياكە جماعت ايچىدە آواز چىقەرگەن حالدە ذکر قىلىشنى ياقتىرەدى. اللە انسانلرنى انە شونەدى يەرەتگەن، دېمەك، ايكىسىگە ھەم احتىاج بار.

مشرب ظلم و ظلمكارلرگە بى فرق یشەى آلمىس اېدى. بونەدى كىشىلەر، ھەر قندەى و ضعیفە ھەم ظالمىر آلدیدە تیز چۆكمەیدى. بلخ حاکمى محمود مشربدن علمالر حضوریدە بىر مرتە گىنە عذر سۇرەشنى سۇرەگندە، او "توپىرگەن توپىگىمنى قىتیب آلمىسمەن"، دەپ جواب بېرگەن (Abdurahmonov, 2009, p. 33).

آه سردىنگ بۇلسە، مشرب، آه اوروب محشرنى بوز ماھى بى بحرى حقیقتگە اۋشل دریا كېرەك
(Mashrab G'azallari, 2015, p. 71).

او ھەر قىچان كۆز اۋنگىدە منصور حلاج قىسمتىنى جانلىتىرەدى. اۋزىنى جودە اېرتە منصور قىسمتىنى تىكرارلىشگە، منصور ايچگەن عذاب شرايىنى ايچىشگە چاغلەيدى: "بېچە منصور اۋلدى اېرىشە آلمەى محبت يۇلىدە، مېنگە دارو قورولغاندە يېتەر بو قىسمتىم" مشرب عمرى سۇنگىدە اېرىشگەن دارنى عمرى نىنگ ايتداسىدن ياق آرزو قىلگەن، اۋزى اوچون منصور حلاج يۇلىنى يۇل

دېب تىلەگەن اېدى. منصور اوينىڭ نظرىدە اۋزى نىڭ بويۇك حياتى و روحى بىلەن خدانىڭ وىلىگە اېتىشگەن ذات اېدى. سۆزى، نىتى و ايشى بې نھايت تازە سىما اېدى. مشرب: "سورتىم گرچە بىش-كېلدى، ملك دور سىرتىم" دېگەندە، بو چىرايلى سۆزلرگىنە اېمىس، بو اوينىڭ شاعر، انسان و اولوغ متفكرىنىڭ چىن معنى دىگى بارلىغى اېدى. مشرب عملدارلارنىڭ انصاف-دىانتلى و اولوسپور بۇلىشىنى آرزو قىلر اېدى.

شھرت اېلب كىم، الرىپك خودنمارلنى كۆرونك	ظاھرى صورت پىرسىت، نااشنا لرنى كۆرونك
يۇلنى يىلمىس عالي لرنى كۆزىگە عارف بۇلىپ	اۋزى منزلگە اېتالامى، ناىبىنارلنى كۆرونك
برچەگە ايلر نصيحت، اۋزىنى دانا اېتىپ	يۇلدە قالغان بې كس و بې رھنمارلنى كۆرونك
لاف اوررلر عارفى يىك دىلمەن دېب خىلقارا	خلىقنى گمراھ قىلىپ، يوزى قرالرنى كۆرونك

(Mashrab G'azallari, 2015, p. 69).

مشرب نىڭ بوندەى صاف فكرلىلىك روھىدىكى شىرلىرى جاھل عملدارلر و رىكار غايەوى رھبرلرگە قىچى دېك تاثير قىلر اېدى. بو حكمدارلرگە ياقمىس، دغل مناسبت دېب حساب لب محمود قطنغونى اونى دارگە آسىشگە حكم قىلگىنى، محمود اۋز نامىنى ابدالابد لعنت مھرى بىلەن تمغەلەگەن اېدى.

سۇنكىچ

كۆزەتەش نىجەسىگە كۆرە، بابا رحىم مشرب نىڭ غزللىرىدە الھى محبت و روحى اويغانىش، دىنا و اوينىڭ كمالاتىدىكى اۋرىن، اۋزىنى تىنىش و الھى سېۋىگە اېرىشىش، صبر و تقوا، وحدت و بىرلىك، خلىقچىلىك غايەلرى كېى تصوفى غايەلر چوقور فلسفى مضمون و بدىعى كۆزەللىك بىلەن اويغونلشگەن حالدە افادەلنەدى. اوشبو غايەلر نە فقط اوينىڭ دورىدىكى معنوي-مدنى جريانلرنى عكس اېتتيرەدى؛ بلكە بوگونكى كوندە ھم انسانىت نىڭ روحى و اخلاقى كمالاتىدە مھم اهمىتگە اېگە. مشرب نىڭ غزللىرىدە انسان نىڭ خداوندگە بۇلگەن چېكىسز محبتى و اونگە اينىلىشى مركزى اۋرىننى اېگىللەيدى. بو اېسە تصوف نىڭ الھى سېۋىگى و انسان نىڭ روحى پاكلىنىشگە اېرىشىش يۇلىدىكى فلسفى قرەشلىرىگە اساسلەندى. اينىقسە، اوينىڭ اثرلىرىدە انسان نىڭ اىچكى دىناسى بىلەن تشقى عالم اۋرتەسىدەكى اويغونلىكنى تامينلشگە قرەتلىگەن غايەلر تېرەن فلسفى مضمون كسب اېتەدى. اوينىڭ اىجادى اۋز زمانىدە تصوف نىڭ اېنگ يوكسك غايەلرىنى بدىعى طرزەدە افادە اېتىش بىلەن بىرگە، بوگونكى كوندە ھم انسان معنويتىنى بايتىشىدە مھم منبع بۇلىپ خىدمت قىلەدى. اوينىڭ اثرلىرى روحى و اخلاقى تربىەدە، شونىڭدېك، ادبى-تارىخى تديقاتلردە علىحدە اهمىتگە اېگە. مشرب نىڭ اىجادى مىراثى،

اينيقسه، الهي محبت و بيرليک فلسفه سيني اؤرگنیشده نادر علمي و عملي منبع صفتيده قيمتلي دير.

بابا رحيم مشرب نينگ غزللريده تصوفي غايه لر دن تشقري، تورلي اجتماعي، فلسفي و معنوي غايه لر هم اؤز افاده سيني تاپکن. او اؤز اثرلريده انسانيت حياتيگه، جمعيتدگی معمالرگه و اخلاقي قدريتلرگه چوقور اعتبار قره تگن. اونينگ غزللريده اجتماعي عدالت و تېنگليک، انسان و طبيعت نينگ اويغونليگی، معنوي کمالات و اؤزليکني انگلش، محبت و انساني مناسبتر، فنايیک و ابديليک کبی غايه لرني هم کوزه تيب توره ميز. شونده ی قيليپ، اونينگ ايجادی مضمونا گېنگ و رنگ-برنگ بۇليپ، اونده تصوفي غايه لر باشقه کؤپلپ فلسفي و اجتماعي مو ضوعلر بيلن اويغونلشگن حالده افاده لنگن. بو اونينگ اثرلريگه ملي و عموم بشري اهميت بخش اېته دی.

فايده لنيلگن ادبياتلر

- Abdurahmonov, M. (2009). *Markaziy Osiyo tasavvuf shoirilari*: Boborahim Mashrab. London: Oksford bilim yurti jurnali.
- Bajiyev, D. (2007). *Boborahim Mashrab va uning she'riyati*. Toshkent: Ma'rifat nashriyoti.
- Hakimov, A. (2012). *O'zbek tasavvuf adabiyoti va Mashrab*. Toshkent: Akademiya nashriyoti.
- Jumaniyozov, L. (2016). *Boborahim Mashrabning tasavvufiy adabiyotga qo'shgan hissasi*. Toshkent: O'zbekiston nashriyoti.
- Mashrab, B. R. (2015). *Mashrab g'azallari*. Toshkent: Sharq nashriyoti.
- Mirzayev, Z. (2010). *Tasavvufiy g'oyalar va o'zbek adabiyoti*. Toshkent: Sharq nashriyoti.
- Rahmonov, M. (2015). *Boborahim Mashrab va uning tasavvufiy dunyosi*. Toshkent: Sharq adabiyoti.
- Rasulov, A. (2003). *Tasavvuf adabiyoti va Mashrab*. Toshkent: Adabiyot va san'at nashriyoti.
- Sodiqov, A. (2014). *Mashrab va tasavvuf falsafasi*. Toshkent: Fan va texnologiya.

بررسی تأثیرات استخراج معادن آهن بر اقتصاد افغانستان (مطالعه موردی: معدن آهن سیاه‌دره ولسوالی یکه‌ولنگ نمبر یک)

رامین آرین^{۱*}، احمد کشکا ظهور^۲

*۱. پوهنمل، دیپارتمنت منجمنت و اداره تثبثات، پوهنځی اقتصاد، پوهنتون جوزجان، شبرغان، افغانستان (نویسنده مسئول).

<https://orcid.org/0009-0006-4239-7423> - raminarian4@gmail.com

۲. پوهنمل، دیپارتمنت امور مالی و بانکی، پوهنځی اقتصاد، پوهنتون جوزجان، شبرغان، افغانستان.

<https://orcid.org/0000-0002-4913-2229> - kanishka.zohor@ju.edu.af

<https://doi.org/10.69892/jawzjanaan.2024.48>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱/۱۷)

چکیده

معادن آهن در افغانستان از اهمیت بسزایی برخوردارند. ذخایر مجموعی معادن آهن افغانستان بیشتر از یک میلیارد تن می‌باشد. معادن افغانستان به‌طور عموم دارای معیار بلند یعنی ۴۷ الی ۶۲٪ می‌باشد که از جمله معادن کم‌مصرف، پر کیفیت و کم‌نظیر شمرده می‌شود. هدف از تحقیق هذا بررسی تأثیرات معدن آهن سیاه‌دره ولسوالی یکه‌ولنگ نمبر یک بالای اقتصاد افغانستان می‌باشد. جامعه آماری تحقیق را کارگران معدن، انجیران و باشندگان ولسوالی یکه‌ولنگ یک تشکیل می‌دهند که نسبت نامعلوم بودن حجم دقیق جامعه آماری به تعداد ۱۰۰ پرسش‌نامه به‌طور تصادفی توزیع گردیده که از جمله ۱۰ پرسش‌نامه برای کارگران معدن، ۱۰ پرسش‌نامه برای انجیران و ۸۰ پرسش‌نامه به باشندگان ولسوالی یکه‌ولنگ یک که باشندی سیاده می‌باشند، توزیع شده، از روش لجستیک رگرسیون استفاده گردیده و پاسخ‌های آن‌ها در نرم‌افزار Spss26 مورد تحلیل و تجزیه قرار گرفته‌اند. نتایج بدست آمده نشان می‌دهند که استخراج معادن آهن نقش اساسی در رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال برای شهروندان کشور دارد و همچنین باعث نزدیک شدن به خودکفایی کشور در راستای استفاده از فلزات در صنایع آهن می‌شود و می‌تواند در تولید صنایع فلزی، تکنالوژی و صادرات این محصولات به کشورهای دیگر دارای اهمیت اقتصادی باشد.

کلمات کلیدی: استخراج معادن، افغانستان و اقتصاد.

Evaluating the Economic Impact of Iron Ore Mining in Afghanistan: A Case Study of Seyah Dara Mine in Yaka O Lang District No. 1

Ramin ARIAN^{1*}, Ahmad Kanishka ZOHOR²

1*. Senior Teaching Assistant, Bachelor and Business Administration, Faculty of Economics, Jawzjan University, Sheberghan, Afghanistan (Corresponding Author).

raminarian4@gmail.com – <https://orcid.org/0009-0006-4239-7423>

2. Senior Teaching Assistant, Department of Finance and Banking, Faculty of Economics, Jawzjan University, Sheberghan, Afghanistan.

kanishka.zohor@ju.edu.af - <https://orcid.org/0000-0002-4913-2229>

<https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2024.48>

(Received: 28/08/2024 - Accepted: 06/04/2025)

Abstract

Iron mines ore deposits in Afghanistan which hold significant strategic importance. The total reserves are estimated to exceed one billion metric tons. These deposits are generally characterized by high-grade ore, with iron content ranging from 47% to 62%, placing them among the low-cost, high quality, and comparatively rare resources in the global context. The purpose of this research is to examine extracting mines in the economy of Afghanistan (case study: Seyah Dara mine, Yaka o Lang Awal district). Statistical community of this research is workers, engineers, and local residents of Yaka O Lang Awal district. The statistical community was unknown, for that reason, 100 questionnaires were distributed, 10 for the mine workers, ten for engineers, and eighty for the local residents of Yaka o Lang which are the residents of Seyah Dara, and their answers was analyzed by SPSS 26 software. The results have shown that extracting mines has an important role on economic development of the citizens, and generates employment for the citizens of the country. It can reach us to self-sufficiency in the using of metals in mine industries and can export metal production, technology, and exporting these products to other countries is significantly important.

Keywords: Afghanistan, Economics, Mining natural resource.

مقدمه

افغانستان به دلیل کوهستانی بودنش دارای ذخایر معدنی متنوع و فراوان بوده که طبق اظهارات اخبار اندیپندنت و سروی جیولوژی ایالات متحده آمریکا ارزش معادن افغانستان بالاتر از ۹ تریلیون دالر می‌باشد. افغانستان از لحاظ معادن غنی و دارای معادن متعدد است. تحقیقات زمین‌شناسی به اثبات رسانیده که در افغانستان ۱۴۰۰ نوع منرال و سنگ معدنی شناخته شده است. معدن فلزات افغانستان به تنهایی وجود ندارد؛ بلکه به‌طور درصدی پیدا می‌شود مثلاً مس در ۲۴۰ نوع سنگ پیدا می‌شود. زیاده‌ترین آن در بورنیت CuFeS_4 دارای اعیار (۶۳.۳٪) مس و باقی‌مانده آهن و سلفر است. معادن آهن در افغانستان از اهمیت بسزایی برخوردارند. ذخایر مجموعی معادن آهن افغانستان بیشتر از میلیارد تن می‌باشد. معادن افغانستان به‌طور عموم دارای معیار بلند یعنی ۴۷ الی ۶۲٪ می‌باشد که از جمله معادن کم‌مصرف پر کیفیت و کم‌نظیر شمرده می‌شود. معادن آهن در افغانستان به ولایت‌های بدخشان، پنجشیر، غوربند، بامیان، حاجیگ، بهسود، یکه‌ولنگ، غور، قندهار، میمنه، هرات، ارزگان و پکتیا از اهمیت زیاد برخوردار می‌باشد. در ۱۰۰ کیلومتری شمال قندهار منطقه خاکریز معدن بزرگ آهنی با ظرفیت ۳ میلیون تن واقع شده است. بزرگترین معادن آسیای مرکزی معدن آهن حاجیگ در ولایت بامیان و در ۱۳۰ کیلومتری شمال غرب کابل قرار دارد. معادن یکی از بخش‌های اصلی شکل‌دهنده تمدن‌ها در طول تاریخ بوده که با پیدایش مکاتب اقتصادی، یکی از مهمترین اهداف کشورهای جهان رشد و توسعه اقتصاد به‌ویژه در بخش معادن است. افغانستان که در قلب آسیا قرار دارد، آینده اقتصادی آن به پوتنسیل منابع طبیعی بستگی دارد. از ابتدای قرن نوزدهم، تعداد زیادی تحقیق گسترده در مورد منابع معدنی این کشور انجام داده‌اند. اطلاعات حاصل از این مطالعات حاکی از آن است که ارزش معادن کشور تقریباً یک الی سه تریلیون دالر است.

افغانستان سرشار از منابع طبیعی است. به‌طور کلی بیش از یک هزار و ۴۰۰ منطقه معدن در افغانستان وجود دارد. نفت و گاز طبیعی، زغال‌سنگ، مس، کروم، آهن، طلا، نقره و سنگ مرمر در افغانستان از نظر وضعیت اقتصادی در ردیف پایین‌ترین کشورهای جهان قرار دارد؛ اما از نظر ثروت زیرزمینی در ردیف ثروتمندترین کشورهای جهان قرار دارد. پس از جنگ جهانی دوم، کشورها برای سرعت بخشیدن رشد و توسعه اقتصادی به کمبود منابع و سرمایه مواجه بودند. منابع طبیعی، به‌طور کلی در رشد و توسعه اقتصادی یک کشور نقش حیاتی داشته و باعث سرعت بخشیدن این روند می‌شود. اساساً دو رویکرد متفاوت در مورد تأثیر منابع طبیعی غنی بر رشد اقتصادی وجود دارد. در رویکرد اول، ثروت زیرزمینی برای رشد اقتصادی کشور نعمت تلقی می‌شود، طبق رویکرد اول، کشورهایی که دارای منابع طبیعی غنی بودند با مدیریت

شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی:

H0: به نظر می‌رسد که معادن آهن بالای اقتصاد افغانستان تأثیر ندارند.

H1: به نظر می‌رسد که معادن آهن بالای اقتصاد افغانستان تأثیر دارند.

فرضیات فرعی تحقیق

فرضیه اول:

H0: به نظر می‌رسد که صنعت آهن بالای اقتصاد افغانستان تأثیر ندارد.

H1: به نظر می‌رسد که صنعت آهن بالای اقتصاد افغانستان تأثیر دارد.

فرضیه دوم:

H0: به نظر می‌رسد که صنایع معدنی بالای اقتصاد افغانستان تأثیر ندارد.

H1: به نظر می‌رسد که صنایع معدنی بالای اقتصاد افغانستان تأثیر دارد.

فرضیه سوم:

H0: به نظر می‌رسد که استخراج معیاری معادن آهن بالای اقتصاد افغانستان تأثیر ندارد.

H1: به نظر می‌رسد که استخراج معیاری معادن آهن بالای اقتصاد افغانستان تأثیر دارد.

نوعیت هر تحقیق به اساس ماهیت و اهداف در نظر گرفته شده تعیین می‌شود. تحقیق حاضر از لحاظ ماهیت کیفی، از لحاظ هدف کاربردی می‌باشد و از منظر روش پیمایشی - تحلیلی بوده و در تحقیق هذا از روش مختلط استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق را کارگران معدن، انجیران و باشندگان ولسوالی یکه‌ولنگ یک تشکیل می‌دهد که نسبت نا معلوم بودن حجم دقیق جامعه آماری از نمونه‌گیری در دسترس استفاده شده است. بنابراین، به تعداد ۱۰۰ پرسشنامه به‌طور تصادفی توزیع گردیده که از جمله ۱۰ پرسشنامه برای کارگران معدن، ۱۰ پرسشنامه برای انجیران و ۸۰ پرسشنامه به باشندگان ولسوالی یکه‌ولنگ یک که باشند سیداره می‌باشند، توزیع گردیده و پاسخ‌های آن‌ها در نرم‌افزار SPSS26 مورد تحلیل و تجزیه قرار گرفته‌اند و برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شده است.

غفوری (۱۳۹۱)، تحقیقی را تحت عنوان منابع طبیعی الفای رشد و توسعه اقتصادی افغانستان انجام داده که یافته‌های تحقیق متذکره نشان می‌دهد که معادن یکی از بخش‌های اصلی رشد اقتصادی است. کشورهایی که دارای منابع طبیعی فراوان باشند با مدیریت قوی سریع رشد می‌کنند مانند کشورهای شیلی و بوسنونا.

صفری، غلامی و توسلی (۱۳۹۹) در تحقیقی تحت عنوان «شناسایی و بررسی عوامل تأثیرگذار بر صنعت سنگ افغانستان مطالعه موردی سنگ مرمر» که با هدف بررسی عوامل تأثیرگذار بر صنعت سنگ افغانستان که جزء سکتورهای اصلی صنعت افغانستان است، تا این عوامل را شناسایی و اولویت‌بندی کرده و سپس پیشنهادهایی جهت بهبود این سکتور و صنعت ارائه شده است. اطلاعات با استفاده از توزیع پرسش‌نامه بدست آمده‌اند و آزمون مورد استفاده آزمون همبستگی پیرسون بوده که نتیجه عوامل تأثیرگذار عبارت بوده‌اند که از نبود مواد خام و توقف قراردادهای، موانع ترانسپورتی، دسترسی به زمین، عدم نظارت بر گمرکات، رویالیتی غیر متناسب و کمبود انرژی کافی.

پور میرزائی (۱۳۹۶) در تحقیقی تحت عنوان بررسی نقش صنعت معدن‌کاری و منابع معدنی در توسعه پایدار کشور که با هدف تبیین مفهوم و اهمیت توسعه پایدار در زمینه معدن‌کاری و منابع معدنی تحریر نموده است، در ابتدا چالش‌های این صنعت برای دستیابی به توسعه مبتنی بر مؤلفه‌های توسعه پایدار و در ادامه وضعیت موجود صنعت معدن‌کاری را به بررسی گرفته است، به این نتیجه دست یافته است که صنعت معدن‌کاری برای تداوم نقش خود نیازمند طراحی ابزارهای مدیریتی صحیح در زمینه محیط‌زیست، استفاده از فناوری‌های پاک و آموزش نیروی کار است.

امیری (۲۰۲۱) در تحقیقی تحت عنوان «اهمیت نقش معدن و صنایع معدنی در اقتصاد» که با هدف تبیین نقش اقتصادی معدن و صنایع معدنی تحریر گردیده، دریافته است که نقش معدن و صنایع معدنی در اقتصاد کشورهای جهان منحصر به مشارکت در افزایش تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی نمی‌گردد؛ بلکه سهم معناداری نیز در ایجاد فرصت‌های شغلی و کاهش فقر در کشورها را داراست. همچنان صنعت معدن یکی از محرک‌های مهم در اقتصاد جهانی و یک جایگاه اولیه در زنجیره تأمین منابع مورد نیاز بسیاری از صنایع می‌باشد.

بصیری و نبی‌یان جوردی (۱۳۸۴) در تحقیقی تحت عنوان رتبه بندی اقتصادی - استراتژیکی مواد معدنی معادن در حال بهره‌برداری ایران با استفاده از روش رتبه بندی تاکسونومی به منظور توسعه سرمایه‌گذاری در ایران که با هدف رتبه بندی اقتصادی - راهبردی مواد معدنی معادن در حال بهره‌برداری که با استفاده از روش تاکسونومی عددی رتبه بندی شده، دریافته است که برخی از شاخص‌های مورد استفاده در این تحقیق عبارتند از سهم ارزش افزوده هر ماده معدنی در تولید ناخالص داخلی، ارزش افزوده صادرات مواد معدنی، سود دهی، بزرگی بازار ماده معدنی و پتانسیل سرمایه‌گذاری می‌باشند.

صادق‌لو، سجاسی قیداری و ریاحی (۱۳۹۵) در تحقیقی تحت عنوان ارزیابی اثرات زیست‌محیطی صنایع استخراجی - معدنی در پایداری نواحی روستایی مورد مطالعه روستاهای پیرامون کارخانه سیمان زنجان که با هدف بررسی کارخانه سیمان زنجان و اثرات زیست‌محیطی آن بر روستاهای اطراف پرداخته شده است و تحقیق متذکره با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی با کمک مطالعات اسنادی - کتابخانه‌ای و میدانی انجام یافته است. نتایج بدست آمده بیانگر این است که بیشترین اثرات منفی زیست‌محیطی در محدوده دست خورده و نزدیک کارخانه با امتیاز کل ۲۰۸ است که با فاصله از کارخانه، میزان آن کمتر می‌گردد.

الف) مبانی نظری تحقیق

۱. معادن دورنمای اقتصاد در افغانستان

بهره‌برداری از منابع اقتصادی برای تداوم حیات بشریت در کره زمین از مسائل بس مهم و حیاتی است که انسان‌ها در دوره‌های مختلف تاریخ برای استمرار حیات شان در تلاش بهره‌برداری از این منابع بوده‌اند. پیکارهای انسان‌ها برای دستیابی به این منابع تا حدی حاد و جدی بوده است که در برخی مواقع یکی از عوامل بروز جنگ‌های بزرگ به سطح جهانی شده است. تاریخ بشریت نماینگر آنست که کشورها همواره برای دست یافتن به منابع اقتصادی، از جمله منابع معدنی که از مهمترین شاخصه‌های اقتصاد در جهان محسوب می‌شود، تلاش نموده‌اند.

معادن در جهان امروز از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است و یکی از زیربناهای مستحکم اقتصادی در جهان محسوب می‌شود. افغانستان نیز از جمله کشورهایی است که سرشار از منابع زیرزمینی می‌باشد، بر بنیاد تحقیقات انجام شده، افغانستان از منظر داشتن معادن در منطقه بی‌نظیر است، این کشور با داشتن کوه‌های بلند و دره‌های پر خم و پیچ بزرگ‌ترین و با ارزش‌ترین معادن را در دل خاک خود جا داده است. مواد معدنی در این کشور به پیمانه زیاد و در عمق کم زمین جا افتاده است. نزدیک بودن منابع انرژی به این معادن و در عین حال قرار گرفتن این معادن در فاصله نزدیک شهرهای بزرگ افغانستان که این شهرها با داشتن راه‌های مواصلاتی انتقال این مواد را ساده و ارزان می‌سازد، بنابراین، استحصال و استخراج این مواد با هزینه کم و در یک فرصت کوتاه میسر است. از آنجا که افغانستان محاط به خشکه و در عین حال دارای هوای نسبتاً خشک است، بنابراین، یگانه منبع درآمد که بتواند در درازمدت اقتصاد افغانستان را رشد دهد، در پهلوی سکتور زراعت منابع زیرزمینی است (احمدی، ۲۰۱۹، ص ۱).

افغانستان در صورت بهره‌برداری صحیح از منابع عظیم و معدنی و طبیعی که در اختیار دارد، می‌توانست از طریق صادرات مواد معدنی و محصولات صنایع معدنی نه تنها تولید و درآمدزایی کشور را ارتقاء دهد، بلکه با ارز آوری بالایی که از طریق صادرات محصولات معدنی و صنایع معدنی حاصل می‌شد، وابستگی بودجه به کمک‌های خارجی را نیز مرتفع سازد. اما نگاهی به عملکرد صادراتی این کشور نشان می‌دهد به دلیل عدم بهره‌برداری از سرمایه‌ی هنگفت و موهبتی که در اختیار دارد، درآمدزایی صادراتی بسیار محدودی دارد. علاوه بر این سهم محصولات معدنی و صنایع معدنی وابسته از صادرات این کشور نیز تقریباً صفر است. چنانچه بررسی اقلام عمده‌ی صادراتی این کشور نشان می‌دهد بجز ذغال سنگ، سایر مواد معدنی نقشی در صادرات افغانستان ندارند (موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۴۰۱، صص ۱۶ - ۱۷).

۲. موقعیت معدن آهن سیاه‌دره در ولسوالی یکه‌ولنگ نمبر یک

این معدن در ۲۲ کیلومتری جنوب غرب مرکز ولسوالی یکه‌ولنگ موقعیت دارد. طبق سروی و تفتیش تیم انجینیری وزرات معدن که در سال ۱۳۹۰ انجام شده ذخایر این معدن به ۵۰۰ میلیون تن می‌رسد و ۶۳ فیصد آهن دارد. معدن آهن سیاه‌دره که در ولسوالی یکه‌ولنگ بامیان موقعیت دارد. گزارش شبکه اطلاع‌رسانی افغانستان (Afghan paper) می‌گویند که سیاه‌دره دومین معدن بزرگ آهن در بامیان می‌باشد و در سال ۱۳۹۱ به داوطلبی گذاشته شده بود.

به گفته وزارت معادن، در معدن سیاه‌دره یکه‌ولنگ، عناصر کیمیای موجود بوده که در ساخت فولاد با کیفیت کاربرد داشته و براساس بررسی‌های نخست وزارت معادن، سنگ آهن معدن سیاه‌دره در ترکیبش ۶۲ درصد آهن داشته و تخمین زده می‌شود که ساحه اصلی این معدن ۳۰ کیلومتر را در بر می‌گیرد.

ب) تأثیرات اقتصادی معدن آهن سیاه‌دره

با فعال شدن معدن آهن سیاه‌دره، تعداد زیادی از مردم این منطقه به کار مشغول شده‌اند که خود رشد اقتصادی را نشان می‌دهد. فرصت‌های کاری یکی دیگر از مزایای مهم صنعت استخراج معدن می‌باشد. این معدن به دلیل منابع غنی آهن خود می‌تواند تأثیرات اقتصادی زیادی بر کشور داشته باشد. در قسمت ایجاد اشتغال یکی از اصلی‌ترین تأثیرات معدن آهن سیاه‌دره ایجاد اشتغال است. استخراج معدن آهن نیاز به نیروی کار دارد و این می‌تواند باعث ایجاد فرصت‌های شغلی برای هزاران نفر در منطقه و کشور شود. در قسمت رشد اقتصادی، استخراج این معدن و تبدیل آن به محصولات صنعتی مانند فولاد و آهن می‌تواند به رشد تولید

ناخالص داخلی افغانستان کمک کند. این پروژه همچنان به بهبود زیرساخت‌های کشور و به‌ویژه در مناطق نزدیک به معدن کمک کند. مدیریت بهتر استخراج معادن باعث افزایش فرصت‌های کاری گسترده‌تری می‌شود و صنعت استخراج بخش کوچکی از فرصت‌های کاری را فراهم خواهد کرد، علاوه بر این، بسیاری از گارگران از مهارت‌های لازم برای استفاده کامل از فرصت‌های کاری برخوردار خواهد بود با این وجود با شروع پروژه‌های استخراج در حد وسیع، این پروژه‌ها می‌توانند ده‌ها هزار فرصت کاری را با عاید بالا در بخش‌های استخراج و سکتورهای مربوط ایجاد کند (ویکی‌پدیا، ۱۴۰۳).

ج) یافته‌های تحقیق

تحلیل و تجزیه اطلاعات جزء اساسی و اصلی یک تحقیق علمی می‌باشد که از اهمیت زیادی برخوردار است. اطلاعات جمع‌آوری شده بعد از تحلیل و تجزیه در اختیار استفاده کنندگان قرار داده می‌شوند. این تحقیق به اساس توزیع پرسشنامه‌ها صورت گرفته که جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از برنامه آماری SPSS26 استفاده شده که از این سه بخش تشکیل شده: بخش اول دیموگرافی، بخش دوم الفای کرنباخ و بخش سوم شامل پذیرش و رد فرضیه‌ها می‌باشد.

۱. تحلیل توصیفی تحقیق

در این بخش اطلاعات مربوط به جمعیت شناختی و سؤالات بلی-نخیر و سؤالات پنج گزینه‌ای مورد تحلیل و تجزیه قرار می‌گیرند:

۲. تحلیل توصیفی اطلاعات جمعیت‌شناختی و سؤالات پرسشنامه

بخش اول توضیح‌دهنده دیموگرافی پاسخ‌دهندگان که شامل، سن، درجه تحصیل، حالت مدنی و وظیفه پاسخ‌دهندگان می‌باشند که این اطلاعات از طریق پرسشنامه‌ها بدست آمده‌اند.

ارزیابی اطلاعات جمعیت‌شناختی

جدول ۱. اطلاعات مربوط به مشخصات پاسخ‌دهنده

متغیر	ابعاد	فراوان	درصد	متغیر	ابعاد	فراوانی	درصد
سن	۲۰ - ۳۰	۷۲	۷۲	حالت مدنی	مجرد	۴۱	۴۱
	۳۰ - ۴۰	۲۰	۲۰		متاهل	۵۹	۵۹
	۴۰ به بالا	۸	۸		مجموع	۱۰۰	۱۰۰
	مجموع	۱۰۰	۱۰۰				

متغیر	ابعاد	فراوانی	درصد	متغیر	ابعاد	فراوانی	درصد
درجه تحصیلی	۱۲ پاس	۳۶	۳۶	وظیفه	کارگران معدن	۱۰	۱۰
	لسانس	۵۷	۵۷		انجینیران	۱۰	۱۰
	ماستر	۷	۷		باشندگان ولسوالی	۸۰	۸۰
	مجموع	۱۸۲			مجموع		

طبق ارقام جدول ۱، بیشترین پاسخ دهندگان از نظر بین سنین ۲۰ الی ۳۰ سال بوده‌اند که تعداد آن‌ها ۷۲ تن می‌باشد. ۷۲٪ در مجموع پاسخ دهندگان را تشکیل می‌دهند، بیشترین پاسخ دهندگان از نظر حالت مدنی متاهل بوده‌اند که تعداد آنان ۵۹ تن بوده که ۵۹٪ مجموع پاسخ دهندگان را تشکیل می‌دهند، بیشترین پاسخ دهندگان از نظر درجه تحصیلی دارای درجه تحصیلی لیسانس می‌باشد که تعداد آن‌ها ۵۷ تن بوده که ۵۷٪ مجموع پاسخ دهندگان را تشکیل می‌دهند و بیشترین پاسخ دهندگان از نظر وظیفه باشندگان خود ولسوالی یک‌ه‌ولنگ یک می‌باشد، تعداد شان ۸۰ تن بوده که ۸۰٪ مجموع پاسخ دهندگان را تشکیل می‌دهند.

جدول ۲. آیا صنعت آهن بالای اقتصاد افغانستان تأثیر دارد؟

معتبر	بلی	فراوانی	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی تجمعی
		۸۴	۸۴	۸۴	۸۴
مجموع	نخیر	۱۶	۱۶	۱۶	۱۰۰
		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

منبع: یافته‌های تحقیق

قرار اطلاعات جدول شماره ۲ از جمله ۱۰۰ تن پاسخ دهندگان به تعداد ۸۴ تن آنان به این سؤال که آیا صنعت آهن بالای اقتصاد افغانستان تأثیر دارد، جواب بلی گفته و ۱۶ تن دیگر آنان جواب نخیر گفته‌اند.

جدول ۳. آیا صنایع معدنی بالای اقتصاد افغانستان تأثیر دارد؟

معتبر	بلی	فراوانی	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی تجمعی
		۸۰	۸۰	۸۰	۸۰
مجموع	نخیر	۲۰	۲۰	۲۰	۱۰۰
		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

منبع: یافته‌های تحقیق

قرار اطلاعات جدول شماره ۳ از جمله ۱۰۰ پاسخ دهنده به تعداد ۸۰ تن آنان به این سؤال که آیا صنایع معدنی بالای اقتصاد افغانستان تأثیر دارد، جواب بلی گفته و ۲۰ تن متباقی جواب نخیر گفته‌اند.

جدول ۴. آیا استخراج معیاری معدن آهن بالای اقتصاد افغانستان تأثیر دارد؟

	معتبر	بلی	فراوانی	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی تجمعی
			۸۱	۸۱	۸۱	۸۱
		نخیر	۱۹	۱۹	۱۹	۱۰۰
مجموع			۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

منبع: یافته‌های تحقیق

قرار اطلاعات جدول شماره ۴ از جمله ۱۰۰ تن پاسخ دهنده به تعداد ۸۱ تن آنان به این سؤال که آیا استخراج معیاری بالای افغانستان تأثیر دارد، جواب بلی گفته و ۱۹ تن آنان جواب نخیر گفته‌اند.

جدول ۵. سرمایه‌گذاری بالای معادن آهن در رشد اقتصادی افغانستان اهمیت بسزایی دارد.

	معتبر	کاملاً موافق نیستم	فراوانی	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی تجمعی
			۰	۰	۰	۰
			۰	۰	۰	۰
			۰	۰	۰	۰
			۹	۹	۹	۹
			۹۱	۹۱	۹۱	۱۰۰
مجموع			۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به ارقام جدول شماره ۵، به تعداد ۹ تن از پاسخ دهنده‌گان با این موضوع که سرمایه‌گذاری بالای معادن در رشد اقتصادی افغانستان اهمیت بسزایی دارد، موافق و ۹۱ تن دیگر آنان کاملاً موافق بوده‌اند.

جدول ۶. سرمایه‌گذاری بالای معادن یگانه راه رسیدن به اشتغال پایدار می‌باشد.

	معتبر	کاملاً موافق نیستم	فراوانی	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی تجمعی
			۲۳	۲۳	۲۳	۲۳
		موافق نیستم	۳۱	۳۱	۳۱	۵۴

۵۹	۵	۵	۵	نظر ندارم	
۸۰	۲۱	۲۱	۲۱	موافق هستم	
۱۰۰	۲۰	۲۰	۲۰	کاملاً موافق هستم	
	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰		مجموع

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به ارقام جدول شماره ۶ بیشترین پاسخ دهندگان که تعداد آنان ۳۱ تن می‌باشند، با این موضوع که سرمایه‌گذاری بالای معادن یگانه راه برای رسیدن به اشتغال پایدار است، موافق نبوده‌اند.

جدول ۷. استخراج معیاری معادن افغانستان در بلند بردن تولید ناخالص ملی کشور تأثیرگذار است.

فیصدی تجمعی	فیصدی معتبر	فیصدی	فراوانی	کاملاً موافق نیستم	معتبر
۵	۵	۵	۵	موافق نیستم	
۱۳	۸	۸	۸	نظر ندارم	
۲۴	۱۱	۱۱	۱۱	موافق هستم	
۴۰	۱۶	۱۶	۱۶	کاملاً موافق هستم	
۱۰۰	۶۰	۶۰	۶۰		مجموع

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به ارقام جدول شماره ۷ بیشترین پاسخ دهندگان که تعداد آنان ۶۰ تن می‌باشند، با این موضوع که استخراج معیاری معادن افغانستان در بلند بردن تولید ناخالص ملی کشور تأثیرگذار است، کاملاً موافق بوده‌اند.

جدول ۸. تا چي حد معادن به شکل معیاری و استندرد اکتشاف و استخراج می‌گردند؟

فیصدی تجمعی	فیصدی معتبر	فیصدی	فراوانی	بسیار کم	معتبر
۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	کم	
۳۴	۱۹	۱۹	۱۹	هیچ	
۴۳	۹	۹	۹	زیاد	
۵۳	۱۰	۱۰	۱۰	بسیار زیاد	
۱۰۰	۴۷	۴۷	۴۷		مجموع

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به ارقام جدول شماره ۸ به تعداد ۴۷ تن از پاسخ دهندگان از مجموع ۱۰۰ تن که بیشترین پاسخ دهندگان را تشکیل می‌دهند، به این سؤال که تا چقدر حد معادن به شکل معیاری و استاندارد اکتشاف و استخراج می‌گردند، پاسخ بسیار زیاد ارائه نموده‌اند.

جدول ۹. تا چقدر حد از ماشین آلات معدنی در افغانستان استفاده می‌شود؟

معتبر	بسیار کم	فراوانی	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی تجمعی
	کم	۲۸	۲۸	۱۶	۱۶
	هیچ	۸	۸	۸	۵۲
	زیاد	۹	۹	۹	۶۱
	بسیار زیاد	۳۹	۳۹	۳۹	۱۰۰
مجموع		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به ارقام جدول شماره ۹ به تعداد ۳۹ تن از پاسخ دهندگان که بیشترین آنان را تشکیل می‌دهند، به این سؤال که تا چقدر حد از ماشین آلات معدنی در افغانستان استفاده می‌شود، پاسخ بسیار زیاد ارائه نموده‌اند.

جدول ۱۰. معادن آهن از نگاه اشتغال‌زایی در کشور چقدر اندازه سهم دارند؟

معتبر	بسیار کم	فراوانی	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی تجمعی
	کم	۱۸	۱۸	۱۳	۱۳
	هیچ	۱۳	۱۳	۱۳	۴۴
	زیاد	۲۷	۲۷	۲۷	۷۱
	بسیار زیاد	۲۹	۲۹	۲۹	۱۰۰
مجموع		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به ارقام جدول شماره ۱۰ به تعداد ۲۹ تن از پاسخ دهندگان که بیشترین آنان را نیز تشکیل می‌دهند، به این نظر بوده‌اند که معادن آهن در اشتغال‌زایی بسیار زیاد سهم داشته است.

۳. تحلیل استنباطی

جدول ۱۱. احصائیه پایایی

تعداد متغیرها	الفای کرنباخ
۳	۰.۸۱۲

منبع: یافته‌های تحقیق

پایایی ابزاری که از آن به اعتبار، دقت و اعتمادپذیری نیز تعبیر می‌شود، عبارت است از این که اگر یک وسیله اندازه‌گیری برای سنجش متغیر و صفتی ساخته شده در شرایط مشابه در زمان یا مکان دیگر مورد استفاده قرار گیرد تا نتایج مشابهی از آن حاصل شود؛ به عبارت دیگر، ابزار پایا یا معتبر ابزاری است که از خاصیت تکرارپذیری نتایج یکسان برخوردار باشد.

برای تعیین پایایی پرسشنامه مورد استفاده در این تحقیق از روش الفای کرونباخ استفاده شده و قسمی که در جدول ۱۱ نشان داده است، متوسط الفای کرونباخ با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS بدست آمده که برای تمامی متغیرها ۸۱۲۰ بوده که بالاتر از (۰/۷) است و این نشان دهنده پایایی مطلوب پرسشنامه است. لازم به ذکر است که طیف ضریب الفای کرونباخ بین ۰ تا ۱ است و هر چه این ضریب به یک نزدیکتر باشد، نشان دهنده پایاتر بودن سؤالات پرسشنامه است.

۴. کودگذاری

همان‌طور که مشاهده می‌شود جدول ذیل فراوانی و نحوه کودبندی متغیرهای طبقه‌بندی را نشان می‌دهد که ۱ برای کسانی است که استفاده از انترنت را در بلند بردن ظرفیت علمی محصلان تأثیر دارد و ۰ برای کسانی است استفاده از انترنت را در بلند بردن ظرفیت علمی محصلان تأثیر ندارد، گفته‌اند.

جدول ۱۲. کود گذاری متغیر وابسته

ارزش اصلی	ارزش داخلی
بلی	۱
نخیر	۰

۵. ضریب تعیین

جدول زیر نتایج مربوط به سه آماره لوگاریتم درست‌نمایی و ضریب تعیین کاکس و نل (Cox & Snell) و ضریب تعیین نیجل کرک (Nagelkerke) را نشان می‌دهد، این ضرایب تقریب‌های ضریب تعیین در رگرسیون خطی هستند که در رگرسیون لجستیک استفاده می‌شوند. همان‌طور که مشاهده می‌شود مقادیر دو آماره کاکس و سنل و نیجل کرک به ترتیب ۰.۶۳ و ۰.۷۹ می‌باشد. این ضرایب نشان می‌دهند که متغیرهای مستقل این تحقیق توانسته‌اند بین ۶۳ تا ۷۹ درصد بالای متغیر وابسته تأثیر داشته باشند.

جدول ۱۳. خلاصه مدل

مرحله	Cox & Snell R Square	Nagelkerke R Square
1	.79	.79

۶. متغیرهای تأثیرگذار

طبق خروجی رگرسیون لجستیک مقادیر معنی داری (sig) متغیرهای تأثیرگذار بر اشتغال‌زایی مقادیر Sig شان کمتر از ۰.۰۵ می‌باشد، لذا این متغیرها تأثیر معنی‌داری بالای اقتصاد افغانستان دارند.

جدول ۱۳. متغیرها در مدل

	B	درجه آزادی	معنی‌داری
آیا معادن آهن بالای اقتصاد افغانستان تأثیر دارند؟	1.212	3	.000
آیا صنعت آهن بالای اقتصاد افغانستان تأثیر دارد؟	1.321	3	.003
آیا صنایع معدنی بالای اقتصاد افغانستان تأثیر دارد؟	1.112	3	.000
آیا استخراج معیاری معدن آهن بالای اقتصاد افغانستان تأثیر دارد؟	1.105	3	.004
ثابت	.814	3	.0021

منبع: یافته‌های تحقیق

۷. آزمون فرضیه‌های تحقیق

۱.۷. آزمون فرضیه اصلی تحقیق

فرضیه اصلی تحقیق:

فرضیه صفری (H_0): به نظر می‌رسد معادن آهن بالای اقتصاد افغانستان تأثیر ندارند.

فرضیه بدیل (H_1): به نظر می‌رسد معادن آهن بالای اقتصاد افغانستان تأثیر دارند.

Sig: طبق خروجی رگرسیون لجستیک مقادیر معنی‌داری (sig) به اندازه‌ی ۰.۰۰۰ کمتر از استاندارد ۰.۰۵ می‌باشد که فرضیه تحقیق صفری رد و فرضیه بدیل تأیید می‌شود لذا معادن آهن بالای اقتصاد افغانستان تأثیر دارند.

جدول ۱۴. آیا معادن آهن بالای اقتصاد افغانستان تأثیر دارند؟

معنی داری	درجه آزادی	B	مرحله ۱
0.000	3	1.212	آیا معادن آهن بالای اقتصاد افغانستان تأثیر دارند؟

منبع: یافته‌های تحقیق

۲.۷. آزمون فرضیه‌های فرعی تحقیق

فرضیه اول:

فرضیه صفری (H_0): به نظر می‌رسد صنعت آهن بالای اقتصاد افغانستان تأثیر ندارند.

فرضیه بدیل (H_1): به نظر می‌رسد صنعت آهن بالای اقتصاد افغانستان تأثیر دارند.

Sig: طبق خروجی رگرسیون لجستیک مقادیر معنی داری (sig) متغیر صنعت آهن به اندازه ۰.۰۳ کمتر از استاندارد ۰.۰۵ می‌باشد که فرضیه تحقیق صفری رد و فرضیه بدیل تأیید می‌شود، لذا صنعت آهن بالای اقتصاد افغانستان تأثیر دارد.

جدول ۱۵. آیا صنعت آهن بالای اقتصاد افغانستان تأثیر دارند؟

معنی داری	درجه آزادی	B	مرحله 1 ^a
.03	3	1.321	آیا صنعت آهن بالای اقتصاد افغانستان تأثیر دارد؟

منبع: یافته‌های تحقیق

فرضیه دوم:

فرضیه صفری (H_0): به نظر می‌رسد صنایع معدنی بالای اقتصاد افغانستان تأثیر ندارد.

فرضیه بدیل (H_1): به نظر می‌رسد صنایع معدنی بالای اقتصاد افغانستان تأثیر دارد.

Sig: طبق خروجی رگرسیون لجستیک مقادیر معنی داری (sig) متغیر صنایع معدنی به اندازه ۰.۰۰۰ کمتر از استاندارد ۰.۰۵ می‌باشد که فرضیه تحقیق صفری رد و فرضیه بدیل تأیید می‌شود، لذا صنایع معدنی بالای اقتصاد افغانستان تأثیر دارد.

جدول ۱۶. آیا صنایع معدنی بالای اقتصاد افغانستان تأثیر دارد؟

معنی داری	درجه آزادی	B	مرحله 1 ^a
.000	3	1.112	آیا صنایع معدنی بالای اقتصاد افغانستان تأثیر دارد؟

منبع: یافته‌های تحقیق

فرضیه سوم:

فرضیه صفری (H0): به نظر می‌رسد استخراج معیاری معادن آهن بالای اقتصاد افغانستان تأثیر ندارند.

فرضیه بدیل (H1): به نظر می‌رسد استخراج معیاری معادن آهن بالای اقتصاد افغانستان تأثیر دارند.

Sig: طبق خروجی رگرسیون لجستیک مقادیر معنی‌داری (sig) متغیر صنایع معدنی به اندازه ۰.۰۴ کمتر از استاندارد ۰.۰۵ می‌باشد که فرضیه تحقیق صفری رد و فرضیه بدیل تأیید می‌شود، لذا صنایع معدنی بالای اقتصاد افغانستان تأثیر دارد.

نتیجه‌گیری

افغانستان کشوریست که از لحاظ داشتن منابع معدنی بسیار ثروتمند بوده و در صورت استخراج معادن کشور به شکل معیاری اوضاع اقتصاد کشور را کاملاً بهبود خواهد داد که خوشبختانه امارت اسلامی افغانستان با تأمین نمودن امنیت سراسری زمینه را برای جلب و جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی مساعد نموده است. همان‌طوری که در مقدمه تصریح شده و بر اساس یافته‌ها ارزش معادن افغانستان بالاتر از ۹ تریلیون دالر برآورد گردیده است. تحقیق حاضر تحقیق میدانی بوده که اطلاعات اساسی آن با توزیع پرسشنامه بدست آمده و مبانی نظری آن از مقالات و سلیت‌های اینترنتی بدست می‌آید. با توجه به هدف تحقیق که عبارت از بررسی تأثیرات معادن آهن بالای اقتصاد افغانستان است، نتیجه کلی تحقیق حاضر نشان می‌دهد که استخراج معادن آهن نقش اساسی در بهبود اوضاع اقتصادی افغانستان دارد. همچنان تمام پاسخ دهندگان نقش اقتصادی معادن را تأثیرگذار دانسته‌اند. جامعه آماری تحقیق حاضر را کارگران معدن آهن سیاه‌دره، انجیران و باشندگان ولسوالی یکه‌ولنگ یک تشکیل داده که از جمله ۱۰۰ تن نمونه به شکل تصادفی انتخاب گردیدند که پاسخ دهندگان از منظر سنی ۷۲ تن بین سنین ۲۰ الی ۳۰ ساله، ۲۰ تن بین سنین ۳۰ الی ۴۰ ساله و ۸ تن بالاتر از ۴۰ ساله بودند، از منظر حلت مدنی ۴۱ تن آنان مجرد و ۵۹ تن آنان متأهل، از منظر درجه تحصیل ۳۶ تن دوازده پاس، ۵۷ تن لیسانس و ۷ تن ماستر بوده‌اند و از منظر وظیفه ۱۰ تن کارگران معدن، ۱۰ تن انجیران و ۸۰ تن باشندگان ولسوالی یکه‌ولنگ یک می‌باشند. تحقیق حاضر دارای فرضیه اصلی و سه فرضیه فرعی بود که تمام آن‌ها به دلیل این که sig آن‌ها کوچکتر از 0.05 بود مورد تأیید قرار گرفته‌اند. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده از این تحقیق از برنامه آماری SPSS استفاده شده است.

استخراج این معدن می‌تواند به‌عنوان منبع اصلی درآمد در کشور و ایجاد اشتغال برای مردم تلقی گردد. در این راستا شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های موجود و ارائه‌ای پیشنهادات مبتنی بر واقعیت‌های میدانی می‌تواند راه‌گشای موفقیت‌های بیشتر در این بخش حیاتی باشد.

۱. تأمین امنیت سراسری که الحمدلله در شرایط فعلی به چشم و سر مشاهده می‌شود که این خود نعمت بزرگ الهی بوده و در جلب و جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی و از جمله سرمایه‌گذاری بالای معادن خیلی حیاتی می‌باشد؛
۲. استخراج معیاری معادن تحت نظر کارشناسان و متخصصان؛
۳. تربیه کادرهای متخصص و ورزیده در بخش‌های مربوطه؛
۴. عقد قرارداد استخراج معادن با شرکت‌های داخلی و خارجی با رعایت منافع ملی کشور.

منابع و مآخذ

- بصری، محمد حسین؛ نبیان جوردی، فاطمه سادات. (۱۳۸۴). رتبه‌بندی اقتصادی - استراتژیکی مواد معدنی معادن در حال بهره‌برداری ایران با استفاده از روش رتبه‌بندی تاکسونومی به منظور توسعه سرمایه‌گذاری در ایران. فصلنامه علوم زمین، دوره ۱۴ (۵۶)، ص. ۱۲۴-۱۳۳. <https://www.gsjournal.ir>
- پوپل، کریم. (۲۰۱۶). معادن فلزات افغانستان. (آخرین بازدید: ۱۴۰۳/۸/۵). قابل دسترس در: <https://ariaye.com>
- پور میرزائی، راشد. (۱۳۹۶). بررسی نقش صنعت معدن‌کاری و منابع معدنی در توسعه پایدار کشور. نشریه مهندسی منابع معدنی، دوره ۲ (۳) ص. ۸۱-۹۲. <https://jmre.journals.ikiu.ac.ir>
- خبرگزاری باسط. (۱۴۰۰). اهمیت نقش معدن و صنایع معدنی در اقتصاد. (آخرین بازدید: ۱۴۰۳/۹/۱۲) قابل دسترس در: <https://basset.ir>
- قانع، فرخنده. (۱۳۹۸/۳/۵). بهبود اقتصاد افغانستان با استفاده از منابع طبیعی (معادن). ۱۴۰۳/۱۰/۱۵. <https://pajhwok.com/fa/opinion/improving-afghanistans-economy-using-natural-resources-mines/>
- صادق‌قلو، طاهره؛ سجاسی قیداری، حمدالله و ریاحی، وحید. (۱۳۹۵). ارزیابی اثرات زیست محیطی صنایع استخراجی - معدنی در پایداری نواحی روستایی مورد مطالعه روستاهای پیرامون کارخانه سیمان زنجان. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره ۱۵ (۱)، ص. ۱۷۳-۱۹۹. <https://serd.khu.ac.ir/article-1-2596-fa.html>

صفری، رضا؛ غلامی، کریمه؛ توسلی، کبری. (۱۳۹۹). شناسایی و بررسی عوامل تاثیرگذار بر صنعت سنگ افغانستان (مطالعه موردی سکتور سنگ مرمر). فصلنامه کاتب، علمی - پژوهشی، دوره ۷ (۱۶-۱۷)، ص. ۱۸۷-۱۶۹. <https://research.kateb.edu.af>

موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی. (۱۴۰۱). بهره‌برداری از ظرفیت‌های معدنی افغانستان در توسعه زنجیره ارزش معادن و صنایع معدنی ایران. (آخرین بازدید: ۱۴۰۳/۷/۱۲). قابل دسترس در: <https://itsr.ir>

وزارت مالیه. (۱۳۹۱). منابع طبیعی الفای رشد و توسعه اقتصادی افغانستان. کابل افغانستان: وزارت مالیه. (آخرین بازدید: ۱۴۰۳/۱۰/۳). قابل دسترس در: <https://mof.gov.af>

ویکی‌پدیا. (۱۴۰۳). معادن افغانستان. (آخرین بازدید: ۱۴۰۳/۸/۱۴). قابل دسترس در: <https://fa.wikipedia.org>

نورمحمد عبدالیینگ شعر لرینده استعاره نینگ درنگوی

همایون محمودی

پوهنمل، تورکمن دیلی و ادبیاتی بولومی، تعلیم و تربیه فاکولته سی، جوزجان پوهنتونی، شبرغان، افغانستان.

<https://orcid.org/0009-0000-5263-3107> - qurghan.mahmodi@gmail.com

<https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2024.49>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۳)

غیضا مضمونی

نورمحمد عبدالیینگ اونسکیزینجی عصر-تورکمن ادبیاتی نی گلاپ اوسمه سینه سبب بولان شاعرلارینگ بیرى حسابلائیور. عبدالیینگ تورکمن ادبیاتینده اوزی نینگ دوره دیجیلیگی بیلن آدینی همیشه لیک باقی غالدیردی. شاعر شعر و داستان یازیشده چیرهنه اییه بولوپ، اوزیندن بیرناچه مشهور اثرلری غالدیریدیر. سونگقى دورلرده شاعرینگ بیرناچه شعرلری ترکمنستان ادبیاتچی لاری طرفیندن توپلانیپ نشر-ادیلدی. عبدالیینگ اثرلرینی دوره دیشده ادبی صنعت لردن دولی اولانییدیر، اونینگ بو ایشی تورکمن ادبیاتی نینگ گلاپ اوسمه گینه ایترگی بیریدیر. همده نورمحمد عبدالیینگ اوزیندن اونگ گچن تورک شاعرلارینگ دوره دیجیلیک لری بیلن غزلیقلائیپ اولارینگ غزل لارینه بیرکان تخمیس لر یازیدیر. شو سبیلی عبدالیینگ غوشغی لاری نینگ کویسی نینگ فورمی تخمیس گورنیشده بولوپدیر. افغانستانده عبدالیینگ شعر دوزگون لری بیلن اونچالیق غزلیقلانماندیرلار و حاضرکی تحقیقی بجریش دن هدف میزهم شاعرینگ شعر لرینده استعاره لاری بارلاخ ایتمکدیر. شو سبیدن بو تحقیقی کتابخانه ای مواد لار اساسینده بجردیک و ادبیاته دگیشلی ولی و معتبر منبع لر دن فایده لاندیق و حاضرکی تحقیقی بجریشده اولی فایده لی بولدی. تیارلانان بو تحقیقینگ نتیجه سینده عبدالیینگ شعر لرینده اولانیلان استعاره لار تورکمن ادبیاتینه ناخیلی تأثیر ادیدیر. همده عبدالیینگ حایسی شاعر لارینگ اثرینی اوقاماغی بیلن اولاردان تأثیر لنییدیر؟ شو موضوع لار بللی بولور.

اساسی ایش سالیشیلین سوزلر: استعاره، اونسکیزینجی عصر-تورکمن ادبیاتی، شاعر، غوشغوی، نورمحمد عبدالیینگ.

A Study of Metaphor in Noor Mohammad Andalib's Poems

Homayon MAHMUDI

Senior Teaching Assistant, Department of Turkmen Language and Literature, Faculty of Education,
Jawzjan University, Sheberghan, Afghanistan.

qurghan.mahmudi@gmail.com - <https://orcid.org/0009-0000-5263-3107>

<https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2024.49>

(Received: 27/01/2024 - Accepted: 13/03/2025)

Abstract

Noor Mohammad Andalib is one of the poets who played a significant role in the development of Turkmen literature in the 18th century. By creating outstanding literary works, he was able to immortalize his name in the history of literature. Andalib demonstrated his unique artistic talent through his poetry and storytelling. He authored several renowned works, and in recent decades, scholars in Turkmenistan have published a collection of his poems. Andalib infused his literary works with various literary devices, which greatly contributed to the enrichment and expansion of Turkmen literature in the 18th century. Moreover, he was well-acquainted with the works of earlier Turkish-speaking poets and writers and composed numerous takhmis (poetic compositions based on existing ghazals) for many of their ghazals. As a result, takhmis was his preferred poetic form. In Afghanistan, there has been little interest in Andalib's use of literary devices. The aim of this study is to identify the metaphors used in his poetry. Therefore, this research has been conducted based on credible sources and library materials, which have been highly beneficial for its completion. The findings of this study will demonstrate the impact of metaphors in Andalib's poetry on Turkmen literature and explore that, which poets influenced his use of metaphors?

Keywords: Metaphor, Noor Mohammad Andalib Poet, Poetry, Turkmen Literature in the 18th Century.

گیریش

اونسکیزینجی میلادی عصر-، تورکمن ادبیاتی نینگ اینگ اوسن دوری دیپ حساب لانیور. بو عصر-دا، تورکمن ادبیاتینا دگیشلی اوران اهمیتلی اثر لر دوراپدیر. بیز لر بو عصر- ادبیاتی نینگ صفحه لارینی ورق اورانیمزده، انجمله مشهور شاعر دیر یازیجیلاری جمله دن نورمحمد عندالیب، دولت محمد آزادی، مخدوم قلی فراغی، محمود غایبی، شیدایی، معروفی، عبدالله شاه بنده ... یالی شاعرلار اونسکیزینجی عصر- تورکمن ادبیاتی نینگ بفرینده اونوپ - اوسانیی تاریخ صفحه لاریندا گورسنگ بولیور. شاعر لارینگ غولیاظه لاری، نسخه لاری و اولارینگ اثر لریندان ساقلاپ غالان بولک لر، اولارینگ سوز استادی بولاندیق لارینی کیفلندیریور. اونسکیزینجی عصر- تورکمن ادبیاتی قدیمی ایام لردن باری دوام ادیب گلیون ادبی دابی اوسدیرمک بیلن، اوزی نینگ سوز استاد لاری طرفیندان دوره دیلن چپرچیلیگی تازه - تازه اثر بیلن بو دور ادبیاتی نی هم بایلاشیدیدی. بو دوردن اونگکی ادبی یازو یادگلایک لرده عرب، فارس ادبیاتی نینگ شیله هم کهنه ترک ادبیاتی نینگ تاثیر گویچلی بولوپدیر. اولارده واقعه لار، کشب لر کوپلنچ عمومی و خیالی خاصیت ده بیان ادیلپدیر، اونسکیزینجی عصر- تورکمن ادبیاتی خلقه جودا ده یقین لاشیدیر، دورینگ مهم مسئله سینه ایچگین آرا لاشیدیر، چپرچیلیگی یوقاری گوتریپ، ملی لیگی، خلقچیلیگی اوسیدیر. بو عصر ده چپر دوره دیجیلیک اوسوسیشینه اولی اونگه گیدیشلیکلر بولوپدیر. شویاغدای نظره آلساق، اوندا بو دوری تورکمن نسخه وی ادبیاتی نینگ آلتین عصری دیپ حسابلاماق بولیور (Atayew, 2010, p.21). هر بیر صنفی جمعیت چیلیکده بولوشی یالی، اونگکی دور تورکمن ادبیاتینده هم زحمتکش خلق کوپچیلیگی نینگ اوی - فکری لرینی، آرزو - امید لرینی، اوسدیرون، همده بو اور ده خدمت ایتون کیشی لر بولوپدیر، بولاینگ گوراش لری عصر- لار بویی دوام ادیدیر. شو نقطه نظر دان غارانینگده اونسکیزینجی عصر- تورکمن ادبیاتینده هم، خلق ادبیاتی گینگ گرمی نی آلیپ ارواپدیر. بو عصر- ده انچامه گورنیک لی سوز استاد لاری نینگ دوردن یوقاری درجه لی چپرچیلیک اثرلری، تازه سوژه لر اولارینگ اثر لرده دوره یشی، بو عصر- ادبیاتی نی بای لاشدیرپدیر. همه معلوم بولیشی یالی بو عصر- ده نورمحمد عندالیب یالی گورنیکلی شاعر لارینگ ادبیات میدانینه گلیشی، هنری و ادبی اثر لر دوره دیشی، مخصوص چپرچیلیگه اییه لیکیدیر. سببی اولارینگ هر بیر نسخه وی ادبیاتی مزینگ طالابینه لایق لیکدا، تورکمن ادبیاتی نی اوسدیرپ، دورموشینگ حقیقتی نی بیان ایتمگی بیلن، تورکمن ادبیاتینده اوز لری نینگ هنر لرینی گورکردی لر و شویله ادبی داب لری اوزیندان سونقی لاره میراث غالدیدی لار. قاقه جان آتایوف «اونسکیزینجی عصر- تورکمن ابیاتی» آتلی اثرینده قید ایتدیشینه گورا،

بولارینگ ادبی میراث لری نینگ اغلی وطن چیلیق، اوگوت - نصیحت لر، عشق - سویگی، داستان چیلیق مسئله لری بیلن باغلی بولان دیر (Ataýew, 2010, p.25). شو باعث دن نورمحمد عندالیینگ اونسکیزینجی عصرده دوره دن دوره دیجیلیک لرینه گوز گیزدیرنگده، عندالیب دینگه شاعر دال - دا ایسم، داستان سرا، ترجمه چی، چپر - هنرلی شاعر لرینگ بیرری سانالیور. عندالیب اوز اثر لرینی اولی چپرچیلیک بیلن بیان ادیب، ادبی اصول لاری دولی درجه ده مراعات ادیپدیر. شاعرینگ اثرینده کان گوزه ایلیون مو ضوع لر دینی - فلسفی، اجتماعی - اخلاقی، سویگی یالی مسأله لری بیلن باغلی بولان مو ضوع لار دان عبارتدیر. شو سبب دن عندالیب اثرینده سوزی کوپراک تأثیر لی بولوشی اوچین، ادبی صنعت لردن یعنی استعاره بولومیندن دولی ایش آلپدیر. کلاسیک ادیب لر و سوز استاد لاری نینگ آیدیشه گورا استعاره هر بیر دیلده زینتی مو ضوع لاردان دیر و دیلینگ بیر یا قانچه سانی عادی کلام لرینی توپلاپ، معمول معنا سیندان چیقارب، مشابه معنا لاری بیان ادیش اوچین اولانیلیور (هاشمی، ۱۳۸۹، ۱۲۱). حاضره چنلی بولان تحقیقات لارده عندالیینگ عمری و دوره دیجیلیک لری حقینده کان ایش لری ادیلن. افغانستان ده عندالیینگ شعر لرینده استعاره بیلن باغلی بولان تحقیقینگ ادیلماکینه اهتمال بارمه یور. شو نقطه نظر دان حاضرکی بولان علمی تحقیقی شویله بوشلوق لارینگ دولدیرمه سینه سبب بولار دین امیده بگردیک. پس بو تحقیقی بجرمک اوچین شویله سؤال لارینگ ذهن ده تاپیلیشی ممکن بولمالی. نورمحمد عندالیب شعر لری تاثیرچنگ بولویشی اوچین استعاره دن ناخیلی فایده لانیپدیر؟ نورمحمد عندالیب شعرینده استعاره لری اولانیشینده حایسی شاعر لر دن تاثیر لانیپدیر؟

بو بجریلن تحقیق تورکمن ادبیاتی بیلن غزیقلائیون کشی لر اوچین فایده لی بولار دیپ امید ایتیورس. بو تحقیقی بجریشدن اساسی هدف میز هم نورمحمد عندالیینگ شعر لرینده گلن مستعار سوز نامه مقصده یازیلن دیغینی تورکمن ادبیاتی بیلن غزیقلائیون کیشی لره آچیق لاما ق دیر. تحقیقی بجریشده کتابخانه ای روشن فایده لانیلیدی. همده نورمحمد عندالیینگ شعر لری سایلایشده ایکی کتاب دن ایش آلیندی. بیرینجی سی غونگشی یورت تورکمنستانده آننه قربان عاشورفینگ ترتیب ادنی و تورکمنستان علم لر اکادیمیاسی نینگ غولیا زمه لر انستیتوتی طرفیندان ۲۰۱۰ نجی میلادی ییلده نشر - بولان کتاب. ایکینجی سی بولسه آذربایجان عالمی رامنر عسکر فیلالوگیا علم لر ریداکتری اهتمامی بیلن ۲۰۱۱ نجی میلادی ییلده تیارلانیان کتاب لار دان ایش آلیندی و شعر لرینی سیلایشده بیرمه - بیر گوریلیب، فیش بردارلیق بولادی.

اونسکیزینجی عصر تورکمن ادبیاتی، تورکمن خلقی نینگ علمه، هنره، فرهنگ و مدنیه بای لیغی نینگ تمثالی دیر. بو عصر-ده یاشاپ گیچان شاعرلار و یازیجی لار حقیقده ادبیاتیچى عالم لر هر دورلی تحقیق لر بجریدیر لر. افغانستان ده محمد صالح راسخ یلدریم اوزی نینگ ۱۳۹۴ نجی ییلده چاپ بولان «تاریخ و فرهنگ ترکمنها» آتلی اثرینده نورمحمدعندالیب حقیقده سوز یوریدن. حرمتلی عبدالرحیم فرزاد هم اوزی نینگ علمی مقاله سینی «نورمحمد عندالیب و اونینگ ادبی فعالیتی» آدی ییلن ۱۴۰۰نجی هجری ییلده جوزجانان علمی مجله سینده چاپلاپ، عندالیبینگ دیریچیلیگی و ادبی فعالیت لری حقه سوز یوردن. همده غونگشی یورت تورکمنستانده ۲۰۱۰ نجی میلادی ییلده آنه قربان عاشیورفینگ اهتامی ییلن «نورمحمدعندالیب غوشغولری» آتلی کتاب چاپ بولان و شونیالی آذربایجان ده رامز عسکرینگ ۲۰۱۱نجی میلادی ییلده «نورمحمد عندالیب سچیلیمیش اثری» آتلی چاپ بولان کتابی عندالیبینگ حقیقده بولان تحقیقات لار جمله سیندان سانلیور. عین حالده غونگشی یورت ایران ده سیاوش مرشدی و کمال الدین آرخی ۱۳۹۶ نجی هجری ییلده «بررسی و تحلیل ادبیات فارسی بر ادبیات تورکمن با رویکرد زیبایی شناسی» آتلی کنفرانسی مقاله سینده فارس ادبیاتی نینگ تورکمن ادبیاتینه بولان تأثیری نی بارلاپدیر لار. اونده تورکمن کلاسیک شاعر لارینگ انچه سی نینگ شعر لرینی ادبی تایدان بارلاخ ادن لر. اونده نورمحمد عندالیبینگ هم شعر لرینی تشبیه، کنایه و استعاره تایدان بارلان لار. استعاره بخشینده بیرناچه مستعار سوز لری فارسی ادبیاتیدان تأثیر آلان دیپ گورکزن، جمله دن: سرو: بوی بلندلیک دن استعاره، سنبل: زلف دن استعاره، صنم: معشوق دن استعاره، نرگس: گوزدن استعاره، گل: صورت دن استعاره دیپ تاکید ادیدیر. همده تشبیه و کنایه بولومینده هم بیرناچه سوز لر حقیقده فارس ادبیاتی نینگ تأثیری دیپ بللاپ گیچیدیر لر. بو ادیلن تحقیق لر نورمحمد عندالیبینگ شعر لرینده اولانیلان استعاره لی سوز لر اوچین ییترلی دال. شونینگ اوچین حاضرکی تحقیق ده عندالیبینگ شعر لرینده استعاره لاری دولی صورتده هر طرفلاین گورکزمالی بولدیق.

الف) نورمحمدعندالیبینگ عمر بیانی و دوره دیچیلیگی

نورمحمد عندالیب اونسکیزینجی عصر-تورکمن ادبیاتی نینگ بیک وکیل لریندن بیریدیر. عندالیب تورکمن خلقی نینگ ذهنلی عالم، شاعر، داستانچی، ترجمه چی شاعر حکمونده تانیلیور. عندالیب تورکمن کلاسیک شاعر لری نینگ اچینده اینگ اولی و حرمت لایق شاعر لار قطارینده دور یور. اونینگ دیریچیلیگی حقه دورلی روایت لار بار، تورکمن عالم لاری و ادبیاتیچى اونینگ حقیقده تحقیق لر ادن لر و اولاری بیرمه - بیر گوزدن گیچیر یوریس.

۱. نورمحمد عبدالیب عمر یانی

همه لره بللی بولویشی یالی عبدالیب دینگه تورکمن خلقی نینگ آرا سیندا دأل - ده، ایسم آذر، قراقپاق، اوزبیک، قزاق، ... بوتین تورکی خلق لارینگ آره سینده گینگدن تانیلیور. اونونگ اثرلرینی دورلی خلقلار اولی غیزیقلانما بیلن اوقاپ دیر لار. قاقاجان آتایوف نینگ «اونسکیزینجی عصر- تورکمن ادبیاتی» اتلی اثرینده قید ادیشینه گورا: «گچمیشده نورمحمد عبدالیب دان باشغا- دا عبدالیب تخلص لی اثر دوره دن شاعرلار بولوپ دیر. اولارده اونسکیزینجی - اوندوقیزینجی عصردا یاشاپ دیر لر. آذربایجانلی عبدالیب اتلی شاعر، اوندوقیزینجی عصرده یاشان اوزبیک شاعری دیوانه عبدالیبینگ و بیله کی لرینگ اتلارینی گورکریمک بولار. آذربایجانلی عبدالیب «لیلی- مجنون» اتلی چاقلانگجه فویمانی، دیوانه عبدالیب بولسه «شاه نامه» اثرلرینی یازپ دیر (Ataýew, 2010, p. 58) نورمحمد عبدالیبینگ دورموشی و اونینگ قایسی دورده یاشاپ گچچندگی باره ده دقیق بیر یازیلان نارسه یوق. یونه شاعرینگ دورموشینه دگیشلی ۱۹۴۱نجی ییلده دورلی بیر لردن یازیلپ آلتیان معلومات لارده شویله یازیلان: «عبدالیب دین شاعرینگ اصل آدی نورمحمد و آته سی نینگ آدی سید احمد بولوپدیر» (Begmekow, Rejebow & Tuwakbayewa, 2010, p. 86). نورمحمد عبدالیب اوزی نینگ «یوسف - زلیخا» اتلی داستانینده هم اوزی نینگ آدی، تخلصی و یاشان جای حقه اشاره لر ادیدیر:

اسمیم ایدی نورمحمد غریب	سؤز ده تخلصیم ارر عبدالیب
شهری میز اورگنچ، ولایت ایدی	خانسی میز شیرغازی حمایت ایدی
اصلی مکانیم که غارامازی دیر	آداما عشرت دا غیش- و یازی دیر

(عبدالیب، ۱۳۸۱، ص ۳۰).

عبدالیبینگ اوزی نینگ قید لرینه گورا آدی: نورمحمد، تخلصی: عبدالیب، شهر: اورگنچ و اصل مکانی: غارمازی بولوپ، اول شو جایده دنیا ایناندگی بللی بولدی. عین حالده عبدالیب شیرغازی خانینگ وقتینده حیات گیچریون دیغینی هم بللی ادیدیر. عبدالیب اوزی نینگ «یوسف - زلیخا» داستانینده یاشی حقه هم کایبر معلومات لر گتیرپدیر:

برچه خلیق ایچینده بد ایشم	یتیشپ الیک باشه منینگ بو یاشیم
---------------------------	--------------------------------

(عبدالیب، ۱۳۸۱، ص ۴۰).

یوقارقى معلومات لارا گوز گردیرانمیزده، همده قاقاجان آتایوفینگ «اونسکیزینجی عصر- تورکمن ادبیاتی» اتلی اثرینداکی قید لارینه گوز گردیرانمیزده شویله نتیجا گلیدیرلر: «اگر عبدالیب شیرغازی خان تخته چیقان وقت لرینده، اللی باش یاشه باران بولسه، اونده عبدالیب

۱۶۶۰نجی میلادی ییلده دنیا اینان بولمالی و اونسکیزینجی عصرینګ ۴۰نجی ییل لړینده هم یعنی ۱۷۴۰نجی میلادی ییلده عالم اوتانديګی اهتمال دیر (Atayew, 2010, p. 59).

اما افغانستانلی تورکمن ادبیاتچې سی محمد صالح راسخ یلدرم اوزی نینگ «تاریخ و فرهنگ ترکمنها» آتلی اثرینده نورمحمد عندالیب حقیندا شيله معلوماتلاری یازیپدیر: «شاعر نورمحمد عندالیب ۱۷۱۰-نجی میلادی ییلیندا اورګنجه دګیشلی بولان «قره مازی» اوباسیندا دنیا اینیپدیر و تورکمن مشهور شاعرلاری نینگ بیري حسابلاتیلور. اول اورګنچ و خيوه منطقه لاریندا یاشاپ و شو بیرلرده ادبی اثر لړینی دورتماګه مشغولانیپ دیر. شيله لیک ده شاعرینګ ۱۷۸۰-نجی میلادی ییللاریندا دنیادان اوتنديګی گمانلاره یقینراق تخمین ادیلور (راسخ یلدرم، ۱۳۹۴، ص. ۱۶۹). تورکمن نسخه وی شاعرلارینګ کوپوسینده بولوشی یالی، عندالیبېنگ هم عمر بیانیه دګیشلی معلوماتلار اوران آز ساقلاتیپ غالیپدیر. عندالیب عمری نی غریچیلیق ییلن گچیرپدیر. شاعر بویه مسأله نی اوزی نینگ شعر لړینده قید ایدیشینه گورا عمرینده مشقت لی گون لری باشندان گچیرنديګی اتمال دیر:

بارچه لار ایچره من اردیم زبون	عقلم ایدی گاهی خوش، گاهی جنون
کأ خراباتدا ایشیم، گاهی فغان	کلبه یی- اخزن ایدی گاهی مکان

(Andalyp, 2010, p. 12).

۲. عندالیبېنگ دوره دیجیلیګی

شيله معلوم بولوشی یالی نورمحمد عندالیب اونسکیزینجی عصر-ده یاشاپ کوپ دوره دیجیلیک ادیب، اوزیندن کوپ اثر لربیز لره میراث غالدیران شاعرلار داندیر. شاعرینګ «لیلی- مجنون، یوسف- زلیخا، زین العرب، نسیمی، سعد- وقاص، اوغوزنامه، بابا روشن» آتلی اثرلری یازانديغینی یادلاتیلور (Begmekow, Rejebow & Tuwakbayewa, 2010, p. 85). اول اوزی نینگ اوغوزنامه سیندا اوغوزلارینګ تاریخی و اوغوزخاقانی نینگ قهرمانچیلیقلاری حقداسوز یوریتیلور. عندالیب اوغوزنامه پویمه سیننی یازشده انچمه ادبی اثر لربیلن تانیس بولوپدیر. سببی اثرده بیان ادیلیون واقعه لارینګ یایراوی گینگ بریلیون معلومات موجبری اولی دیر، شاعر اوغوز تاریخی، اوغوز مدنیتی بیلن حاس-ده ایچګین غیزیقلاتیپ دیر (Atayew, 2010, p. 68). همده شاعرینګ یوسف-زلیخا داستانی شرق ادبیاتینده اوندان اونګکی شاعر و یازیچی لارینګ هم اونسینی اوزینه چکیپدیر. چونکه ترکی ایلات لارینګ ایچینده قرق دن غووی راق «یوسف-زلیخا» داستانی دوره دیلن لیګینه اتمال باریور. سببی عندالیب هم اورته آسیا خلق لاری نینگ ایچینده رواج بولان برهان الدین ربغوزی نینگ اوتوردینجی عصرده دوره دیلن

«قصص الانبیا» آتلی اثری بیلن تائیش بولوپ اولار دان تأثیرلنماگی هم ممکن (عندالیب، ۱۳۷۹، ص. ۱۹).

شيله ليک بيلن عنداليبينگ يوقاردا سانالان اثرلری نينگ هريسي - ده اوزونه گوراً چپر و معنی مضمونه بای دير. نورمحمد عندالیب اوز دورونونگ دورلی علملاری بیلن غیزیقلاتیپ دير. اول گوندوغارينگ تاريخینی، فلسفه سینی، ادبیاتینی، شيله هم عرب، فارس دیلیرینی غووی بیلپ دير. شاعر بو علم لاردن اونگات باش چیقاریپ بیلونديگینی شاعرینگ اثرلرینده يوره دیلیون فکرلر دولی کفیلندیریور. حرمتلی عبدالرحیم فرزاد اوزی نينگ «نورمحمد عندالیب و اونينگ ادبی فعالیت لری» آتلی مقاله سینده شویله بیان ادیپدير: «عندلیب دورلی مو ضوع لارا یوزلنپ دير. اول نظیره چیلیگی ایشینی هاس ده کوپ بجریب گوندوغارده یورغونلی بولان اثر لری نينگ بیر ناچه سینی تازه دن ایشلاپ دير، شولار اساسینده ده اونسکیزینجی عصر- تورکمن دورموشی نينگ مهم مسأله لری نی غوزغاپدير، اولار باره ده اوز غارایشلارینی بیان ادیب دير» (فرزاد، ۱۴۰۰، ص. ۴۲). عندالیب منظوم اثر لری دوره دیشده خلق دلیندان فایده لانیب، اوز دوره دیجیلیگینی دوره دیپدير و شو سبب لی بیرناچه اثر لری (لیلی- مجنون، یوسف - زلیخا، ملکه مهرنگار، ...) یالی اثر لری دوره دیپ، تورکمن خلقینگ ایچینده اولی شهرت غازلندی (مجیدی و درخشان ویژه، ۱۰ و ۱۱ آبان ۱۳۸۹، ص. ۲۱۱۷).

عندالیب گوندوغارينگ گورنوکلی سوز استادلاری ابوالقاسم فردوسی نينگ، نظامی گنجوی نينگ، نسیمی نينگ، عمر خیامینگ، علی شیرنواپی نينگ، فصولی نينگ، عبدالرحمان جامی نينگ و بیله کی لرینگ ادبی میراثینی دولی اوزلشدیریپ دير. شاعر اولارا اولی حرمت غویوپ دير و اولاری اوزی نينگ خلیفه لاری حسابلاپ دير و اغلب لاری نينگ شعر لرینه تخمیس یازیپ دير. شاعرینگ شعر لرینده اینگ کان لانیلان شعر قالبی هم تخمیس بولان (Atayew, 2010, p. 65). شمیسا نينگ تعریفینه گورا تخمیس یازیشده شاعرلار باشغه بیر شاعرینگ شعریندان مخصوصاً عزل دان بیر ناچه مصراع لری تضمین اوچین ذکر ایتورلار و سونگی بیلن مسمط قالبینه اوریورلار (شمیسا، ۱۳۸۷، ص. ۳۰۲). اوندان داشاری شاعر ترجمه چلیک ایشی بیلن - ده ایچگین مشغوللانیپ دير، همه بللی بولویشیناگوراً، خیوه ادبی اقووجولغیندا گچمیشده عرب، فارس و بیله کی دیللدن چپر اثرلری، علمی کتابلاری ترجمه ادیپدير.

ب) عندالیبیک شعر لرینده استعاره

نورمحمد عندالیبینگ شعر لری ادبی صنعت لر دن دولی بولان. شاعر شعر لرینده هر دورلی ادبی صنعت لردن ایشلاپدير. بو ایش عندالیبینگ شعر صنعتینده استاد لیق درجه سینه ییتن لیگیندن

دلالت بیر یور. شو سبیلی عندالیب شعر لرینده تخمیس فورمیدان کان اولانیپدیر. سبیلی تخمیس یازیش ساده ایش هم دال، بلکه اوزیندن اونگ اوتن شاعر لارینگ شعر ینده بار بولان فکر لر ییلن، فکر داشلی لیق گورکزن بولمالی ویا اولارینگ فکر عندالیا جودا معقول بولان بولمالی دیر.

۱. استعاره

ادیب لرینگ و سوز استادلاری نینگ آیدیشینه گورا، استعاره زینتی موضوع دیر، همده دیلینگ غیر عادی بولومونه دگیشلی سوز لر دن عبارتدیر. یعنی سوز لری معمول معنا سیندان داشاری (غیرماوضع له) معناسینده بیان ادیش دیر (هاشمی، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۱). استعاره نی ایکی یول ییلن اله گتیریش ممکن. بیر تشبیه نینگ دینگه مشبه به غالان حالتینده. یعنی تشبیه ده مشبه، وجه شبه و ادات تشبیه حذف بولان بولسه و ایکینجی سی مجازینگ مشابھت علایقی ییلن، چونکه استعاره مجازینگ مهم رقم لاریندان دیر و مشابھتینگ رابطه لاری اساسینده اله گتیریش ممکن. یعنی اولانیلان سوز ییلن تحت الفظی سوزینگ رابطه سی و نظره آلیان کلمه نینگ مشابھت علاقه سی اساسینده رابطه برقرار بولیور (قاسمی، ۱۳۹۳، ص. ۱۷۹-۱۸۰).

غرب ده استعاره نی (metaphor) آدی ییلن یادله یورلار. اصلینده استعاره یونانی واژه دن (metaphora) سوزیندن آلیان دیپ ذکر ادن لر (هاواکس، ۱۹۷۲، ص. ۱۱). شرقده استعاره نی لغوی معناسینه گوز گزديرانمیزده هم بیر سوزینگ درگینه باشغه سوزی اولانیش معنی نی آنگلاتیور و اصطلاح ده بولسه غیر حقیقی معنا ده اولانیلان لفظ دیر. یعنی حقیقی و مجازی معنا نینگ اورته سینداکی رابطه مشابھت علاقه سی بولمالی دیر (اکرمی، ۱۳۹۰، ص. ۱۹).

۲. استعاره نینگ اهمیتی

استعاره نینگ اهمیتی ادبیاتده جودا اولی دیر. بیز لر اگر استعاره دورغریسینده سوز یوردمکچین بولساق حاضرکی ایشی میزینگ محدودیدیتی بارلیغی سبب لی، اونینگ همه اور لاری حقه سوز یوریتیمک ممکن دال. استعاره نینگ بحثی جودا گینگ دیر، استعاره صور و خیال بحثی نینگ اصلی شاخه لاری نینگ بیرى وهمده شعر گوزللیک لرینی تانیقماق اوچین اینگ مهم عوامل لاریندان سانالیپ، اونداه تأکید، تأثیر، ایجاز و شاعرانه تصویر سازلیق لار غاباردیلما سینی اوسدوریور. محمد حسین زرین کوب ینگ «ارسطو و فن شعر» اتلی کتابینده قید ادیشینه گورا: «اگر ارسطو شعر دورغریسینده سوز آیدان بولسه اول دینگه منطق لحاظ دن معلم اول بولانلیغی سبب دن اهمیتی دال دیر، بلکه؛ اونینگ بناسی قدیمی یونان اثر دوره دیجیلرینگ تحلیلی اساسینده بولان لحاظ دن اعتبارلی دیر (زرین کوب، ۱۳۸۷، ص. ۷۳). شو سبیلی ر ضا اکرمی

اوزی نینگ «استعاره در غزل بیدل» آتلی کتابینده، یونان فیلسوفی ارسطودان نقل ادیب شویله یازیدیر: «تشبیه نینگ فوق العاده تأثیری بار؛ اما استعاره نی تشبیه دن اولی گوران. تشبیه ده شاعر ایکی نارسانی عیناً بیر گورمه یورلار، ولی استعاره ده بیر نارسانی باشغا نینگ دره گینه اوتوردیورلار» (اکرمی، ۱۳۹۰، ص. ۲۰). گرچه تشبیه هر شعرینگ لازمه سی دیر، شعر ده ذهنی تصویر دوره دیشلیکه و شعری گوزلشدیرماکه اساسی رولی بار دیر. شویله ده بولسه تشبیه شاعر اوز مخاطبینه ذهنی تصویر لری تاپیشلیغه کمک ایتور. اما استعاره ده شاعر مخاطبی نینگ تخیلی نی، شعر ده بار بولان رابطه لاری تاپیشلیغه چاگیر یور، شاعرینگ تخیل قوه سی ییلن-بیله لیکده شعری دوباره دوره دیپ، احساس و خلافت ییلن شاعرانه لذت دوره مگینی ایسله یور. زرین کوب نینگ تأکیدینه گورا، شاعر اوزی نینگ حسی ییلن مطالعه دن، مشاهده دن تاپان نارسه سینی، شعر واسطه سی ییلن باشغه بیرکشیا انتقال برمکچین بولسه، واقعی بیرشکلده شاعرینگ شعری اونینگ حس کاسه سی دیر، دینگلیجه ده خیال دوره تیور. اصلینده شاعر اوزی نینگ ذهنینده هر نه که جالب بولسه اونی اوز نفسینده تصرف ادیب، دینگلیجی نینگ خیالینده هم دورتماکه چالیشور (زرین کوب، ۱۳۹۲، ص. ۱۴۴).

محمد رضا شفيعی کدکنی هم اوزی نینگ «صور و خیال در شعر فارسی» کتابینده تغزلی شعر لرده استعاره نینگ مرتبه سی نی تشبیه دن اولی دیپ تأکید ادیدیر: «عاشقانه و تغزلی شعر لرینگ غورالیشینده اینک گوچلی عنصر لرینگ بیر استعاره دیر، عادی سوزله شیکلرده احساس و عواطف لاری ملایم دیل ییلن بیان ایتماک ممکن دال. عاشقانه شعر لرده و غزل ده وصف بولانده عمومی و اصلی عنصر-لرینگ بیر استعاره بولامالی و شعرده تشبیه غاتی تأثیرچنگلیک ییلدیرماکه ضعف گورکزیور» (شفيعی کدکنی، ۱۳۹۳، ص. ۳۸۷).

۳. استعاره نینگ گورنوشلری

قدیم ده بلاغت علمی نینگ عالم لری استعاره نینگ رقم لارینینگ سانی و اولانیلیون استعاره لارینگ سانی کوپ لیگیندن خبر بیرن لر. اما حاضرکی زمان اولارینگ کوپی سی اولانیشدان غالب دیر. همده فارس ادبیاتی نینگ عالم لاری هم مروج استعاره ینگ رقم لارینی و کان اولانیون استعاره لاری اوز علمی-تحقیقی اثر لرینده آت توتانلار. شو لحاظ دن ضیا قاسمی اوزی نینگ «سبک از دیدگاه زبان شناسی» آتلی کتابینده استعاره لاری شویله تقسیم بندلیک اذن: «استعاره مصرحه که مونینگ اوز اوچ بولومه بولونیور (استعاره مصرحه مجرده، استعاره مصرحه مطلقه، استعاره مصرحه مرشحه)، استعاره مکینه، استعاره قیاسیه یا تمثیلی دیپ قید ادیدیر (قاسمی، ۱۳۹۰، ص. ۱۸۰-۱۸۳). شمیسا اوزی نینگ «بیان و معانی» آتلی اثرینده

یوقارقى بولان تقسیم بندلیک لړ دن داشاره ینه بیرناچه رقمی استعاره لارینگ سانیه ایضافه ادن: «استعاره تحقیقیه، استعاره قریب و بعید، استعاره تبعیه دیپ تقسیم ادن (شمیسا، ۱۳۸۳، ص. ۶۷ - ۶۹).

استعاره نینگ رکن لړینی عینی تشبیه نینگ رکن لړه بولولیشی یالی استعاره نی هم بولوم لړه بولان لړ. استعاره ده مشبه نی مستعارله، مشبه به نی مستعارمنه و اشتراکلی معنا اثرینه یعنی وجه نی شبه بولسه وجه استعاره دیپدیر لړ (ظهوری، ۱۳۶۲، ۸۷).

۱.۱. مصرحه استعاره سی

بویله استعاره ده بیر سوزینگ دره گینه باشغه سوزی اولانانده، اونی مشابیهت علاقه سی یا نسبت لاری بارلیغی اوچین اولانمالی بولیور لار(قاسمی، ۱۳۹۳، ص. ۱۸۰). عندالیب هم اوزی نینگ غزل لارینده سرو: بلند قامت دن، لعل: دوداق دان، گل: یوز دن، ... استعاره ادیب آلپدیر (مرشدی و آرخى، ۱۳۹۶، ص. ۸۹). استعاره مصرحه بلاغت عالم لاری اوچ بولومه-بولوپدیرلر.

۲.۱. مصرحه مجرد استعاره سی

بویله استعاره ده مستعارله (مشبه) حذف بولوپ، مستعارمنه (مشبه به) ذکر بولیور. اونده قرینه لړ اوقویجی نینگ ذهنی نی حقیقی معنا دن اوزاقلاشدیرپ، مستعارله دگیشلی ملایمات لار بیلن ذکر بولیور (علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۸). مثلاً:

ایله دی میخانه گه جولان آجیب اوتلوغ آزار سنبلین دوکמוש بناگوسینگه ایلاپ تار - تار
(Andalyp, 2010, p. 17).

بو بیت ده «سنبل» سوزی زلف دن استعاره بولوپ گلن. اونینگ قرینه سی هم «گوسینه دوکמוש» دین سوزی دیر که اصلینده زلفی نینگ گوسینه دوکوپ غوشیندان استعاره بولوپ گلن. یعنی سنبلینگ زلف دن استعاره بولان دیغینی بیزلره گوسینده تار - تار دوکولن زلفی بیلی ادیدیر.

آه که باردی اول صنم زلفین یوزه تارتیب دپ تکاور ایلادی گورمه بیزنی اوغشاتب

(Andalyp, 2010, p. 23).

عندالیبینگ یوقارقى بیتینده «صنم» سوزی معشوق دن استعاره بولان. بو بیرده زلف سوزی بولسه صنم سوزی حقیقی معناده دال ده، بلکه مستعار سوز بولان. پس زلف صنم (بت) سوزینه دگیشلی دال ده، ایسم معشوقینگ ملایمات لاریندان عبارت دیر.

۳.۱. **مرشحه استعاره سی:** بویله استعاره لر هم مصرحه استعاره لارینگ بیر دیر. بو استعاره نینگ باشغه استعاره لار بیلن تفاوتی شونده دیر که اونده مستعارنه (مشبه به) ملایمات لاری بیلن ذکر بولیور. یعنی مستعارنه + ملایمات مستعارنه بولمالی (شمیسا، ۱۳۸۳، ص. ۶۰). مثلاً:

بحمدالله بیتیشدی باشیم اوزره چکمه بین دامن بوزوق کونگولوم اویگه گوز لریم دن باردیدی روزن
(Andalyp, 2010, p. 36).

یوقارقى بیت ده « بوزوق کونگول اویى » حالى زبون لیغیندان استعاره بولان. عین حالده «روزن» سوزی اویینگ ملایمات لریندان دیر.

۴.۱. **مطلقه استعاره سی:** بویله استعاره ده مستعارنه و مستعارله نینگ ملایمات لاری ایکی سی هم ذکر بولمالی. یعنی کلام بو استعاره ده هم ترشح بولمالی وهم تجرید. بو حالت ده استعاره اوز حالتینده غالیشی ممکن (شمیسا، ۱۳۹۳، ص. ۶۱). مثال:

نیچه بیر ماه لقا شوقین داگورگی من دومان آفت نیچه بیر گل جین خاری غمی دان تارتاین محنت
(Andalyp, 2010, p. 30).

بو بیت ده «گل جین» سوزی معشوق دن استعاره بولان. اونده «جین» سوزی مستعارله نینگ ملایمات لاریندان سانلیور، بو یوزدن (تجرید) حساب بولیور. اما «خار غمی» بولسه مستعارنه نینگ ملایمات لاریندان سانلیور، بو حساب دن (ترشیح) حساب بولیور.

۵.۱. **مکنیه استعاره سی**

بو استعاره باشغه استعاره لاردن تفاوتلی بیر بار دیر. اونده ذکر بولان نارسه یوقارداقی استعاره لاردان آیری بیرنارسه دیر. اسعاره مکنیه ده مستعارله + مستعارنه نینگ ملایمات لاریندا ذکر بولمالی. بویله استعاره ده شاعر مستعارنه نی اوز یوره گینده گیزلی، بیر دیری (جاندار) نارسا منگزه دیپ مستعارنه نینگ ملایمات لاری بیلن بیرلیکده بیان ایتیور. عربی لار بویله استعاره نی (personification) شخصیت پردالیق، شخص تجسم ادیشلیک یالی موضوع سینه دگیشلی ادیپ ذکر ایتیورلار (شمیسا، ۱۳۹۳، ۶۴).

آلدانما جهان مکرى - فربگه نظر قیل
آگاه بولونگ چرخ اولقى لاری ناتدی؟

عقل سن امام اعظم کوفغه نظر قیل
آزبک غمینی ایله گیل اسبابی سفر قیل

واقف بولونگ احباب که نوبه سیزه بیتدی

(ÖNDÖLİB, 2011, p. 21).

بو بیتده عندالیب «جهانی» بیر جاندار نارسه تشبیه ادن (مکر لی و فربیکار انسان لارا منگزه دن) که مستعارنه بولوپ شاعرینگ یوره گینده گیزلی گلن. یعنی «جهان» مستعارله بولوپ ذکر

بولان، جهان دن مقصد مکرلی انسان که مستعارمه بولوپ گیزیلی بیان ادیلن. عین حالده شو مکر و فریبکاری هم مستعارمه نینگ میلایمات لاریندان بولوپ بیان ادیلن. اوندان داشاری یوقارقى بیت ده (عقل، سفر، چرخ) سوز لری هم مکنیه استعاره بولوپ گلن.

۶.۱. تبعیه استعاره سی

استعاره لار اساساً آت لاردان اله گلیور. شونینگ اوچین هم اگر استعاره آت دن یاسالان بولسه اونى اصلیه استعاره دیپ یاد ایتیورلار. اگر استعاره فعل دن یاسالان بولسه اونى تبعیه استعاره سی دیپ یادلایورلار. مثال:

قربان اولام گل اوزره بادام غاباغا دلبر	گورگیچ منی یاپیشدی غمزانگ پیچاغا دلبر
لعلینگ میدن ایچمه دن دوشدوم ایاغه دلبر	ولار نه نوع حالم ییتگیچ دوايه دلبر

قتلیم گنگه شین ایلار زلفینگ غولاغا دلبر

(ƏNDƏLIB, 2011, p. 16).

یوقارقى بیت ده عندالیبینگ «لعلینگ میدن» سوزیندن مراد دوداق شربتی دیر. بو حالت ده لعل اسم بولوپ گلن، شو سبیلی ییز لر اونى اصلیه استعاره دیپ بیلیس.

بیر پری وش نازنین یاره گرفتار اولموشام	غان یودیپ هجرینده وصل یار اوچین زار اولموشام
--	--

(Andalyp, 2010, p. 10).

بو بیتده «غان یودماق» سوزى فعل بولوپ گلن. موندان عندالیبینگ مقصد یار هجرینده مشقت لی و پریشان حال گون لری یار وصلی اوچین باشدان گیچیریشینه استعاره دیر. شو سبیلی استعاره لی سوز فعل بولوپ گیلانی اوچین تبیه استعاره دیپ بیلیس.

۷.۱. قریب و بعید استعاره سی

قریب استعاره لار تکرار و دوشونمه سینده آنگه تیزلیک ییلن کلمه لی بولیور. اونده مستعارله و مستعارمه نینگ رابطه لاری دوشونرلیک لی بولسه و حتی کابیر وقت لار اولاردان گونده لیک سوز لرده اولانایماغی ممکن دیر. مثلاً: نرگس: معشوقینگ گوزیندان استعاره بولان بولسه یا، لعل: معشوقینگ دوداغیندان استعاره بولان بولسه. شاعر لار اولاری کان اولانان لیغی سبب سوزلیک لرده هم اولاره اشاره لاربولان. مثال:

لعلینگ غمیدان تاشلادی خضر- آبی حیاتین	کوثر سووی دیک صاف و ذولالینگ نه به بلا خوب
---------------------------------------	--

(ƏNDƏLIB, 2010, 2011, p. 7)

بعید استعاره، قریب استعاره غارانگده اونینگ عکسینه بولوپ گلیور. اصلینده بویه استعاره ده شاعر باشغه لاردن تأثیرلانیان دال ده، بلکه شاعرینگ خلاق ذهنی نینگ ابتکاری دیر. شویله

استعاره ده مستعارله و مستعارمنه نینگ رابطه لازى تاپيشلىق ساده دال دير، بويله استعاره نى دينگه سبكينگ ايهه سى بولان شاعر لار شعر لرينده گوريش ممكن دير. مثلا:

بو نه دولت دير كه دیدارینگی تماشا ايله سم گویا اول حضرت یوسف نى سودا ايله سم
(Andalyp, 2010, p. 11).

یوقارقى بیت ده عندالیينگ مقصدى «دولت» دن فخرلنماق دير. عين حالده «سوداى حضرت یوسف» دن مراد حضرت یوسفينگ عشق سوداسى دير. داشقى گورنیشده مصر دولتينده حضرت یوسفى بازار ده ساتيلماق مقصدینه اشاره بولان یالى گورنسه ده، بويله دال دير.

۸.۱. تحقیقه و تخیلیه استعاره سى

بويله استعاره ده بحث وجه سبه (جامع) نینگ بحثى بوليور. اگر اونده بحث تحقیقى استعاره حقیقنده بولان وجه شبه یا جامع هم مستعارله (مشبه) و هم مستعارمنه (مشبه به) دگیشلى بوليور. مثلا:

یوزى و قدی سمنسا کاکلى نینگ صداقا سى ایلاپ گلى سنبل یيله سروى چمن نى قیلدى آزادى
(Andalyp, 2010, p. 6).

بو بیتده «گل» یوز ییلن غیزل لیغى سبب لى یوز ییلن نسبتى بار. عين حالده «سنبل» هم زلف ییلن نسبتى بار. شو لحاظ بويله استعاره لار هم مستعارله ده و مستعارمنه ده تحقق تاپیشى اوچین اولارى استعاره تحقیقه استعاره دیپ سانانلار. تخیلیه ده تحقیقه استعاره یالى دال ده، دينگه وجه شبه دينگه بیر طرفده تحقق تاپسه اونگه تخیلیه دیورلار. چونکه بويله بیرله شیکلى صفت بیر گینده بولوشى اوچین اونی تخیل دیپ قرار برن لر. مثلا:

گوز لرینگ دک باغ ارا نرگس گوزى شعله دگيل سرو آزادى و صنوبر قامتینگا بولدى گل
(Andalyp, 2010, p. 36).

۹.۱. تمثیلی یا مرکب استعاره سى

حاضره چنلى عندالیينگ شعر لرینده درنگه لن استعاره لار مفرد شکل ده بولدى، تمثیلی یا مرکب استعاره ده مستعارمنه (مشبه به) جمله شکلینده ذکر بوليور و اونده ذکر بولان جمله لر حقیقى معنا سینده ذکر بولمه یور. مثال:

ابرى کرمینگ پست ایتدى دوزخ اودى نى چیقماى شرارى اوچغون سبز ایتدى شاهی توبى نى
(Andalyp, 2010, p. 28).

بو بیت «ابرى کرمینگ پست ایتدى دوزخ اودى نى» لطف و مرحمت دير دوزخ یوزى حرام بولدى دیمکدير.

بولوپ بر پایى صنعینگ دن مقرر سرنگون هرگاه فلک زال گوزونه تون سودایی دن چکيب سورمه
(Andalyp, 2010, p. 32).

نتیجه

اونگ هم بلاپ گچیشمیز یالی نورمحمد عندالیب اونسکیزینجی عصر- تورکمن ادبیاتی نینگ اولی وکیل لری نینگ بیرى دیر. اول اوزی نینگ دوره دیجیلیگی ییلن تورکمن ادبیاتی نی گلاپ اوسمه گینه سبب بولوپ، بو اورده اولی غوشانت غوشیدیر. عندالیب اوز اثر لری نینگ تاثیر چنگلی بولوشلیغی اوچین دورلی ادبی صنعت لریندن ایش آلان. عندالیب شعر لرینده خیال انگیزلیک دوره مگی اوچین استعاره دن دولی صورته ایش آلیب دیر. عندالیبینگ اثر لری شو سبب لی هر اوقویچی سی نینگ اونسینی اوزینه چکیور. همده شاعرینگ اثر لری بویه صنعت لر دن دولی بولوشی اونی استادلیق و کاملیک درجه سینه یتیشیندن دلالت بیرور. عندالیب عین حالده اوزیندن اونگ گیچان تورک شاعر لاری و ادبیاتی ییلن و همده فارس - تاجیک ادبیاتی و شاعر لاری نینگ دوره دیجیلیگی ییلن غزقلانیدیر. مونینگ سبابی عندالیب اوزیندن اونگ ایجادیات ادن شاعر لارینگ اثری نی اوقاپ اولارینگ غزل لاری نینگ انچه سینه تخمیس لار یازیب دیر. عندالیب جمله دن نوایی، فضولی، مشرف، وفایی، ... یالی شاعر لارینگ شعر لرینه تخمیس یازیدیر. همده اولارینگ شعر لریندن تاثیر لانیدیر. اوندان داشاری تورکمن خلقی تاریخ بویی فارس - تاجیک خلقی ییلن آره غاتناشیکده بولان لیغی سبیلی، اولار ییلن فرهنگی تایدان کابیر منگزه شیک لر بارلیغی سبب لی، ایکی خلق لارینگ دیل لرینده کابیر مشترک سوز لر دوره دیلن لیگی سبیلی نورمحمد عندالیب هم شعر لرینده استعاره دوره دیشی اوچین بو مشترک سوز لرینگ انچه سی نی مثال اوچین (ترگس، سنبل، گل، صنم، ...) یالی سوز لری شعر لرینده اولانیدیر. مونگ سببی هم بیرینجی دن فردوسی، عطار، مولانا، سعدی، حافظ، بیدل، ... یالی شاعر لارینگ شعر لری جهان ادبیاتی نینگ گلاپ اوسمه گینه سبب بولوپدیر، ایکینجی دن هم حافظ، سعدی، خاقانی و نظامی یالی شاعر لار آذربایجان و قفقاز منطقه لاریندن بولانی نینگ سببی بولسه گیراک. عین حالده کلی نظردان غارانه، بویه شاعر لارینگ همه سی شرق ادبیاتی نینگ آسماینده پارلاق یولدوز لری جمله سیندان سانالیور لار.

فایدالانیلان ادبیات لار

- اکرمی، محمد رضا. (۱۳۹۰). *استعاره در غزل بیدل*. تهران: مرکز.
 راسخ یلدرم، محمد صالح. (۱۳۹۴). *تاریخ و فرهنگ ترکمنها*. کابل: الازهر.
 زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۹۲). *شعر بی دروغ، شعر بی نقاب*. تهران: علمی.
 زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۷). *ارسطو و فن شعر*. تهران: امیر کبیر.
 شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۹۳). *صور و خیال در شعر فارسی*. تهران: نشر آگه.
 شمیس، سیروس. (۱۳۸۳). *بیان و معانی*. تهران: فردوس.

- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۷). *انواع ادبی*. تهران، میترا.
- ظهوری، صمد. (۱۳۶۲). *شعر سنتعتی ایران تورکمنچه ادبیاتینده*، تبریز: صفا.
- علوی مقدم، محمد و اشرف زاده رضا. (۱۳۹۲) *معانی و بیان*. تهران: سمت.
- عندالیب، نورمحمد. (۱۳۷۹). *برگزیده آثار نورمحمد عندالیب (۱) لیلی - مجنون*، چرکز اونق ینگ
- اهتمامی بیلن، تهران: کتابخانه ملی ایران.
- عندالیب، نورمحمد. (۱۳۸۱). *یوسف زلیخا داستانی*، مراد دوردی قاضی اهتمامی بیلن، گنبدکاووس: عرفانی.
- فرزاد، عبدالرحیم. (۱۴۰۰). *نورمحمد عندالیب و اونینگ ادبی فعالیت لاری*. مجله علمی جوزجانان. شماره (۳۶). ص ۳۵-۴۵.
- قاسمی، ضیاء. (۱۳۹۳). *سبک ادبی از دیدگاه زبانشناسی*. تهران: امیرکبیر.
- مجیدی، حسین؛ درخشان ویژه، اسماعیل. (۱۳۸۹) *مقایسه ی لیلی و مجنون نظامی و لیلی و مجنون نورمحمد عندالیب*. مقاله ارایه شده در پنجمین همایش پژوهش های زبان و ادبیات فارسی در تهران. مجله علمی، ص. ۲۱۱۴-۲۱۴۱.
- مرشدی، سیاوش و آرخی، کمال الدین. (۱۳۹۶). *بررسی و تحلیل تأثیر ادبیات فارسی بر ادبیات ترکمن با رویکرد زیبایی شناسی*. فصلنامه زیبایی شناسی ادبی. دوره ۸. شماره (۳۱). ص ۶۵-۹۳.
- هاشمی، زهرا. (۱۳۸۹). *نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون*. مجله علمی ادب پژوهی، شماره (۱۲). ص. ۱۱۹-۱۴۰.
- هاوکس، ترنس. (۱۹۷۲). *استعاره*. مترجم فرزانه طاهری. تهران: مرکز.
- ƏNDƏLİB, NURMƏHƏMMƏD. ((2011). *SEÇİLMİŞ ƏSƏRLƏRİ*, Tərtib edən: Ramiz ƏSKƏR. Baki: Rafiq BABAYEV Nəşiri.
- Andalyp, Nurmuhamet. (2010) *Nurmuhammet Andalyp Goşgular*. Çapa taýýarlan Annagurban Aşyrow. Aşgabat: Milli golýazmalar instituty
- Ataýew, kakajan. (2010) *XVIII ASYR TÜRKMEN EDEBİYATY*. Aşgabat: Türkmen döwlet nəşirýat gulguy.
- Begmekow, Ilaman. Rejebow, Pena. Tuwakbaýewa, Miwa.(2010). *TÜRKMEN EDEBİYATY*. Aşgabat: Türkmen nəşirýat gulguy.

Farsça'da Karşılığı Bulunan Türkçe Atasözleri

حیرت الله برلاس

پوهنمل، دیپارتمنت زبان و ادبیات ترکی، پوهنځی علوم اجتماعی، پوهنتون جوزجان، شبرغان، افغانستان.

<https://orcid.org/0000-0001-6847-1624> - hairatullah@gmail.com

<https://doi.org/10.69892/jawzjanaan.2024.50>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱/۲۶)

Özet

Atasözleri, bir toplumun yüzyıllar öncesine dayanan kültürel birikimini yansıtan kısa, öğüt verici ve kalıplaşmış anonim sözlerdir. Sosyoloji, felsefe, tarih, edebiyat gibi birçok bilim dalını ilgilendiren her bir milletin kendine özgü biçimde kullandığı bu sözler, güçlü ve zengin bir anlatım gücüne sahiptir. kullandığı bu sözler, oldukça zengin bir anlatım gücüne sahiptir. Arapça ve Farsçada mesel, Türkçede ise atasözleri olarak adlandırılan bu ifadeler, tarihsel süreçte atalar sözü veya naderen atalar sözleri şeklinde de kullanılmıştır. Bu çalışmada, Farsça ve Türkçede aynı anlamı gelen bazı atasöleri incelenmiş ve bunların karşılıkları tespit edilmeye çalışılmıştır. Çalışmaya değer gördüğümüz konu,kapsamında Türkçe ile Farsça (Afganistan Örneği) atasözlerinin hem anlam hem de kelime açısından benzerlik ve farklılıklarını ele alacağız. Her ne kadar Türkçe ve Farsça, farklı dil ailelerine mensup olup iki ayrı kültürün dili olarak kabul edilseler de, tarih boyunca süregelen etkileşimler bu diller arasında önemli bir yakınlık meydana getirmiştir. Özellikle Osmanlı ve İran medeniyetlerinin yüzyıllar boyunca siyasi, ticari ve kültürel ilişkiler içinde bulunması; ortak coğrafyada yaşamaları; din, gelenek-görenek ve sosyal yapı bakımından benzerlikler taşımaları; bu yakınlığı daha da pekiştirmiştir. Ayrıca, kelime alışverişi yoluyla iki dilin söz varlığında önemli düzeyde ortaklaşmalar oluşmuş, bu durum atasözleri ve deyimler gibi kültürel dil unsurlarında da kendini göstermiştir. Tüm bu etkenler, Türkçe ve Farsçanın yalnızca dilsel değil, kültürel düzeyde de birbirine yakın olduğunu ortaya koymaktadır.

Anahtar Kelimeler: Atasözü, Zerbül Mesel, Türkçe, Farsça, Ortak Atasözleri.

The Equivalents of Turkish Proverbs in Persian

Hairatullah BARLAS

Senior Teaching Assistant, Department of Turkish Language and Literature, Faculty of Social Science,
Jawzjan University, Sheberghan, Afghanistan.

hairatullah@gmail.com – <https://orcid.org/0000-0001-6847-1624>

<https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2024.50>

(Received: 18/10/2024 - Accepted: 15/04/2025)

Abstract

Proverbs are concise, didactic, and formulaic anonymous sayings that reflect the cultural heritage of a society dating back centuries. These expressions, which are uniquely utilized by each nation and are interested to various fields such as sociology, philosophy, history, and literature, possess a powerful and rich expressive capacity. Known as mesel in Arabic and Persian, and atasözleri in Turkish, these sayings have also historically been referred to as atalar sözü or occasionally atalar sözleri. This study examines several proverbs in Persian and Turkish that share equivalent meanings and attempts to identify their correspondences. Within the scope of this study, we will address the similarities and differences in both meaning and vocabulary between Turkish and Persian proverbs (with a focus on the Afghan variant of Persian). Although Turkish and Persian belong to different language families and are recognized as the languages of distinct cultures, historical interactions between the two have fostered significant linguistic and cultural affinities. The centuries-long political, commercial, and cultural relations between the Ottoman and Iranian civilizations; their shared geography; and their similarities in religion, traditions, and social structures have further reinforced this closeness. Moreover, lexical borrowing has led to substantial overlap in the vocabularies of both languages, a phenomenon that is also evident in cultural linguistic elements such as proverbs and idioms. All these factors reveal that Turkish and Persian are closely linked not only linguistically but also on a cultural level.

Keywords: Common Proverbs, Proverbs, Turkish and Persian Zerbül Mesel.

Önsöz

Bu çalışma, Türkçe ve Farsça gibi köklü geçmişe sahip iki dil arasında tarihsel, kültürel ve dilsel bağların izini atasözleri üzerinden sürmeyi amaçlamaktadır. Atasözleri, bir toplumun değerlerini, hayat anlayışını ve toplumsal deneyimlerini yansıtan özlü ifadeler olarak, farklı diller ve kültürler arasında yapılan karşılaştırmalı çalışmalarda önemli bir yer tutmaktadır.

Tarih boyunca çeşitli şekillerde etkileşim içinde olan Türk ve Fars toplumları, yalnızca siyasi ve ekonomik değil, aynı zamanda tarihsel, dilsel ve kültürel açıdan da birbirlerini derinden etkilemişlerdir. Bu etkileşim, iki dilin söz varlığına olduğu kadar, deyim ve atasözleri gibi sözlü kültür ürünlerine de yansımıştır.

Bu bağlamda, bu çalışmada Türkçede yer alan bazı atasözlerinin Farsçadaki anlamdaş ya da benzer karşılıkları incelenmiş, iki dil arasında ortaya çıkan ortak anlatım biçimleri değerlendirilmiştir. Amaç; yalnızca anlam benzerlikleri ortaya koymak değil, aynı zamanda bu benzerliklerin ardındaki kültürel bağları da görünür kılmaktır.

Bir dilde anlatımı kuvvetlendirerek sözün dinleyiciye daha fazla etki etmesi için uzun yıllar boyunca kültürel bir birikimin ürünü olan atasözlerinden istifade edilir (Golshaei & Khosroshahi, 2021, p. 12). Gerek günlük dilde gerekse edebi dilde sıklıkla kullanılan atasözleri ve deyimler yabancı dil öğrenen kimselerin en çok zorlandığı noktalardan birisidir. Biz de bu konuda yabancı dil olarak Türkçeyi öğrenmeyi tercih edip akademik alanda, günlük dilde çalışmalar yapan akademisyenler için fayda sağlayacağını düşünmekteyiz.

Ömer Asım Aksoy atasözlerini: “kalıplaşarak klişeleşmiş sözlerdir.” şeklinde açıklar (Aksoy, 1988, p. 132). Her atasözü belli bir kalıp içerisinde yerleşmiş şekli ile devam etmiştir. Sözcükleri değişemez, hatta aynı anlamı olan kelimeyi bile yerine yerleştirmek mümkün değildir.

Atasözü; ibret verici bir hikâyeye veya nükte yapan bir söze işaret eden kısa ve ün yapmış sözdür. Atasözleri bilgilerin öğütlerinden veya ileri gelen büyük insanların hayat tecrübelerinden oluşmuş hikâyelerden meydana gelmiştir. Bu hikâyelerin çoğu gerçek yahut efsaneleşmiş hikâyeler olarak bilinir. Bir kısım atasözlerinin söyleniş hikâyeleri de vardır, fakat bunlardan pek azı günümüze ulaşmış, diğerleri zaman içinde unutulup gitmiştir (Arısoy, 2016. p. 128).

Yeryüzündeki bütün milletlerin geçmiş nesilden kalmış, yol, yordam gösteren, nasihat veren sözler Türkiye Türkçesi'nde “atasözleri” olarak tanımlar. Her atasözü, toplumsal yaşantı içindeki bireyin uyması beklenen ya bir genel kural veya bir düstur niteliğindedir. Bu nedenle de atasözleri milletlerin karakterlerini, hayat karşısında tavır ve zihniyetlerini ifade eden özlü sözlerdir. Tarih boyunca, birbirinden hayli uzak coğrafyaları vatan haline getirmiş olan Türklerin atasözlerinde dile gelen düşünme tarzının esasta aynı olması sebebiyle, tek bir zihin ülkesinde yaşadıkları ve aynı sosyal psikolojiyi paylaştıkları görülmektedir. Bu nedenle de, Türk atasözleri, milli karakterimizi yansıtan, coğrafya lehçe vb. farklılıkların ötesinde bütün Türkleri birleştiren önemli bir kaynaktır (Yurtbaşı, 2012, p. 5).

Evrensel olarak son derece yaygın bir kültürel olgu olmakla beraber atasözlerinin ilk olarak ortaya çıkışları yer ve zaman bakımından herhangi bir kesinlikten uzaktır.

Muhtemelen, ulusların küçük topluluklar halindeki öncü nüvelerinin ormanlarda bitki kökleri ve meyveleri devşirerek geçimlerini sağladıkları toplayıcılık dönemlerinden veya dilin ortak bir anlaşma sistemi haline gelmesinden itibaren; kısaca insanlık tarihinin en erken çağlarından beri atasözleri var olmalıdır (Yurtbaşı, 2012, p. 7).

Atasözlerinin bir anlamda insanlığın tarih öncesi en karanlık çağlarına kadar uzanan bu eskiliği, onun kaynağı hakkında tarihsel dönemde yapılan çalışmalar konusunda tam bir neticeye varılmasını engellemiştir denilebilir. Çoğunlukla Yedi Bilge'ye mal ederler (Oy 1972, p. 9) ve atasözlerini tapınakların alınlıklarına yazarlardı. Eski çağ filozoflarından Aristo'ya göreyse, atasözleri tarihte meydana gelmiş büyük kargaşalıklar neticesinde "inkıraz etmiş eski bir tefekkürün kalıntıları" (Akün, 1972, p. 12) sayılacak kadar ve daha da önemlisi taşıdıkları felsefi değer bakımından önemlidirler.

Farklı milletlerin "kendi söz", "nasihat", "cevherli söz", "ibaret verici söz", "altın söz", "dilin gül zarı", "halk mektebi", "halk hikmeti", "ruhun tabibi", "akıl göz" ve benzeri anlamlar içeren isimler verdiği, bedii sözlü kültür ve edebiyatın bu benzersiz türü, günümüz Türkiye Türkçesinde, yukarıda da işaret ettiğimiz gibi, "atasözü", olarak adlandırılır. Türk dünyasında ise, atasözü karşılığı olarak. Azerbaycan, Afganistan, İran, Suriye ve Irak'ta yaşayan Türkmenlerce "atalar sözü" veya "eskiler sözü" kullanılır. Kırgız, Kazak, Uygur, Özbek, Karakalpaklar, Kazan Tatarları, Başkurtlar ve Kırım Tatarları arasındaysa Arapça kökenli "makal, Türkmenistan, Kuzey Afganistan, İran Türkmenleriye hem "makal"ı ve hem de "nakıl"ı, atasözü karşılığında kullanılmaktadırlar. Atasözleri, Osmanlı Türk'ü için veya herhangi bir Türk için dedelerinden miras kalan en büyük servettir. "şeklindeki tespiti son derece anlamlı ve dikkat çekicidir. Atasözlerinin teşekkülünü ve işlevlerini aydınlatacak veya tarihi yaratılış ve bağlamlarına dair en güvenilir bilgi kaynaklarımızdan birisi de Türk sosyo-kültürel yapısında meydana gelmiş "atalarsözleri" hakkındaki "atasözleri"dir (Yurtbaşı, 2012, p. 6).

Türk Edebiyatında atasözlerini ilk kez derleyen Divan-ül Lügatit Türk yazarı Kaşgarlı Mahmut olmuştur. Orta Asya'da yaşayan pek çok Türk boylarının arasında dolaşarak onların dillerinden derlediği sözleri yazdığı sözlükte tanık olarak kullanmıştır. Daha sonraki yüz yıllarda kimi aydınlar da derledikleri belirli sayıdaki atasözlerini el yazması şeklinde belgelendirmişlerdir (Olgun, 1972, p. 155) Yapılan çalışmaları incelediğimiz zaman görüyoruz ki, bu sözlerin pek çoğu çeşitli dönemlerde yaşamış bilgili kişiler tarafından hiçbir değişiklik yapılmadan hemen olduğu gibi dilimize alınmıştır.

Bu çalışmada, Türkçe ve Farsça (Afganistan Örneği) atasözlerinin hem anlam hem de kelime düzeyinde örtüşen örnekleri incelenecektir. Her ne kadar bu iki dil, farklı dil ailelerine mensup ve farklı kültürel geleneklerden beslenen yapılar olsa da, tarihî ve kültürel etkileşim, coğrafi yakınlık ve kelime alışverişi gibi unsurlar, aralarındaki ilişkiyi güçlendirmektedir. Bu etkileşimin önemli göstergelerinden biri de ortak veya benzer anlam taşıyan atasözleridir.

Atasözleri, bir toplumun kültürel değerlerini, yaşam biçimini, dünya görüşünü ve tarihsel birikimini yansıtan önemli sözlü kültür ürünleridir. Bu bağlamda, Türkçe ve

Farsça gibi iki köklü dilde benzer anlamlara sahip atasözlerinin karşılaştırmalı olarak incelenmesi, yalnızca anlam ve söz benzerlikleri değil, aynı zamanda bu dillerin ait olduğu toplumlar arasındaki kültürel yakınlıkları da ortaya koymaktadır.

Bu araştırma, Türkçe ile Farsça (Afganistan örneği) arasında ortak anlamlar taşıyan atasözlerini ele alarak, iki toplum arasındaki tarihsel, kültürel ve dilsel etkileşimi daha somut bir şekilde gözler önüne sermeyi amaçlamaktadır. Özellikle Türk ve Fars halkları arasında yüzyıllardır süregelen etkileşim, bu benzerliklerin tesadüf değil, karşılıklı kültürel etkileşimin doğal bir sonucu olduğunu göstermektedir.

Araştırmanın bir diğer önemli yönü, atasözleri aracılığıyla dil öğrenimine ve kültürlerarası anlayışa katkı sağlamasıdır. Atasözleri, yabancı bir dili öğrenirken o toplumun zihniyetini ve değer dünyasını kavramada etkili bir araçtır. Bu nedenle, iki dil arasında anlam bakımından örtüşen atasözlerinin karşılaştırılması, hem dil öğretiminde hem de kültürel çalışmalarda önemli bir kaynak işlevi görebilir.

Bu çalışma, atasözlerinin anlam benzerliklerinin ötesine geçerek, Türk ve Fars kültürlerinin ortak noktalarını, farklılıklarını ve tarihsel bağlarını anlamaya katkı sunması bakımından hem dilbilimsel hem de kültürel açıdan önemli bir boşluğu doldurmayı hedeflemektedir.

Türkçede yer alan hangi atasözlerinin Farsçada anlam bakımından doğrudan ya da yakın karşılıkları bulunmaktadır? Türkçe ve Farsça atasözleri arasında yapısal (sözdizimsel) ve anlamsal (anlambilimsel) olarak ne tür benzerlikler ve farklar gözlemlenmektedir? Bu araştırma, betimsel ve karşılaştırmalı yöntemlere dayalı nitel bir çalışmadır. Türkçe ve Farsça (Afganistan örneği) dillerinde kullanılan atasözlerinin anlam açısından karşılaştırılması amaçlanmıştır. Çalışmada, her iki dile ait atasözleri, içerik ve biçim yönünden analiz edilerek ortak temalar, benzerlikler ve farklılıklar tespit edilmeye çalışılmıştır.

Araştırmanın veri kaynağını, güvenilir sözlükler, atasözü derlemeleri, akademik yayınlar ve halk arasında yaygın olarak kullanılan atasözleri oluşturmaktadır. Türkçe atasözleri için Türkiye'de yayınlanan kaynaklarından ve çeşitli atasözü derlemelerinden; Farsça atasözleri için ise İran (Ortak atasözler) ve Afganistan'da yayımlanmış atasözü koleksiyonları ve çeviri sözlüklerinden yararlanılmıştır.

Çalışma sürecinde şu yöntem adımları izlenmiştir:

Veri Toplama: Türkçe ve Farsça atasözlerinden örnekler derlenmiş, aynı ya da benzer anlamı taşıyan ifadeler belirlenmiştir.

Karşılaştırmalı Analiz: Elde edilen atasözleri anlam ve kültürel yansımaları açısından karşılaştırmalı olarak incelenmiştir.

Yorumlama: Elde edilen bulgular doğrultusunda, iki dil arasında gözlemlenen benzer atasözleri toplayarak ortaya konulmuştur.

Adam adamdan korkmaz, utanır.

آدم از آدم نمی ترسد، می شرمند (شهرانی، ۱۳۹۹، ص. ۹۲).

Adam odur ki ikrarından dönmeye.

مرد ها را قول است.

Adam olan aynı hatayı iki kere yapmaz.

انسان یک خطا را دوبار انجام نمی‌دهد (شهرانی، ۱۳۹۹، ص. ۱۶۱).

Adam olana bir söz yeter.

انسان را یک سخن کافی است.

Adamdan utanmayan tanrı'dan korkmaz.

آدم بی شرم ترس از خدا ندارد (برزین مهر، ۱۳۷۹، ص. ۱۳).

Ak akça kara gün içindir.

مال خوبیم روز بدم (شهرانی، ۱۳۹۹، ۴۳۱).

Akıl yaşta değil baştadır (Olgun, 1972, p.170).

عقل در سر است، نه در سال (برزین مهر، ۱۳۷۹، ص. ۱۹۶).

Akıllı düşman, akılsız dosttan hayırlıdır.

دشمن دانا به از دوست نادان (شهرانی، ۱۳۹۹، ص. ۳۰۹).

Alla'tan hayır iste, hayır bulasın.

از خدا خیر طلب کن تا به خیر رسی.

Allah bir, söz bir.

خدا یکی سخن یکی یار یکی (شهرانی، ۱۳۹۹، ص. ۲۷۳).

Allah dert verir, dermanı da verir.

خداوند که درد می‌دهد درمان هم می‌دهد.

Allah kerimdir, kuyusu derindir.

خداوند کریم است و همچنان دادش بی پایان است.

Allah mağruru sevmez.

"الله مغرور را دوست ندارد.

Allah namerde muhtaç etmesin.

خداوند محتاج نامرد نکند.

Allah sağ eli sol ele muhtaç etmesin.

خدا دست راست را به دست چپ محتاج نکند.

Allah sağ gözü sol göze muhtaç etmesin.

خداوند دست راست را به دست چپ محتاج نکند (شهرانی، ۱۳۹۹، ص. ۱۳۴).

Allah zengine mal verir, fakire çocuk.

خداوند ثروتمند را مال وفقیار را اولاد می‌دهد.

Allah'tan yazılmış, başı gelecek.

چیزی که خداوند نوشته کرده همان به سر ما می‌آید.

Alma mazlumun ahını, çıkar aheste.

آه مظلوم آهسته بلند می‌شود.

Anlayan bir kıldan nem kapar.

عاقلان را یک اشاره بسی است.

Arife bir işaret yeter.

عاقلاً را یک اشاره بست است.

Aşığın gözü kördür.

چشم عاشق کور است.

At binenin kılıç kuşananın.

کار را به اهل آن باید سپرد.

Ateş çıkmayan yerden duman çekmaz.

جایی که آتش نباشد دود بلند نمی‌شود.

Ateş düştüğü yeri yakar.

آتش هر جا بیفتند آنجا را می‌سوزاند.

Atılan ok geri dönmez.

تیری که از کمان رفت بر نگردد (شهرانی، ۱۳۹۹، ص. ۲۳۵).

Ayağını kilimine göre uzat, Ayağını yorganına göre uzat (Arısoy, 2016, p. 129).

پایت را به اندازه گلیمت دراز کن (شهرانی، ۱۳۹۹، ۲۰۹).

Az söyleyen çok rahat eder.

کم حرف بزن راحت باش.

Az yaşa, azad yaşa.

کم زندگی کن آزاد زندگی کن.

Bak bana bir güzle, bakayım sana iki güzle.

طرف من به یک چشم ببین تا که با دو چشم به طرفت ببینم (شهرانی، ۱۳۹۹، ص. ۱۱۰).

Bayram geçtikten sonra kınayı başına çal.

حنا بعد از عید به چی کار آید.

Bekarlık sultanlıktır.

مجردی پادشاهی است.

Beş parmak bir olmaz.

هر پنج انگشت یکی نیست.

Beterin beteri var.

از بد بدترش هم وجود دارد.

Bıçak kınını kesmez.

هیچ کاردی دسته خود را نمی‌برد.

Bıçak yarası geçer, dil yarası geçmez.

زخم زبان جور می‌شود، زخم زبان نی (شهرانی، ۱۳۹۹، ص. ۳۳۳).

Bir atlarsın çekirge iki atlarsın çekirge sonunda yakalanırsın çekirge.

یک بار جستی ملخک دو بار جستی ملخک آخر بدستی ملخک (شهرانی، ۱۳۹۹، ص. ۴۴۴).

Bir ayak gelene iki ayak giderim.

تو یک قدم بمان من دو قدم می‌گزارم.

Bir çiçekle bahar olmaz.

با یک گل بهار نمی‌شود.

Bir elin sesi çıkmaz.

از یک دست صدا بر نمی‌خیزد (شهرانی، ۱۳۹۹، ۱۴۵).

Bir kapı kapanır bin kapı açılır.

خداوند یک در را بسته می‌کند هزار در دیگر را باز می‌کند.

Bir taş iki kuş.

یک تیر دو فاخته (شهرانی، ۱۳۹۹، ص. ۴۸۵).

Boğaz derdi her dertten üstündür.

درد شکم از هر چیز کرده بالا تراست (شهرانی، ۱۳۹۹، ص ۲۹۷).

Bugünkü işini yarına bırakma.

کار امروز را به فردا نگذارید (شهرانی، ۱۳۹۹، ص. ۳۹۸).

Bülbülün altın kafese koymuşler Ah vatanım !demişler.

به بلبل قفس طلایی زندان است.

Can boğazdan gelir.

جانم به گلویم آمده.

Cins cinse çeker.

کبوتر با کبوتر باز با باز، کند هم جنس با هم جنس پرواز.

Çam sakızı çoban armağanı.

برگ سبز تحفهٔ درویش (شهرانی، ۱۳۹۹، ص. ۱۷۶).

Çıkmadık canda umut vardır. Çıkmadık candan umut kesilmez.

تا نفس است امید است.

Çıkmayan candan ümit kesilmez.

تا نفس است امید است (تا ریشه در آب است امید ثمر است).

Dağ dağa kavuşmaz insan insana kavuşur.

کوه به کوه نمی‌رسد آدم به آدم میرسد (شهرانی، ۱۳۹۹، ص. ۴۱۱).

Damlaya damlaya göl olur

قطره قطره دریا می‌شود (برزین‌مهر، ۱۳۷۹، ص. ۲۰۶).

Demir tavında dövülür.

آهن سرد کوفتن فایده ندارد.

Derdini söylemeyen dermansız kalır.

کسی که درد خود را نگوید بی درمان می‌ماند.

Dert gider, ama yeri boş kalmaz.

درد میره اما جایش می‌ماند.

Dertli derdlinin halini bilir.

کسی که درد کشیده از حال دردمند می‌آید.

Dertsiz insan olmaz.

نیست انسان بی درد.

Dilimde tüy bitti.

زبان موی کشید.

Doğru söz acıdır.

حق گفتن تلخ است (برزین مهر، ۱۳۷۹، ص. ۱۰۶).

Dost ağlatır, düşman güldürür.

دوست کسی است که می‌گیراند دشمن کسی است که می‌خنداند.

Dost başa düşman ayağa bakar.

دوست به سر انسان و دشمن به پای انسان نگاه می‌کند.

Duvarı nem, insanı gam yıkar.

دیوار را نم انسان را غم از بین می‌برد.

Dünya ümit dünyasıdır.

دنیا بالای امید ایستاده است.

Dünya varlığına güvenilmez.

دارایی دنیا اهمیت ندارد.

Dünyanın ucu uzundur.

دنیا به آخر نرسیده.

Dünyayı sel bassa ördeğe vez gelir.

دنیا را آب بگیرد مرغابی را تا زانو (برزین مهر، ۱۳۷۹، ص. ۱۴۱).

El için kuyu kazan en başta kendi düşer.

چاه کن در چاه است (برزین مهر، ۱۳۷۹، ص. ۹۶).

El elden üstündür

دست بالای دست بسیار است (برزین مهر، ۱۳۷۹، ص. ۱۳۴).

En büyük devlet baş sağlığıdır.

صحت ثروت است.

Eşeğe binmek ayıp, düşmek iki ayıp.

سر خر بالا شدن یک عیب پایین شدن دیگه عیب.

Et tırnaknaktan ayrılmaz

گوشت از ناخون جدایی ندارد (برزین مهر، ۱۳۷۹، ص. ۲۳۸).

Evvel düşün ,sonra söyle

اول فکر کن، بعد بگو (برزین مهر، ۱۳۷۹، ص. ۳۸).

Evvel selam, sonra kelam

اول سلام پسی کلام (برزین مهر، ۱۳۷۹، ص. ۳۷).

Garibin duası makbuldür.

دعای غریب زود قبول می‌شود.

Garibin yardımcısı Alla'tır.

یار غریبان خداوند است.

Gençlik en büyük devlettir.

جوانی بزرگ‌ترین سرمایه است.

Gönül getmeyen yere ayak gitmez.

دل می‌کشد پا می‌رود، پای جایی می‌رود که دل می‌رود.

Gönül pasını gözyaşı siler.

زنگ دل را آشک چشم می‌گیرد.

Gönülden gönüle yol vardır

دل به دل راه دارد (برزین‌مهر، ۱۳۷۹، ص. ۱۳۸).

Gözden irak olan gönülden de irak olur.

از دل برود هرانکه از دیده برفت (برزین‌مهر، ۱۳۷۹، ص. ۲۱).

Gül dikensiz sümbül şikesiz olmaz .

هرجا که گلی است خارش در پهلوست.

Gülü seven dikenine katlanır.

گل بی خان نمی‌شود.

Gün doğmadan neler doğar

شب آستن است تاچه زاید سحر (برزین‌مهر، ۱۳۷۹، ص. ۱۸۷).

Gönül taşla kırılmaz, sesle kırılır.

قلب با سنگ نمی‌شکند اما با حرف بد می‌شکند.

Hak doğrunun yardımcısıdır.

حق رهنمای راه درست است.

Hareket berekettir.

در حرکت برکت است.

Hasad eden mahrum kalır.

حسود هرگز نیاسود.

Haya imandandır.

حیا از ایمان است.

Hayasızda insaf olmaz, insafsızda haya.

کسی که حیا ندارد انصاف ندارد. کسی که انصاف ندارد حیا ندارد.

Haydan gelen huya gider.

باد آورده را باد می‌برد و یا هم برباد رود هر آنچه از باد آید.

Hayır Allah'tan, şer şeytan'dan.

خیر از خداوند شر از شیطان.

Hayırlı komşu, hayırsız akrabadan iyidir.

همسایه باخیر بهتر است از اقارب بی‌خیر.

Her işte bir hayır vardır.

در هر کاری خیری نهفته است.

Her kişi kendi aybını gözetir.

هر کس عیب خود را باید ببیند یا هر کس سر در گریبان خود باید کند.

Her şey aslına döner.

هر چیز به اصل خود بر می گردد (برزین مهر، ۱۳۷۹، ص. ۲۸۷).

Her yokuşun bir inişi var

هر فرازی نشیبی هر نشیبی فرازی دارد.

Herkes evinde ağıdır.

هر کس خان خانه خود است.

Herkesin canı tatlıdır.

جان هر کس به خودش شیرین است.

İki gönül bir olunca padişah bile ayıramaz.

دو دل که یکی شود جدایش کس نتواند.

İki karpuz bir koltuğa sığmaz.

به یک دست دو تربوز گرفته نمی شود.

İnsan acıkınca taşı bile yer.

آدم گرسنه سنگ را هم می خورد.

İnsan çiğ süt emmiş.

آدمیزاد شیرخام خورده (برزین مهر، ۱۳۷۹، ص. ۷).

İnsan demirden sert, taştan berk gülden naziktir.

انسان از آهن کرده سخت، از سنگ کرده سنگین و از گل کرده نازکتر است.

İnsan kanatsız kuş misalı.

آدمیزاد، مرغ بی بال (برزین مهر، ۱۳۷۹، ص. ۷).

İnsan umutla yaşar.

انسان با امید زنده است.

İnsanın akıl çıkmaktansa canı çıksın.

عقل که نبود جان در عذاب است.

İşlemezsen dişleyemezsin.

بی زحمت راحت نیست.

Kaderinde ne varsa karşığına o çeker.

چیزی که در تقدیر است در مقابل آدم می آید.

Kalem efkarın tercümanıdır.

قلم ترجمان افکار است.

Kalp kalbe karşıdır.

دل به دل آینه است (برزین مهر، ۱۳۷۹، ص. ۱۳۸).

Kanı kanla yumazlar.

خون را با خون نمی‌شویند (برزین‌مهر، ۱۳۷۹، ص. ۱۱۹).

Kapını kilitli tut komşunu, hırsız tutma.

دروازه ات را قفل کن همسایه‌ات را دزد نگیر.

Kedinin yedi canı var.

پشک هفت جان دارد (برزین‌مهر، ۱۳۷۹، ص. ۷۵).

Kelamından bir olur malüm kişinin kendi mikdarı.

سخن گواه حال گوینده است.

Kendi düşen ağlamaz.

خود کرده را چاره نیست و یا خود کرده را نی درد است و نه درمان (شهرانی، ۱۳۹۹، ص. ۲۳۹).

Komşuluk kardeşlikten ileridir.

همسایه‌گی از برادری نزدیک است.

Komşunun tavuğu komşuya kaz görünür.

خروس همسایه صدای غاز می‌کند.

Kör Allah'a nasıl bakarsa, Allah da köre öyle bakar.

کور چی قسم که خدا را می‌بیند به همان قسم خداوند کور را می‌بیند.

Kurunun yanında yaş da yanar.

تر و خشک با هم می‌سوزند.

Mal insanin düşmanıdır.

مال دشمن انسان است.

Mum dibine ışık vermez.

شمع پایه خودش را روشن نمی‌کند.

Murat insandan, takdir Allah'tan.

مراد از انسان، تقدیر از الله.

Nasipten fazla olmaz.

از نصیب زیاد تر نخواهید.

Ne istersen Allah'tan iste, kuldan isteme.

چیزی که می‌خواهی از الله بخوا از بنده نخواه.

Ne şamın şekeri, ne Arabın yüzü.

نه شیر شتر نه دیدار عرب.

Nesibinde varsa gelir Yemen'den, nesibinde yoksa düşer elinnden.

گرمین را به آسمان دوزی، نه دهندت زیاده روزی.

Nezakat para ile satılmaz.

ادب با پول خریده نمی‌شود.

Para parayı çeker.

پول پول می آورد.

Parayı veren düdüğü çalar.

سوت سوتک را کسی زد که پول داد.

Sabır acıdır, ama mevesi tatlıdır.

صبر تلخ است اما بر شیرین دارد (برزین مهر، ۱۳۷۹، ص. ۱۸۴).

Sabır cennetin anahtardır.

صبر کلید جنت است.

Sadık dost akrabadan iyidir.

دوست صادق از خویشاوند کرده خوبتر است.

Samanlıkta iğne aramak.

در خمیر موی می پالد (شهرانی، ۱۳۹۹، ص. ۲۹۶).

Son pişmanlık fayda olmaz.

پشیمانی سودی ندارد.

Sormak ayıp değil öğrenmemek ayıp.

پرسیدن عیب نیست ندانستن عیب است.

Söylemek kolay, yapması güçtür.

گفتن آسان است اما عمل کردن مشکل.

Suyu görünce teyemmüm bozulur.

آب که باشد تیمم باطل است.

Tanrı kulunun rızkını verir.

خداوند روزی رسان است.

Tatlı dil yılanı deliğinden çıkarır.

با زبان خوش ما را می توان از سوراخش بیرون آورد (برزین مهر، ۱۳۷۹، ص. ۴۲).

Tatlı yer, tatlı söyle.

شیرین بخور و شیرین بگو.

Tok açın halini bilmez.

سیر از دل گرسنه چی خبر دارد (برزین مهر، ۱۳۷۹، ص. ۱۷۶).

Toprak yapışsa altın olur.

در خاک دست زنی زر شود.

Umut fakirin ekmeğidir.

آرزو سرمایه مفلس است (برزین مهر، ۱۳۷۹، ص. ۷).

Uyku baldan daha tatlıdır.

خواب از عسل کرده شیرین است.

Uyku küçük ölümdür.

خواب مرگ کوچک است.

Üzüm birbirine bakarak kararır.

خربوزه خربوزه را دیده رنگ می گیرد (شهرانی، ۱۳۹۹، ص. ۲۷۴).

Vektine göre söz söylemeli.

هر سخن مکانی دارد (شهرانی، ۱۳۹۹، ص. ۴۶۹).

Ya taht ya baht.

یا تخت یا باخت.

Yağmurun arkası güneştir.

پسباران آفتابی است / یا پس هر تاریکی روشنایی است.

Yalnızlık Allah'a mahsustur.

تنهایی شایسته خداوند "ج" است.

Yerin kulağı vardır.

دیوار موش دارد موش هم گوش دارد (برزین مهر، ۱۳۷۹، ص. ۱۴۶).

Yılan doğrulamayınca deliğine giremez (Yurtbaşı, 2012, p. 13).

مار هر کجا کج برود، به سوراخ خود راست می رود (برزین مهر، ۱۳۷۹، ص. ۲۶۷).

Zahmetsiz bal yenmez. Bela gelmeyince bal yenmez. Cefa çekmeden sefa da görmezsin. Kahrır çekmeyince lütuf ele girmez.

نابرده رنج گنج میسر نمی شود.

Zalimin ömrü az olur.

عمر ظالم کوتاه است.

Zararın neresinden dönersen kardır.

از هر کجائی ضرر بر گردی منفعت است (شهرانی، ۱۳۹۹، ص. ۲۶).

Kendini göster.

شنگته معلوم کو.

Sonuç

Toplumların geçmişte edindiği tecrübelerden beslenen ve anonim bir niteliğe sahip olan atasözleri, nesiller boyunca aktarılan hikâyeler aracılığıyla kalıcı hâle gelmiş ve geniş kitleler tarafından kabul görmüştür. Her hikâyenin sonunda, dinleyicinin veya okuyucunun belirli bir ders çıkarmasını sağlayan kısa ve özlü ifadeler, zamanla atasözü hâline dönüşmüştür.

Bu araştırma, Türkçe ve Farsça atasözleri arasında dikkat çekici benzerliklerin yanı sıra önemli farklılıkların da bulunduğunu ortaya koymuştur. Her iki dilin tarihsel, kültürel ve coğrafi etkileşim içinde olması, birçok ortak sözlü kültür unsurunun oluşmasını sağlamıştır. Ancak bu ortaklıklar, iki toplumun kendine özgü değer yargıları, yaşam tarzları, dini ve toplumsal yapılarından kaynaklanan farklılıkları tamamen ortadan kaldırmamaktadır. Bu bağlamda, atasözleri yalnızca benzerlikleri değil, aynı zamanda kültürel çeşitliliği ve özgünlüğü de yansıtmaktadır.

Araştırmada elde edilen verilere göre, bazı Türkçe atasözlerinin Farsçada doğrudan bir karşılığı bulunmamaktadır. Bu durum, atasözlerinin doğduğu sosyal,

kültürel ve coğrafi bağlamın farklılığından kaynaklanmaktadır. Örneğin, Türk toplum yapısında köylü yaşamı, göçebe kültür ve hayvancılıkla ilgili unsurlar atasözlerine sıkça yansırken, Fars atasözlerinde daha çok kentli yaşam, edebi üsluplar ve mecazlara dayalı anlatımlar öne çıkmaktadır. Bu farklılık, dilin kullanım biçimine ve anlatım tarzına da etki etmiş; Türkçe atasözleri genellikle sade, doğrudan ve günlük dile yakın bir yapı gösterirken, Farsça atasözlerinde daha edebi, dolaylı ve mecaz ağırlıklı ifadeler dikkat çekmiştir.

Ayrıca, her iki dilde aynı temayı işleyen atasözleri, zaman zaman farklı değer ve anlam çerçevelerinde biçimlenmiştir. Örneğin, sabır, kader, çalışkanlık gibi ortak temalar farklı kültürel bakış açılarıyla ele alınmış; bir dilde olumlayıcı bir nitelik kazanan bir ifade, diğer dilde eleştirel bir tonda kullanılabilmektedir. Bu durum, atasözlerinin yalnızca dilsel değil, aynı zamanda sosyo-kültürel birer veri olduğunu ve toplumun düşünce yapısını doğrudan yansıttığını göstermektedir.

Atasözleri, ait oldukları toplumun duygu, düşünce ve inanç yapısını yansıttıkları için kültürel farklılıklara bağlı olarak çeşitlenmekte, ancak çoğu zaman evrensel öğretiler içermektedir. Atasözleri, belirli bir konuya dair savunulan bilgiyi destekleyen, onu açıklayan ve doğrulayan bir tanıklık işlevi görmektedir. Bu yönüyle, toplumların tarihî ve kültürel birikimini en iyi şekilde yansıtan dil unsurlarından biri olarak değerlendirilmektedir. Bununla birlikte, atasözlerine kaynaklık eden hikâyeler, zaman içinde farklı coğrafyalarda ve kültürel bağlamlarda değişikliklere uğrayabilmektedir. Ancak özünde taşıdığı mesaj, insanlık deneyiminin ortak yönlerinden beslendiği için benzer anlamlar içermeye devam etmektedir.

Bu çalışmada incelenen Farsça atasözleri ve onlara eşlik eden anlatılar, Türk edebiyatındaki atasözleriyle belirgin benzerlikler taşımaktadır. Kullanım biçimleri açısından bazı farklılıklar gözlense de, bu atasözlerinden çıkarılan anlamlar ve dersler, Türkçedeki atasözleriyle büyük ölçüde örtüşmektedir. Dolayısıyla, atasözlerinin farklı dillerde ve kültürlerde ortak anlamlara sahip olması, toplumlar arasında tarihsel ve kültürel etkileşimin bir göstergesi olarak değerlendirilebilir. Bu bağlamda her dilde kullanılan atasözleri ve deyimler söz konusu şahsiyetler, meydana geldikleri yerler kesin olmasa da mutlaka yaşanılmış bir olay sonucu medana geldiği görülmektedir.

Sonuç olarak, Türkçe ve Farsça atasözleri arasında hem anlam hem biçim açısından dikkat çekici ortaklıklar bulunmakla birlikte, bu sözlü kültür ürünleri her iki milletin özgün kültürel kodlarını da barındırmaktadır. Bu yönüyle atasözleri, sadece ortak geçmişin izlerini değil, aynı zamanda her iki toplumun kendine özgü düşünce biçimlerini, yaşam anlayışlarını ve ifade tarzlarını da yansıtmaktadır. Bu farklılıkların sistemli bir biçimde ortaya konması, kültürlerarası anlayışı derinleştirecek, çeviri ve dil öğretimi alanlarına da önemli katkılar sunacaktır. Gelecekte yapılacak karşılaştırmalı çalışmalar, bu farklılıkların tarihsel ve sosyolojik temellerini daha ayrıntılı şekilde analiz etme imkânı sağlayacaktır.

Kaynakça

- Aksoy, Ö. A. (1988). *Atasözleri ve Deyimler, Belleten Dergisi*, (217), 131-166.
- Aksoy, Ö., (2013), Atasözleri ve Deyimler Sözlüğü. I. İstanbul: İnkılâp Kitabevi.
- Akün, Ö, F, (1949). Atalarsözüne Dair, *Şadırvan Dergisi*, s.11-15.
- Arısoy, Ş. (2016). Türkçe ve Farsçada Ortak Kullanılan Atasözleri. *Atatürk Üniversitesi Edebiyat Fakültesi Sosyal Bilimler Dergisi*, 57, 127-138.
- Golshaei P., Parvizikhosroshahi, S. (2021). *Farsça Atasözleri ve Deyimler*, Altınordu Yayınları.
- Olgun, İbrahim. (1972). Farsça ve Türkçe Atasözleri ve Deyimleri Üzerine. *Belleten Dergisi*, sayı 20, 153-172.
- Oy, A. (1972). *Tarih Boyunca Türk Atasözleri*, Türkiye İş Bankası Yayınları.
- Yurtbaşı, M, (2012) *Sınıflandırılmış Atasözleri Sözlüğü*, 10.Baskı, Barış Matbaası.
- شهرانی، عنایت الله (۱۳۹۹) *ضرب المثل های دری افغانستان*، کابل: کانون فرهنگی قیزیل چوپان.
- برزین مهر، عبدالغنی (۱۳۷۹) *ضرب الامثال و کنایات*، کابل: دانش خپرندویه تولنه.

بررسی خروج ایالات متحده امریکا از مذاکرات برجام و پیامدهای آن بر روابط ایران و غرب

محمد میرزایی^{۱*}، بسم الله احمدی^۲

*۱. پوهنمل، دیپارتمنت اداره و دیپلوماسی، پوهنځی حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون جوزجان، شبرغان، افغانستان
(نویسنده مسئول). mohammadmerzayi1987@gmail.com - <https://orcid.org/0009-0005-5412-4409>

۲. لیسانس، دیپارتمنت اداره و دیپلوماسی، پوهنځی حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون جوزجان، شبرغان، افغانستان.
abesmellah271@gmail.com - <https://orcid.org/0009-0008-1000-3148>
<https://doi.org/10.69892/jawzjanaan.2024.57>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۳/۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۲۴)

چکیده

امروز، مناقشه هسته‌ای یکی از مرکزی‌ترین موضوعات در سیاست بین‌الملل است. این موضوع به‌اندازه‌ای مهم و بحث‌آفرین است که روی بسیاری از معادلات بین‌المللی سایه افکنده و آن‌ها را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. رقابت تسلیحات هسته‌ای بین کشورها، امنیت جهانی را به چالش کشانده است و اکثر دانشمندان به این باورند که ثبات جهان کم شده و عاملی که این ثبات را به مخاطره انداخته گسترش فعالیت‌های هسته‌ای است. روابط پرنوسان جمهوری اسلامی ایران با جهان غرب به‌خصوص ایالات متحده امریکا، توأم با اتفاقات جدید، بوده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که توقعات و مطالبات ایران و ایالات متحده در مذاکرات احیاء برجام «برجام ۲» در سال ۲۰۱۵ نسبت به «برجام ۱» در سال ۲۰۰۶ بالا رفته است. واشنگتن، استراتژی «نه برجام، نه بحران» را در دستورکار خود قرار داده و دوپهلوی سخن می‌گوید. نقض برجام توسط دولت امریکا، همچون زهر هلاهل، اعتماد بین ایران و غرب را منهدم نمود. فعلاً، برجام از جمله اولویت‌های واشینگتن نبوده و تمام تمرکز آن، بر جنگ روسیه و اوکراین و مسئله اسرائیل و حماس است. مذاکرات احیاء برجام، بین ایران و قدرت‌های غربی دیدخل در برجام از جمله، ایالات متحده امریکا را بر سر یک دوراهی سرنوشت‌ساز، قرار داده است، طوری که از دو گزینه، تقابل و تعامل سیاسی، یکی را انتخاب نمایند. این تحقیق به هدف بررسی خروج ایالات متحده امریکا از برجام و پیامدهای آن بر روابط ایران و غرب با استفاده از روش «توصیفی-تحلیلی» انجام یافته است. کلمات کلیدی: اتحادیه اروپا، ایالات متحده امریکا، ایران، برجام، غرب.

Investigation of the United States of America's Agression from JCPOA Negotiations and its Impacts on Iran and West's Relations

Mohammad MERZAIE^{1*}, Besmullah AHMADI²

1*. Senior Teaching Assistant, Department of Administration and diplomacy, Faculty of law and political science, Jawzjan University, Sheberghan, Afghanistan (Corresponding Author).

mohammadmerzayi1987@gmail.com – <https://orcid.org/0009-0005-5412-4409>

2. Bachelor, Department of Administration and diplomacy, Faculty of law and political science, Jawzjan University, Sheberghan, Afghanistan.

abesmellah271@gmail.com - <https://orcid.org/0009-0008-1000-3148>

<https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2024.57>

(Received: 21/05/2024 - Accepted: 15/10/2024)

Abstract

Today, atomic conflict is one of the most central issues in international politics. This issue is much important and controversial that it cast a shadow on many international equations and overshadowed them. The nuclear weapon competition among the countries has endangered the international security and the majority of scholars believes that international consistency has been decreased and the factor that has endangered this consistency, is the extension of nuclear activities. The fluctuating relations between the Islamic Republic of Iran and the west world especially United States of America have been accompanied by new events and the finding of this research has indicated the increasing level of Iran and the United States' expectation in the second round of JCPOA negotiations than the first round. Washington has implemented Strategy "No-JCPOA, No-Crisis" and talks ambiguously. The breach of the JCPOA by the United States, such a Hellas' poison, has destroyed confidence between Iran and west. Now, JCPOA is not the priority of Washington, but focusing on the war between Ukraine and Russia, and the tension between Hamas and Israel. The JCPOA revive negotiation between Iran and west powers involved in JCPOA including the United States on a fateful two path where they have to choose one of the two options, political interaction or confrontation. This research used descriptive-analytic research method for the purpose of studying the agression of the United States of America from JCPOA and its impacts on Iran and West's relations.

Keywords: European Union, JCPOA, Iran, West, United States of America.

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ هـ.ش و براندازی نظام شاهی پهلوی، با شعار «نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی» روی کار آمد و به عنوان یک کشور مستقل اسلامی در عرصه نظام بین الملل عرض اندام کرد. با ارزیابی افق های دیپلماسی این کشور، می توان گفت که ایران تا به امروز در عرصه نظام بین المللی و مناسبات دیپلماتیک خود مسیر پرتلاطمی را طی کرده است. ایران همواره در تقابل با قدرتهای بزرگ دیگر، با موانع اساسی روبه رو بوده و برای عبور از این موانع، اقدام به گفت وگوها و تعاملات در عرصه بین المللی نموده است. یکی از فرازهای تاریخ دیپلماسی ایران، موضوع دیپلماسی هسته ای است که در حوزه امر مذکور، به چالش های جدی با غرب به خصوص ایالات متحده آمریکا، مواجه گردید. مذاکرات برجام، در اوج همین چالش های برخاسته از موضوع هسته ای، بین ایران، آمریکا و اتحادیه اروپا آغاز گردید.

برنامه جامع اقدام مشترک یا همان برجام (واژه ای که دکتر ظریف آن را ارائه کرد)، توافق بین المللی درباره نام هسته ای ایران است که در تاریخ ۱۴ ژانویه سال ۲۰۱۵ در شهر وین منعقد گردید. برجام همان معاهده ۱۶۷ صفحه ای است که برای حل چالش های هسته ای بین ایران و شش قدرت دیگر ایالات متحده آمریکا، روسیه، چین، فرانسه، انگلستان و آلمان منعقد گردید. بی تردید، مهمترین جنجال تاریخ دیپلماسی ایران بعد از ماجرای ملی شدن صنعت نفت، بحران هسته ای شدن ایران است. با ورود ایران به مجموعه کشورهای دارای انرژی هسته ای، تحریم های شکننده ای بالایش تحمیل و تمامی مناسبات سیاسی و اقتصادی آن تحت الشعاع تحریم ها قرار گرفت؛ اما مذاکراتی که در سرطان ۱۳۹۴ با مسؤولیت دوکتور محمدجواد ظریف، در دولت دوکتور روحانی انجام پذیرفت با توافق جامع تعدیل شد. پس از انعقاد این توافق، ایالات متحده آمریکا متعهد شده بود که به ازای پذیرش محدودیت های غنی سازی اورانیوم از سوی ایران، تحریم های ثانویه و نفتی ایران را لغو کند که با اجرایی شدن توافق یادشده، این تصمیم اجرایی گردید.

باروی کار آمدن دونالد ترامپ، زمزمه هایی درباره خروج وی از این توافق به گوش رسید که این موضوع در سال ۲۰۱۷ عملی گردید و تحریم ها علیه ایران، دوباره بازگشت کرد. روابط ایران با دنیای غرب به ویژه با ایالات متحده آمریکا، همیشه مسیر پرتلاطم را طی نموده است. تنش های ایران و آمریکا متأثر از دو مسأله، به سطحی بالاتر افزایش یافت. اول اشغال عراق، دوم، پرونده هسته ای ایران و به خصوص ارسال آن از شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی به شورای امنیت سازمان ملل که اهرم های فشار آمریکا علیه ایران را افزایش داد. هرچند توافق

برجام در دولت اوپاما توانست به‌طور موقت تنش در این پرونده را کاهش دهد؛ ولی خروج امریکا از توافق برجام در دولت ترامپ، بار دیگر موجب تشدید تضادها در این پرونده و در منازعات منطقه‌ای شد. در اوایل، دولت بایدن مژده بازگشت به برجام و احیاء توافق هسته‌ای را داد؛ ولی افزایش بی‌اعتمادی میان طرفین و اغتشاشات داخل ایران، پایداری توافق هسته‌ای و آینده تنش‌های منطقه‌ای را با ابهام روبه‌رو ساخت. با توجه به اهمیت نوع مواجهه ایران و غرب به‌خصوص ایالات متحده امریکا، در سیاست‌گذاری‌های دیپلماتیک، تجارت خارجی و حتی سیاست‌های اقتصادی متأثر از تحریم‌ها، مطالعه آینده تقابل این دو جناح از اهمیت بسیاری برخوردار است.

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که خروج ایالات متحده امریکا از برجام، چه تأثیراتی را بر روابط ایران و غرب به‌ویژه امریکا تاکنون داشته است؟ ایالات متحده امریکا، به‌عنوان یک قدرت هژمون و مطرح جهان در بسیاری از تحولات جهان به شکل مستقیم یا غیرمستقیم مداخله دارد. امروزه، امریکا در سطح بین‌المللی و در سیاست جهانی یکی از قدرت‌های هژمون و تصمیم‌گیرنده در مسائل بین‌المللی است. ایالات متحده امریکا، یکی از اعضای مهم در مذاکرات هسته‌ای برجام است که هم‌زمان با بالا رفتن مناقشات هسته‌ای بین ایران و غرب، مذاکرات برجام را با شش قدرت دیگر، برای تعهد گرفتن از جمهوری اسلامی در مسئله هسته‌ای، به راه انداخت. برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، یک نقطه انعطاف بین غرب و ایران به‌خصوص امریکا بود که موقتاً توانست راه‌حلی برای بیرون رفت از مناقشه دوازده‌ساله هسته‌ای بین ایران و گروه ۵+۱ ارائه دهد؛ اما دیری نپایید که امریکا در سال ۱۳۹۷ خروج خود را از برجام اعلام کرد و تحریم‌ها را علیه جمهوری اسلامی ایران بازگرداند. بر اساس آنچه گفته شد، منظور نهایی تحقیق حاضر، آن است تا مسئله خروج ایالات متحده امریکا از برجام و پیامدهای آن بر روابط ایران و غرب، موردبحث و بررسی قرار گیرد. این تحقیق شامل یک مقدمه، اصل موضوعات تحت عناوین (پیشینه روابط ایران و ایالات متحده امریکا، رویکرد ایالات متحده امریکا در قبال ایران، تأثیرات خروج ایالات متحده امریکا از برجام بر روابط ایران و غرب) و در نهایت نتیجه‌گیری می‌باشد. در این تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده و شیوه جمع‌آوری اطلاعات به شکل تحقیق کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است.

مذاکرات برجام از چنان حساسیت و اهمیت برخوردار است که از همان مراحل آغازین تا به امروز، از نوک قلم نویسندگان و محققان هزاران مطلب در حول و حوش این موضوع بر روی صفحه کاغذ چکیده‌لند. بنابر چالش‌برانگیز بودن مذاکرات هسته‌ای برجام و تحولات اخیر

جهان، هنوز هم ناگفته‌های فراوانی باقی‌مانده‌اند. از جمله تحقیقات انجام‌شده، به تحقیقات ذیل می‌توان به‌عنوان پیشینه اشاره نمود:

مقاله توسط امید ملا کریمی، دانشجوی دورهٔ دوکتور حقوق بین‌الملل و محمود جلالی، محصل گروه حقوق پوهنتون اصفهان، تحت عنوان «ماهیت برجام از منظر حقوق بین‌الملل»، به تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۳، از طریق «فصلنامه مطالعات حقوق عمومی» به نشر رسیده است. این تحقیق، به روش تحلیلی- توصیفی انجام یافته و یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که برجام یک موافقت‌نامه سیاسی یا نزاکتی است. نمی‌توان گفت چون برجام به شورای امنیت برده شده است سند یک‌جانبه وابسته به سازمان ملل متحد است. ادبیاتی که برای برجام پیش‌بینی شده با ساختار حقوقی تصویب معاهدات متفاوت است. بند ۶ برجام به اصول منشور ملل متحد اشاره می‌کند و تأکید دارد که برجام در چارچوب اصول منشور است.

سعید صادقی جقه، مقاله‌ای را تحت عنوان «سرمایه اجتماعی ایرانیان در آیین مذاکرات هسته‌ای و برجام»، نوشته است که به تاریخ ۱۳۹۵/۳/۳۰، از «طریق فصلنامه مطالعات راهبردی» به نشر رسیده است. در این تحقیق، با استفاده از روش‌های تحلیلی به موضوع پرداخته شده است، مقالهٔ مذکور برجام را از منظر سرمایه اجتماعی مورد بحث و کنکاش قرار داده است. از جمله یافته‌های این تحقیق را می‌توان این‌گونه به معرفی گرفت که برجام فرصتی را فراهم آورده که جامعه ایرانی و نظام جمهوری اسلامی می‌تواند با استفاده از دستاوردهای آن و تجارب حاصل از آن، گام‌های بلندی در راستای ارتقاء سرمایه اجتماعی در ایران بردارد.

مقاله‌ای تحقیقی دیگر، توسط صالح رضایی پیش رباط تحت عنوان «تأملی بر دستاوردهای حقوقی برجام»، به تاریخ ۱۳۹۵/۴/۱۰ از طریق «فصلنامه مطالعات راهبردی» به نشر رسیده است. در این مقاله نویسنده با استفاده از روش تحلیلی به این نتایج دست‌یافته است که در حوزهٔ حقوقی، برجام دستاوردهای مهمی داشته است؛ مانند برداشته شدن تحریم‌های اتحادیه اروپا و فراهم شدن زمینه همکاری بین‌المللی با برخی از کشورهای پیشرفته هسته‌ای است.

رحمت حاجی مینه و اکرم صالحی، مقاله‌ای را تحت عنوان «تجزیه و تحلیل دو گفتمان متعارض اروپا و آمریکا در قبال برجام»، که به تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۱۸ از طریق «فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل» به نشر رسیده است. در این پژوهش، از روش تحلیل گفتمانی و شیوه توصیف و تبیین اطلاعات استفاده شده است. در این مقاله تلاش شده تا تناقضات عمده دو گفتمان اروپایی و آمریکایی در قبال برجام در دوره دونالد ترامپ را مورد بررسی قرار بدهد.

محمدرضا دهشیری و سید مهدی میر کاظمی، مقاله‌ای را تحت عنوان «سناریوهای پیش روی جمهوری اسلامی ایران در قبال برجام بعد از خروج ایالات متحده امریکا» به تاریخ ۱۳۹۹/۷/۱۲، از طریق «دو فصلنامه آینده‌پژوهی ایران»، به نشر رسیده است. این تحقیق که به روش مطالعات تحلیلی و شبه‌تجربی انجام شده است چهار سناریو پیش روی جمهوری اسلامی ایران در قبال خروج امریکا از برجام را به عنوان نتایج تحقیق خویش بیان نموده‌اند. بنابر طولانی شدن، از ذکر سناریوها خودداری می‌گردد.

در یک مقاله تحقیقی دیگر که توسط حسن بشیر و زهرا شیخ تحت عنوان «تحلیل گفتمان متن توثیفات‌های وزرای امور خارجه ایران و کشورهای گروه ۵+۱ در باره برجام»، به تاریخ ۱۳۹۹/۰۶/۰۸ از طریق «فصلنامه فرهنگ و ارتباطات» به نشر رسیده است، تلاش شده تا فضای توثیفات وزرای خارج هفت قدرت عضو برجام را مورد تحلیل قرار دهد. نتایج تحلیل توثیفات را می‌توان این گونه بیان نمود که در موضوع برجام، ۳ موضع شناسایی شد؛ یعنی کشورهای گروه ۵+۱، مقوله برجام را مقوله‌ای واحد نمی‌دانند که فقط اجرای آن برای شان اهمیت داشته باشد، بلکه آن را ۳ وجهی نگاه می‌کنند — وجه اول برجام را به عنوان توافقی می‌بینند که بین ۷ کشور (ایران، روسیه، چین، آلمان، فرانسه، انگلیس، امریکا)، طی مذاکرات طولانی در وین به نتیجه رسیده است؛ منظر دیگر در برجام کشور ایران و امریکاست؛ سومین وجه، حوزه روابط بین‌الملل است؛ یعنی دایره روابط کشورهای عضو باهم، خارج از توافق برجام.

مجید شجاعی محصل ماستری روابط بین‌الملل، پوهنتون شهید بهشتی، مقاله‌ای را تحت عنوان «نظریه بازی‌ها و خروج امریکا از برجام»، که توسط «پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل» به تاریخ ۱۴۰۰/۰۳/۰۹ به نشر رسیده است. این تحقیق با روش توصیفی — تحلیلی (منابع اسنادی) و با استفاده از نظریه بازی‌ها، مدل بازی «معمای زندانی تکرار»، روابط ایران و امریکا در سه مقطع مذاکرات محرمانه عمان تا برجام (۲۰۱۵)، پس‌برجام و پس از خروج امریکا از برجام (۲۰۱۸) را الگوسازی کرده و به این نتیجه رسیده است که در مرحله نخست بازی، تغییرات فضای سیاسی ناشی از رویکرد دولت‌های ایران و امریکا موجب شد که طرفین، همکاری را به عنوان مبنای بازی نخست انتخاب کنند؛ در مرحله دوم بازی، باوجود زمینه و بستر اقتصادی بین ایران و امریکا در دوره پس‌برجام، برخلاف کشورهای اروپایی، همکاری شکل نگرفت و این عدم همکاری اقتصادی موجب شد که در مرحله سوم بازی، بار دیگر فضای سیاسی غالب شود و با خروج امریکا از برجام و کاهش تدریجی تعهدات هسته‌ای از سوی ایران، عدم همکاری و تعامل مبتنی بر بازی معمای زندانی (بازی بی برنده) مسلط شود و روابط را به پیش از برجام بازگرداند.

برجام و آینده روابط ایران و غرب به‌ویژه آمریکا، چنان بحث‌برانگیز و مجادله‌آمیز است که هرروز در پیوند به این موضوع، ده‌ها ابهام و مسأله بی‌پاسخ نمایان می‌شود و بستر تحقیقات هرچه بیشتر را آماده می‌سازد. در خصوص موضوع هسته‌ای و مذاکرات هسته‌ای ایران با غرب، از پنجره‌های متفاوت و از زوایایی مختلف بحث و گفتمان‌های متفاوت و متعارض صورت گرفته‌اند؛ اما در این اواخر که تنش‌ها بین جمهوری اسلامی ایران و آمریکا پرتلاطم‌تر از قبل گردیده است، کدام تحقیق از رهگذری تبیین و تحلیل تأثیرات و پیامدهای برجام در عصر کنونی که بتواند گراف روابط این دو کنشگر مهم بین‌المللی را به تفسیر و تحلیل علمی بگیرد، انجام نشده و رخدادهایی که اخیراً بعد از برجام و بازگشت تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی، حادث شده، مورد کنکاش و بررسی قرار نگرفته است. بناً این مسأله باعث شد، بنده در این رابطه تحقیق نمایم.

الف) پیشینه روابط ایران و ایالات متحده آمریکا

در بیش از شش دهه گذشته، ایران و آمریکا در مناسبات دوجانبه خود یکی از پرفرازوافتدترین روابط را تجربه کرده‌اند. از اتحاد استراتژیک تا قطع گسست روابط، تقابل و درگیری نظامی را می‌توان در پرونده مناسبات این دو کشور سیاهه نمود. ایالات متحده آمریکا به‌عنوان قدرت هژمون جهانی، برای دستیابی به منافع بیش‌تر و مدیریت معادلات جهانی بر اساس خواست و مقتضیات خود، در مناطق و حوزه‌های مختلف بین‌المللی حضور و نفوذ دارد، اما بیش‌تر از آن می‌خواهد که چنبره قدرت خود را گسترش دهد. منطقه خاورمیانه و خلیج فارس یکی از کانونی‌ترین مناطق موردعلاقه این کشور پس از جنگ جهانی دوم بوده است. ایران نیز به‌عنوان وزنه تعیین‌کننده از نظر استراتژیک و موقعیت ژئوپلیتیکی در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه، بیش‌ترین تأثیر و تأثر متقابل را با آمریکا به‌عنوان کنشگر فرا منطقه‌ای و ذی‌نفع در منطقه داشته است.

بنابر آنچه گفته شد، روابط ایران و غرب در رأس آن ایالات متحده آمریکا، با جمهوری اسلامی ایران مسیر پرتلاطمی را پشت سر گذاشته است. جمهوری اسلامی ایران، کشوری است که از نظر ایدئولوژیک، سیاست منطقه‌ای و جهانی در نقطه مقابل غرب و آمریکا قرار داشته است.

۱. روابط ایران و ایالات متحده آمریکا در دوره ماقبل انقلاب

بررسی روابط ایران و آمریکا را در دوره ماقبل انقلاب، از آن‌جا باید آغاز کرد که حاکمیت شاهی در ایران استقرار داشت، در دوره سلطنت شاهی، هزاران مستشار آمریکایی و انگلیسی در ایران حضور داشتند و سیاست ایران را مدیریت می‌کردند. می‌توان گفت که در دوره مذکور آمریکا و

غرب از ایران استفاده‌های خوبی بردند و از رژیم سلطنتی شاه، به‌عنوان یک لابی‌گر بین‌المللی استفاده کردند.

از زمان جنگ جهانی دوم به‌ویژه از سال ۱۳۳۲ (۱۹۵۳ میلادی) به بعد، امریکا اصلی‌ترین حامی شاه ایران بود. در واقع، ایران از طریق شخص شاه خواستار حمایت امریکا و حضور آن کشور در ایران بود. بنا بر گفته کورس سمیعی: از اواخر قرن نوزدهم، شاهان ایران برای مقابله با استعمار انگلیس و روسیه در صدد دوستی با ایالات متحده امریکا برآمدند و در تقلاي این بودند که روابط مبتنی بر همکاری و مساعدت‌های استراتژیک را برقرار سازند (متقی‌نژاد، ۱۳۸۴، ص. ۴).

در این دوره تنش‌ها بسیار کم و روابط و مناسبات امریکا با ایران، در واقع یک نوع مناسبات استفاده‌گرایانه بوده و امریکا با در اختیار گرفتن صنعت نفت ایران، این کشور را از نظر اقتصادی و سیاسی به یک کشور مصرفی و وابسته به مستشاران امریکایی و انگلیسی مبدل ساخته بود.

بنابر روایات تاریخی، در سال ۱۳۲۰ (۱۹۴۱ میلادی) یک تحول مهم در روابط امریکا با ایران رونما گردید. سلطنت محمدرضا شاه دقیقاً با موقعیتی هم‌زمان شد که امریکا برای حفظ منزلت و موقعیت هژمونیک خود ناچار بود نقش فعال‌تری را در ایران و خاورمیانه به عهده گیرد. بنا به گفته شولتر: «ایران، در منطقه کمربند امنیتی خاورمیانه قرار داشت، منطقه‌ای که از نظر تاریخی برای منافع قدرت‌های جهانی موقعیتی استراتژیک داشت» (متقی‌نژاد، ۱۳۸۴، ص. ۸). در جنگ جهانی دوم، شاه جوان سرگرم حفظ تاج‌وتخت خود در وضعیتی کاملاً نامطمئن بود. حمایت غرب و به‌ویژه امریکا در این امر اهمیت بسیار حیاتی و تعیین‌کننده داشت. شاه که از حمایت مردمی برخوردار نبود، تلاش کرد تا پایگاه و بنیه خود را در میان نیروهای مسلح تحکیم بخشد و برای این مقصد از حمایت نظامی امریکا؛ مانند: یک ابزار سرکوب و بازدارنده استفاده کند. بدین ترتیب از سال ۱۳۲۰ (۱۹۴۱ میلادی) به بعد، شاه به امریکا و ارتش ایران چون دو ستون اصلی سلطنت خود می‌نگریست.

۲. روابط ایران و ایالات متحده امریکا در دوره پس از انقلاب

انقلاب ایران در قرن بیستم یکی از مهم‌ترین تحولات سیاسی و اجتماعی است که در عرصه‌های سیاسی، تجاری و مالی جهان بازتاب داشته است. جمهوری اسلامی ایران که روی خاکستر نظام شاهنشاهی برپا شد، پایان یک‌فصل کهنه و آغاز یک‌فصل جدید از مناسبات ایران با جهان را رقم زد. این انقلاب که رسماً با شعار براندازی رژیم پهلوی و عوامل وابسته به غرب و امریکا پدید آمد، اولین جرقه بود، برای رویارویی ایران و امریکا به‌طور بسیار شدید و حسّاس. انقلاب

سال ۱۳۵۷ که به رهبری سید روح‌الله خمینی به پیروزی رسید، یک فراز از تغییرات بزرگ در سیاست خارجی ایران به حساب می‌آید. بعد از سال ۱۳۵۷ تمام مستشاران انگلیسی و آمریکایی از ایران بیرون شد و رسماً دولت شیعی مذهب که رهبری آن را علمای دین به عهده داشت، روی کار آمد.

موضع‌گیری‌های ایران بعد از انقلاب اسلامی که با شعار «نه شرقی نه غربی فقط استکبارستیزی»، عرض اندام نمود، تغییر صدو هشتاد درجه‌ای کرد. بالمقابل، نحوه موضع‌گیری و صف‌آرایی آمریکا و غرب هم بسیار متلاطم‌تر از قبل گردید و سران قدرت‌های غربی در رأس آن آمریکا، تمام تلاش‌های خود را در جهت مهار جمهوری اسلامی انجام متمرکز ساختند. پیشرفت‌های سریع السیر جمهوری اسلامی ایران و نوعیت نظام حاکم در ایران، قدرت هژمونیک آمریکا را به چالش کشید و کم‌کم تبدیل به رقیب منطقه‌ای و بین‌المللی آمریکا گردید. پیشرفت‌های سریع که در جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب رونما گردید، باعث شد تا به مزاج قدرت‌های غربی و سران آمریکا خوش نیاید و سیاست‌های مهارکننده و بازدارنده خویش را به‌منصه اجرا گذاشته و اهرم‌های فشار بالای جمهوری اسلامی را جست‌وجو نمایند (متقی نژاد، ۱۳۸۴، ص. ۲).

ب) رویکرد ایالات متحده آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران

مطالعه و بررسی تاریخ روابط جمهوری اسلامی ایران با آمریکا یک بحث بسیار وسیع و دامنه‌دار بوده که بررسی همه ابعاد و زوایای آن، نیازمند سعه‌صدر و صبر بسیار است، در این بحث، مقدمتاً برای بازگشایی یک روزنه قبلی، جهت اشراف و پی بردن به مباحث مرکزی تحقیق، به‌طور گذرا گوشه‌ای از رویکردهای ایالات متحده را در قبال جمهوری اسلامی مورد کنکاش و بررسی قرار خواهیم داد.

۱. رویکرد سازش و تعامل با جمهوری اسلامی

در چهل و چهار سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، چهار رویکرد مختلف درباره ایران در مراکز تحقیقاتی و اندیشکده‌های آمریکایی قابل‌یادآوری‌اند که یکی از آن‌ها، رویکرد سازش است.

این رویکرد را بیش‌تر اتاق‌های فکر با گرایش و تفاسیر لیبرال و پیشرو تقویت می‌کنند. اندیشکده «ودرو ویلسون و مرکز نیکسون» در این طیف قرار می‌گیرد. از نظر آن‌ها، مداخله و دست‌اندازی آمریکا باهدف براندازی و تغییر رژیم در ایران می‌تواند احساسات و گرایش‌های بیگانه‌ستیزانه در ایران را تقویت کرده و انسجام و اتحاد ملی را در حول شعارهای جمهوری اسلامی افزایش دهد. این انسجام و یکپارچگی ایدئولوژیک می‌تواند دولت ایران را توانمند کند

(بنی‌هاشمی، حیدر پور و کیانی، ۱۴۰۱، ص. ۲۸۷). سیاست‌های غرب در ادوار مختلف تاریخ روابط خارجی در قبال ایران، سبب بی‌اعتمادی ایران به حرف‌ها و نیت و اعمال آنان گردیده است. (شیرازی و زارعی، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۳). باوجود چنین بی‌اعتمادی و بی‌باوری، در تاریخ روابط دو کشور ایدئولوگ‌ها و سیاست‌مداران امریکایی بعضاً تقلاً بر این داشته‌اند تا با جمهوری اسلامی از در تعامل و سازش درآیند.

بنابراین، اگر امریکا خواهان روابط با تهران است، باید با دولت حاکم در ایران به توافق برسد. این طیف، از سیاست گفت‌وگوهای دولت-دولت حمایت می‌کنند و بر این باورند که برقراری گفت‌وگو با ایران به نفع امریکا است و در آینده‌های نه‌چندان دور می‌تواند منافع واشنگتن به‌ویژه در زمینه ژئوپلیتیک را برآورده کند. اوباما، در دوره ریاست جمهوری خود از این استراتژی پیروی کرد و به تئوریسین‌های که این استراتژی را تعقیب می‌کردند، نقش بیشتری در سیاست خارجی داد (بنی‌هاشمی، حیدر پور و کیانی، ۱۴۰۱، ص. ۲۷۸). یکی از فرازهای تعامل در روابط ایران و غرب را می‌توان در مذاکرات برجام جست‌وجو کرد که ایران و غرب باهم از راه گفت‌وگو و سازش بالای معضل دردرساز هسته‌ای، وارد شدند. به باور موافقان برجام، این توافق به معنای خاتمه سیاست‌های تحریم مدارانه ایالات متحده علیه، جمهوری اسلامی بود (اسلامی و نقدی، ۱۳۹۵، ص. ۳). این ادعا، که توافق برجام به معنای خاتمه تحریم‌های ایران و سازش با آن است، نیز امروزه غلط از آب درآمد.

۲. رویکرد جنگ با جمهوری اسلامی ایران

این استراتژی، نیز به کثرت در بدنه هندسه سیاسی دولت امریکا و دکترین سیاست خارجی امریکا در مقاطع مختلف تاریخی، بعد از شکل‌گیری جمهوری اسلامی موجود بوده و در برهه‌های مختلف تاریخی، به تقابل نظامی و تسلیحاتی منجر شده است.

رویکرد جنگ با ایران در اتاق‌های فکری که دارای گرایش‌های محافظه‌کارانه و تحت تأثیر لابی اسرائیل هستند، ترسیم می‌شود. در این طیف، لابی ضد ایرانی و ضدانقلاب به‌شدت فعالیت می‌کند؛ تا ایران را خطرناک‌ترین دشمن و رقیب سرسخت امریکا معرفی کند. بر اساس استراتژی‌های پیشنهادی این گروه، تهدید ایران، واقعی و فوری است و امریکا در صورت لزوم باید برای حمله هوایی به مراکز اقتصادی و از بین بردن تأسیسات هسته‌ای ایران اقدام کند (بنی‌هاشمی، حیدر پور و کیانی، ۱۴۰۱، ص. ۲۷۹).

در این رویکرد، سه سناریو متصور است:

- الف. اشغال کامل ایران در یک جنگ فراگیر و همه‌جانبه؛
 - ب. حمله هوایی به تأسیسات و زیرساخت‌های هسته‌ای ایران؛
 - ج. به راه انداختن یک جنگ نیابتی توسط اسرائیل و یا عربستان علیه ایران.
- ایالات متحده در راستای حفظ منافع خود و به‌منظور حفظ ثبات در منطقه خاورمیانه به تحریم یک‌جانبه علیه ایران مبادرت ورزید و در این راستا استراتژی مهار دوگانه را در قبال ایران مطرح کرد (سپهری، عباسی و حسینی آهنگری، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۱).

۳. استراتژی تغییر رژیم جمهوری اسلامی

ایالات متحده آمریکا، از همان اولین روزهای تولد جمهوری اسلامی الی اکنون سیاست‌های بازدارنده و سرکوب‌گرایانه خود را در جهت زوال و انهدام این جمهوری نوبنیاد، اعمال می‌کرد. جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدای تکوین خود، شعار مرگ بر آمریکا را سر داد و همواره باسیاست‌های هژمون‌مدارانه آمریکا در دالان سیاست جهانی و منطقه‌ای، مخالفت‌ها و مبارزات خود را چه در حوزه تئوریک و چه در حوزه پراگماتیک، ابراز داشته است. ایالات متحده آمریکا که خود را در رأس پلیس بین‌المللی می‌بیند، طبیعی است که از وجود و ظهور جمهوری اسلامی به‌شدت مُکدّر شده و قسمتی از ظرفیت‌های خود را در جهت تضعیف و تخریب موقف و منزلت بین‌المللی ایران، متمرکز ساخته است. تعدادی از اندیشکده‌ها، رویکرد تغییر رژیم جمهوری اسلامی ایران را با دو مدل متفاوت تغییر رژیم جمهوری اسلامی ایران از طریق جنگ و تغییر مسالمت‌آمیز رژیم جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌کنند (بنی‌هاشمی، حیدر پور و کیانی، ۱۴۰۱، ص. ۲۸۰).

با توجه به مطالب فوق، این نتیجه را می‌توان گرفت؛ که ایالات متحده آمریکا همیشه در صدد تخریب و یا تضعیف جمهوری اسلامی بوده و سیاست جهانی را می‌خواهد به نفع خود تغییر دهد و اهرم‌های فشار بالای جمهوری اسلامی را فعال نگهدارد.

بر این اساس، می‌توان گفت برای این‌که آمریکا به عظمت و قدرت اولی خود برگردد، باید جمهوری اسلامی از طریق تغییر رژیم، وضع تحریم‌های بازدارنده و یا به کار انداختن لابی‌گرهای ضد ایرانی در منطقه و جهان از راه خود بردارد. سران دولت آمریکا و غرب، با استفاده از مهره‌های ایرانی ضدانقلاب که در بیرون ایران قرار دارد، می‌خواهند به ریشه جمهوری اسلامی، توسط خود ایرانیان ضربه بزنند و با به راه انداختن شعار زن، زندگی، آزادی تیشه را به دست خود ایرانیان مقیم در خارج داده و بنا دارد تا چهره بین‌المللی ایران را به دست خودشان به لجن بکشد.

۴. رویکرد پذیرش و بازدارندگی

تعدادی از اندیشمندان سیاست خارجی امریکایی طرفدار این استراتژی، خواستار پذیرش ایران به‌عنوان قدرت هسته‌ای جهانی و اتخاذ بازدارندگی در مقابل آن هستند. (بنی‌هاشمی، حیدر پور و کیانی، ۱۴۰۱، ص. ۲۸۲).

طرفداران استراتژی بازدارندگی، به این باوراند؛ درجایی که دیگر رویکردهای سازش، جنگ و تغییر از درون جواب نمی‌دهد، بازدارندگی به‌صورت طبیعی و سیستماتیک آخرین شانس در دکتین سیاست خارجی و آخرین گزینه برای انتخاب است. این راهبرد بیش‌تر در حول‌وحوش برنامه هسته‌ای ایران ظهور و بروز پیدا کرد. موضوع تحریم‌ها از گزینه‌های راهبردی این رویکرد است که برای به زمین کوبیدن و بازداشتن جمهوری اسلامی از پیشرفت‌های اقتصادی، در دستور کار سیاست خارجی ایالات متحده امریکا قرار دارد. امریکا با این بازی موش‌و‌گره خود، می‌خواهد با تحریم‌های تدریجی کم‌کم جمهوری اسلامی را به انزوا کشانده و درعین حال تصویر یک بازیگر مُخِل امنیت بین‌الملل را از ایران در جهان ارلئه نماید که این خود زمینه را برای اقدامات احتمالی بعدی علیه ایران فراهم می‌کند.

ج) خروج امریکا از مذاکرات برجام

ایالات متحده امریکا، در طول مذاکرات برجام همواره حضور و نقش گرم داشته است و ازجمله قدرت‌های تعیین‌کننده در مذاکرات برجام بوده است. همان‌طوری که قبلاً بیان شد، مذاکرات برجام نقطه عطفی بود برای نزدیک شدن ایران و غرب و توانست مناقشه هسته‌ای چندین ساله را پایان بخشد؛ اما با خروج ایالات متحده امریکا از توافقنامه برجام دوباره وضعیت به قبل از برجام و حتی خراب‌تر از آن، برگشت کرد. باراک اوباما که توافقنامه برجام را به‌شکل یک فرمان ریاست جمهوری مورد تأیید قرار داده بود، بدون ارجاع به کنگره ملی امریکا این توافقنامه را امضاء کرد. این اقدام رندانه اوباما، باعث شد تا دونالد ترامپ به‌آسانی از برجام خارج شود و هیچ نوع مانعی را در مقابل خود نبیند (اخوان، یزدانی و امید، ۱۳۹۷، ص. ۲۱۹).

خروج امریکا از برجام به شکل بسیار رعدآسا تمام مناسبات برجامی را برهم ریخت و وضعیت کاملاً وارونه شد. درواقع، این اقدام غیر منتظره امریکا مقدمه‌ای برای شروع تنش‌های بیش‌تر بین ایران و غرب گردید. این‌چنین سیاست خارجی امریکا از حالت واقع‌گرایی تدافعی به سمت واقع‌گرایی تهاجمی تغییر جهت داد، همان بود که تمام تحریم‌ها را دوباره علیه جمهوری اسلامی برگرداند.

۱. رویکرد آمریکا به توافقنامه برجام

ایالات متحده آمریکا، از جمله اعضای مهم مذاکرات برجام است که تقریباً در کنش‌های بین‌المللی و معادلات سیاسی جهان به نمایندگی از دیگر قدرت‌های غربی سخن می‌گوید. در بحث حاضر، برای این که بتوانیم برجام را از عینک استراتژیست‌های آمریکایی به تحلیل بگیریم تا روزنه باشد برای کالبدشکافی و تعمق روی عوامل خروج ایالات متحده آمریکا از توافقنامه برجام؛ باید نحوه رویکرد و پالیسی آمریکا را در قبال برجام مورد بررسی قرار دهیم.

رئیس‌جمهور اوباما، بر سیاست چندجانبه‌گرایی در پیوند با ایران تأکید داشت؛ بنابراین، توافقنامه برجام زمانی به نتیجه رسید که دولت آمریکا به سیاست چندجانبه‌گرایی و نقش سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی باورمند بود. همچنان، این نکته در متن برجام هم تذکر یافته است که این توافق به‌منظور برقراری صلح و ثبات بین‌المللی امضاء می‌شود (زرگران، ۱۳۹۹، ص. ۱۸۱).

در نوامبر ۲۰۱۳، یک معاهده موقت توسط دو طرف به امضاء رسید. این توافقنامه تحت عنوان «طرح اقدام مشترک» برای شش ماه اعتبار داشت و قرار شد تا هم‌زمان طرفین ضمن اجرای مفاد قرارداد این توافقنامه برای توافق دائمی مذاکره کنند. بعد از مدت دو سال مذاکره رسمی فشرده بین ایران و گروه ۵+۱ که با توافق موقت ژنو (۲۰۱۳) آغاز شد، سند برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) به دنبال تفاهم هسته‌ای لوزان در سه‌شنبه ۲۳ تیر ۱۳۹۴ در ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ در وین اتریش منعقد و برای الزام‌آور شدن آن شورای امنیت سازمان ملل با صدور قطعنامه مشهور ۲۲۳۱، رسماً از این توافق حمایت و پشتیبانی کرد. برجام یک توافق تاریخی و استثنائی بود که «نقطه عطفی» در تعاملات و مناسبات دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران در ابعاد مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی شده است (کبیری و زنگنه، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۰).

درواقع، برجام این پتانسیل را دارد که پیچ‌گذار از مرحله‌ای به مرحله دیگر باشد؛ یعنی به‌عنوان یک نردبان بتولند کاروان سیاست جهانی را به مرحله دیگر عبور دهد. به معنای دقیق‌تر، برجام به‌مثابه یک ترازوی بین‌المللی بود؛ تا جمهوری اسلامی و قدرت‌های هژمون غرب یک‌بار دیگر از آن، به‌عنوان یک سنج‌ای سیاسی — حقوقی در سطح بین‌الملل استفاده کنند. جمهوری اسلامی ایران در ماه‌های پایانی دوره ریاست جمهوری اوباما، با انجام مذاکرات و گفت‌وگوهای متعدد تلاش کرد تا طرف‌های غربی متعهد برجام را نسبت به برخی اقدامات و کنش‌های طرف آمریکایی و اتحادیه اروپا که در تعارض و تقابل با حسن نیت در اجرای تعهدات بین‌المللی برجام بود آگاه سازد؛ اما ورود دونالد ترامپ و تیم همراهش در کاخ سفید، سیاست

کاخ سفید را متحول کرد و در رابطه به پرونده هسته‌ای ایران و فضائی پسابرجام، کاملاً به شکل دیگری نمود پیدا کرد (اخوان، یزدانی و امیدی، ۱۳۹۷، ص. ۲۱۷-۲۱۸).

پس گفته می‌توانیم که معاهده برجام یک معاهده الزام‌آور بین‌المللی است؛ چون از طرف یک‌نهاد بین‌المللی یعنی سازمان ملل متحد مورد تأیید قرار گرفته و قطعنامه ۲۲۳۱ برای اجرایی شدن آن صادر گردیده است. توافقنامه برجام که بین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۵+۱ به امضاء رسید، خط مشترک بین غرب و جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

۲. اهداف و دلایل خروج امریکا از برجام

روابط سیاسی ایران و امریکا از پیچیده‌ترین نوع روابط سیاسی تاریخ حکومت‌هاست. طوری که دو کشور خصمانه‌ترین و پرچالش‌ترین مناسبات تاریخ معاصر را از سر گذرانده که این معضل به شکل‌گیری طیف وسیعی از بی‌اعتمادی بین آن‌ها منجر شده است (امیری و صالحی خناز، ۱۳۹۶، ص. ۴۴).

ایالات متحده امریکا، بعد از سال‌ها رقابت و تضاد تئوریک و استراتژیک با جمهوری اسلامی ایران، به همراه شرکای بین‌المللی خود اقدام به امضای توافقنامه برجام با جمهوری اسلامی کرد و از این مجرا خواست هر دو کشور امکان اعتمادسازی و تعامل باهم دیگر را محک بزنند. امریکا یکی از طرف‌های مهم و تأثیرگذار در میز مذاکرات برجام بود که با خروج خود از این توافق تمام تعهدات برجامی را نقض و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل را که برای اجرایی شدن برجام صادر شده بود، نیز نادیده گرفت و خروج خود را در اوایل سال ۲۰۱۸ م اعلام کرد.

ترامپ نه تنها به خاطر منافع امریکا، حتی به خاطر منافع فردی و حزبی بنای ناسازگاری با برجام داشت. برجام به دلایل زیر برای ترامپ و تیم همراهش ناخوشایند بود:

۱. برجام میراث و ته مانده تنفرآمیز از حکومت اوباما بود که باید رد می‌شد.
۲. کادر کوچک، محافظه‌کار و کمک‌کننده به ستاد ترامپ، تمایل داشت که در مسیر منافع و مصالح حزب لیکود اسرائیل گام بردارد. این گروه جمهوری اسلامی را یک خطر و تهدید بالفعل برای اسرائیل می‌داند و نمی‌خواهد نقش و موقعیت ژاندارمی اسرائیل به خطر مواجه شود.

۳. عده‌ای از هواداران ترامپ شاید به خاطر حفظ شهرت و منزلت خود تحت عنوان تحلیل‌گران سخت‌بین، عادتاً بیان می‌کردند که برجام بد است.

۴. منتقدین برجام می‌گفتند که یک قرارداد که جمهوری اسلامی ایران را دائم از غنی‌سازی اورانیوم بازدارد و بازرسی بدون محدودیت را از هرجایی در ایران اجازه دهد، توسط یک دولت قوی‌تر قابل مذاکره و گفت‌وگو است (رنجبر و سوری، ۱۳۹۹، ص. ۱۱۷۴).

بناء دلیل اصلی خروج آمریکا از برجام این است که ایران از غنی‌سازی اورانیوم دست برنداشت و برخلاف قول و قرار خود به غنی‌سازی اورانیوم ادامه داد. حتی زمانی که از طرف سازمان ملل نماینده برای بررسی موضوع به ایران آمد، متوجه شد که ایران از غنی‌سازی اورانیوم دست برنداشته است.

پس از روی کار آمدن دونالد ترامپ، در سال ۲۰۱۶ میلادی و قدرت گرفتن جمهوری خواهان در مجلس سنا، دولت آمریکا سیاست‌های جدیدی را در چارچوب راهبرد «رئالیسم تهاجمی» و «فشار حداکثری» بر ایران در پیش گرفت. هسته سیاست خارجی دولت آمریکا در دوره مذکور، به‌خصوص با روی کار آمدن مایک پمپئو، وزیر خارجه پیشین ایالات متحده، خروج از برجام، افزایش تحریم‌های اقتصادی و ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای علیه ایران بود؛ که این موضوع، پس از خروج آمریکا از برجام، در بهار ۱۳۹۷، عملاً به مرحله اجرا رسید (رهبر و گل‌شاهی، ۱۴۰۰، ص. ۱۱۲).

بنابراین، گفته می‌توانیم که خروج ایالات متحده آمریکا از مذاکرات برجام روی اهداف زیر استوار است:

۱.۲. تغییر در سیاست‌های منطقه‌ای

معاهده برجام که در زمان ریاست جمهوری باراک اوباما به امضاء رسید؛ با ورود دونالد ترامپ و تیم همراهش به کاخ سفید، تمام معادلات درون برجامی مختل و نقش بر آب گردید. ترامپ سرانجام در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ (۸ مه ۲۰۱۸) از برجام خارج شد. همه سعی حلقه ترامپ این بود که رویکرد خود را در قبال ایران پایدار و جای‌گیر کند. آنان به دنبال دفن برجام در دل تحریم‌ها به صورتی بودند که هیچ‌کس نتواند آن را احیاء کند. با این کار می‌خواستند سیاست منطقه‌ای را تغییر دهند (پرتو، ۱۳۹۷، ص. ۲۲۱).

آمریکا به این نکته باورمند است که خروج از برجام پتانسیل لازم برای فشار حداکثری بر ایران مبنی بر تغییر رفتار را فراهم نموده و این کار را دست‌آورد بزرگ برای خود می‌داند. لذا، تقلا دارد با ایران هراسی، ضمن قرار دادن در موضع چانه‌زنی و در تنگنا قرار دادن جمهوری اسلامی در شرایط ضعف و بسترسازی برای کاستن نقش و نفوذ ایران در محیط منطقه‌ای، عرصه را به جمهوری اسلامی تنگ و از مجرای نقض برجام تمام درها را به روی جمهوری

اسلامی ببندد. در این راستا، دولت ترامپ تلاش می‌نماید؛ تا برای تغییر نظام مدیریت جهان و تبدیل آن به نظام تک‌قطبی، الگوی امریکایی هژمونی غرب را مجدداً احیاء و پیاده‌سازی کند. ترامپ، با فکر خروج از برجام به انتخابات شرکت نموده و بعد از پیروز شدن در انتخابات خیلی راحت با نادیده گرفتن سازمان ملل از برجام خارج شد و آن را یک فاجعه خواند. ترامپ، از فضای سیاسی که در دوره باراک اوباما در منطقه حاکم شده بود سخت ناراحت شده و با خروجش از برجام تصمیم داشت؛ ایران را به قبل از برجام بازگرداند و مسیر سیاست منطقه‌ای را می‌خواست تغییر بدهد که البته تا جای موفق هم بود. دولت امریکا معتقد بود که توافقنامه برجام نتوانست توانمندی‌های موشکی ایران را محصور نماید؛ بلکه در دوران پس از برجام قدرت موشکی ایران به‌طور چشم‌گیری نیز افزایش یافت. دولت امریکا این چشم‌انداز را بعد از برجام ترسیم می‌کرد که ایران به‌طور کلی در منطقه محدود و مهار شود؛ بنابراین، به‌منظور کاهش آتوریت منطقه‌ای، نظامی و موشکی بازدارنده ایران، به‌کرات تلاش نمود تا ذیل مفاد قطعنامه ۲۲۳۱، برنامه موشکی ایران را هم‌جهت با توسعه ظرفیت‌های حمل کلاهک هسته‌ای جلوه داده و مرتبط نماید (افتخاری و خسراتی، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۳-۱۲۴).

۲.۲. امتیازگیری امریکا از ایران

بدون شک، ایالات متحده امریکا با برهم زدن برجام و خروج از آن به دنبال امتیازگیری از جمهوری اسلامی ایران است. دولت امریکا در تقابل با ایران از تمام توان و از تمام تاکتیک‌های لازم برای بازداشتن ایران و از تبدیل شدن آن به یک قدرت هژمون بین‌المللی استفاده می‌کند. ایالات متحده امریکا با نقض برجام و ناکارآمد خواندن آن، می‌خواهد یکبار دیگر ایران را به پای میز مذاکره کشانده و تعهدات و امتیازات بیش‌تری را از آن خود کند.

از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون همواره بی‌اعتمادی در مناسبات جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا وجود داشته است و طیف وسیعی از اقدامات قهرآمیز را می‌توان در روابط هردو کشور مشاهده نمود. مقامات سیاسی جمهوری اسلامی بر این باوراند که امریکا غیرقابل‌اعتماد است و نمی‌تواند با آن تعامل کند (بیات، ۱۴۰۱، ص. ۳۸). بنابراین، می‌توان این نتیجه را گرفت که امریکا و جمهوری اسلامی ایران باوجود چنین پیشینه پرماجرا و تنش آلود، خیلی راحت و آسان به همدیگر اعتماد نمی‌کنند. این موضوع را می‌توان در خروج ایالات متحده امریکا از برجام ملاحظه نمود که باهدف امتیازگیری وادار کردن جمهوری اسلامی به بعضی اقدامات و قبول تعهدات بیش‌تر توافق برجام را نقض کرد.

۳.۲. مهار و کنترل ایران

ایالات متحده امریکا با ایجاد آسیب‌پذیری و کاهش اتوریته داخلی و خارجی ایران، می‌خواهد جمهوری اسلامی را از طریق سازوکار فشار و تحریم‌های شدید اقتصادی زمین‌گیر نماید. محور سیاست خارجی امریکا را سلطه و اقتدار جهانی امریکا تشکیل می‌دهد و هر قدرتی که بخواهد این سلطه جهانی ایالات متحده را به چالش بکشد، دولت امریکا آن قدرت را از هر لحاظ مورد هجوم و صدمه قرار خواهد داد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، موضوع هسته‌ای شدن ایران برای مقامات کاخ سفید یک کلاف بزرگی بوده و در دکترین سیاست خارجی امریکا این موضوع تعریف نا شده است و همواره دولت امریکا با ترس از دست یافتن ایران به فناوری هسته‌ای، تحریم‌های سنگین اقتصادی را وضع کرده است. از این مجرا می‌خواهد جمهوری اسلامی را در منجلاب بحران اقتصادی بیندازد تا آن را از هر لحاظ مهار نماید. محاصره اقتصادی خودسرانه یک‌جانبه ایالات متحده و تحریم‌های مالی علیه ایران و سایر دولت‌ها، توانایی آن‌ها در توسعه اقتصاد و بهبود معیشت را تحت تأثیر قرار داده و بر حقوق اساسی انسانی و غیرنظامیان بی‌گناه، از جمله زنان، کودکان، افراد مسن و معلولان تأثیر می‌گذارد (بشیر و شیخ، ۱۳۹۹، ص. ۱۳).

امریکا بعد از خروج از توافق برجام در مدار سیاستی موسوم به «فشار حداکثری»، به اقدامات و موضع‌گیری‌های تحریک‌آمیز؛ مانند درج نمودن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در زمره سازمان‌های تروریستی، اعزام یک ناوگروه، چند بمبافکن بی — ۵۲ و چند جنگنده اف — ۲۲ به منطقه و تحریم وزیر امور خارجه ایران مبادرت ورزید. ایران در پاسخ به این اقدام واشنگتن یک سال «صبر راهبردی» را در دستور کار سیاست خارجی خود قرارداد و به دیگر بازیگران توافق هسته‌ای به‌ویژه قدرت‌های اروپایی که وعده و قول جبران خروج امریکا را می‌دادند، مهلت داد تا به تعهدات و تکالیف خود ذیل توافق هسته‌ای عمل کنند (فدایی، عسگرخانی و مرادی، ۱۴۰۰، ص. ۱۲۶).

دونالد ترامپ، با توسل به حمله مستقیم، تهدید به توقف قدرت روزافزون ایران، تهدید به توقف قدرت موشکی ایران و بیان بعضی ادبیات خشن و تهدیدآمیز از طریق شبکه اجتماعی توئیتر، می‌خواست جمهوری اسلامی را دور بزند و علاوه بر خروج از توافق برجام با جنگ توئیتری و رسانه‌ای خود جمهوری اسلامی را مهار نماید (سعید زاده، گودرزی و تقی‌پور، ۱۴۰۰، ص. ۲۳۶).

ایران از دیدگاه دولتمردان آمریکایی، رهبر اسلام انقلابی در جهان است. در مورد ایران هسته‌ای، دولت آمریکا با اعمال سیاست‌های ایران‌هراسی درصدد بازدارندگی و مهار آن کشور است، در خلال سه دهه گذشته سیاست خارجی آمریکا شامل اعمال فشار، تهدید نظامی و تحریم علیه ایران، دچار تحول عمده‌ای نسبت به آن کشور نشده است و این دولت تلاش دارد همواره با ابزار فشار و تحمیل زور با ایران رویارویی کند. دلیل این ادعا متن استراتژی جدید و جامع دولت جدید آمریکا علیه ایران است که در اکتبر ۲۰۱۷ منتشر گردید. در این استراتژی، خنثی‌سازی نفوذ و حضور ایران در منطقه به‌عنوان از اهداف مطرح گردیده است (افتخاری و خسراتی، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۲).

۳. پیامدهای خروج آمریکا از برجام بر روابط ایران و غرب

پیامدها و تأثیرات خروج دولت آمریکا از برجام بسیار زیاد است که ذکر تمام آن از حوصله و ظرفیت بحث خارج است. بنابراین، در بحث حاضر چند مورد از پیامدهای خروج آمریکا از توافقنامه برجام را به معرفی خواهیم گرفت و در حول آن یک سلسله بررسی‌ها را انجام خواهیم داد.

۱.۳. نقض برجام، مقدمه درگیری‌های نظامی ایران و آمریکا

از آنجایی که درگیری نظامی و تنش‌های سیاسی بین ایران و آمریکا، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، موضوع تازه و خیلی عجیب نبود، ولی نقض برجام توسط آمریکا و بازگشت تمام تحریم‌های شدید علیه ایران یک جرقه بسیار بزرگ برای شعله‌ور شدن آتش درگیری‌های منطقه‌ای بین این دو کنشگر مهم بین‌المللی گردید. با ورود دونالد ترامپ به کاخ سفید، تمام سیاست‌های بازدارنده آمریکا شدیدتر از قبل فعال شد و خون تازه در رگ‌های دولت آمریکا جریان یافت. ترامپ با پیگیری سیاست زورمدارانه خود؛ تمام زمینه‌های تعامل با ایران را به تقابل و اعتماد نسبی را به بی‌اعتمادی مبدل ساخت.

با نقض برجام، دیوار بلند بی‌اعتمادی میان تهران و واشنگتن، خیلی بلندتر از قبل بنا شد و خروج ایالات متحده، همچون زهر هلاهل کودک نوپای اعتماد بین هردو کشور را از بین برد و فضای سیاسی تهران و واشنگتن را خیلی اختناق‌آور تر از قبل نمود. افزون بر این تنش‌های ساختاری میان جمهوری اسلامی و ایالات متحده در دوره ترامپ به‌گونه‌ای افزایش یافت که دو کشور تا آستانه جنگ پیش رفتند. آمریکا مهم‌ترین نیروی نظامی ایران را تروریستی اعلام کرد. واکنش‌های تهران به این اقدامات، خلیج‌فارس را در آستانه جنگ جدید قرارداد. در این

بازه زمانی مبارزه با هژمونی طلبی ایران پیوسته در مناظرات سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا تکرار شده است (شریعتی‌نیا، ۱۳۹۹، ص. ۱۰۷-۱۰۸).

بنابراین، می‌توان از مطلب بالا چنین نتیجه گرفت که یکی از پیامدها و پس‌لرزه‌های خروج آمریکا از برجام، شروع دوباره تنش‌ها تا به سطح درگیری نظامی در منطقه است. کشته شدن قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس در خاک عراق و بالمقابل، شلیک چندین موشک سنگین بر مواضع آمریکا در عراق بر این ادعا گواهی می‌دهد. هم‌چنان شلیک چند موشک از طرف ایران در سال ۲۰۲۳ م، بر خاک اسرائیل که یکی از متحدان اصلی آمریکا است، همه این وقایعات را می‌توان در پیوند به همین موضوع یادآور شد.

۲.۳. تغییر سیاست اتحادیه اروپا در قبال ایران

اتحادیه اروپا، نسبت به برجام نگاه مدیریتی داشته و می‌خواهد از طریق برجام جمهوری اسلامی را مدیریت کند. اتحادیه اروپا با اقدام دونالد ترامپ موافق نبود و این اقدام دولت آمریکا را مبارزه با نظم جهانی می‌دانست؛ اما پس از خروج آمریکا از برجام و بازگشت رویکرد خصمانه این کشور و در روبه‌روی آن نیز رفتار متقابل ایران نسبت به تحریم‌های شدید و گسترده، عملاً اروپا به جهت جایگاه ساختاری و سیاسی به‌شدت وابسته به آمریکا به حالت قبل از توافق بازگشت؛ اما با این حال کماکان یک بخش مهمی از مقامات اتحادیه اروپا تلاش کردند که تا پایان دوره دونالد ترامپ در آمریکا با رایزنی، فشار و پافشاری بر حفظ منافع اروپا تا حدودی موجب برهم نخوردن و اساساً حفظ این توافق و دست‌آورد مهم گردید.

شورای راهبردی روابط خارجی اتحادیه اروپا، پس از توافق و حتی بعد از خروج دولت آمریکا از برجام در زمان ترامپ همواره بر شکل‌گیری و حفظ توافق تأکید نموده است، شورای روابط خارجی اتحادیه اروپا به‌صراحت عنوان کرده است. ترامپ نبردهایی را بانظم جهانی آغاز کرده است که اعلام خروج از توافق آب و هوایی پاریس، حمله به مقررات حل‌وفصل مناقشه در سازمان تجارت جهانی و برخورد فرسایشی با توافق هسته‌ای ایران از جمله این نبردها هستند. این شورا در دستور کار خود این موضوع را کاملاً روشن نموده که در مجموع، محافظت از برجام و مدیریت رابطه‌ای تازه با ایران، بهترین استراتژی برای اروپا است (عبادی، طباطبایی‌پناه و سلطانی، ۱۴۰۱، ص. ۸۴).

جواد ظریف، وزیر امور خارجه پیشین ایران در یکی از توییت‌هایش چنین ابراز می‌دارد: آمار روابط تجاری ایران و اروپا در سال‌های ۲۰۱۹ — ۲۰۱۴ ثابت می‌کند که اتحادیه و سه کشور اروپایی عضو برجام به‌صورت جدی تعهدات برجامی خود را نقض کرده‌اند؛ سه کشور اروپایی

عضو برجام، در آسیب جدی که به ایرانیان وارد شده، شریک ایالات متحده هستند (بشیر و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۸).

آلیشیا گارسیا هررو، عضو ارشد اندیشکده بروگل اروپا، در زمان امضای توافقنامه برجام در یک مقاله‌ای در سال ۲۰۱۵، در تایمز به پتانسیل‌های گسترده جمهوری اسلامی ایران برای توسعه و گسترش فعالیت‌های اقتصادی اشاره کرد: «اگر اروپا در ایران سرمایه‌گذاری نکند، پکن این اقدام را خواهد کرد و اروپایی‌ها برای نقش‌آفرینی، باید از نظر سیاسی اعتماد ایران را جلب کند». اروپا دارای فناوری است که ایران برای بازسازی زیربناهایش به آن نیاز دارد؛ اما مشکل اعتماد نیز وجود دارد (عبادی، طباطبایی پناه و سلطانی، ۱۴۰۱، ص. ۸۴-۸۵).

همان‌گونه که اروپا با سیاست‌های خارجی دولت آمریکا، رقابت اروپایی‌ها را با چین و روسیه در ایران دشوار می‌کند و از تمام جهات کار را به اتحادیه اروپا مشکل می‌سازد. این مقام اتحادیه اروپا، این مطلب را هم اضافه نمود که اگر اروپا درصدد کسب سهمی از بازار بزرگ ایران است، باید سریعاً یک استراتژی را برای اعتمادسازی با ایران دنبال نماید، اروپایی‌ها، با این رویکرد باورمندند که فقط با حفظ برجام می‌توان به نگرانی‌های منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای مرتبط با ایران رسیدگی کرد و به آن نظارت و کنترل داشت. درعین حال حفظ برجام از جنگ و تقابل نظامی در منطقه خاورمیانه جلوگیری می‌کند و می‌توان منافع گسترده مالی و اقتصادی را برای کشورهای عضو آن به ارمغان می‌آورد (عبادی، طباطبایی پناه و سلطانی، ۱۴۰۱، ص. ۹۸).

نتیجه‌گیری

توافق برجام، در یک برهه زمانی در واقع، یک محکمی بود تا جمهوری اسلامی و قدرت‌های هژمون جهان غرب میزان اعتماد خویش را در حوزه هسته‌ای ارزیابی نمایند. توافق برجام، موقتاً یک پنجره را برای تعامل و نزدیکی ایران و غرب خاصاً آمریکا گشوده بود؛ اما با خروج ایالات متحده از برجام و بعد از آن تا به امروز، هزاران دیوار بی‌اعتمادی را بین جمهوری اسلامی و غرب ایجاد کرده است. البته، این موضوع لازم به یادآوری است که بی‌اعتمادی و سوء نیت بین جمهوری اسلامی و غرب خاصاً آمریکا موضوع تازه و نو پیدا نیست؛ اما بعد از نقض برجام، طیفی وسیعی از بی‌اعتمادی‌ها و چالش‌ها صریح‌تر از قبل نمایان گردید. سیاست‌های تهاجمی و زورملبنه ترامپ، به یکبارگی نظم جهانی را برهم زد و تمام معادلات دور برجام را مختل نمود. استراتژی غرب به‌ویژه آمریکا، در قبال جمهوری اسلامی این است که اولاً، با افزایش فشارها ایران را منزوی کند و ثانیاً، در صورتی که استراتژی انزوای ایران کارگر و مفید

واقع نگردد کشور متذکره در یک تنگنا قرار گیرد تا باحالت تضرع و زاری به پای میز مذاکره حاضر شود و خواسته‌های غرب را بپذیرد؛ اما با توجه به سیاست غرب‌ستیزانه جمهوری اسلامی، تحقق یافتن این استراتژی خوش‌خیالی است. قدرت‌های غربی، در شرایط حاضر تمام توان خود را در جنگ اکراین و روسیه، ترکیز داده اند و در تقلاي آن‌اند تا حمله نظامی روسیه را از طریق اکراین، پاسخ لازم دهند. درواقع، در یک تعبیر می‌توان گفت، یک بخش از روابط ایران و غرب، متأثر از جنگ روسیه و اکراین است که مذاکرات احیاء برجام را تحت‌الشعاع خود قرار داده است.

حالا، از منظر ایران، توافق ۲۰۱۵ یا همان برجام یک کلک و یک پروپاگند بود که آمریکا با بسیار هوشمندی آن را آماده نموده و به‌آسانی از آن خارج شد. به همین اساس، جمهوری اسلامی سند قبلی را رد نموده و خواستار ازسرگیری مذاکرات بر اساس سند ژوئن ۲۰۲۱ شده است. توافق برجام ۱، تنها سوغات را که برای ایران و غرب با خود به همراه داشته است، افزایش مجدد بی‌اعتمادی‌ها است. مذاکرات احیاء برجام یا همان مذاکرات برجام ۲، بنا دارد یک توافق مرده را دوباره زنده کند و به عادی‌سازی روابط اقدام نماید. افق آینده روابط ایران و غرب به‌ویژه آمریکا را غبار ابهام و سردرگمی فراگرفته است و کماکان در گرو باز شدن کلاف برجام است. کلاف برجام، به‌آسانی باز نخواهد شد الا این‌که توجه بین‌المللی از جنگ روسیه و اوکراین به‌طرف مذاکرات احیاء برجام متمایل شوند. از بین سناریوهای چندگانه، در مورد روابط ایران و غرب و در رأس آمریکا، می‌توان خیلی کلی، دو سناریو را از آن استخراج کرد؛ سناریوی اول، امضای برجام ۲ و سناریوی دوم، لغو برجام و تداوم مناقشه هسته‌ای تا رویارویی مستقیم نظامی ایران و آمریکا که تا به امروز از درگیری مستقیم پرهیز کرده است.

هدف این تحقیق بررسی خروج ایالات متحده آمریکا از مذاکرات برجام و پیامدهای آن بر روابط ایران و غرب می‌باشد. در این تحقیق، مشخص شد که ایالات متحده آمریکا نقش اصلی و کلیدی را در توافق برجام داشته است. روابط جمهوری اسلامی ایران و قدرت‌های هژمون غرب به‌ویژه آمریکا، به‌طور خاص از مسئله هسته‌ای و به‌طور عام از مسائل دیگر که از مدت‌ها پیش، بین آن‌ها وجود داشت، متأثر است. طیفی وسیعی از عقده‌های سیاسی و کینه‌های قبلی، خیلی به شکل صریح و عریان، در قالب مسئله هسته‌ای نمایان گردیده است.

بنابراین، نتایج تحقیق می‌رساند که ایالات متحده آمریکا به زعامت دونالد ترامپ از برجام خارج شد، آغازگر فصل جدیدی از تنش‌ها و جبهه‌بندی‌های نظامی و سیاسی به‌طور عام بین ایران و غرب و به‌طور خاص بین تهران و واشنگتن گردید. ایالات متحده آمریکا، با این اقدام

زورملبنه خود درواقع؛ لندک اعتبار و اعتمادی را که در اثر توافق برجام، بین ایران و قدرت‌های غربی در حوزه مسائل هسته‌ای به وجود آمده بود، همان اندک اعتماد را نیز نقش‌برآب کرد و دیوار بی‌اعتمادی را ضخیم‌تر و بلندتر از قبل بنا کرد. در کوتاه‌ترین سخن، می‌توان گفت که خروج ایالات متحده از برجام و بازگشت تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران، یک شوک بسیار عظیم و تکان‌دهنده بود که تمام معادلات و مناسبات درون برجامی را به هم ریخت. ایران و امریکا، وارد درگیری نظامی در منطقه گردید و به دستور ترامپ، یکی از فرماندهان مهمی نظامی ایران، قاسم سلیمانی در عراق کشته شد. همچنان، در امتداد این تنش‌ها و چالش‌ها، جمهوری اسلامی در محاصره شدید اقتصادی و سیاسی قرار گرفت. رقبای ایالات متحده، نزدیکی‌شان را در جنگ اوکراین و روسیه و یا موضوع چین و تایوان، نمایان کردند. اتحادیه اروپا هم در این میان جایش خالی نبوده و بعد از نقض برجام توسط امریکا، فوراً به سیاست قبل از برجام، در قبال جمهوری اسلامی روی آورده و علاوه بر انتقاد به خروج امریکا از برجام، بازهم به دلیل وابستگی‌های سیاسی به امریکا، همسویی و همنوایی خود را با ایالات متحده امریکا ابراز نمود.

بناء جمهوری اسلامی ایران و غرب به‌خصوص امریکا، بر سر یک دوراهی بسیار سرنوشت‌ساز قرار دارند و دو گزینه اساسی را پیشرو دارند؛ یکی توافق و تعامل در حوزه هسته‌ای و دیگری، همان باقی ماندن در ابهام هسته‌ای و یا لغو برجام و تداوم تقابل و درگیری‌های نیابتی و غیرمستقیم در منطقه، اگر هردو طرف، یعنی ایران و ایالات متحده انعطاف نشان ندهند، در آینده‌نچندان دور تشدید یافتن درگیری‌های نظامی بعید نخواهد بود. حالا؛ درگیری نظامی ممکن است خیلی به شکل عربان و مستقیم رخ ندهد، ولی به اشکال دیگر و به‌طور غیرمستقیم در موضوع فلسطین، اسرائیل، سوریه و عراق و... نمایان می‌شود. چنانچه، امروزه ایران و ایالات متحده امریکا، در درگیری بین فلسطین و اسرائیل باهم تزاخم دارند و در صورت بالا رفتن درگیری‌ها، ایران و امریکا به یک بحران جدی‌تر از قبل مواجه خواهد شد. به‌طورکلی، می‌توان گفت که بعد از خروج ایالات متحده از برجام، حمله نظامی روسیه به اوکراین، بالا رفتن تنش‌ها بین چین و تایوان، کشته شدن قاسم سلیمانی در خاک عراق به دستور ترامپ و اخیراً درگیری مجدد فلسطین و اسرائیل؛ همه این‌ها ازجمله موانع بزرگ و اساسی برای احیاء برجام است. به اساس موانع متذکره، آینده روابط ایران و غرب بسیار تنش‌آلودتر از امروز می‌باشند. آینده روابط ایران و غرب به‌خصوص امریکا، متأثر از دو موضوع است، یکی مسأله هسته‌ای و دیگری مباحث حقوق بشری، این دو مسأله تمام آینده ایران و غرب را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. با وجود اینکه تحقیق کنونی، بعضی سناریوها را در خصوص آینده روابط ایران و غرب به‌ویژه

امریکا، بیان نموده است. اما ممکن بعضی مسایل و موضوعات از دید نویسنده باقی مانده باشد. بنابر پیشنهاد می گردد که در این رابطه تحقیقات بیشتری صورت گیرد تا آثار و تبعات آن بر جهان روشن شود و مذاکرات هسته‌ای به منزلگاه اصلی خود برسد و از حالت ابهام خارج گردد.

منابع و مآخذ

- اخوان، بهار؛ یزدانی، عنایت‌الله و امید، علی. (۱۳۹۷). *راهبرد سیاست خارجی ترامپ در قبال پرونده هسته‌ای ایران*. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۸، (۲۸)، ص ۲۲۶ - ۲۰۱.
- اسلامی، محسن، نقدی، فرزانه. (۱۳۹۵). *انبار تحریم و سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران*. فصلنامه روابط خارجی، دوره ۸، (۴)، ص ۷۱ - ۳۷.
- افتخاری، اصغر و خیراتی، عباس. (۱۳۹۸). *راهبردهای پس‌ابرجامی آمریکا علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*. فصلنامه امنیت ملی، دوره ۹، (۳۳)، ص ۱۴۰ - ۱۱۳.
- امیری، رضا اختیاری و صالحی خناز، محبوبه. (۱۳۹۶). *بررسی علل و زمینه‌های گسترش روابط ایران و چین در عصر پس‌ابرجام*. دو فصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل، دوره ۱، (۱)، ص ۳۳ - ۵۱.
- بشیر، حسن و شیخ، زهرا. (۱۳۹۹). *تحلیل گفتمان متن توثیق‌های وزرای امور خارجه ایران و کشورهای گروه ۱+۵ در باره برجام*. دو فصلنامه علمی‌نامه فرهنگ و ارتباطات، دوره ۵، (۱)، ص ۳۴ - ۱.
- بنی‌هاشمی، سید علی؛ حیدر پور، ماشاءالله و کیانی، داود. (۱۴۰۱). *برجام و استمرار رویکردهای متعارض جمهوری اسلامی ایران و آمریکا*. فصلنامه علمی سیاست جهانی، دوره ۱۱، (۲)، ص ۲۹۵ - ۲۶۹.
- بیات، سامان. (۱۴۰۱). *خروج ایالات متحده آمریکا از برجام و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران*. مجله بین‌المللی پژوهش ملل، دوره ۷، (۷۷).
- پرتو، امین. (۱۳۹۷). *راهبرد کلان آمریکا در دوره ترامپ: درس‌های برای ایران*. فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره (۸۱).
- پیر سلامی، فریبرز ارغوانی و حسنونند، مظفر. (۱۳۹۶). *برجام به مثابه توافق بین‌المللی: کاوشی در ماهیت و ضمانت اجرا*. پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۱۲، (۴)، ص ۳۸ - ۷.
- دهشیری، محمدرضا و میرکاظمی، سید مهدی. (۱۳۹۹). *سناریوهای پیشروی جمهوری اسلامی ایران در قبال برجام بعد از خروج ایالات متحده آمریکا*. دو فصلنامه آینده پژوهی ایران، دوره ۵، (۱)، ص ۱۶۳ - ۱۸۷.

رنجبر، قاسم و سوری، حسین. (۱۳۹۹). خروج آمریکا از برجام و تأثیر آن بر نظم امنیتی جهانی. فصلنامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره ۳، (۲)، ص ۱۱۶۶ - ۱۱۸۵.

رهبر، عباسعلی و گل شاهی، محمدمهدی. (۱۴۰۰). بایسته‌های دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در چارچوب سیاست موازنه قوا در دوران پسابرجام. فصلنامه علمی وسایل ارتباط جمعی - رسانه، دوره ۳۳، (۳)، ص ۱۱۱ - ۱۳۲.

زرگران، مرتضی نعمتی. (۱۳۹۹). خروج ترامپ از برجام و ناکارآمدی شورای امنیت سازمان ملل. فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۱۳، (۵۲)، ص ۱۷۵ - ۲۰۳.

سپهری، یدالله و همکاران. (۱۳۹۸). پیامدهای تقابل ایران و آمریکا. فصلنامه «پژوهش‌های انقلاب اسلامی» انجمن علمی انقلاب اسلامی ایران، دوره ۸، (۲۹)، ص ۱۱۹ - ۱۳۶.

سعیدزاده، سهیر؛ گودرزی، مهناز و تقی پور، فائزه. (۱۴۰۰). تحلیل مضمون توثیقات ترامپ درباره برجام به‌منظور ارائه الگوی دیپلماسی توثیگری ترامپ. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۱۱، (۴۳)، ص ۲۱۳ - ۲۳۹.

شریعتی نیا، محسن. (۱۳۹۹). روابط ایران و چین؛ گذار از مثلث رمانتیک به پیوند پایدار. فصلنامه دریافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۱، (۳)، ص ۹۵ - ۱۱۴.

شیرازی، حبیب‌الله و زارعی، غفار. (۱۳۸۹). آمریکا و پرونده هسته‌ای ایران. دانشنامه، ص ۱۰۵ - ۱۲۱.

عبادی، سجاد؛ طباطبایی پناه، سید علی و سلطانی، علی‌رضا. (۱۴۰۱). نقش متغیرهای عمومی در فرایند تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری خارجی اتحادیه اروپا نسبت به برجام. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۱۲، (۳)، ص ۷۱ - ۱۰۰.

فدایی، فریبا؛ عسگرخانی، ابو محمد و مرادی، مریم. (۱۴۰۰). پابندی ایران به تعهدات بین‌المللی در برجام و اقدامات منجر به کاهش تعهدات. فصلنامه علمی مطالعات بین‌المللی پلیس، دوره ۱۲، (۴۵)، ص ۱۰۹ - ۱۳۳.

کبیری، زهره و زنگنه، زهرا. (۱۳۹۸). نقش عربستان سعودی در خروج آمریکا از توافق هسته‌ای برجام. مجله بین‌المللی پژوهش ملل، دوره ۴، (۴۶).

متقی‌نژاد، محمد. (۱۳۸۴). تحریم ایران: تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه. مرادی، جهان‌بخش و یعقوبی منفرد، یوسف. (۱۴۰۱). استراتژی امنیتی آمریکا در خاورمیانه بعد از خروج از برجام. نشریه علمی مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۱۹، (۶۸)، ص ۱۱۱ - ۱۳۰.

بررسی نقش و کارکرد استعاره در شعر صادق عسیان (با تکیه به فراخوان صد غزل)

عبدالمتین متین

پوهنیار، دیپارتمنت زبان و ادبیات فارسی دری، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون جوزجان، شبرغان، افغانستان.

<https://orcid.org/0009-0006-4316-2722> - matin97052@gmail.com

<https://doi.org/10.69892/jawzjanaan.2024.51>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸)

چکیده

استعاره به عنوان یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین آرایه‌های ادبی، نقشی کلیدی در غنی‌سازی زبان و انتقال مؤثر مفاهیم در ادبیات، به‌ویژه در شعر، ایفا می‌کند. پژوهش حاضر به بررسی دقیق و نظام‌مند جایگاه و کارکرد استعاره در اثر برجسته دفتر «فراخوان صد غزل» از استاد عسیان، شاعر پرآوازه معاصر بلخ، پرداخته است. مسأله محوری این پژوهش، تحلیل ساختار و نقش استعاره در بازتاب اندیشه‌ها و احساسات انسانی در اشعار عسیان می‌باشد. این مطالعه با کاربرد از روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و هدف آن شناختی جامع و عمیق از تأثیر و اهمیت استعاره در خلق مفاهیم شعری این اثر بوده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که صادق عسیان در «فراخوان صد غزل» با مهارتی بی‌بدیل از انواع گوناگون استعاره بهره جسته است. بررسی‌های دقیق نشان می‌دهد که ۷۱ مورد استعاره در این اثر شناسایی شده است، این استعاره‌ها شامل ۲۲ مورد استعاره مصرحه مجرده، ۱۱ مورد استعاره مصرحه مرشحه، ۶ مورد استعاره مصرحه مطلقه و ۳۲ مورد استعاره مکنیه است. این پژوهش نقش کلیدی استعاره در برجسته‌سازی عناصر معنایی و زیبایی‌شناختی اشعار عسیان را تأیید می‌کند و بر اهمیت آن به عنوان ابزاری توانمند در بیان ادبی تأکید دارد.

کلمات کلیدی: استعاره، اندیشه‌های اجتماعی، تشبیه، شعر، صادق عسیان.

An Analysis of the Role and Function of Metaphor in the Poetry of Sadegh Osyan (with Emphasis on the Call of A Hundred Ghazals)

Abdul Matin MATIN

Teaching Assistant, Department of Dari Language and Literature, Faculty of Education, Jawzjan University, Sheberghan, Afghanistan.

matin97052@gmail.com - <https://orcid.org/0009-0006-4316-2722>

<https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2024.51>

(Received: 27/01/2025 - Accepted: 08/03/2025)

Abstract

Metaphor, as one of the most important and prominent literary devices, plays a key role in enriching language and effectively conveying meanings in literature, especially in poetry. The present study offers a detailed and systematic examination of the place and function of metaphor in the prominent work The Call of a Hundred Ghazals by Master Osyan, a renowned contemporary poet from Balkh. The central issue of this research is the analysis of the structure and role of metaphor in reflecting human thoughts and emotions in Osyan's poetry. This study has been conducted using a descriptive-analytical method, aiming to provide a comprehensive and in-depth rhetorical analysis of the impact and significance of metaphor in shaping the poetic concepts of this work. The findings of the research indicate that Sadegh Osyan has skillfully employed a wide variety of metaphors in The Call of a Hundred Ghazals. Detailed analyses have revealed that 71 metaphors have been identified in this work, including 22 abstract explicit metaphors, 11 adorned explicit metaphors, 6 absolute explicit metaphors, and 32 implicit metaphors. This research confirms the key role of metaphor in highlighting the semantic and aesthetic elements of Osyan's poetry and emphasizes its importance as a powerful tool of literary expression.

Keywords: Contemporary Poetry, Metaphor, Social Thoughts, Sadegh Asyan, Simile.

مقدمه

استعاره، هم چون دفتری است که در آن کلمات به رقص می‌آیند و دنیای پنهان و نامرئی احساسات و مفاهیم را به نمایش می‌گذارند. این جادوی زبان با پیوند دادن دو چیز ناهمگون و به ظاهر بی‌ارتباط، تصویری نو و حیرت‌انگیز از جهان پیرامون می‌سازد؛ مانند: یک نقاش که با رنگ‌های مختلف روی بوم ذهن انسان، لایه‌های عمیق‌تری از حقیقت را به تصویر می‌کشد، استعاره قادر است مرزهای زمان و مکان را بشکند و احساسات پیچیده را با یک کلمه ساده به مخاطب منتقل کند. این ابزار هنری؛ هم‌چون چراغی در دل تاریکی، معنای پنهان و رازآلود را به روشنایی می‌آورد و مسیر درک و تفکر را برای ما هموارتر می‌سازد.

پس استعاره تشبیهی‌ست که به‌طور اختصار؛ چون وجه شبه و یکی از دو طرف تشبیه و ادات آن حذف شده است؛ مثلاً: رایت اسداً یرمی که در اصل «رَایتٌ رجلاً قویّاً کالاسد فی الشجاعه» بوده است (زاهدی، ۱۳۷۷، ص. ۲۵۸). بعضی‌ها گفته‌اند دلالت تشبیه وضعی؛ ولی دلالت استعاره دلالت عقلی است و از همین روی در حوزه مجاز قرار می‌گیرد و مهم‌ترین شاخه مجاز به‌شمار می‌رود. با این همه دقت‌ها و نکته‌هایی که در باب تمایز تشبیه و استعاره از یک‌دیگر گفته شده و در قرن چهارم می‌بینیم، قاضی جرجانی آن‌ها را از یک‌دیگر جدا کرده باز هم اختلاف در تشخیص یا نام‌گذاری هم‌چنان باقی مانده و در قرن هشتم هجری صاحب‌الطراز، فقط تشبیهی را تشبیه می‌داند که ادات در آن ذکر شده باشد و باز همان گیروداری است که در تعبیرات ارسطو می‌بینیم که مرز مشخصی میان استعاره و مجاز نمی‌گذاشت (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵، ص. ۱۰۹). در هر صورت، استعاره مبتنی بر کشف مشابَهت بوده و ذهن با کشف شباهت بین دو چیز است که می‌تواند استعاره را خلق کند. استعاره موجب صعود هنری سخن می‌شود. عنصرالمعالی می‌گوید: «اگر خواهی سخن تو عالی نماید. بیشتر مستعارگوی و استعارت بر ممکنات گوی...» (عنصرالمعالی، ۱۳۵۲، ص. ۱۸۹).

نقش استعاره در بررسی ویژگی‌های سبکی و میزان نوآوری یک شاعر بسیار حایز اهمیت است. نمایش خلاقیت و نوآوری و ایجاد زبان هنری خاص، بیش از هر چیزی با آفرینش استعاره‌های نو انجام‌پذیر است؛ هم‌چنان که تفکر و تخیل در شعر مانند گوشت و پوست، لازم و ملزوم یک‌دیگر بوده، یکی از مواردی که باعث ایجاد و خلق تخیل، تصویر و زیبایی می‌شود، همان استعاره است.

استاد عسّیان یکی از شاعران معاصر بلخ باستان است که فراخوان صد غزل از مجموعه‌های شعری مهم و برجسته وی محسوب می‌شود که فرهنگ و فرزاندگی شاعر را می‌نمایاند؛ بناءً لازم

و ضروری پنداشته می‌شود که در زمینه آرایه استعاره در اشعار او بررسی‌هایی صورت گیرد تا اشعار استاد بیشتر مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و همانا نیاز پنداشته می‌شود که دیگر اشخاص نویسنده و قلم بدست، دیگر اشعار، آثار و مجموعه‌های شعری عصیان را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد؛ هم‌چنان باید یاد آور شد که در این زمینه در اشعار صادق عصیان احادی کار نکرده است، به همین سبب پژوهش حاضر، با هدف و بررسی استعاره در اشعار صادق عصیان تلاش به خرج داده تا اشعار ایشان به روش توصیفی - تحلیلی تحت بررسی قرار گیرد؛ البته عصیان در اشعارش استعاره مصرحه و مکنیه را به صورت هنرمندانه و زیبا به تصویر آورده که باعث افزایش زیبایی و هنری شعرش گردیده است؛ به همین دلیل این تحقیق با هدف آشنایی با نقش و کارکرد استعاره در شعر صادق عصیان انجام شده است. اهمیت تحقیق از آن‌جا ناشی می‌شود که صادق عصیان از شاعران برجسته بلخ بوده و تا کنون درباره موضوع بنده کسی کاری انجام نداده است.

استعاره در «دفتر فراخوان صد غزل»، چه نقشی در بازتاب مفاهیم اجتماعی، انسانی و عاطفی ایفا کرده است؟ شاعر چگونه با بهره‌گیری از انواع مختلف استعاره، تصاویر خیال‌انگیز و مفاهیم ماندگار را در اشعار خود خلق کرده است؟ چه انواعی از استعاره (مصرحه و مکنیه) در اشعار صادق عصیان به کار رفته‌اند؟ برای تحقیق این مقاله از روش تحلیلی - توصیفی استفاده شده است. این تحقیق ابتدا به شناسایی و استخراج استعاره‌های مختلف در اشعار عصیان می‌پردازد و سپس با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، به بررسی ارتباط استعاره‌ها با مفاهیم عاطفی، فلسفی و اجتماعی در شعر او خواهد پرداخت. در این راستا، از روش‌های تحلیل زبانی و بلاغی نیز استفاده می‌شود تا به درک نحوه عملکرد استعاره‌ها در ایجاد تصاویر ذهنی و انتقال پیام‌های پیچیده و احساسی پرداخته شود. این روش، ضمن توجه به ویژگی‌های بلاغی و زیبایی‌شناسی استعاره‌ها، به تحلیل عمیق و گسترده آن‌ها در زمینه‌های معنایی و احساسی نیز می‌پردازد. استعاره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای بلاغی در شعر فارسی، در آثار شاعران مختلف به‌ویژه در اشعار استاد صادق عصیان به‌کار رفته است. در این تحقیق بررسی انواع استعاره در اشعار عصیان است تا به کمک آن، تحلیل دقیقی از ویژگی‌های سبکی و بلاغی آثار این شاعر ارایه دهیم. استعاره در اشعار صادق عصیان نه تنها یک ابزار زبانی؛ بلکه ابزاری است برای بیان عواطف، تصاویر ذهنی و مفاهیم پیچیده که به‌طور غیرمستقیم به مخاطب منتقل می‌شود. در این تحقیق، ابتدا به تعریف استعاره و انواع آن (استعاره مصرحه و مکنیه) پرداخته و سپس نمونه‌هایی از اشعار عصیان بررسی خواهند شد.

استعاره یکی از عناصر بنیادین در شعر معاصر است که به خلق تصاویر بدیع و انتقال لایه‌های معنایی عمیق کمک می‌کند. در حوزه استعاره پژوهش‌های بسیاری؛ به صورت پایان‌نامه، مقاله و تألیف صورت گرفته است که نمی‌توان همه آن‌ها را در این‌جا ذکر کرد؛ ولی از آن‌جایی که جست‌وجو و تحقیقات صورت گرفت. در این حوزه به ویژه پیرامون «بررسی استعاره در اشعار صادق عسّیان» تا کنون احدى نپرداخته، پس بدون شک پژوهش مذکور موضوعی بکر و تازه بوده که بنده تحت پژوهش قرار داده است.

الف) مفهوم و ماهیت استعاره

استعاره از ترفندهای شاعرانه‌ای است که سخنور، به یاری آن می‌کوشد تا سخن خویش را، هر چه بیش، در ذهن مخاطب انتقال دهد. استعاره دامی است تنگ‌تر و نهان‌تر از تشبیه که سخنور در برابر خواننده یا شنونده خود در می‌گسترده؛ از این روی، پروردگی هنری و ارزش زیبا شناختی آن از تشبیه فزون‌تر است؛ زیرا سخن‌دوست را بیشتر به شگفتی درمی‌آورد (کزازی، ۱۳۶۸، ص. ۹۴). استعاره و تشبیه ماهیت یکی هستند. استعاره در حقیقت به قول فرنگی‌ها تشبیه فشرده است؛ یعنی تشبیه را آن قدر خلاصه می‌کنیم تا از آن فقط مشبه‌به باقی بماند. منتها در تشبیه ادعای شباهت است و در استعاره ادعای یکسانی (شمیسا، ۱۳۸۳، ص. ۵۷).

صادق عسّیان یکی از شاعران برجسته و معاصر بلخ باستان بوده که در شعر خود از زبان و تصویرسازی‌های پیچیده‌ای استفاده کرده است. او به ویژه در تأکید بر احساسات عمیق، کنایه‌ها و استعاره‌های پیچیده شناخته شده و با بهره‌گیری از استعاره‌های مفهومی و تصویری، توانسته که معنای فراخ و دنیای پنهان احساسات انسان را در اشعارش به تصویر بکشد. استعاره‌ها در شعر عسّیان نه تنها به زیبایی‌شناسی کمک می‌کنند؛ بلکه به ابزاری برای بیان عواطف پیچیده و انتقادهای اجتماعی تبدیل می‌شوند. در آثار استاد، استعاره‌ها به عنوان وسیله‌ای برای گسترش معنا و عمق بخشیدن به پیام‌ها و نگرش‌های فلسفی به کار می‌روند، به طوری که خواننده با هر بار خواندن اشعارش، لایه‌های مختلف معنایی آن‌ها را کشف می‌کند. در این بخش از تحقیق، تمرکز بر این است که استعاره‌ها چگونه در اشعار عسّیان به کار رفته‌اند تا مفاهیم عمیق انسانی، فلسفی و عاطفی را منتقل کنند. اشعار عسّیان اغلب دارای تصویرسازی‌های پیچیده‌ای هستند که استعاره‌ها نقشی کلیدی در این تصویرسازی‌ها دارند؛ به طور مثال در بسیاری از اشعار او، مفاهیم معنوی و عرفانی از طریق استعاره‌های دینی و طبیعی بیان می‌شوند که این خود نشان‌دهنده نوع نگاه عسّیان به جهان و انسان است. در این تحقیق، به طور خاص، استعاره‌هایی که عسّیان برای توصیف وضعیت روحی، عشق و دیدگاه‌های فلسفی به کار برده که مورد تحلیل و بررسی قرار خواهند گرفت.

در کتب قدما برای استعاره انواع بسیاری ذکر کرده‌اند که بعضی از آن‌ها مربوط به ادب فارسی نمی‌شود و برخی نیز از چندان اهمیتی برخوردار نیستند و ما نیز در این جا از آن‌ها چشم می‌پوشیم؛ برجسته‌ترین آن‌ها عبارت از استعاره مصرحه و مکنیه است (علوی مقدم، ۱۳۸۷، ص. ۱۱۸).

ب) استعاره مصرحه

استعاره مصرحه؛ ارتباط میان دو واژه به وضوح نمایان است، بی‌آن‌که نیازی به تلاش برای درک آن باشد؛ به عبارت دیگر، استعاره مصرحه آن چنان به صراحت و شفافیت در ساختار جمله گنجانده می‌شود که خواننده بی‌دریغ و بی‌هیچ ابهامی به معانی درونی آن دست می‌یابد. این استعاره، از آن دسته تصاویر شعری است که به‌طور مستقیم و بی‌واسطه با ذهن مخاطب در تماس است و در قالب نمادها و سمبول‌ها، درختان خشکیده احساسات یا رودهای خروشان اندیشه‌ها را به تصویر می‌کشد. در هنر شعر، استعاره مصرحه در عین سادگی، توانایی تبدیل کلمات به تصاویر زنده را دارد و در عبارت، گویی بخشی از روح شاعر را به شکلی ناب و عینی در برابر چشمان خواننده به نمایش می‌گذارد.

استعاره مصرحه تشبیهی است که از آن فقط مشبه‌به به جا مانده باشد؛ مانند شیر استعاره از فرد شجاع و نرگس استعاره از چشم و سرو استعاره از قد بلند و لعل که استعاره از لب است. به این نوع استعاره، استعاره مصرحه یا تصریحیه یا محققه یا تحقیقیه می‌گویند (شمیسا، ۱۳۷۰، ص. ۱۴۶).

عصیان در دفتر شعری «فراخوان صد غزل» خویش از طبقات مختلف جامعه؛ چون: حاکم، امیر، عالم، مردم عام و نادان و غیره که از برخی‌ها حمایت و در قبال برخی انگشت انتقاد بلند نموده و برای هر کدام از دسته‌ها استعاره‌های خاص را به کار برده است؛ مانند: کرگس، گفتار، سگان هار، دیو و دد، اژدها، هیولای مست، جان، ماه مهربان، نفس، خورشید، گراز، اهریمن، گل انجیر، سیم‌خار، سرو، چنار، چلچله، آفتاب، ابر، فصل سرخ، بهار، توفان سیه، سیل، رعد و برق و غیره واژه‌ها را به صورت هنرمندانه و استعاری به کار برده است؛ استعاره مصرحه خودش نیز به سه بخش مجرده، مرشحه و استعاره مطلقه تقسیم می‌شود.

۱. استعاره مصرحه مجرده

این نوع استعاره که در کلام، مشبه‌به با یکی از ملایمات مشبه (مستعارله) همراه باشد (شمیسا، ۱۳۷۰، ص. ۱۴۶). استعاره مصرحه مجرده یکی از زیبایی‌های زبان فارسی به کلام منظوم و حتی منثور است که در آن دو واژه با هم پیوند غیر مستقیم پیدا می‌کند. به گونه‌ای که یکی از

واژه‌ها به عنوان مشابه به وضوح به ذهن مخاطب منتقل می‌شود؛ اما مشبه در آن ناپیداست. در این نوع استعاره، تصویری زیبا و گاهی پیچیده از معنای مورد نظر به وجود می‌آید، بدون آن که نیاز به توضیح بیشتری باشد.

بیخس دوزخی‌ات را که باز می‌پرسد بهشتِ من! چه کنم کم شود جداییِ ما!
(عسّیان، ۱۳۹۷، ص. ۱۷).

بیت فوق یک فضای استعاری و پیچیده را خلق می‌کند. در این جا واژه دوزخ و بهشت استعاره از دو وضعیت احساسی یا روحی به کار رفته است. کلمه دوزخی که به ظاهر پرسش‌گر است که نمایان‌گر عذاب‌ها و کشمکش‌های درونی فرد باشد که درگیر غم یا اضطراب است. این «دوزخ» به صورت استعاری به مشکلات، دردها و فشارهای زندگی اشاره می‌کند که یک در قبال یک عاشق قرار دارد. برعکس واژه «بهشت من» استعاره از آرامش، خوش‌بختی یا فضای بی‌دغدغه و عاشقانه به کار رفته است. در این بیت شاعر «دوزخی» که باز هم می‌پرسد و یا می‌خواهد که بفهمد، چگونه می‌تواند این جدایی‌ها را کاهش دهد؟ این تقابل به‌طور ضمنی به تمایز بین دو وضعیت احساسی اشاره دارد: یکی پر از رنج و درد و دیگری سرشار از لذت و آرامش.

غم و غیابت ای ماه مهربان کافی‌ست فراق و فاصله بسیار شد بمان! کافی‌ست
(عسّیان، ۱۳۹۷، ص. ۵۶).

بیت بالا نمونه‌ای درخشان از بهره‌گیری هنری از استعاره مصرحه مجرده و هارمونی کلام است. شاعر با انتخاب هوشمندانه استعاره «ماه مهربان»، به گونه‌ای لطیف و سنجیده، مستعارله را به تصویر کشیده تا هم زیبایی بی‌بدیل معشوق را نمایان کند و هم صفات انسانی و لطافت روح او را القا نماید. در عین حال، غم ناشی از فقدان معشوق با تعبیر «غم و غیابت» به وضوح بیان شده است و مفهوم فراق، در چارچوب استعاری، نه تنها فاصله‌ای جسمانی؛ بلکه گسستی عاطفی را نیز برجسته می‌سازد. تکرار واژه «کافی‌ست» در پایان هر مصرع، با لحنی ملتمسانه و تأکیدی مؤثر، شدت اشتیاق گوینده به پایان جدایی و وصال دوباره را آشکار می‌کند. تضاد میان «مهربانی» و «غم»، فضایی پر از کشمکش احساسی ایجاد می‌کند که بر بار عاطفی کلام می‌افزاید. این بیت، با بهره‌گیری از ایجاز و موسیقی دلنشین واژگان، به شکلی بدیع و بی‌همتا، مفهومی ژرف از هم‌نشینی غیاب و حضور و ناپایداری اندوه و انتظار را بیان می‌دارد.

۲. استعاره مصرحه مرشحه

در حقیقت همان استعاره مصرحه است، آن گاه که از لوازم مشبیه به (مستعارمنه) همراه داشته باشد (علوی مقدم، ۱۳۸۷، ص. ۱۲۰). استعاره مصرحه مرشحه، نوعی استعاره است که در آن، ویژگی‌ها یا خصوصیات مشبیه به به طور مستقیم و آشکار به چیز دیگر نسبت داده می‌شود، بدون آن که نیاز به توضیح یا تفسیر بیشتری داشته باشد. در این نوع استعاره، عنصر اصلی رابطه استعاری، به طور کامل و مشخص از مفهوم اصلی خود جدا شده و به موضوع دیگری منتقل می‌شود. استعاره مصرحه مرشحه به دلیل این که بدون ابهام و به طور روشن از ویژگی‌ها استفاده می‌کند، ارتباط قوی و مستقیم با ذهن خواننده برقرار می‌سازد و تأثیر آن در ایجاد تصویرهای ذهنی بسیار ملموس می‌باشد. این نوع استعاره به ویژه در شعر و ادبیات برای بیان احساسات و مفاهیم پیچیده به کار می‌رود؛ زیرا خواننده بدون نیاز به تعمق زیاد، بلافاصله مفهوم مورد نظر را دریافت می‌کند.

این باغِ بارآور و پروانه‌خیز، حیف! پامالِ فصلِ دوزخی زاغ‌زا شده‌ست
(عصیان، ۱۳۹۷، ص. ۳۸).

این بیت از ترکیب استعاری و تصویر قوی برخوردار است. در عبارت «باغ بار آور» استعاره از شکوفایی، زیبایی و رشد طبیعی زندگی به کار رفته است. این تصویر می‌تواند اشاره‌ای به دوران خوش‌بختی، نشاط یا طراوت باشد. پس واژه «باغ» استعاره از میهن، مملکت و یا سرزمین تعبیر شده که واژه‌های بار آور و پروانه‌خیز از ملایمات مشبیه به بوده و در زمانی دوران‌های خوش‌بختی، رشد و شکوفایی داشته و ثمرات خوبی از آن حاصل می‌شده که سپس توسط متجاوزین و بیگانگان پامال گردیده است.

نه شوق شگفتن و نه شور نموست بهار من امسال بی‌رنگ و بوست
(عصیان، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۰).

این بیت با استعاره قوی از حالت روحی و عاطفی در یک وضعیت نامطلوب سخن می‌گوید. در ابتدا، «نه شوق شگفتن و نه شور نموست» که در این جا از انرژی و رشد درونی مواجه می‌شویم. «شوق شگفتن» به معنای اشتیاق و تحریک شدن به تجربه‌های نو و «شور نمو» به معنی رشد، شکوفایی و تحول است؛ اما وقتی شاعر از نبود این دو ویژگی سخن می‌گوید، به نوعی یأس و فقدان حرکت و پیشرفت در زندگی اشاره دارد و در بیت دوم «بهار من امسال بی‌رنگ و بوست» تصویر استعاری از بی‌حالی و بی‌حسی در دوران تحول و تغییر می‌باشد. بهار

که معمولاً استعاره از عمر و جوانی بوده و در این بیت به یک بهار بی‌روح و بی‌اثر تبدیل شده است؛ بی‌رنگ و بی‌بو بودن بهار، استعاره‌ای از فقدان شادابی، امید و تغییرات در زندگی است. این بیت به وضوح نشان‌دهنده یک دوران افسرده، بی‌انگیزگی و فاقد شگفتی و پیشرفت می‌باشد که در آن فرد یا جامعه از تحول عاطفی یا اجتماعی محروم است.

بی‌حضورِ روشنت ای ماه کامل! حال من مثل احوال جهان تار است؛ اما نیستی (عسّیان، ۱۳۹۷، ص. ۴).

این بیت، استعاره از غیاب معشوق یا حقیقتی والا است که هم‌چون فقدان ماه کامل، جهان شاعر را در تاریکی فرو برده است. ماه کامل در این جا معشوق زیبا می‌باشد و تاریکی جهان استعاره‌ای از سرگشتگی و اندوه شاعر در غیاب آن. با این حال، شاعر میان تاریکی و عدم مطلق تفاوت می‌گذارد؛ گویی نبودن تو، به معنای نابودی مطلق نیست؛ بلکه تنها خاموشی نوری است که هنوز رد پایش باقی است؛ ماه که خود نوری ندارد، تنها بازتاب‌کننده خورشید است، و هم‌چون او، شاعر نیز بدون حقیقت یا معشوق، در تاریکی محض فرو نمی‌رود؛ بلکه هم‌چنان امکان بازگشت نور در او زنده است.

۳. استعاره مصرحه مطلقه

استعاره مصرحه مطلقه، نوعی از استعاره است که در آن، ویژگی یا صفت یک چیز به‌طور مستقیم و آشکار به چیز دیگری منتقل می‌شود، بدون آن‌که هیچ‌گونه قید و شرط یا محدودیتی در این انتقال وجود داشته باشد. در این نوع استعاره، رابطه میان دو واژه به صورت آزاد و بدون هیچ‌گونه جزئیات اضافی یا تفسیر پیچیده‌ای بیان می‌شود. به عبارت دیگر، ویژگی‌های یک موجود یا مفهوم به‌طور کامل و بی‌پرده به موجود یا مفهومی دیگر اطلاق می‌شود؛ مثلاً در عبارت «عشق آتش است»، «آتش» بدون هیچ قید و شرطی به «عشق» نسبت داده می‌شود و ویژگی‌هایی؛ چون: سوزاندگی، گرما و نابودی به‌طور کامل به آن نسبت داده می‌شود. این نوع استعاره بر ایجاد تصاویری روشن و واضح از احساسات و مفاهیم تمرکز داده و باعث می‌شود که خواننده بدون هیچ‌گونه ابهام یا تردیدی، رابطه و تأثیر میان مفاهیم را درک کند. استفاده از استعاره مصرحه مطلقه در ادبیات و شعر، به ویژه برای انتقال مفاهیم ساده و مؤثر، بسیار رایج است.

استعاره مصرحه مطلقه یعنی مشبه‌به را ذکر کنیم و با آن هم از ملایمات مشبه‌به و هم از ملایمات مشبه، چیزی بیاوریم (شمیسا، ۱۳۷۰، ص. ۱۴۹). این نوع استعاره مصرحه را استاد عسّیان کم‌تر در اشعار خود به کار برده است.

کاش می‌بودی کنارم؛ ای سپیدار بلند! بازوان سبب ما را عشقه‌پیچان می‌گرفت
(عصیان، ۱۳۹۷، ص. ۷).

در این بیت، از استعاره‌های مصرحه مطلقه به زیبایی استفاده شده است. در عبارت «ای سپیدار بلند»، «سپیدار» به‌طور مستقیم و بی واسطه به عنوان نمادی از بلندی قامت و استواری به کار رفته است. در این جا، سپیدار به‌طور مطلق و بدون هیچ قید و شرطی به‌عنوان نماد قدرت، استواری و زیبایی طبیعی معرفی می‌شود. سپس در «از بازوان سبز ما را عشقه پیچان می‌گرفت»، «بازوان سبز» به‌طور استعاری به چیزی طبیعی و زنده مانند درخت یا شاخه‌های سبز شباهت داده شده اند و به‌طور مستقیم و آشکار از ویژگی‌های سبزی و رشد آن‌ها برای ایجاد تصویری از عشق و اتصال استفاده می‌شود. در این جا «عشقه» که نوعی گیاه پیچک است، به‌طور مطلق به بازوان سبز نسبت داده می‌شود و ویژگی‌های خود را از جمله پیچش و جذب به این بازوان منتقل می‌کند. این استعاره‌های مصرحه مطلقه باعث ایجاد تصاویری از پیوندهای عاطفی و طبیعی شده اند که به‌طور ساده و مستقیم در ذهن مخاطب نقش می‌بندد. در مجموع، این بیت با استعاره‌هایی از نوع مصرحه مطلقه، قدرت استواری و پیوندهای طبیعی و عاطفی را به‌طور مستقیم و بی‌واسطه منتقل می‌کند.

پلنگ‌گونه فشردی گلوی آهو را ————— شکنجه می‌کنی اکنون تمامت او را
(عصیان، ۱۳۹۷، ص. ۱).

این بیت، تصویرسازی و استعاره‌های جالبی دارد که به عمق حس و مفهوم اشاره می‌کند. در این جا، شاعر از «پلنگ‌گونه» به عنوان استعاره‌ای برای اشاره به خشونت و قدرت سرکوب‌گرانه استفاده می‌کند. این کلمه که اشاره به شکارچی درنده دارد، نشان دهنده فشاری است که بر موجود ضعیف‌تر وارد می‌شود. در این جا «آهو» استعاره از شخص مظلوم و «گلو» به معنای نقطه آسیب‌پذیری یک موجود ضعیف بوده که توسط فردی بی‌رحم و قوی‌تر مورد هدف قرار گرفته است. در بیت دوم «شکنجه می‌کنی تمامت او را» شاعر به‌طور مستقیم به درد و رنج اشاره می‌کند که نتیجه شکنجه شدن از ملایمات مشبه و فشردن گلو از ویژگی‌های مشبه‌به است. پس این تصویر استعاری نشان دهنده یک وضعیت خاص از فشار و تسلط بوده که در آن فرد قوی، به‌طور بی‌رحمانه قربانی را در دستان خود می‌فشارد.

رقصند در حوالی ما گرگ‌های مست تا خفته‌ایم هم‌وطنم! گوسفندوار
(عصیان، ۱۳۹۷، ص. ۸۲).

در این بیت سرشار از استعاره، تضاد و نمادپردازی بوده که به شکل هنری وضعیت اجتماعی را ترسیم می‌کند در این جا واژه «گرگ» مشبه‌به که به جای مشبه (انسان‌های وحشی، فرصت‌طلب و ستم‌گر) به کار رفته است. و صفت «مست» به ویژگی انسان و صفت «رقصیدن» بیشتر به صفت مشبه‌به (گرگ) مربوط می‌شود؛ چون صفات هر دو رکن در این بیت ذکر گردیده، بنابر این استعاره مصرحه مطلقه است؛ هم‌چنان در مصراع دوم «گوسفندوار خفتن» نمادی از ساده‌دلی، اطاعت بی‌چون و چرا و غفلت اجتماعی است که در تضاد کامل با «گرگ‌های مست» قرار دارد. که اشخاص ستم‌گر با می و شراب مصروف؛ ولی اشخاص دیگر در قبال شان خاموش است

ج) استعاره مکنیه

استعاره مکنیه نوعی استعاره است که در آن، چیزی به‌طور غیر مستقیم از طریق ویژگی‌ها، صفات یا جزئیات آن توصیف می‌شود. در این نوع استعاره به جای اشاره مستقیم به خود آن چیز به چیزی اشاره می‌شود که نمایان‌گر یا نشان‌گر آن است. استعاره بالکنایه با آرایه یک تصویر معکوس و غیر منتظره به تقویت و تعمیق معانی کمک می‌کند و می‌تواند باعث شود که خواننده با دقت بیشتری به جزئیات و لایه‌های مختلف متن توجه کند.

بدان‌سان که نوشته آمد، استعاره کنایی بیشتر بر بنیاد آدمی‌گونه‌گی یا جاندارگرایی ساخته می‌شود و در ادب کاربرد می‌یابد. از این روی، استعاره کنایی را با رفتاری هنری در ادب اروپا Personification خوانده می‌شود (کزازی، ۱۳۶۸، ص. ۱۳۰). استعاره بالکنایه آن است که مستعار منه را محذوف و مستعار له را با کدام متعلق مستعار منه ذکر کنند؛ زیرا اگر متعلق آن ذکر نشود، معلوم نمی‌شود که مستعار منه چه چیز است. این استعاره، از پر استعمال‌ترین انواع استعاره هاست؛ مانند: سر هوش، دست روزگار، پای فکر وغیره. در این مثال‌ها انسان مستعار منه و هوش، روزگار و فکر و سر، دست و پای متعلق مستعار منه است؛ به عبارت دیگر شخص برای هوش، روزگار و فکر استعاره شده است (قویم، ۱۳۶۱، ص. ۱۰۷). به هر حال در استعاره نوع دوم بر خلاف استعاره نوع اول مشبه ذکر می‌شود نه مشبه به و از این‌رو قدما در تعریف استعاره می‌گفتند: تشبیهی‌ست که از آن فقط یکی از طرفین به جا مانده باشد (شمیسا، ۱۳۸۳، ص. ۶۳). استعاره بالکنایه از نظر شکل به دو گونه تقسیم می‌شود که به صورت اضافه و غیر اضافه است.

۱. به صورت اضافه: که به آن در دستور زبان اضافه استعاری می‌گویند که اکثراً به صورت صفت و موصوف می‌آید؛ مانند: عزم تیزگام، مرگ تیز دندان، کام ظلم وغیره.

ماهی شدیم بستر دریا به خون نشست آهو شدیم دامن صحرا به خون نشست
(عصیان، ۱۳۹۷، ص. ۷۲).

این بیت با استفاده از استعاره‌های پرمعنی و تصاویری عمیق، به وضعیت‌های پیچیده و دردناک انسانی اشاره دارد. «ماهی شدیم بستر دریا به خون نشست» استعاره‌ای است از گرفتار شدن در شرایط سخت و پرخطر، جایی که موجودی که به‌طور طبیعی در محیطی امن شناور است، ناگهان در بحرانی عمیق و خونین فرو می‌رود. این تصویر نشان‌دهنده گرفتاری در مشکلاتی است که راه فراری از آن وجود ندارد. در بیت دوم، «آهو شدیم دامن صحرا به خون نشست» به استعاره‌ای اشاره دارد که در آن آهو، نماد زیبایی و لطافت، در دنیای وحشی و بی‌رحم صحرا به خون می‌افتد. این نیز به معنای از دست دادن آرامش و امنیت در محیط طبیعی خود و مواجه با دشواری‌ها و مصیبت‌هاست.

شاهین شدیم شانه پامیر و هندوکش تا انتهای قامت «بابا» به خون نشست
(عصیان، ۱۳۹۷، ص. ۷۲).

در این بیت، از استعاره مکنیه استفاده شده است. «شاهین شدیم شانه پامیر و هندوکش» استعاره‌ای است که در آن «شانه پامیر و هندوکش» به جای بلندی قله‌ها و سختی‌های طبیعت این مناطق به‌کار رفته و به‌طور غیر مستقیم به مقام و جایگاه بلند اشاره دارد. این استعاره نشان می‌دهد که فرد یا گروهی به اوج قدرت و عظمت دست یافته‌اند؛ هم‌چون شاهینی که بر بلندی کوه‌ها پرواز می‌کند و در بیت دوم «تا انتهای قامت بابا به خون نشست» نیز از استعاره مشابه استفاده کرده و «قامت بابا» را به‌طور غیر مستقیم به قامت بلند و آرمان‌های والا و پایداری که به خون و فداکاری رسیده‌اند، تشبیه کرده است. این قسمت به معنای ایستادگی در برابر دشواری‌ها و قربانی شدن برای اصول و ارزش‌هاست.

هم‌چنان استعاره‌های که عصیان در اشعار خویش به‌کاربرده؛ مانند: کوچه شور و حال، امواج عشق، نفس سبز، دست ناشکیبایی، دست دل‌تنگی، کفش تنهایی، آیینۀ درد، بستر دریا و دامن صحرا، شانه پامیر و قامت بابا، حوالی دل، کام جهنم، اقلیم روح و جغرافیای سینه، کوچه دل، پیراهن غم، گور باغ، پای دل، پای همت، پرده چشم، دست فاجعه، پلک پنجره و جاده نفس این واژه‌های هست که در مجموعه شعری استاد دیده شده که به صورت استعاره بالکنایه به‌کار رفته است.

۲. به صورت غیر اضافه: که در آن بین مکنیه و تخیله فاصله است؛ مثلاً:

عشق روشن می‌کند رایانه رؤیای من می‌نشیند دل به پشت میز دفتر جای من
(عصیان، ۱۳۹۷، ص. ۸۶).

در این بیت، از استعاره مکنیه استفاده شده است. در بیت اول «عشق روشن می‌کند رایانه رؤیای من»، «رایانه» به‌طور غیر مستقیم به ذهن و تفکرات فرد تشبیه شده که توسط عشق، انرژی و روشنی می‌گیرد و به فعالیت می‌افتد. عشق به عنوان ابزاری است که ذهن و خیال را به جریان می‌اندازد، گویی مانند روشن شدن یک دستگاه، افکار و رؤیاهای فرد به وضوح ظاهر می‌شوند. و در بیت دوم «می‌نشیند دل به پشت میز دفتر جای من» استعاره است که دل را به جای یک موجود مجرد، به یک فرد مسئولیت‌پذیر و یا معشوق تبدیل می‌کند که در پشت میز مشغول به کار است. این تصویر نشان‌دهنده حضور دل و احساسات در مرکز تصمیم‌گیری‌ها و تفکرات فرد است، جایی که عشق به عنوان محرک اصلی درونی، نقشی مدیریتی و رهبری دارد. این بیت به‌طور کلی، به تأثیر عاطفی و عمیق عشق بر ذهن و تصمیم‌گیری فرد اشاره دارد.

صبر و طاقت از تو آموزند درس زندگی درد از تو پند گیرد تا کمی آدم شود
(عصیان، ۱۳۹۷، ص. ۳۱).

در این بیت، شاعر با استفاده از استعاره مکنیه، صبر و طاقت را به عنوان موجودات دارای شعور، توانایی یادگیری معرفی کرده است. در واقع به جای آن که بگوید «تو الگوی صبر و طاقت هستی» به گونه‌ای بیان می‌کند که گویی خود صبر و طاقت دانش‌آموزانی هستند که از تو درس زندگی می‌گیرند. این نوع بیان، به شاعر اجازه می‌دهد تا اغراق هنری ایجاد کند و تأثیرگذاری کلام را افزایش دهد. همچنین، این استعاره به‌طور ضمنی نشان می‌دهد که فرد مورد خطاب، چنان مقاوم و بردبار است که حتی مفاهیمی مانند صبر و طاقت نیز از او الگو می‌گیرد. و همچنین در بیت دوم استاد عصیان می‌خواهد بگوید که فرد مورد خطاب چنان صبور، آگاه و تأثیرگذار است که حتی درد نیز از وی درس می‌گیرد و اصلاح می‌شود. پس درد در این بیت یک مفهوم انتزاعی و غیر انسانی است؛ ولی مانند یک موجود زنده و یا انسان تصور شده که می‌تواند پند بگیرد و تغییر کند

نتیجه‌گیری

پس از بررسی گام نخست و تحلیل مرحله دوم پژوهش‌های توصیفی است. بنابراین، مجموعه «دفتر فراخوان صد غزل» اثر صادق عسّیان، به «بررسی و تحلیل» می‌توان به این نتیجه دست

یافت که این اثر یکی از شاهکارهای برجسته و تأثیرگذار در ادبیات معاصر به شمار می‌آید. استاد صادق عصیان، به‌عنوان یکی از شاعران و نویسندگان شناخته شده بلخ باستان، با بهره‌گیری از قالب غزل توانسته است تا مفاهیمی عمیق و دغدغه‌های اجتماعی را در ۱۰۰ غزل و ۶۴۶ بیت به‌طور هنرمندانه بازتاب دهد. این مجموعه نمایان‌گر حساسیت شاعر نسبت به مسایل اجتماعی و توانایی او در انتقال احساسات و تفکرات انسانی با زبانی خیال‌انگیز است. یکی از ویژگی‌های برجسته این اثر، کاربرد هنرمندانه استعاره می‌باشد. عصیان در اشعار خود از انواع مختلف استعاره، از جمله مصرحه (مجرده، مرشحه و مطلقه) و مکنیه، بهره گرفته است. بر اساس تحلیل‌های انجام‌شده، ۷۱ مورد استعاره در این مجموعه شناسایی شده که شامل ۲۲ مورد مجرده، ۱۱ مورد مرشحه، ۶ مورد مطلقه و ۳۲ مورد مکنیه است. این اعداد نشان‌دهنده تأکید ویژه شاعر بر استعاره مصرحه و توانایی او در خلق تصاویری شفاف و تأثیرگذار هستند. در «دفتر فراخوان صد غزل» نه‌تنها اثری ادبی با ارزش هنری بالاست؛ بلکه بستری برای درک عمیق‌تر از مهارت‌های شاعرانه صادق عصیان و جایگاه برجسته او در ادبیات معاصر فراهم می‌کند. این اثر گواهی است بر توانمندی عصیان در استفاده از آرایه‌های ادبی برای انتقال مفاهیم عمیق اجتماعی و انسانی در قالبی زیبا و ملنگار. صادق عصیان با بهره‌گیری از استعاره‌هایی که به نوعی مرزهای زبان و تفکر را می‌شکنند، در پی آن است تا تجربه‌های انسانی را از منظرهای مختلف و اغلب ناب و جدید نمایان سازد. استعاره‌ها در شعر او به‌گونه‌ای ترکیب می‌شوند که نه‌تنها تصویرهایی زنده و پر قدرت ایجاد می‌کنند؛ بلکه لایه‌های معنایی متعددی را در خود دارند که گاهی حتی با چند بار خواندن نیز به‌طور کامل آشکار نمی‌شوند. این ویژگی خاص شعر عصیان موجب می‌شود که هر خواننده با توجه به تجربه‌های شخصی‌اش به نوعی متفاوت از دیگران به دنیای اشعار او وارد شود و آن را به شکلی خاص درک کند. در نهایت استعاره در شعر صادق عصیان ابزاری است که در نهایت به ارتقای سطح درک و فهم اشعار او کمک می‌کند. این استعاره‌ها نه‌تنها به خلق تصاویر هنری و جذاب کمک کرده؛ بلکه به مخاطب این امکان را می‌دهند که در دل کلمات و جملات شاعرانه، معانی پیچیده‌تر و پنهانی را جست‌وجو کند. در دنیای شعر عصیان، استعاره‌ها به‌طور عمیق و جامع در کنار یک‌دیگر قرار می‌گیرند تا شعر را به‌عنوان یک زبان زنده و پویا، ابزاری برای درک بهتر و بیشتر واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و فردی تبدیل کنند.

منابع و مأخذ

- جرجانی، عبدالقاهر. (۱۳۷۰). *سرار/البلاغه*. ترجمه جلیل تجلیل، تهران: دانشگاه تهران.
- زاهدی، زین الدین جعفر. (۱۳۷۷). *علم/البلاغه*. مشهد: دانشگاه مشهد.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۷۵). *صور خیال در شعر فارسی*. تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۰). *بیان*. تهران: فردوس.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳). *بیان و معانی*. تهران: فردوس.
- عسّیان، صادق. (۱۳۹۷). *فراخوان صد غزل*. کابل: انجمن ادبی افغانستان.
- علوی مقدم، محمد و اشرفزاده، رضا. (۱۳۸۷). *معانی و بیان*. تهران: سمت.
- عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر. (۱۳۵۲). *قابوسنامه*. به تصحیح و اهتمام غلامحسین یوسفی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کزازی، میر جلال الدین. (۱۳۶۸). *زیبا شناسی سخن پارسی*. تهران: مرکز.

تبیین جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی- اقتصادی مؤثر بر افت تحصیلی متعلمین مکاتب دولتی شهر هرات

احمد جواد اصیل

نامزد پوهنیار، دیپارتمنت جامعه‌شناسی، پوهنځی علوم اجتماعی، پوهنتون هرات، هرات، افغانستان.

<https://orcid.org/0009-0008-7256-5824-ahmadjawadasil@hu.edu.af>

<https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2024.52>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸)

چکیده

افت تحصیلی یکی از معضلات جوامع امروزی است که با وجود سرمایه‌گذاری‌های گسترده اقتصادی و اجتماعی در حوزه تعلیم و تربیه، همچنان یک تعداد از متعلمین با آن مواجه می‌شوند. این تحقیق به هدف تبیین جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی مؤثر بر افت تحصیلی متعلمین مکاتب دولتی شهر هرات انجام شده است. اهمیت این مطالعه در شناسایی علل اصلی و فرعی این پدیده و ارائه راهکارهای علمی برای کاهش آن و ضرورت بررسی این مسأله ناشی از تأثیرات منفی آن بر توسعه فردی و جمعی است. نوعیت این تحقیق نسبت به معیار گردآوری و تحلیل داده‌ها، کمی و روش آن پیمایشی است. جامعه آماری آن شامل متعلمین ذکور مکاتب شهری هرات است که به تعداد ۳۸۰ دانش‌آموز به‌عنوان نمونه به روش نمونه‌گیری احتمالی انتخاب و با استفاده از پرسش‌نامه لیکرت داده‌ها از نزدشان گردآوری شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و ویژگی‌های فردی متعلمین هر کدام به درجات مختلف تأثیرگذار بر افت تحصیلی‌اند. در نتیجه، این تحقیق ضرورت توجه به عوامل چندبعدی مؤثر بر افت تحصیلی را برجسته می‌کند و نشان می‌دهد که افت تحصیلی برآیند تعامل چندین عامل وابسته به هم است.

کلمات کلیدی: افت تحصیلی، افغانستان، تحلیل جامعه‌شناختی، عوامل اجتماعی- اقتصادی، متعلمین، هرات.

Sociological Explanation of Socio- Economic Factors Affecting Academic Decline of Students in Public Schools of Herat City

Ahmad Jawad ASIL

Bachelor, Department of Sociology, Faculty of Social Science, Herat University, Herat, Afghanistan.

<https://orcid.org/0009-0008-7256-5824> -ahmadjawadasil@hu.edu.af

<https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2024.52>

(Received: 22/01/2025 - Accepted: 06/03/2025)

Abstract

Academic failure is a significant challenge in contemporary societies. Despite substantial economic and social investments in education, a considerable number of students still experience academic failure. This research aims to explain the sociological aspects of the social factors affecting the academic failure of students in Herat City public schools. The importance of this study lies in identifying the main and secondary causes of this phenomenon and providing scientific solutions to reduce it. The necessity of investigating this issue stems from its negative effects on individual and collective development. This research is quantitative in terms of data collection and analysis criteria, and its method is survey-based. The statistical population includes male students from urban schools in Herat, in which 380 students were selected as a sample by probability sampling method, and data were collected from them using a Likert questionnaire. The findings of this research indicate that social, economic, and individual characteristics of students each have varying degrees of influence on academic failure. As a result, this research highlights the need to pay attention to the multi-faceted factors affecting academic failure and shows that academic failure is the outcome of the interaction of several interdependent factors.

Keywords: Academic Failure, Afghanistan, Herat, Sociological Analysis, Social-Economic Factors, Students.

مقدمه

افت از نظر لغوی به معنی کمبود، کمی، افتادن و برخاستن، کم و کاست و نقصان است (عمید، ۱۳۸۹، ص. ۲۲۰). در اصطلاح آموزشی می‌توان به معنای ناکام شدن، چانس خوردن، نزول کردن، ترک تحصیل و عدم کسب مهارت‌های کافی و دانش در محیط‌های آموزشی تعریف کرد. «اصطلاح افت یا اتلاف در آموزش و پرورش از زبان دانشمندان اقتصاد گرفته شده و آموزش را به صنعتی تشبیه می‌کنند که بخشی از سرمایه و مواد اولیه‌ای را که باید به محصول نهایی تبدیل می‌شد تلف نموده و نتیجه مطلوب و مورد انتظار را به بار نیاورده است» (امین‌فر، ۱۳۶۵، ص. ۸). بنابر تعریفی که از افت تحصیلی خاصاً با نگاه اقتصادی ارائه شد و نسبت به پیامدهای نامطلوبی که پدیده افت تحصیلی در بین جوامع بشری داشته است، می‌توان آن را به عنوان یک مشکل و مسأله اجتماعی در جامعه هرات قلمداد نمود؛ زیرا می‌تواند در شهر هرات تبعات و تأثیرات منفی زیادی در سطوح فردی و اجتماعی در پی داشته باشد. چنانچه مشاهده می‌شود؛ متعلمینی که افت تحصیلی دارند و یا ترک تحصیل می‌کنند با محدودیت‌ها و چالش‌های فراوانی مانند نبود زمینه‌های کاری، کارهای سخت، مزد کم و غیره روبه‌رو هستند. به صورت کل عقب‌ماندگی فردی و جمعی برابند تأثیرات مستقیم افت تحصیلی و شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی دیگر مانند: اعتیاد به مواد مخدر، خشونت‌های فیزیکی، بی‌کاری، بی‌برنامه‌گی، مصرف‌گرایی، سرقت، مهاجرت و غیره از جمله تأثیرات غیر مستقیم افت تحصیلی اند.

حالا سؤال خلق می‌شود که چرا با این‌که موفقیت تحصیلی می‌تواند مزیت‌های گوناگونی برای متعلمین و جامعه داشته باشد؛ اما بازهم یک تعداد از متعلمین توجه به پیشرفت تحصیلی ندارند و برعکس بیشتر افت و شکست تحصیلی را تجربه می‌کنند؟ اگر بخواهیم با نگاه جامعه‌شناسانه به این سؤال پاسخی نسبتاً مطلق ارائه کنیم، قبل از هر چیزی نیاز به تحقیق و بررسی میدانی در متن جامعه هرات داریم؛ اما اگر متکی با نظریات جامعه‌شناسان و نتایج تحقیقات کار شده در جوامع دیگر پاسخ بدهیم، چنین فرض می‌کنیم که پدیده افت تحصیلی به یک عامل بستگی ندارد که بتوانیم به سادگی آن عامل را شناسایی و کنترل کنیم؛ بلکه دارای عوامل گوناگونی می‌باشد که این پدیده را شکل می‌دهند. چنانچه که جامعه‌شناسانی چون مارکسیت‌ها و طرفداران دیدگاه کنش متقابل نمادین؛ شرایط اجتماعی جامعه، ساختار نظام تحصیلی، رفتار تبعیض‌آمیز معلمان در مقابل متعلمین فقیر و ضعیف، شیوه تدریس و نقش معلمان را عامل افت تحصیلی می‌داند و طرفداران نظریه طبقه اجتماعی، تأکید بر نقش پایگاه اجتماعی و اقتصادی دارند و بر این باور اند که شرایط بد اقتصادی و اجتماعی منجر بر

افت تحصیلی می‌شود (کوئن، ۱۳۹۰، ص. ۱۹۸). در مقلیل این نظریات، نظریه ترکیبی که شامل نظریه کلمن، نظریه اتکینسون در خصوص انگیزه پیشرفت و نظریه مک‌لند در خصوص انگیزه پیشرفت می‌شود، ویژگی‌های روحی، روانی، ذهنی، رفتاری و اجتماعی متعلمین را عامل افت ویا موفقیت تحصیلی دانسته و بر این باور اند که فرهنگ متعلم، آرمان‌ها و عزت نفس متعلم، انگیزه پیشرفت متعلم، انتظارات و مشوق متعلم، ارزش‌های متعلم و ویژگی‌های فردی دیگر متعلم منجر بر افت و یا موفقیت تحصیلی‌اش می‌شود. (شارع پور، ۱۳۹۲، ص. ۲۰۱). از طرفی تحقیقات کار شده نیز بیانگر این مسأله اند که شکل‌گیری پدیده افت تحصیلی منوط بر یک عامل نیست چنان‌چه که نتایج تحقیق فتی و همکارانش (۱۳۹۲)، نشان می‌دهد که متغیرهای چون: جنسیت، محل بودباش، وضعیت تاهل و سن عامل افت تحصیلی اند. همین‌گونه، نتایج تحقیق زارع شاه آبادی (۱۳۸۱)، نشان می‌دهد که عواملی چون فشارهای خانوادگی، سطح سواد والدین، میزان درآمد ماهوار، شغل و تعداد اعضای خانواده و کارکردن نیمه وقت متعلم تأثیرگذار بر افت تحصیلی‌اند.

به‌صورت کل عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، روان‌شناختی، آموزشی، تکنالوژیکی و غیره منجر به شکل‌گیری پدیده‌ای افت تحصیلی می‌شود. نسبت به محدودیت‌ها و عدم توانایی بررسی تمام ابعاد و عوامل افت تحصیلی در این تحقیق و به دلیل این‌که نقش عوامل اجتماعی و اقتصادی بر افت تحصیلی نسبت به ابعاد دیگر بیشتر است، در این تحقیق بُعد اجتماعی و اقتصادی آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم. برای توجیه این گزاره (نقش عوامل اجتماعی و اقتصادی) بیشتر است، متکی می‌شویم به نتایج تحقیقات عالی‌خانی و همکارانش (۱۳۸۵)، نتایج تحقیق افشاری (۱۳۹۵) و ده بزرگی (۱۳۸۲)، نشان می‌دهند عوامل اجتماعی مانند میزان تحصیلات والدین، شغل والدین، درآمد خانوادگی، محل سکونت، چگونگی تربیت کودک، داشتن و یا نداشتن هدف، روابط خوب والدین با فرزندان، تأثیرگذاری زیادی بر عملکرد تحصیلی دارند. و بر حسب افاده از نظریه جامعه‌شناسان تأثیرات عوامل اجتماعی و اقتصادی بر افت تحصیلی در بین کشورهای عقب‌مانده به دلیل فقر اقتصادی، مشاخره زیاد در محیط خانواده، زیادبودن تعداد خانواده و عدم رسیدگی به نیارهای همه فرزندان بیشتر است (دسترنج، بلوکی و مؤذن، ۱۳۹۲، ص. ۲۴۶). از آنجا که میدان تحقیق این پژوهش جز کشورهای عقب‌مانده است پس تمرکز بر این ابعاد بهتر می‌تواند مسأله را تبیین کند.

از طرف دیگر چون با مطالعه پیشینه‌ها نمی‌توانیم مسأله افت تحصیلی را تبیین و سؤالات خود را پاسخ بدهیم چرا که این تحقیقات در کشورهای دیگر کار شده‌اند که شرایط شان با جامعه هرات فرق می‌کند و نسبت به آنچه درباره پیامدهای افت تحصیلی بیان شد که سبب

عقب‌ماندگی فرد و جامعه می‌شود، پس جداً نیاز و ضرورت است، پیرامون این مسأله یک تحقیق میدانی در شهر هرات از مجرای اکادمی به روش علمی کار شود تا در قدم اول علل و وضعیت آنی مسأله تبیین و در قدم آتی چاره‌جویی برای مدیریت مسأله شود.

در نتیجه، به نظر می‌رسد که رابطه بین عوامل اجتماعی، اقتصادی و فردی با افت تحصیلی وجود دارد. بر این اساس، هدف این تحقیق در قدم نخست پاسخ به این سؤالات است که چه عوامل اجتماعی-اقتصادی بر افت تحصیلی متعلمین مکاتب شهر هرات مؤثر است؟ و چه نوع رابطه‌ای بین پایگاه اقتصادی و ویژگی‌های فردی متعلمین با افت تحصیلی آن‌ها وجود دارد؟ و در قدم بعدی شریک‌سازی نتایج بدست آمده تحقیق با نهادهای مرتبط از جمله معارف و خانواده‌ها در شهر هرات است.

این پژوهش نسبت به معیار ماهیت تحقیق (علّی و توصیفی) و نسبت به معیار گردآوری و تحلیل داده‌ها (کمی و پیمایشی) می‌باشد که به‌طور مستقیم با استفاده از پرسشنامه پنج گزینه‌ای لیکرت اطلاعات از نزد متعلم جمع‌آوری شده‌است. دلیل انتخاب نوع کمی و روش پیمایشی، گستردگی جامعه‌آماری و مسأله مورد مطالعه است. جامعه‌آماری این تحقیق شامل متعلمین ذکور مکاتب دولتی شهر هرات می‌شود که در مرحله اول از میان مکاتب دولتی شهر هرات از بعضی نواحی دو مکتب و از بعضی یک مکتب بر حسب شرایط توزیع متغیرهای مستقل و وابسته این تحقیق در میان جامعه، به روش نمونه‌گیری احتمالی (خوشه‌ای) انتخاب شده و در مرحله بعدی از میان نوزده مکتب انتخاب‌شده، ۳۸۰ متعلم از صنوف دهم الی دوازدهم مطابق به جدول مورگان انتخاب شده‌اند. دلیل انتخاب متعلم صنوف دوره لیسه مکاتب فوق، داشتن توانایی بهتر در پاسخگویی سؤالات و در درک و تحلیل متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق فوق است. بر حسب پیشنهاد ژیل و ویو و بنابر در دسترس بودن چارچوبی از جامعه‌آماری، شانس انتخاب شدن یکسان همه واحدهای جامعه و تغییر اندک متغیر از یک خوشه تا خوشه دیگر، از روش نمونه‌گیری احتمالی و خوشه‌ای استفاده شده‌است. بعد از گردآوری داده‌های میدانی، از برنامه SPSS به هدف تحلیل و طبقه‌بندی داده‌ها، تعیین شاخص‌های مرکزی و پراکندگی، آزمون فرضیه‌ها و سنجش رابطه متغیرها استفاده شده‌است.

الف) یافته‌های تحقیق

۱. توصیف متغیرهای تحصیلی جمعیت مورد مطالعه

در این پژوهش سه متغیر جمعیت‌شناختی و تحصیلی از جمله نمره حاضری، درآمد ماهوار و سواد والدین متعلم توصیف و تحلیل شده است و نتایج هر یک به شرح ذیل است: برحسب

نمرهٔ حاضری، ۱۰۳ نفر اول تا دهم نمره، ۱۱۴ نفر یازدهم تا بیستم نمره، ۷۶ نفر بیست و یکم تا سیام نمره، ۸۷ نفر بالاتر از سیام نمره اند. برحسب درآمد ماهوار اعضای خانواده متعلم، ۸۹ متعلم درآمد ماهوار بین ۵ تا ۱۰ هزار داشتند، ۱۳۲ تن درآمد ماهوار بین ۱۰ تا ۱۵ هزار، ۹۷ تن درآمد ماهوار بین ۱۵ تا ۲۰ هزار و ۶۲ متعلم بالاتر از ۲۰ هزار درآمد ماهوار داشتند. برحسب سواد والدین، ۹۷ متعلم والدین بی سواد، ۹۸ متعلم والدینی با سطح سواد ابتدایی، ۱۲۰ متعلم والدینی با سطح سواد متوسط و ۶۵ متعلم والدینی با سطح تحصیلات عالی داشتند.

۲. توصیف شاخص کمی عوامل اجتماع

شاخص کمی عوامل اجتماعی متشکل از معرف‌های چون: «تشویق والدین»، «حمایت والدین»، «تعامل خوب والدین»، «داشتن دوستان خوب»، «ارزیابی والدین»، «فرستادن به صنف‌های تقویتی»، «تعامل با دوستان موفق»، «شرایط اجتماعی»، «خرده فرهنگ‌ها» و غیره است. نتایج بدست آمده از این شاخص به شرح ذیل است.

جدول ۱. شاخص کمی عوامل اجتماعی

۳.۳۴	میانگین
۵	مد
۱.۱۳	انحراف معیار
۱۷۷-	خمیدگی
۱۲۵.	خطای خمیدگی
۱.۰۴-	کشیدگی
۲۵۰.	خطای کشیدگی

جدول شماره (۱) مشخص کنندهٔ شاخص کمی عوامل اجتماعی است. نتایج بدست آمده در آن نشان می‌دهد که میانگین اطلاعات بدست آمده از نزد پاسخگویان در حد ۳.۳۴ است که با توجه به مقیاس طیف پنج مرحله‌ای لکرت، داده‌ها از منفی‌ترین گزینه به سمت گزینه مثبت، بین گزینه «بی نظر» و «موافق» قرار می‌گیرد. مد و یا نما در این شاخص مساوی با ۵ می‌باشد و نشان می‌دهد که بیشتر پاسخ‌های افراد بر روی گزینه «کاملاً موافق» است. نقطه اصغری در این شاخص مساوی به ۱ می‌باشد که مطابق به طیف آزمون این شاخص بر روی گزینه

«کاملاً مخالف» قرار می‌گیرد و از طرف دیگر نقطه اعظمی در این شاخص مساوی به ۵ است و بیانگر اینست که برخی از داده‌ها بر روی گزینه «کاملاً موافق» نیز قرار گرفته است. انحراف معیار در این شاخص مساوی به ۱.۱۳ است یعنی متوسط پراکندگی پاسخ‌ها در دو سمت در همین حد است. کجی در این شاخص مساوی به ۰.۱- است از آنجا که منفی است نشان می‌دهد که داده‌ها در حد کمی به سمت چپ از میانگین خمیده اند. میزان کشیدگی در این شاخص مساوی به ۱.۴- است از آنجا که منفی است نشان می‌دهد که داده‌ها در اطراف میانگین پراکنده شده‌اند. از آنجا که خطای چولگی و کشیدگی برابر شده‌است با ۰.۱ و ۰.۲ و از ۲+ و ۲- کوچک‌تر و بزرگ‌تر نیست، می‌توان گفت شاخص شکل نرمال دارد. در نتیجه با توجه به انحراف معیار و میانگین داده‌ها، توافق نظر بین متعلم در باره رابطه این شاخص با افت تحصیلی وجود دارد.

۳. توصیف شاخص کمی پایگاه اقتصادی

مولفه‌های این شاخص عبارت از «تغذیه نامناسب»، «فقر»، «میزان درآمد والدین»، «عدم برآورد شدن نیازهای مادی»، «شغل والدین»، «مکان مناسب برای درس خواندن» و «مشکلات معیشتی» است.

جدول ۲. شاخص کمی پایگاه اقتصادی

۳.۳۷	میانگین
۵	مد
۱.۱۵۷	انحراف معیار
-۰.۴۳۹	کجی
۰.۱۲۵	خطای کجی
-۰.۸۲۶	کشیدگی
۰.۲۵۰	خطای کشیدگی

جدول شماره (۲) مشخص‌کننده شاخص کمی پایگاه اقتصادی است. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که میانگین اطلاعات در حد ۳.۳۷ است که با توجه به مقیاس طیف پنج مرحله‌ای لکرت، داده‌ها از پایین‌ترین گزینه به سمت گزینه بالا، بین گزینه «بی‌نظر» و «موافق» قرار می‌گیرد. مد و یا نما در این شاخص مساوی با ۵ می‌باشد و نشان می‌دهد که بیشتر پاسخ‌های افراد بر روی گزینه «کاملاً موافق» است. نقطه اصغری در این شاخص مساوی به ۱ و نقطه اعظمی مساوی به ۵ است. انحراف معیار در این شاخص مساوی به ۱.۱۵ است؛ یعنی متوسط پراکندگی پاسخ‌ها در دو سمت در همین حد است. خمیدگی در این شاخص

مساوی به ۰.۴- است از آنجا که منفی است نشان می‌دهد که داده‌ها در حد متوسط به سمت بالا تجمع و به سمت پایین از میانگین خمیده‌اند. همین‌گونه میزان کشیدگی در این شاخص مساوی به ۰.۸- است از آنجا که منفی است نشان می‌دهد که پراکندگی داده‌ها در طراف میانگین در حد شدید وجود دارد. از آنجا که خطای چولگی و کشیدگی برابر شده است با ۰.۱ و ۰.۲ و از ۲+ و ۲- کوچک‌تر و بزرگ‌تر نیست، می‌توان گفت این شاخص شکل نرمال دارد. در نتیجه، با توجه به انحراف معیار و میانگین داده‌ها پاسخ متعلم در باره این شاخص در حد متوسط و متمایل به سمت بالا است و متعلم توافق نظر دارند که رابطه بین پایگاه اقتصادی و افت تحصیلی در بین جمعیت نمونه وجود دارد.

۴. توصیف شاخص کمی ویژگی‌های متعلمان

معرف‌های این شاخص عبارت از «بی‌علاقگی متعلم»، «نگرش منفی متعلم به درس»، «غیبت متعلم در صنف»، «پایین بودن ضریب هوشی متعلم»، «مشکلات جسمانی متعلم»، «بی‌تفاوتی متعلم»، «نگرانی متعلم» و «عزت نفس متعلم» است.

جدول ۳. شاخص کمی ویژگی‌های متعلمین

میانگین	۳.۵۶
مد	۴
انحراف معیار	۰.۹۷۷۶۶
خمیدگی	۰.۸۰۸
خطای خمیدگی	۰.۱۲۵
کشیدگی	۰.۱۹۳
خطای کشیدگی	۰.۲۵۰

جدول شماره (۳) مشخص‌کننده شاخص کمی ویژگی‌های متعلمین است. نتایج بدست آمده در این جدول نشان می‌دهد که میانگین اطلاعات بدست آمده از نزد پاسخگویان در حد ۳.۵۶ است که با توجه به مقیاس طیف پنج مرحله‌ای لکرت، داده‌ها از پایین‌ترین گزینه به سمت بلندترین گزینه، بین گزینه «بی‌نظر و موافق» قرار می‌گیرد. مد ویا نما در این شاخص مساوی با ۴ می‌باشد و نشان می‌دهد که بیشتر پاسخ‌های افراد بر روی گزینه «موافق» است. نقطه اصغری در این شاخص مساوی به ۱ و نقطه اعظمی مساوی به ۵ است. انحراف معیار در

این شاخص مساوی به ۰.۹۷ است که بیانگر پراکندگی زیاد داده‌ها است. خمیدگی در این شاخص مساوی به ۰.۸۰ است از آنجا که مثبت است نشان می‌دهد که داده‌ها در حد شدیدی به سمت راست از میانگین خمیده‌اند. میزان کشیدگی در این شاخص مساوی به ۰.۱۹ است از آنجا که مثبت است، داده‌ها در اطراف میانگین تراکم دارند. از آنجا که خطای خمیدگی و کشیدگی برابر شده‌است با ۰.۱ و ۰.۲ و از ۲+ و ۲- کوچک‌تر و بزرگ‌تر نیست می‌توان گفت شاخص شکل نرمال دارد. در نتیجه با توجه به انحراف معیار و میانگین داده‌ها پاسخ متعلمین درباره این شاخص در حد متوسط و متمایل به سمت بالا است. یعنی متعلمین توافق نظر دارند که ویژگی‌های روحی و جسمانی متعلمین می‌تواند تاثیرگذار بر افت تحصیلی شان در بین جمعیت نمونه باشد.

۵. توصیف شاخص کمی افت تحصیلی

معرف‌های این شاخص عبارت از «علاقمندی به ادامه تحصیل»، «میزان ناکامی در هر صنف»، «لذت از محیط درسی»، «دوست داشتن مضامین»، «علاقمندی به ترک تحصیل»، «موفق بودن در زندگی تحصیلی»، «میزان نمرات»، «علاقمند به برنامه‌های تقویتی» و «میزان مطالعه روزانه» است.

جدول ۴. شاخص افت تحصیلی

۴.۲۵۸۷	میانگین
۴.۴۰	مد
۰.۶۳۰۹۵	انحراف معیار
-۰.۴۰۸	خمیدگی
۰.۱۲۵	خطای چولگی
۰.۵۳۸	کشیدگی
۰.۲۵۰	خطای کشیدگی

جدول شماره (۴) مشخص‌کننده شاخص افت تحصیلی متعلمین است. نتایج بدست آمده در آن نشان می‌دهد که میانگین اطلاعات بدست آمده از نزد پاسخگویان در حد ۴.۲۵۸۷ است که با توجه به مقیاس طیف آزمون این شاخص، داده‌ها از پایین‌ترین گزینه به سمت بالاترین گزینه، بین گزینه «متوسط» و «زیاد» قرار می‌گیرد. مد و یا نما در این شاخص مساوی با ۴ می‌باشد و نشان می‌دهد که بیشتر پاسخ‌های افراد بر روی گزینه «متوسط» مطابق به طیف این شاخص تکرار شده است. نقطهٔ اصغری در این شاخص مساوی به یک و نقطهٔ اعظمی مساوی به

۶ است. انحراف معیار در این شاخص مساوی به ۰.۶ و نشان دهنده پراکندگی کم به اطراف میانگین است. خمیدگی در این شاخص مساوی به ۰.۴- است از آنجا که منفی است، داده‌ها در حد متوسط به سمت پایین از میانگین خمیدگی دارند. همین‌گونه میزان کشیدگی در این شاخص مساوی به ۰.۵ است از آنجا که مثبت است نشان می‌دهد که تراکم داده‌ها در حد متوسط به اطراف میانگین است. از آنجا که خطای خمیدگی و کشیدگی برابر شده است با ۰.۱ و ۰.۲ و از ۲+ و ۲- کوچک‌تر و بزرگ‌تر نیست، می‌توان گفت شاخص شکل نرمال دارد. در نتیجه با توجه به انحراف معیار و میانگین داده‌ها، پاسخ متعلمین درباره این شاخص در حد متوسط و متمایل به سمت بالا است.

ب) بحث و تجزیه و تحلیل روابط بین متغیرها

جدول ۵. بررسی رابطه بین افت تحصیلی و درآمد ماهوار والدین

شدت ضریب همبستگی اسپرمن	۰.۶
میزان معنی‌داری	۰.۰۱۸

طوری‌که در جدول شماره (۵) مشاهده می‌شود، رابطه همبستگی بین شاخص افت تحصیلی و میزان درآمد ماهوار والدین در حد متوسط مساوی به ۰.۶ با میزان معنی‌داری ۰.۰۱۸ است. در نتیجه استنتاج می‌شود که بین شاخص افت تحصیلی متعلمین و میزان درآمد ماهوار والدین‌شان رابطه وجود دارد. از آنجا که این رابطه معنی‌دار است، می‌توان آن را به جامعه آماری تعمیم داد، این فرضیه را تأیید کرد و چنین بیان کرد که میزان درآمد والدین تأثیرگذار بر افت تحصیلی است و به هر اندازه که سطح درآمد ماهوار حامیان مالی متعلمین بیشتر باشد، افت تحصیلی کم‌تر و موفقیت تحصیلی بیشتر حاصل می‌شود.

جدول ۶. بررسی رابطه بین افت تحصیلی و سواد والدین

شدت ضریب همبستگی تاسی کندال	۰.۴
میزان معنی‌داری	۰.۲۴

همانگونه که در جدول شماره (۶) دیده می‌شود همبستگی بین افت تحصیلی و سواد والدین در حد متوسط مساوی به ۰.۴ با میزان معنی‌داری در حد ۰.۲۴ است. در نتیجه بین افت تحصیلی متعلم و سواد والدین‌شان همبستگی در بین جمعیت نمونه وجود دارد؛ اما چون فاقد معنی‌داری است پس نمی‌توان این اطلاعات را به جامعه آماری تعمیم داد و این فرضیه را تأیید کرد.

جدول ۷. سنجش رابطه بین شاخص عوامل اجتماعی و افت تحصیلی

شدت ضریب همبستگی پیرسون	۰.۷
میزان معنی داری	۰.۰۰۵

طوری که در جدول (۷) مشاهده می‌گردد شدت همبستگی ضریب پیرسون بین این دو شاخص مساوی به ۰.۷ با سطح معنی داری ۰.۰۰۵ در حد زیاد است. در نتیجه نسبت به نوع رابطه و سطح معنی داری بین این دو شاخص، می‌توان گفت علاوه بر این که این رابطه در بین جمعیت نمونه قابل تطبیق است در بین جامعه آماری نیز قابل تطبیق بوده و می‌توانیم اطلاعات حاصل از آن را به جامعه آماری تعمیم بدهیم و در نهایت این فرضیه را تأیید کنیم و چنین استنتاج کنیم که شاخص عامل اجتماعی به عنوان یک عامل کلیدی مؤثر بر افت تحصیلی متعلمین مکاتب شهر هرات است.

جدول ۸. سنجش رابطه بین شاخص پایگاه اقتصادی و افت تحصیلی

شدت ضریب همبستگی اسپرمن	۰.۳
میزان معنی داری	۰.۰۰۲

طوری که در جدول شماره (۸) دیده می‌شود، همبستگی بین هر دو شاخص در حد متوسط مساوی به ۰.۳ با سطح معنی داری مساوی به ۰.۰۰۲ است. در نتیجه از آزمون این دو شاخص استنتاج می‌شود که بین هر دو شاخص رابطه متوسط با میزان معنی داری زیادی وجود دارد. پس، می‌توان داده‌های حاصل شده را به جامعه آماری تعمیم داد و این فرضیه را تأیید کرد و چنین استنتاج کرد که عامل اقتصادی می‌تواند تأثیر زیادی بر افت تحصیلی متعلمین داشته باشد.

جدول ۹. سنجش رابطه بین متغیر نبود زمینه‌های کاری و افت تحصیلی

شدت ضریب همبستگی اسپرمن	۰.۹
میزان معنی داری	۰.۰۰

طوری که در جدول شماره (۹) مشاهده می‌گردد، شدت همبستگی ضریب اسپرمن بین این دو شاخص مساوی به ۰.۹ با سطح معنی داری ۰.۰۰ در حد زیاد است. در نتیجه نسبت به نوع رابطه و سطح معنی داری بین این دو شاخص، می‌توان گفت علاوه بر این که این رابطه در بین جمعیت نمونه قابل تطبیق است در بین جامعه آماری نیز قابل تطبیق بوده و می‌توانیم اطلاعات حاصل از آن را به جامعه آماری تعمیم بدهیم و در نهایت این فرضیه را تأیید کنیم و چنین

استنتاج کنیم که نبود و کمبود زمینه‌های کاری به‌عنوان یک عامل کلیدی می‌تواند مسبب اصلی بی‌انگیزگی و در نهایت افت تحصیلی شود.

جدول ۱۰. سنجش رابطه همبستگی بین ویژگی‌های متعلمین و افت تحصیلی

۰.۲	شدت ضریب همبستگی اسپرمن
۰.۰۴	میزان معنی داری

طوری که در جدول شماره (۱۰) مشاهده می‌گردد، رابطه ضریب همبستگی اسپرمن بین این دو شاخص در حد ضعیف مساوی با ۰.۲ با میزان معنی‌داری ۰.۰۴ است. در نتیجه از آزمون این فرضیه استنتاج می‌شود که بین این دو شاخص تا حدی کمی رابطه همبستگی در بین جمعیت نمونه وجود دارد و می‌توان این رابطه را به جامعه‌آماري تعمیم داد و این فرضیه تأیید کرد و چنین استنباط کرد که ویژگی‌های فردی تأثیرگذار بر افت تحصیلی اند.

نتیجه‌گیری کلی

با توجه به یافته‌هایی که بدست آمده نشان می‌دهد، در بُعد اجتماعی عواملی چون: نداشتن خانواده سالم، موجودیت فرزند زیاد در خانواده، عدم توجه والدین به خواسته‌ها و نیازهای فرزندان شان، نداشتن پشتوانه اجتماعی و تعامل با دوستان تنبل از جمله معرف‌های اصلی تأثیرگذار بر افت تحصیلی متعلمین اند. در بُعد اقتصادی عواملی چون: عدم حمایت مادی خانواده در برطرف کردن نیازهای مادی متعلمین و شغل کم درآمد و نامناسب والدین از هر معرف اقتصادی دیگری، بیشتر تأثیرگذار بر افت تحصیلی اند و در بُعد فردی عواملی چون: تنبلی متعلم، بی‌انگیزه بودن، ضعیف بودن، نداشتن عزت نفس قوی و داشتن مشکلات جسمانی سبب افت تحصیلی‌شان می‌شود. یافته‌های این تحقیق با تحقیقاتی که توسط ملوس (تأکید بر تأثیرگذاری عوامل اجتماعی بر افت تحصیلی)، زارع (تأکید بر تأثیرگذاری عوامل اقتصادی و اجتماعی بر افت تحصیلی) و دسترنج و همکارانش (تأکید بر عدم رابطه بین تحصیلات والدین و افت تحصیلی) همخوانی داشته؛ زیرا نتایج این تحقیق مانند تحقیقات پژوهش‌گران مذکور نشان داد که عوامل اجتماعی و اقتصادی تأثیرگذار بر افت تحصیلی اند؛ اما در این تحقیق نسبت به این که رابطه سه نوع متغیر مستقل با وابسته سنجش شده، روشش میدانی و حجم نمونه‌اش زیاد است و تحقیقات کارشده دیگر فاقد همچون معیارهای اند، پس می‌تواند نتایج بهتری در پی داشته باشد. از فرضیه‌های طرح شده در این تحقیق، یک فرضیه (رابطه بین سواد والدین و افت تحصیلی) رد و باقی تأیید شده است. در نهایت با تکیه بر نتایج تحقیقات قبلی، مفاهیم نظری و نتایج این تحقیق می‌توان استنباط و پیشنهاد کرد که اگر

والدین فرزندان خود را تشویق کنند، رابطه اجتماعی مثبتی با فرزندان خود داشته باشند، والدین باسواد باشند، درآمد خوبی داشته باشند، محیط خانه سالم و عاری از خشونت‌ها باشد و نیازهای مادی فرزندان خود را فراهم بسازند، معارف توجه به امکانات مورد نیاز مکاتب داشته باشد، سیستم تدریس شاگرد محوری و تشویقی باشد، و از طرف دیگر ساختارهای اجتماعی و اقتصادی مناسبی برای رشد متعلمین در جامعه وجود داشته و مهمتر از همه متعلمین تلاش و کوشش کنند و دارای استعداد و توانایی‌های بالقوه باشند، موفقیت تحصیلی حاصل می‌شود؛ اما با معکوس این کنش و رفتارها، بیشتر افت و شکست تحصیلی مشاهده خواهد شد. همچنان نسبت به نتایجی که بدست آمده نشان می‌دهد که پدیده افت تحصیلی برآیند عوامل گوناگونی است و متکی بر یک یا دو عامل نیست به همین دلیل برای شناخت بهتر مسأله پیشنهاد می‌شود تا تحقیقات دیگری مرتبط به سنجش رابطه بین وضعیت اجتماعی جامعه و افت تحصیلی، تکنالوژی و عملکرد تحصیلی، سطح سواد اساتید و عملکرد تحصیلی، رسانه‌های اجتماعی و افت تحصیلی و تأثیر سیستم آموزشی بر افت تحصیلی کار شود تا نقش و میزان هر کدام درست سنجش شود.

منابع و مآخذ

- افشاری، ملوس. (۱۳۹۵). *بررسی علل افت تحصیلی و تأثیر سطح سواد والدین بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان*. ارائه شده در کنفرانس بین المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنالوژی. <https://sid.ir/paper/871239/fa>
- امین‌فر، مرتضی. (۱۳۶۵). *افت تحصیلی یا اتلاف در آموزش و پرورش*. فصلنامه تعلیم و تربیت، (۷ و ۸)، ۷-۲۵.
- حیدری چروده، مجید و فروغ زاده، سیمین. (۱۳۹۰). *راهنمای کاربردی نرم افزار SPSS با تأکید بر روش تحقیق و آمار*. تهران: جامعه‌شناسان.
- دسترنج، منصوره؛ بلوکی، صدیقه و مودن، مریم. (۱۳۹۲). *بررسی عوامل مؤثر بر افت تحصیلی محصلان پوهنتون پیام نور بستک*. فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، (۲۰)، ۲۴۱-۲۵۸.
- ده‌بزرگی، غلام رضا. (۱۳۸۲). *بررسی علل افت تحصیلی در دانشجویان پزشکی ورودی شیراز*. مجله علمی پوهنتون علوم پزشکی بابل، (۲)، ۷۴-۷۸.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر. (۱۳۸۱). *تأثیر فقر اقتصادی و آموزشی بر افت تحصیلی دانشجویان در دانشگاه یزد*. نشریه جمعیت، (۴۱)، ۶۹-۸۸.
- شارع‌پور، محمود. (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*. تهران: سمت.
- عالی‌خانی، شیرین و همکاران. (۱۳۸۵). *بررسی عوامل مؤثر بر افت تحصیلی دانشجویان پرستاری*. مجله دانشگاه علوم پزشکی ارتش/ ایران، (۲)، ۸۲۰-۸۲۴.

- عمید، حسن. (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید. تهران: سکه.
- فتی، لادن و همکاران. (۱۳۹۲). مرور سیستماتیک بررسی علل افت تحصیلی دانشجویان پزشکی. گام‌های توسعه در آموزش پزشکی، ۱۰(۲)، ۳۱-۳۸.
- کوئن، بروس. (۱۳۹۰). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه غلام‌عباس توسلی. تهران: سمت.
- ویو، سوزان و ژیل، گرینون. (۱۳۸۴). آمار کاربردی (به زبان ساده). ترجمه حمزه گنجی. تهران: ساوالان.